

استاندارد بین‌المللی ISO 25964-1

اطلاعات و مستندسازی

اصطلاح‌نامه‌ها و تعامل‌پذیری آن‌ها با واژگان‌های دیگر

بخش اول:

اصطلاح‌نامه‌های بازیابی اطلاعات



مترجم:
زهرا دهسرای

نویسنده:
مؤسسه استاندارد بریتانیا



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استاندارد بین‌المللی ISO 25964-1

اطلاعات و مستندسازی – اصطلاح‌نامه‌ها
و تعامل‌پذیری آن‌ها با واژگان‌های دیگر

بخش اول:
اصطلاح‌نامه‌های بازیابی اطلاعات

نویسنده:
مؤسسه استاندارد بریتانیا

مترجم:
زهره دهسرای



استاندارد بین‌المللی 1-ISO 25964

اطلاعات و مستندسازی – اصطلاح‌نامه‌ها و تعامل‌پذیری آن‌ها با واژگان‌های دیگر

بخش اول:

اصطلاح‌نامه‌های بازیابی اطلاعات



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

نویسنده: مؤسسه استاندارد بریتانیا

مترجم: زهرا دهرانی

dehsaraie@irandoc.ac.ir

ویراستار: حسین مختاری‌معمار

© ۱۳۹۱: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

صفحه‌آرایی: علیرضا کیودان

نوبت چاپ: اول | شمارگان: ۱۲۵۰ | بها: ۱۰۰,۰۰۰ ریال

تلفن پخش: ۸۸۸۹۹۶۸۰ (۰۲۱)

عنوان و نام پدیدآور	: استاندارد‌های بین‌المللی: ISO25964-1 اطلاعات و مستندسازی – اصطلاح‌نامه‌ها و تعامل‌پذیری آن‌ها با واژگان دیگر
مشخصات نشر	: بخش اول: اصطلاح‌نامه‌های بازیابی اطلاعات/نویسنده مؤسسه استاندارد بریتانیا؛ مترجم زهرا دهرانی.
مشخصات ظاهری	: تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و نشر چاپار، ۱۳۹۱.
شابک	: ۲۷۷ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۱۹-۷۸-۶
یادداشت	: فیبا
موضوع	: عنوان اصلی: Information and documentation thesauri and interoperability with other vocabularies.
موضوع	: اصطلاح‌نامه‌ها -- روش‌شناسی
شناسه افزوده	: کتابداری -- استانداردها
شناسه افزوده	: دهرانی، زهرا، ۱۳۳۹ - مترجم
شناسه افزوده	: مؤسسه استاندارد بریتانیا
شناسه افزوده	: British Standards Institution
رده‌بندی کنگره	: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
رده‌بندی دیویی	: ۱۳۹۱ ۵/۶۹۵Z
شماره کتابشناسی ملی	: ۰۲۵/۴۹
	: ۳۰۳۰۳۲۰

این کتاب از انتشارات پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است که با همکاری نشر چاپار منتشر شده است.

مقدمه مترجم

طبق تعریف سازمان بین‌المللی استاندارد (ایزو)، استاندارد نتیجه تلاش خاصی است که برای هماهنگ کردن جریان یا محصولی معین پدید آمده و به تصویب مقام صالحی رسیده است.^۱ استانداردها، مدارکی دربرگیرنده قواعد و رهنمودها یا ویژگی‌هایی برای فعالیت‌ها یا نتایج آن‌ها هستند که به منظور استفاده مکرر عمومی، ایجاد هماهنگی و وحدت، توسعه تفاهم، تسهیل ارتباطات، صرفه‌جویی در اقتصاد ملی، حفظ سلامت و ایمنی عمومی و گسترش مبادلات بازرگانی داخلی و خارجی فراهم آمده و توسط سازمان معتبری تصویب شده‌باشند.^۲

مؤسسه استاندارد بریتانیا (BSI) یک سازمان بین‌المللی است که استاندارد بین‌المللی ۲۵۹۶۴ را بر اساس نیازهای بین‌المللی، توسط کمیته‌های فنی گوناگون به صورت پیش‌نویس تهیه و تدوین کرد و آن را از تاریخ ۲۰۰۹/۱۰/۲۶ تا ۲۰۱۰/۳/۲۶ به صورت پیش‌نویس بر روی پایگاه اینترنتی خود (<http://www.bsigroup.com/>) قرار داد. این مؤسسه پس از ارسال آن به کلیه کشورهای عضو سازمان برای بررسی و تأیید، آن را در تاریخ ۲۰۱۱/۸/۱۵ به صورت استاندارد ISO 25964-1 منتشر ساخت.

۱. کریم اکبری حقیقی، *استاندارد چیست و استاندارد کردن برای چه هدفی است؟*، (تهران: مؤسسه استاندارد و

تحقیقات صنعتی ایران، [بی تا]) (پلی کپی).

۲. *آشنایی با مدیریت استاندارد و تحقیقات صنعتی استان تهران*. (تهران: سازمان مدیریت استاندارد استان

تهران، ۱۳۷۱)، ص ۲۴. [بروشور]

از زمان تهیه اولین اصطلاح‌نامه به شکل علمی توسط مرکز اطلاع‌رسانی مهندسی دوپونت^۱ در سال ۱۹۵۹، تاکنون در ساخت اصطلاح‌نامه تغییرات زیادی ایجاد شده‌است. در ابتدا، هدف اصطلاح‌نامه بازیابی واژگان مرتبط با شیوه سنتی بود، ولی بعدها در کار بازیابی و ذخیره‌سازی اطلاعات به خدمت نمایه‌سازان درآمد. در حال حاضر، با ظهور فناوری‌های جدید و ایجاد تحول در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات، بحث هستی‌شناسی‌ها و یکپارچه‌سازی اصطلاح‌نامه‌ها مطرح است. تدوین اصطلاح‌نامه‌ها به هر صورتی که باشد (سنتی یا مدرن)، نیازمند استفاده از استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی است؛ به‌خصوص آن‌که انتشار آن‌ها در دهه اخیر در ایران رشد فزاینده‌ای داشته است و این در حالی است که بررسی‌های جامعی در مورد کیفیت آن‌ها به جهت به‌کارگیری استانداردهای جهانی در محیط‌های اطلاعاتی جدید و حتی سنتی انجام نشده‌است. چنانچه بهره‌وری را یک فرهنگ و نگرش عقلانی نسبت به کار بدانیم، که هدف آن به حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی، تسهیلات و سرمایه‌ها و کاهش هزینه‌های تولید و... به سود مصرف‌کنندگان باشد،^۲ لازم است در تهیه اصطلاح‌نامه به منظور بهره‌وری در ذخیره و بازیابی اطلاعات، به استانداردهای موجود در این زمینه توجه شود و سیاست‌گذاری اطلاع‌رسانی کشور در این بُعد مورد تجدید نظر قرار گیرد.

انتخاب استاندارد بین‌المللی ۲۵۹۶۴ با عنوان «اطلاعات و مستندسازی - اصطلاح‌نامه‌ها و تعامل‌پذیری آن‌ها با واژگان‌های دیگر - بخش اول: اصطلاح‌نامه‌های بازیابی اطلاعات» براساس اعتبار این مؤسسه و ویژگی‌های خاص کتاب صورت گرفته‌است. این کتاب از ۱۸ بخش اصلی شامل مفاهیم بنیادی برای شناخت ساختار اصطلاح‌نامه، ایجاد و نگهداری اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبان و چندزبان، از قالب‌ها و پروتکل‌های تبادل اطلاعات، تعامل‌پذیری میان سامانه‌های مدیریت اصطلاح‌نامه و دیگر نرم‌افزارهای کاربردی رایانه‌ای (مانند سامانه‌های نمایه‌سازی و بازیابی اطلاعات) که از

1. Dupont

۲. مریم کازرانی، فاطمه اسدی گرکانی و فاطمه رها دوست (۱۳۷۹)، *ارزیابی اصطلاح‌نامه‌های فارسی با استانداردهای ایزو: گامی به سوی بهره‌وری در ذخیره و بازیابی اطلاعات*، در *بهره‌وری در کتابداری و اطلاع‌رسانی: پنجمین همایش سراسری کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی...*، به کوشش فاطمه اسدی گرکانی. (تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۰)، ص ۵۹.

داده‌های اصطلاح‌نامه استفاده می‌کنند، تشکیل یافته‌است. تعاریف واضح و روشن همراه با مثال‌های متعدد که شناخت دقیق و کارآمد اصطلاح‌نامه را مقدور می‌سازد، کتاب را به یک راهنمای مؤثر در مدیریت اصطلاحات تبدیل کرده‌است. علاقه مترجم به موضوع اصطلاح‌نامه و نیاز به یکسان‌سازی اصطلاح‌نامه‌های تولیدشده در ایران و مغفول‌ماندن مبانی و مفاهیم بنیادی اصطلاح‌نامه در زبان فارسی، انگیزه ترجمه کتاب را قوت بخشید. در انتخاب معادل‌های فارسی از دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، واژگان جامع کتابداری و اطلاع‌رسانی، و واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده شده‌است.

برای آگاهی استفاده‌کنندگان کتاب از معادل‌های فارسی انتخاب شده برای هر یک از اصطلاح‌های انگلیسی، واژه‌نامه‌های انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی، در پایان کتاب آمده‌است.

در پایان سزاوار است سپاس خود را به تمامی بزرگوارانی تقدیم دارم که در پدیدآمدن این ترجمه سهم داشته‌اند. از این میان، استاد ارجمند آقای مختاری‌معمار که با لطف بی‌شائبه خود متن ترجمه‌شده را به‌طور کامل خوانده و با متن اصلی مقابله کردند، موارد اصلاحی را متذکر شدند و ویراستاری نمودند، خانم مهندس نسیم قیاسی، خانم فاطمه (بهار) رهادوست، خانم دکتر زهرا محمودزاده، خانم دکتر مریم کازرانی، خانم دکتر ملوک‌السادات بهشتی، آقای سیدابراهیم عمرانی، و آقای دکتر مهدی علیپورحافظی به خاطر مشاوره و راهنمایی‌های ارزنده‌شان، آقای دکتر سیدامید فاطمی به خاطر حمایت‌های بی‌دریغ‌شان؛ آقای محمدی‌بزنج مدیر محترم انتشارات چاپار برای به ثمر رسیدن این کتاب و آقای علیرضا کبودان که با صبر و حوصله کتاب را صفحه‌آرایی نموده‌اند؛ در خور تقدیر هستند. همچنین خوانندگان فرهیخته‌ای که این کتاب را می‌خوانند و کاستی‌های آن را گوشزد می‌کنند، بر مترجم منت فراوان می‌گذارند.

زهرا دهسرای

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

تهران ۱۳۹۱

پیش‌گفتار ملی

این استاندارد بریتانیایی، نسخهٔ اجرایی ISO 25964-1: 2011 در انگلستان و جایگزین استانداردهای BS 8723-2: 2005 و DD 8723-5: 2008 می‌باشد که از رده خارج شده‌اند. همچنین، این استاندارد همراه با استاندارد BS ISO 25964-2، جایگزین BS 8723-1: 2005 و BS 8723-4: 2007 می‌باشند که به محض انتشار BS ISO 25964-2 از رده خارج خواهند شد.

سهم انگلستان در آماده‌سازی این استاندارد بر عهدهٔ کمیته فنی IDT/2/2، کمیتهٔ تعریف اطلاعات، شناسایی منابع و نمایه‌سازی بود.

فهرست سازمان‌های دارای نماینده در این کمیته، با ارسال درخواستی به دبیرخانهٔ آن قابل دریافت است.

این نشریه مدّعی دربرداشتن تمام پیش‌بینی‌های لازم برای یک قرارداد نیست و مسئولیت کاربری درست آن بر عهدهٔ خود کاربران می‌باشد.

© BSI 2011
ISBN 978 0 580 58905 8
ICS 01.140.20

پیروی از یک استاندارد بریتانیایی به معنی رهایی از تعهدات قانونی نیست.

این استاندارد بریتانیایی زیر نظر کمیتهٔ تدابیر و خط‌مشی‌های استانداردها^۱ در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۱ منتشر شده‌است.

1. Standards Policy and Strategy Committee

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
اطلاعات و مستندسازی - اصطلاح نامه ها و تعامل پذیری آن ها با واژگان های دیگر	
بخش اول: اصطلاح نامه های باز یابی اطلاعات.....	۵
۱. دامنه.....	۵
۲. اصطلاحات و تعاریف.....	۵
۱-۲. آرایه.....	۶
۲-۲. رابطه هم بستگی.....	۶
۳-۲. اصطلاح اعم.....	۶
۴-۲. ویژگی بخش پذیری.....	۶
۵-۲. رده بندی.....	۷
۶-۲. طرحواره رده بندی.....	۷
۷-۲. اصطلاح ابداعی.....	۷
۸-۲. هم ارزی مرکب.....	۷
۹-۲. اصطلاح مرکب.....	۸
۱۰-۲. برنامه کاربردی رایانه ای.....	۸
۱۱-۲. مفهوم.....	۸
۱۲-۲. واژگان مهار شده.....	۹
۱۳-۲. هم ارزی میان زبانی.....	۹
۱۴-۲. الگوی داده ای.....	۹
۱۵-۲. سند.....	۹
۱۶-۲. اصطلاح مدخل.....	۱۰
۱۷-۲. نگاشت هم ارزی.....	۱۰
۱۸-۲. رابطه هم ارزی.....	۱۰

۱۱	۱۹-۲. قالب تبادل
۱۱	۲۰-۲. چهریزه
۱۱	۲۱-۲. تحلیل چهریزه‌ای
۱۲	۲۲-۲. چهریزه‌نما
۱۲	۲۳-۲. رابطه سلسله مراتبی
۱۲	۲۴-۲. هم‌نویسه
۱۳	۲۵-۲. شناسه
۱۳	۲۶-۲. اصطلاح نمایه‌ای
۱۳	۲۷-۲. نمایه‌سازی
۱۴	۲۸-۲. بازایی اطلاعات
۱۴	۲۹-۲. تعامل‌پذیری
۱۴	۳۰-۲. اصطلاح وام‌گرفته
۱۴	۳۱-۲. نشان‌گذاری
۱۴	۳۲-۲. زبان نشان‌گذاری
۱۵	۳۳-۲. فراداده
۱۵	۳۴-۲. ساختار تک‌سلسله‌مراتبی
۱۵	۳۵-۲. اصطلاح‌نامه چندزبانه
۱۵	۳۶-۲. اصطلاح چندواژه‌ای
۱۶	۳۷-۲. اصطلاح اخص
۱۶	۳۸-۲. عبارت راهنما
۱۶	۳۹-۲. اصطلاح نامرجع
۱۷	۴۰-۲. نشانگان رده‌بندی
۱۸	۴۱-۲. رابطه جانشینی
۱۸	۴۲-۲. ساختار چندسلسله‌مراتبی
۱۸	۴۳-۲. پس‌همارایی
۱۹	۴۴-۲. پیش‌همارایی
۱۹	۴۵-۲. اصطلاح مرجع
۲۰	۴۶-۲. پروتکل
۲۰	۴۷-۲. شبه‌مترادف
۲۰	۴۸-۲. اصطلاح مرتبط

۲۰	۴۹-۲. فرانما
۲۱	۵۰-۲. یادداشت دامنه
۲۱	۵۱-۲. اصطلاح جست‌وجو
۲۱	۵۲-۲. مفهوم خویشاوند
۲۱	۵۳-۲. اصطلاح خویشاوند
۲۲	۵۴-۲. زبان مبدأ
۲۲	۵۵-۲. جزءنگری
۲۲	۵۶-۲. واژگان ساختاریافته
۲۳	۵۷-۲. طرحواره سرعنوان موضوعی
۲۳	۵۸-۲. مترادف
۲۳	۵۹-۲. رابطه همشینی
۲۴	۶۰-۲. زبان مقصد
۲۴	۶۱-۲. اصطلاح
۲۴	۶۲-۲. اصطلاح‌نامه
۲۵	۶۳-۲. اصطلاح رأس
۲۵	۶۴-۲. مهار واژگان
۲۵	۳. نمادها، اصطلاحات مخفف و قراردادهای دیگر
۲۸	۴. نمای کلی اصطلاح‌نامه و اهداف آن
۲۸	۱-۴. هدف کلی
۲۹	۲-۴. مهار واژگان و اهداف آن
۳۱	۳-۴. روابط جانشینی در برابر روابط همشینی
۳۲	۴-۴. انواع روابط جانشینی
۳۳	۵. مفاهیم و دامنه آن‌ها در اصطلاح‌نامه
۳۳	۱-۵. شالوده مفهومی
۳۶	۲-۵. یادداشت دامنه‌ها
۳۷	۳-۵. یادداشت دامنه‌های دوسویه
۳۹	۶. اصطلاحات اصطلاح‌نامه
۳۹	۱-۶. شکل اصطلاحات
۳۹	۲-۶. شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی از اصطلاحات اصطلاح‌نامه
۴۳	۳-۶. صورت دستوری اصطلاحات
۴۷	۴-۶. نوشتن با حروف بزرگ، نقطه‌گذاری و علائم ویژه

۴۹	۵-۶. وجوه مفرد یا جمع
۵۳	۶-۶. انتخاب صورت مرجح
۶۴	۷. مفاهیم پیچیده
۶۴	۱-۷. کلیات
۶۵	۲-۷. ماهیت اصطلاحات پیچیده
۶۷	۳-۷. تصمیم بر پذیرش یا رد یک مفهوم پیچیده
۷۴	۴-۷. چگونگی شکستن یک مفهوم پیچیده
۷۴	۵-۷. حفظ مفاهیم تشکیل دهنده مفهوم پیچیده
۷۵	۶-۷. حفظ یکنواختی در کار با مفاهیم پیچیده
۷۶	۷-۷. ترتیب واژه‌ها در اصطلاحات چندواژه‌ای
۷۶	۸. رابطه هم‌ارزی در متون تک‌زبانه
۷۶	۱-۸. کلیات
۷۸	۲-۸. مترادف‌ها
۸۱	۳-۸. شبه‌مترادف‌ها
۸۲	۴-۸. اصطلاحات خاص مفروض در یک مفهوم اعم
۸۲	۵-۸. بازنمایی مفاهیم پیچیده به وسیله ترکیبی از اصطلاحات
۸۴	۹. هم‌ارزی میان‌زبانی
۸۴	۱-۹. کلیات
۸۵	۲-۹. درجات هم‌ارزی
۸۸	۳-۹. مسائل و راه‌حل‌های نمونه
۹۵	۴-۹. بازنمایی هم‌ارزی میان‌زبانی بین اصطلاحات مرجح
۹۵	۵-۹. هم‌ارزی میان‌زبانی بین اصطلاحات نامرجح
۹۶	۱۰. روابط میان مفاهیم
۹۶	۱-۱۰. مقدمه
۹۷	۲-۱۰. رابطه سلسله‌مراتبی
۱۰۵	۳-۱۰. رابطه همبستگی
۱۱۱	۴-۱۰. روابط سفارشی
۱۱۲	۱۱. تحلیل چهره‌ای
۱۱۶	۱۲. ارائه و صفحه‌بندی
۱۱۶	۱-۱۲. کلیات
۱۱۸	۲-۱۲. دیگر سبک‌های نمایش

۱۲-۳. ارائه و صفحه‌بندی اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه.....	۱۲۹
۱۲-۴. مسائل مربوط به زبان و رمزگذاری نویسه‌ها.....	۱۳۷
۱۳. مدیریت ساخت و نگهداری اصطلاح‌نامه.....	۱۴۱
۱۳-۱. طراحی اصطلاح‌نامه.....	۱۴۱
۱۳-۲. مراحل اولیه تدوین.....	۱۴۵
۱۳-۳. ساخت.....	۱۴۷
۱۳-۴. مقدمه اصطلاح‌نامه.....	۱۵۱
۱۳-۵. انتشار.....	۱۵۱
۱۳-۶. به‌روزرسانی.....	۱۵۴
۱۴. رهنمودهایی درباره نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه.....	۱۶۱
۱۴-۱. کلیات.....	۱۶۱
۱۴-۲. محدودیت‌های اندازه و نویسه‌ها.....	۱۶۱
۱۴-۳. روابط میان اصطلاحات و میان مفاهیم.....	۱۶۲
۱۴-۴. یادداشت‌های مربوط به اصطلاحات یا مفاهیم.....	۱۶۴
۱۴-۵. رمزگان و نشانگان رده‌بندی.....	۱۶۴
۱۴-۶. عبارات راهنما.....	۱۶۵
۱۴-۷. جایگاه زبان‌ها.....	۱۶۵
۱۴-۸. ورود/خروج داده‌ها.....	۱۶۶
۱۴-۹. پشتیبانی و راهبری ویرایشی.....	۱۶۸
۱۴-۱۰. تدابیر ایمنی ویرایشی.....	۱۶۹
۱۴-۱۱. ابزارهای سامانه‌داری.....	۱۶۹
۱۵. الگوی داده‌ای.....	۱۷۰
۱۵-۱. کلیات.....	۱۷۰
۱۵-۲. یادداشت‌های روی الگو.....	۱۷۴
۱۵-۳. ارائه جدولی شکل.....	۱۸۳
۱۶. تلفیق اصطلاح‌نامه‌ها با برنامه‌های کاربردی.....	۱۹۰
۱۶-۱. مقدمه.....	۱۹۰
۱۶-۲. لازمه‌های تعامل‌پذیری اصطلاح‌نامه‌ها.....	۱۹۱
۱۶-۳. تلفیق با نرم‌افزارهای نمایه‌سازی و جست‌وجو.....	۱۹۱
۱۷. قالب‌های تبادل.....	۱۹۵

۱۸.	پروتکل‌ها	۱۹۷
۱-۱۸.	کلیات	۱۹۷
۲-۱۸.	اهداف و موارد استفاده	۱۹۷
۳-۱۸.	محیط و معماری نرم‌افزار	۱۹۸
۴-۱۸.	پروتکل‌های ویژه اصطلاح‌نامه	۱۹۸
۵-۱۸.	پروتکل‌های همه‌منظوره پایگاه‌داده‌ای مبتنی بر شبکه که با اصطلاح‌نامه‌ها به کار می‌روند	۱۹۹
۲۰۱.	پیوست آ (برای اطلاع) نمونه‌هایی از نمایش‌های موجود در اصطلاح‌نامه‌های منتشر شده	۲۰۱
۱.آ.	مقدمه	۲۰۱
۲.آ.	اصطلاح‌نامه Inspec	۲۰۱
۳.آ.	اصطلاح‌نامه هنر و معماری (AAT)	۲۰۵
۴.آ.	واژگان یکپارچه بخش عمومی (آی‌پی‌اس‌وی)	۲۱۱
۵.آ.	اصطلاح‌نامه یونسکو	۲۱۲
۶.آ.	AGROVOC	۲۱۴
۷.آ.	اصطلاح‌نامه عمومی چندزبانه محیط زیست (GEMET)	۲۱۵
۸.آ.	اصطلاح‌نامه UNBIS	۲۱۸
۹.آ.	اصطلاح‌نامه اخلاق در علوم زیستی	۲۱۹
۲۲۱.	پیوست ب (برای اطلاع) طرح ایکس‌ام‌ال برای تبادل داده	۲۲۱
۲۲۳.	فهرست منابع	۲۲۳
۲۲۹.	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی	۲۲۹
۲۴۳.	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی	۲۴۳
۲۵۷.	نمایه	۲۵۷

فهرست جدول‌ها

جدول ۱ - نمادها و کوتاه‌نوشت‌ها.....	۲۶
جدول ۲ - برچسب‌های زبان انگلیسی و معادل آن‌ها در زبان‌های دیگر.....	۲۷
جدول ۳ - تعاریف «رخداد» به شکلی که در جداول ۴ تا ۹ به کار رفته است.....	۱۸۳
جدول ۴ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های اصطلاح‌نامه.....	۱۸۴
جدول ۵ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های آرایه اصطلاح‌نامه.....	۱۸۴
جدول ۶ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های مفهوم اصطلاح‌نامه.....	۱۸۵
جدول ۷ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های گروه مفهومی.....	۱۸۷
جدول ۸ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های اصطلاح اصطلاح‌نامه.....	۱۸۷
جدول ۹ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های یادداشت.....	۱۸۹
جدول ۱.آ - برچسب‌های به کاررفته در نمایش الفبایی اصطلاح‌نامه Inspec.....	۲۰۲
جدول ۲.آ - برچسب‌های به کاررفته در نمایش الفبایی AAT.....	۲۰۷

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱ - روابط جانشینی و همنشینی ۳۲
- شکل ۲ - رابطه‌ای که در «آزمون همه و برخی» صدق می‌کند ۹۹
- شکل ۳ - رابطه‌ای که در «آزمون همه و برخی» صدق نمی‌کند ۹۹
- شکل ۴ - نمایش رده‌بندی‌شده نیمه‌گسترده رده "industries" با عبارات راهنمای نشان‌دهنده تغییر چهریزه و ویژگی‌های بخش‌پذیری آرایه‌ها ۱۱۵
- شکل ۵ - نمایش الفبایی اصطلاحات اصطلاح‌نامه (برخی اصطلاحات برای صرفه‌جویی در فضای مورد استفاده حذف شده‌اند) ۱۲۰
- شکل ۶ - نمایش سلسله‌مراتبی اصطلاحات اصطلاح‌نامه با سازمان‌دهی چهریزه‌ای ۱۲۳
- شکل ۷ - نمایش رده‌ای اصطلاحات اصطلاح‌نامه با سازمان‌دهی چهریزه‌ای درون حوزه‌های موضوعی ۱۲۶
- شکل ۸ - نمایش رده‌بندی‌شده اصطلاحات اصطلاح‌نامه که بر اساس چهریزه‌های درون حوزه‌های موضوعی سازمان‌دهی شده‌اند، همراه با اطلاعات افزوده مانند SN، UF و RT ۱۲۸
- شکل ۹ - نمایش تک‌مدرکی در یک اصطلاح‌نامه دوزبانه (انگلیسی - اسپانیایی) ۱۳۰
- شکل ۱۰ - نمایش تک‌مدرکی در اصطلاح‌نامه دوزبانه (اسپانیایی - انگلیسی) ۱۳۱
- شکل ۱۱ - نمایش الفبایی نسخه انگلیسی اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه ۱۳۲
- شکل ۱۲ - نمایش سلسله‌مراتبی در اصطلاح‌نامه‌ای دوزبانه ۱۳۴
- شکل ۱۳ - جدول تناظر برای اصطلاح‌نامه‌ای دوزبانه (انگلیسی - اسپانیایی) ۱۳۵
- شکل ۱۴ - جدول تناظر برای اصطلاح‌نامه‌ای دوزبانه (اسپانیایی - انگلیسی) ۱۳۶
- شکل ۱۵ - الگوی یوامال ۱۷۳
- شکل ۱.آ - نمونه صفحه‌ای از بخش الفبایی اصطلاح‌نامه Inspec ۲۰۰۷ ۲۰۳
- شکل ۲.آ - نمونه صفحه‌ای از بخش سلسله‌مراتبی اصطلاح‌نامه Inspec ۲۰۰۷ ۲۰۴
- شکل ۳.آ - جزئیاتی از صفحه‌ای در بخش الفبایی نسخه چاپی اصطلاح‌نامه هنر و معماری ۲۰۶
- شکل ۴.آ - جزئیات صفحه‌ای از بخش سلسله‌مراتبی نسخه چاپی اصطلاح‌نامه هنر و معماری ۲۰۸
- شکل ۵.آ - نمایش تک‌مدرکی از اصطلاح‌نامه اینترنتی هنر و معماری ۲۰۹
- شکل ۶.آ - صفحه‌ای از نمایش سلسله‌مراتبی نشان‌دهنده "keystones" از اصطلاح‌نامه اینترنتی هنر و معماری ۲۱۰

- شکل آ.۷- نمایشی تک‌مدرکی از IPSV، با نمای سلسله‌مراتبی در سمت چپ..... ۲۱۱
- شکل آ.۸- بریده‌ای از نمایش اینترنتی الفبایی اصطلاح‌نامه یونسکو..... ۲۱۲
- شکل آ.۹- بریده‌ای از نمایش اینترنتی سلسله‌مراتبی اصطلاح‌نامه یونسکو..... ۲۱۳
- شکل آ.۱۰- نمایش سلسله‌مراتبی "wildlife" در AGROVOC..... ۲۱۴
- شکل آ.۱۱- نمایش کامل مدرک مربوط به "employment" در GEMET..... ۲۱۵
- شکل آ.۱۲- بریده‌ای از فهرست الفبایی در GEMET..... ۲۱۶
- شکل آ.۱۳- فهرست زمینه موضوعی در GEMET..... ۲۱۷
- شکل آ.۱۴- بریده‌ای از فهرست گروه‌ها در GEMET..... ۲۱۷
- شکل آ.۱۵- نمایش کامل یک مفهوم واحد در اصطلاح‌نامه UNBIS..... ۲۱۸
- شکل آ.۱۶- نمایش صفحه دویخی در اصطلاح‌نامه اخلاق در علوم زیستی..... ۲۱۹

پیش گفتار

ایزو (مؤسسه بین‌المللی استانداردسازی)، مجمعی جهانی از نهادهای ملی استاندارد (نهادهای عضو ایزو) است. کار آماده‌سازی استانداردهای بین‌المللی را معمولاً کمیته‌های فنی ایزو انجام می‌دهند. هریک از اعضای ایزو که به یکی از مباحث موضوع کار هر یک از کمیته‌های فنی علاقه‌مند باشد، حق دارد در آن کمیته نماینده‌ای داشته‌باشد. سازمان‌های بین‌المللی دولتی یا غیردولتی مرتبط با ایزو نیز در این کار شرکت دارند. ایزو با هیئت بین‌المللی فنون الکترونیک^۱ (آی‌ای‌سی) در همه زمینه‌های استانداردسازی حوزه فنون الکترونیک، همکاری تنگاتنگ دارد.

استانداردهای بین‌المللی مطابق با قوانین موجود در بخش ۲ رهنمودهای ایزو/آی‌ای‌سی پیش‌نویس می‌شوند.

مهم‌ترین وظیفه کمیته‌های فنی، تهیه استانداردهای بین‌المللی است. پیش‌نویس استانداردهای بین‌المللی که به تصویب کمیته‌های فنی رسیده‌باشد، برای رأی‌گیری در اختیار اعضا قرار می‌گیرد. انتشار یک پیش‌نویس به عنوان استاندارد بین‌المللی، به تأیید دست کم ۷۵ درصد اعضای رأی‌دهنده نیاز دارد.

باید توجه داشت که برخی اجزای این سند ممکن است مشمول حقوق ثبت اختراعات^۲ باشد. ایزو مسئولیتی درباره شناسایی تمام یا بخشی از این حقوق ندارد.

استاندارد ISO 25964-1 را کمیته فرعی (SC 9) شناسایی و توصیف، از کمیته فنی (ISO/TC 46) اطلاعات و مستندسازی تهیه کرده‌است.

ویراست نخست ISO 25964-1 استانداردهای ISO 2788:1986 و ISO 5964:1985 و را، که پیش‌تر در یکدیگر ادغام و از نظر فنی بازبینی شده‌اند، از رده خارج می‌کند و

1. International Electrotechnical Commission (IEC)

2. patent rights

جایگزین آن‌ها می‌شود. بندهای ۱ تا ۱۳ این بخش از ISO 25964 عمدتاً به محتوای ISO 2788:1986 و ISO 5964:1985 مربوط است. بندهای دیگر، شامل مطالب تازه می‌باشد.

استاندارد ISO 25964 تحت عنوان کلی *اطلاعات و مستندسازی*^۱ - *اصطلاح‌نامه‌ها و تعامل‌پذیری آن‌ها با واژگان‌های دیگر*، بخش‌های زیر را در بر می‌گیرد:

بخش ۱: اصطلاح‌نامه‌های بازیابی اطلاعات^۲

بخش ۲: تعامل‌پذیری^۳ با واژگان‌های دیگر

این بخش از استاندارد ISO 25964 به تدوین و نگهداری اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه و چندزبانه شامل قالب‌ها و پروتکل‌های تبادل اطلاعات می‌پردازد.

استاندارد ISO 25964-2 به تعامل‌پذیری اصطلاح‌نامه‌های گوناگون با یکدیگر و با انواع دیگر واژگان ساختاریافته، همچون طرحواره‌های رده‌بندی^۴، فهرست‌های مستند اسامی^۵، هستی‌شناسی‌ها^۶ و غیره خواهد پرداخت که پیش از این، موضوع هیچ استاندارد بین‌المللی نبوده است.

مقدمه

اصطلاح‌نامه‌های امروزی غالباً ابزارهای الکترونیکی هستند و با «دوره کاغذی»، که نخستین استانداردهای اصطلاح‌نامه‌نویسی تدوین می‌شد، بسیار فاصله گرفته‌اند. این اصطلاح‌نامه‌ها با پشتیبانی نرم‌افزار ساخته و نگهداری می‌شوند و باید قابلیت تلفیق با نرم‌افزارهای دیگر، همچون موتورهای جست‌وجو و سامانه‌های مدیریت محتوا را داشته باشند. (برای نمونه، ممکن است لازم باشد داده‌هایی از پایگاه داده‌های اصطلاح‌نامه در ترکیب با تعداد جای‌گماری‌های^۱ یافت‌شده آن داده‌ها در یک موتور جست‌وجو ارائه شود.) در حالی که در گذشته، اصطلاح‌نامه‌ها به منظور کاربری کارشناسان اطلاعات آموزش‌دیده در زمینه نمایه‌سازی و جست‌وجو طراحی می‌شدند، امروزه تقاضا برای واژگان‌هایی که برای کاربران آموزش‌ندیده به شکل مستقیم قابل درک بوده و به وسیله ماشین نیز قابل استنتاج باشد، بیشتر است.

استاندارد ISO 25964 گذار مورد نیاز برای همسازی با دنیای مدیریت اطلاعات الکترونیک را فراهم می‌سازد. با این وجود، این بخش از استاندارد بر این فرض استوار است که معمولاً هوش انسانی در گزینش اصطلاحات نمایه‌سازی و جست‌وجو دخیل است. در صورتی که نمایه‌ساز و جست‌وجوگر هر دو به گزینش اصطلاح یکسان برای یک مفهوم هدایت شوند، آنگاه اسناد مربوط به آن مفهوم بازیابی خواهد شد. این اصل، پایه طراحی اصطلاح‌نامه است، هرچند ممکن است اصطلاح‌نامه در مواردی که گزینش بر عهده رایانه می‌باشد نیز به کار رود.

تبادل کارآمد داده‌ها جزئی ضروری از مدیریت و بهره‌برداری از اصطلاح‌نامه است. از

1. postings

این رو، این بخش از استاندارد ISO 25964 شامل توصیه‌هایی برای قالب‌ها و پروتکل‌های تبادل داده‌ها می‌باشد. به کارگیری این پیشنهادها، تعامل‌پذیری میان سامانه‌های مدیریت اصطلاح‌نامه و دیگر نرم‌افزارهای کاربردی رایانه‌ای، مانند سامانه‌های نمایه‌سازی و بازیابی اطلاعات را، که از داده‌های اصطلاح‌نامه استفاده می‌کنند، آسان می‌سازد.

این بخش از استاندارد ISO 25964 بیشتر به ایجاد و نگهداری اصطلاح‌نامه می‌پردازد تا چگونگی کاربرد آن در نمایه‌سازی. در مورد موضوعات و نمونه‌های چندزبانه، تلاش شده گسترده‌ترین طیف زبانی ممکن، با حفظ وضوح و قابل درک بودن، در نظر گرفته شود.

اصطلاح‌نامه‌ها معمولاً در سامانه‌های بازیابی پس‌همارا^۱ به کار می‌روند، اما ممکن است در راهنماهای^۲ سلسله‌مراتبی، نمایه‌های پیش‌همارا^۳، و سامانه‌های رده‌بندی نیز مورد استفاده قرار گیرند. برنامه‌های کاربردی اصطلاح‌نامه‌ای، بیش از پیش نیازمند تلفیق با برنامه‌های کاربردی دیگر مانند طرحواره‌های خودکار مقوله‌بندی^۴، سامانه‌های جست‌وجوی متن-آزاد^۵ و غیره شده‌اند. استاندارد ISO 25964-2 به انواع دیگر واژگان ساختاریافته (همچون طرحواره‌های رده‌بندی، فهرست‌های مستند اسامی، هستی‌شناسی‌ها و غیره) خواهد پرداخت و توصیه‌هایی برای تعامل‌پذیر ساختن واژگان‌های گوناگون در تمام مراحل فرایند ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات ارائه خواهد داد.

1. post-coordinate

2. directory

3. pre-coordinate

4. automatic categorization schemes

5. free-text search systems

اطلاعات و مستندسازی - اصطلاح‌نامه‌ها و تعامل پذیری آن‌ها با واژگان‌های دیگر

بخش اول: اصطلاح‌نامه‌های بازیابی اطلاعات

۱. دامنه

این بخش از استاندارد ISO 25964 پیشنهادهایی برای تدوین و نگهداری اصطلاح‌نامه‌های تهیه‌شده برای بازیابی اطلاعات ارائه می‌دهد. مطالب این بخش را می‌توان برای واژگان مورد استفاده در بازیابی اطلاعات از تمام انواع منابع اطلاعاتی، صرف نظر از نوع رسانه به کار گرفته‌شده (متن، صدا، تصویر ثابت یا متحرک، اشیای قابل لمس یا چندرسانه‌ای) شامل درگاه‌ها^۱ و پایگاه‌های دانش، پایگاه داده‌های کتابشناختی^۲، متون، مجموعه‌های چندرسانه‌ای یا موزه‌ای و اقلام داخل آن‌ها به کار برد.

این بخش از استاندارد ISO 25964 همچنین یک الگوی داده‌ای و قالب پیشنهادی برای ورود و خروج داده‌های اصطلاح‌نامه ارائه می‌دهد.

این بخش از استاندارد ISO 25964 برای هر دو نوع اصطلاح‌نامه تک‌زبانه^۳ و اصطلاح‌نامه چندزبانه^۴ قابل استفاده است.

این بخش از استاندارد ISO 25964 برای تهیه نمایه‌های انتهای کتاب به کار نمی‌رود، گرچه بسیاری از پیشنهادها ارائه‌شده در آن ممکن است برای این منظور نیز سودمند باشد.

این بخش از استاندارد ISO 25964 برای پایگاه داده‌ها یا نرم‌افزارهایی که مستقیماً در کاربردهای جست‌وجو و نمایه‌سازی به کار می‌روند، مناسب نیست، اما نیازهای این دسته از کاربردها را نیز در توصیه‌های خود برای مدیریت اصطلاح‌نامه پیش‌بینی کرده‌است.

۲. اصطلاحات و تعاریف

اصطلاحات و تعاریف زیر در این سند به کار رفته‌اند.

1. portals

2. bibliographic databases

3. monolingual thesauri

4. multilingual thesauri

۱-۲. آرایه^۱

گروه مفاهیم خویشاوند^۲ (۵۲-۲)

مثال

در نمونه زیر، مفاهیم^۳ outerwear و underwear^۴ آرایه‌ای را درون مفهوم "clothing" تشکیل می‌دهند.

clothing^۵
outerwear
overcoats
underwear

۲-۲. رابطه همبستگی^۶

رابطه میان دو مفهوم (۱۱-۲) که رابطه سلسله‌مراتبی ندارند، اما دارای پیوند معنایی محکمی هستند.

۳-۲. اصطلاح اعم^۷

اصطلاح مرجع^۸ (۴۵-۲) بازنماینده یک مفهوم^۹ (۱۱-۲) که عام‌تر از مفهوم مورد نظر است.

توجه: دامنه مفهوم اخص^{۱۰} کاملاً در زیرمجموعه دامنه مفهوم اعم قرار می‌گیرد. رابطه میان این دو، معمولاً با برچسب BT نشان داده می‌شود. برای توضیح بیشتر ۱-۲-۱۰ را ببینید.

۴-۲. ویژگی بخش‌پذیری^{۱۱}

خصیصه^{۱۲}‌ای که به وسیله آن، مفهوم (۱۱-۲) رامی‌توان به آرایه‌ای (۱-۲) از مفاهیم اخص (۱۱-۲) تقسیم کرد، به گونه‌ای که هریک دارای مقدار معینی از آن خصیصه باشد. مقایسه کنید با تحلیل چهریزه‌ای^{۱۳} (۲۱-۲) و عبارت راهنما^{۱۴} (۳۸-۲)

1. array	2. sibling concepts	۵. لباس	۴. لباس زیر	۳. لباس رو
6. associative relationship	7. broader term			
8. preferred term	9. concept		10. narrower concept	
11. characteristic of division	12. Attribute		13. facet analysis	14. node label

مثال

در نمونه زیر، ^۱age group، ویژگی بخش‌پذیری است که برای مفهوم "people" به کار رفته‌است:

people
(people by age group)
children
youths
adults

۵-۲. رده‌بندی^۲

رده‌بندی کردن^۳

فرایند قراردادن چیزهای مشابه یا مرتبط در یک دسته، جداکردن چیزهای نامشابه یا نامرتب و نظم‌بخشیدن به دسته‌های حاصل در یک توالی منطقی و مفید.

۶-۲. طرحواره رده‌بندی

فرانمای^۴ (۲-۴۹) مفاهیم (۲-۱۱) و ترکیب‌های پیش‌همارای مفاهیم (۲-۱۱) که با رده‌بندی (۲-۵) مرتب شده‌اند.

توجه: طرحواره رده‌بندی، معمولاً نمایه نیز دارد.

۷-۲. اصطلاح ابداعی^۵

اصطلاحی (۲-۶۱) نو که برای بازنمایی مفهومی (۲-۱۱) ابداع شود که پیشتر هیچ اصطلاح^۶ (۲-۶۱) مناسبی در زبان مورد نظر برای آن وجود نداشته‌است.

توجه: برای توضیح و مثال‌های بیشتر، ۶-۶-۵ و ۹-۳-۳-۳ را ببینید.

۸-۲. هم‌ارزی مرکب^۷

رابطه یا نگاشتی^۸ که در آن اصطلاح (۲-۶۱) یا مفهومی (۲-۱۱) در یک زمینه متنی، به وسیله دو یا چند اصطلاح (۲-۶۱) یا مفهوم (۲-۱۱) در زمینه متنی دیگر بیان می‌شود.

۱. گروه سنی

2. clasification
5. coined term

3. classifying
6. term

4. schedule of concepts
7. compound equivalence

8. mapping

۹-۲. اصطلاح مرکب^۱

اصطلاحی (۲-۶۱) که به لحاظ ساختوازی^۲ قابل تجزیه به مؤلفه‌های جداگانه است.

مثال

در زبان انگلیسی:
"copper mines" ^۳ را می‌توان به "copper" و "mines" تفکیک کرد.
"lawnmowers" ^۴ را می‌توان به "lawn" و "mowers" تفکیک کرد.
در زبان فرانسوی:
"mine de cuivre" قابل تفکیک به "mine" و "cuivre" است.
"biodiversité" ^۵ قابل تفکیک به "biologie" و "diversité" است.

توجه: اصطلاحات مرکب ممکن است اصطلاحاتی چندواژه‌ای یا تنها شامل یک واژه باشند.

۱۰-۲. برنامه کاربردی رایانه‌ای^۶

برنامه یا مجموعه‌ای از برنامه‌های رایانه‌ای که پردازشی سطح بالا در پاسخ به یک نیاز مشخص کاربر ارائه می‌دهند.

توجه: در استاندارد ISO 25964، برنامه کاربردی رایانه‌ای، گاه به اختصار برنامه کاربردی خوانده می‌شود.

۱۱-۲. مفهوم

واحد اندیشه^۷

توجه: مفاهیم را اغلب به روش‌های گوناگون می‌توان بیان کرد. مفاهیم، به شکل موجودیت‌های مجرد و مستقل از اصطلاحاتی که برای بیان آن‌ها به کار می‌روند، در ذهن حضور دارند. این مفاهیم از بسیار ساده، مانند «کودک» تا خیلی پیچیده، مانند «قانون حمایت از کودکان» تغییر می‌کنند.

1. compound term

2. morphologically

۵. تنوع زیستی

۴. چمن‌زن‌ها

۳. معادن مس

6. computer application

7. unit of thought

۲-۱۲. واژگان مهارشده^۱

فهرست از پیش تعیین شده اصطلاحات (۲-۶۱)، سرعنوان‌ها^۲ یا رمزگان^۳ که هریک بر مفهومی (۲-۱۱) دلالت دارد.

توجه: واژگان مهارشده برای کاربردهایی طراحی می‌شود که در آن‌ها، شناسایی هر مفهوم با برجستگی ثابت، سودمند باشد، مثلاً در رده‌بندی، نمایه‌سازی و یا جست‌وجوی اسناد. اصطلاح‌نامه‌ها، طرحواره‌های سرعنوان‌های موضوعی^۴ و فهرست‌های مستند اسامی، نمونه‌هایی از واژگان‌های مهارشده هستند.

۲-۱۳. هم‌ارزی میان‌زبانی^۵

رابطه هم‌ارزی (۲-۱۸) بین اصطلاحات (۲-۶۱) بازنماینده همان مفهوم (۲-۱۱) در زبان‌های گوناگون.

۲-۱۴. الگوی داده‌ای^۶

الگویی انتزاعی که چگونگی بازنمایی و کاربرد داده‌ها را شرح می‌دهد.

توجه: الگوی داده‌ای این بخش از استاندارد ISO 25964 تعریفی عام از ساختار و معنی‌شناسی اصطلاح‌نامه ارائه می‌دهد و می‌تواند به عنوان شالوده تعریف یک الگوی پایگاه داده یا قالب تبادل برای اصطلاح‌نامه به کار رود.

۲-۱۵. سند^۷

هر منبعی که بتوان آن را با هدف بازیابی اطلاعات یا داده‌های درونش رده‌بندی یا نمایه‌سازی کرد.

توجه: این تعریف علاوه بر مطالب نوشته‌شده یا چاپ‌شده روی کاغذ یا ریزنگاشت^۸ (مثل کتاب‌های معمولی، روزنامه‌ها، نمودارها، نقشه‌ها)، برای رسانه‌های غیرچاپی مانند مدارک رقمی^۹ و قابل خواندن به وسیله ماشین^{۱۰}، منابع اینترنتی و اینترنتی، فیلم، مواد شنیداری^{۱۱}، افراد و سازمان‌ها به عنوان منابع دانش، ساختمان‌ها،

- | | | | |
|-------------------------------|--|-------------|----------------------------|
| 1. controlled vocabulary | 2. headings | 3. codes | 4. subject heading schemes |
| 5. cross-language equivalence | 6. data model | 7. document | 8. microform |
| 9. digital documents | به صورت اسناد رقمی هم به کار برده‌اند (مترجم). | | 10. machine-readable |
| 11. sound recordings | | | |

مکان‌ها، بناهای یادبود، اشیای سه بعدی واقعی و یا مجموعه‌های این موارد یا اجزایی از این موارد نیز صادق است.

۱۶-۲. اصطلاح مدخل^۱

سراصلح^۲

اصطلاح (۶۱-۲) ارائه‌شده در یک واژگان مهارشده (۱۲-۲) نه برای کاربرد مستقیم در فراداده (۳۳-۲)، که با هدف هدایت کاربر به اصطلاح (۶۱-۲) دیگری که می‌تواند به عنوان برچسب مقوله، سرعنوان موضوعی یا اصطلاح مرجع (۴۵-۲) به کار رود.

توجه: اصطلاحات مدخلی که در اصطلاح‌نامه می‌آیند، معمولاً به نام اصطلاحات نامرجح شناخته می‌شوند.

۱۷-۲. نگاشت هم‌ارزی^۳

نگاشتی که بیان می‌دارد یک مفهوم (۱۱-۲) در واژگان مقصد، دامنه‌ای یکسان با مفهوم (۱۱-۲) زبان مبدأ دارد.

مقایسه کنید با رابطه هم‌ارزی (۱۸-۲)

۱۸-۲. رابطه هم‌ارزی^۴

رابطه میان دو اصطلاح (۶۱-۲) در یک اصطلاح‌نامه (۶۲-۲) که هر دو بیانگر یک مفهوم (۱۱-۲) باشند.

توجه: در گفت‌وگوی روزمره، اصطلاحات شبه‌مترادف ممکن است به مفاهیمی با اندکی تفاوت اشاره کنند. اما پس از گنجانده‌شدن در اصطلاح‌نامه، رابطه هم‌ارزی، این دو را بیانگر مفهومی واحد تلقی می‌کند. وقتی دو یا چند اصطلاح از این دست در یک زبان در اصطلاح‌نامه تک‌زبانه یا چندزبانه موجود باشد، یکی از آنها به عنوان اصطلاح مرجح شناخته شده، دیگری (یا دیگران) اصطلاحات نامرجح شناخته می‌شوند. اما اگر دو یا چند اصطلاح از این دست در چند زبان مختلف از اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه وجود داشته باشد، هریک از آنها ممکن است در زبان مربوط

1. sound recordings

2. entry term

3. lead-in term

4. equivalence mapping

5. equivalence relationship

به خود به عنوان اصطلاح مرجح شناخته شود و رابطه میان آن‌ها هم‌ارزی میان‌زبانی (۲-۱۳) خوانده می‌شود.

۱۹-۲. قالب تبادل^۱

قابلی قابل خوانش به وسیله ماشین برای بازنمایی اطلاعاتی که قرار است تبادل اطلاعات میان برنامه‌های کاربردی گوناگون را آسان سازد.

توجه: قالب تبادل اصطلاح‌نامه، معمولاً از یک زبان نشان‌گذاری^۲ مبتنی بر استاندارد مانند ایکس‌ام‌ال (زبان نشان‌گذاری توسعه‌پذیر)^۳ [۶۳] [۶۴] [۶۵] [۶۶] بهره می‌گیرد و بر الگوی داده‌ای ویژه آن اصطلاح‌نامه استوار است. الگوی داده‌ای، توصیفی کلی از معنی‌شناسی و ساختار اصطلاح‌نامه ارائه می‌دهد، اما قالب تبادل این توصیف را به زبانی رسمی به منظور تبادل اصطلاح‌نامه‌ها بیان می‌کند.

۲۰-۲. چهریزه^۴

گروه مفاهیم (۲-۱۱) متعلق به یک مقوله ذاتی^۵

مثال ۱: حیوانات، موش، گل نرگس و باکتری همگی می‌توانند اعضای چهریزه اندامگان زنده باشند.

مثال ۲: کندن، نوشتن و پختن همگی می‌توانند اعضای چهریزه‌ای به نام کنش‌ها باشند.

مثال ۳: پاریس، انگلستان و کوه‌های آلپ همگی می‌توانند اعضای چهریزه مکان‌ها باشند.

توجه: نمونه‌هایی از مقوله‌های سطح بالا که می‌توانند برای گروه‌بندی مفاهیم به چهریزه‌های گوناگون به کار آیند، عبارتند از: اشیا، مواد، عوامل، کنش‌ها، مکان‌ها و زمان‌ها.

مقایسه کنید با عبارت راهنما (۲-۳۸)

۲۱-۲. تحلیل چهریزه‌ای^۶

تحلیل حوزه‌های موضوعی به مفاهیم (۲-۱۱) تشکیل‌دهنده آن‌ها که در قالب

1. exchange format
4. facet

2. markup language
5. inherent category

3. XML (Extensible Markup Language)
6. facet analysis

چهریزه‌ها (۲۰-۲) دسته‌بندی شده‌اند، و تقسیم مفاهیم (۱۱-۲) به مفاهیم (۱۱-۲) اخص به واسطه ویژگی‌های بخش‌پذیری معین.

۲-۲۲. چهریزه‌نما^۱

ابزار نشانه‌گذاری که آغاز **چهریزه (۲۰-۲)** جدیدی را در یک نظام **نشانگان (۴۰-۲)** ترکیبی پیچیده مشخص می‌کند.

توجه: نمونه‌های چهریزه‌نماها عبارتند از: رقم 0 در رده‌بندی دهدهی دیویی، و علامت کمان و نماد نقل قول در رده‌بندی دهدهی جهانی^۳. در گذشته، اصطلاح چهریزه‌نما مترادف با عبارت راهنما به کار می‌رفت، اما برای جلوگیری از سردرگمی، این کاربرد در استاندارد ISO 25964 نادرست دانسته شده‌است.

۲-۲۳. رابطه سلسله مراتبی

رابطه میان یک زوج مفهوم (۱۱-۲) که دامنه یکی کاملاً درون دامنه دیگری قرار می‌گیرد.

مقایسه کنید با اصطلاح اعم (۳-۲)، اصطلاح اخص (۳۷-۲)

توجه: رابطه سلسله مراتبی انواع گوناگونی دارد. برای توضیح بیشتر ۱۰-۲ را ببینید.

۲-۲۴. هم‌نویسه^۴

یکی از دو یا چند واژه‌ای که یکسان نوشته می‌شوند، اما معانی مختلف دارند.

مثال

در زبان انگلیسی:
واژه "bank" ممکن است به مؤسسه مالی یا کرانه رودخانه دلالت کند.
در زبان فرانسوی:
واژه "avocat" می‌تواند به معنای وکیل یا نوعی میوه ^۴ باشد.

1. facet indicator

2. Universal Decimal Classification

3. homograph

۴. آووکادو (مترجم)

توجه: هم‌نویسه‌ها را گاه، هم‌نام^۱ نیز می‌خوانند. اما اصطلاح اخیر کاربرد گسترده‌تری دارد، زیرا اصطلاحاتی مانند "weights" و "waits" در زبان انگلیسی و "mer" و "mère" در زبان فرانسوی را هم، که یکسان به گوش می‌رسند، اما نوشتارشان متفاوت است، در بر می‌گیرد.

۲۵-۲. شناسه^۲

مجموعه‌ای از نمادها، معمولاً عددی-الفبایی، مشخص‌کننده یک مفهوم (۲-۱۱)، اصطلاح (۲-۶۱) یا موجودیتی دیگر با هدف شناسایی منحصر به فرد آن در زمینه متن یا منبعی معین، به‌ویژه در شبکه یا سامانه رایانه‌ای.

توجه: گاه، از نشانگان رده‌بندی^۳ به عنوان شناسه استفاده می‌شود.

۲۶-۲. اصطلاح نمایه‌ای^۴

اصطلاح (۲-۶۱) اختصاص یافته به یک سند (۲-۱۵) در فرایند نمایه‌سازی (۲-۲۷)

توجه: اصطلاح نمایه‌ای را گاه اصطلاح نمایه‌سازی^۵، کلیدواژه و برچسب نیز می‌خوانند، اما اصطلاح‌های اخیر معانی دیگری نیز دارند. اصطلاحات مرجع یک اصطلاح‌نامه، بیشتر اوقات به عنوان اصطلاحات نمایه‌ای به کار می‌روند.

۲۷-۲. نمایه‌سازی

تحلیل هوشمندانه موضوع مطلب یک سند (۲-۱۵) برای شناسایی مفاهیم (۲-۱۱) ارائه شده در آن و تخصیص اصطلاحات نمایه‌ای (۲-۲۶) مربوط، با هدف امکان بازیابی اطلاعات.

توجه: معمولاً اصطلاح «نمایه‌سازی موضوعی» برای این مفهوم به کار می‌رود، اما از آن جا که استاندارد ISO 25964 با نمایه‌سازی عناصر دیگر مانند نویسندگان یا تاریخ‌ها سروکار ندارد، اصطلاح «نمایه‌سازی» کفایت می‌کند. نمایه‌سازی می‌تواند به دست کاربر انسان یا عوامل خودکار^۶ انجام پذیرد.

1. homonym
4. index term

2. identifier
5. indexing term

3. notation
6. automated agents

۲-۲۸. بازیابی اطلاعات

تمام فنون و فرایندهای به‌کاررفته برای شناسایی اسناد (۲-۱۵) مرتبط با یک نیاز اطلاعاتی، از میان مجموعه یا شبکه‌ای از منابع اطلاعاتی

توجه: این تعریف، گزینش و گنجاندن مواردی در مجموعه، همچنین مرور اجمالی و شکل‌های دیگر جست‌وجوی اطلاعات را نیز شامل می‌شود.

۲-۲۹. تعامل‌پذیری

توانایی دو یا چند سامانه یا جزء در تبادل اطلاعات و استفاده از اطلاعات تبادل یافته

توجه: واژگان‌ها می‌توانند با دربرداشتن ارتباط با واژگان‌های دیگر، با ارائه داده‌ها در قالب‌های استاندارد و با استفاده از سامانه‌های مبتنی بر پروتکل‌های معمول رایانه‌ای، تعامل‌پذیری را تقویت کنند.

۲-۳۰. اصطلاح‌وام‌گرفته^۱

اصطلاح (۲-۶۱) وام‌گرفته‌شده از زبانی دیگر که در زبان وام‌گیرنده پذیرفته شده‌باشد.

مثال‌ها

"glasnost"^۲ اصطلاحی روسی است که در زبان انگلیسی پذیرفته شده‌است

"gourmet"^۳ اصطلاحی فرانسوی است که در زبان انگلیسی پذیرفته شده‌است

۲-۳۱. نشان‌گذاری^۴

حاشیه‌نویسی‌ها^۵ یا انواع دیگر رمزگذاری گنجانده‌شده در متن که با یک زبان نشان‌گذاری (۲-۳۲) سازگار باشد.

۲-۳۲. زبان نشان‌گذاری

مجموعه قراردادهای رمزگذاری که می‌تواند با استفاده از حاشیه‌نویسی‌های

1. loan term

۳. خوش‌خوراک

۲. سیاست فضای باز

4. markup

5. annotations

گنجانده شده در خود متن، به عنوان راهنمای تفسیر آن متن به کار رود.

توجه: تفسیر متن، اغلب مسائلی مانند محتوا، ساختار یا شیوه ارائه آن را در بر می گیرد. برخی نمونه های پر استفاده عبارتند از: اچ تی ام ال (زبان نشان گذاری ابرمتنی)^۱ [59] که بیشتر با ارائه سروکار دارد، و ایکس ام ال (زبان نشان گذاری توسعه پذیر) [۶۳] [۶۴] [۶۵] [۶۶] که به ساختار متن می پردازد.

۲-۳۳. فراداده^۲

داده های مشخص کننده خصیصه هایی از یک سند (۲-۱۵) که به ویژه برای پشتیبانی عملکردهایی مانند مکان یابی، کشف، مستندسازی، ارزیابی و یا گزینش به کار می روند.

توجه: اصطلاحات مرجع یا نشانگان رده بندی انتخاب شده در فرایند نمایه سازی، اغلب به عنوان مقادیر فراداده به کار می روند.

۲-۳۴. ساختار تک سلسله مراتبی^۳

چینش سلسله مراتبی مفاهیم (۲-۱۱) در یک اصطلاح نامه (۲-۶۲) یا طرحواره رده بندی (۲-۶)، که در آن هر مفهوم (۲-۱۱) می تواند تنها یک مفهوم (۲-۱۱) اعم در لایه بالایی بلا فصل خود داشته باشد.

مقایسه کنید با ساختار چند سلسله مراتبی^۴ (۲-۴۲)

مثال: در یک ساختار تک سلسله مراتبی، مفهوم پیانو نمی تواند هم در فهرست سازهای چکشی و هم در فهرست سازهای سیمی قرار گیرد؛ باید یکی از این دو مفهوم برای تعیین مکان آن انتخاب شود.

۲-۳۵. اصطلاح نامه چندزبانه^۵

اصطلاح نامه ای (۲-۶۲) که در آن اصطلاحات (۲-۶۱) و ساختارهای ارتباطی به دو یا چند زبان طبیعی موجود باشند.

۲-۳۶. اصطلاح چندواژه ای^۶

اصطلاحی (۲-۶۱) که از بیش از یک واژه تشکیل شده باشد.

1. HTML (Hypertext Markup Language)
4. polyhierarchical structure

2. metadata
5. multilingual thesaurus

3. monohierarchical structure
6. multi-word term

مقایسه کنید با اصطلاح مرکب (۲-۹).

مثال

cost benefit analysis^۱

۳۷-۲. اصطلاح اخص

اصطلاح مرجح (۲-۴۵) بیان‌کننده یک مفهوم (۲-۱۱) که اخص‌تر از اصطلاح مورد نظر است.

توجه: دامنه مفهوم اخص کاملاً درون دامنه مفهوم اعم قرار می‌گیرد. رابطه میان این دو، معمولاً با برچسب NT نشان داده می‌شود. برای توضیح بیشتر، ۱۰-۲-۱ را ببینید.

۳۸-۲. عبارت راهنما

برچسب درج‌شده در یک نمایش سلسله‌مراتبی یا رده‌ای برای نشان دادن شیوه چیش اصطلاحات (۲-۶۱)

توجه: عبارت راهنما، اصطلاح مرجح یا نامرجح نیست، بلکه یکی از دو گونه اطلاعات زیر را در بر دارد:

الف) نام چهره‌ای که اصطلاحات پیرو عبارت راهنما به آن تعلق دارند، یا
ب) خصیصه یا ویژگی بخش‌پذیری که آرایه‌ای از مفاهیم خویشاوند بر مبنای آن ذخیره‌سازی یا دسته‌بندی شده‌است.
مثال‌های بند ۱۱ را ببینید.

۳۹-۲. اصطلاح نامرجح

ناتوصیفگر^۲

اصطلاحی (۲-۶۱) که به اسناد (۲-۱۵) اختصاص نیافته، اما به عنوان یک مدخل در اصطلاح‌نامه (۲-۶۲) یا نمایه آمده‌است.

۱. تحلیل هزینه - سود

2. non-descriptor

مقایسه کنید با اصطلاح مدخل (۱۶-۲)

مثال

hounds ^۱	
USE dogs	

توجه: در این مثال، "hounds" یک اصطلاح نامرجح است، در حالی که "dogs" اصطلاح مرجحی است که باید به جای آن به کار رود.

۴۰-۲. نشانگان رده‌بندی

رمزگان رده

شماره رده

نشانه رده

مجموعه نمادهای بیان‌کننده یک مفهوم (۱۱-۲) در یک واژگان ساختاریافته (۵۶-۲)، به‌ویژه در یک طرحواره رده‌بندی (۶-۲).

مثال

نشانگان رده‌بندی	واژگان منبع	مفهوم
07.04.4	اصطلاح‌نامه ILO	توسعه و سیاست‌گذاری شیلات
622.342 2	رده‌بندی دهمی دیویی	استخراج طلا
373.3.016:51	رده‌بندی دهمی جهانی	آموزش ریاضی در مدارس ابتدایی
SBS XEJ B	رده‌بندی کتابشناختی بلیس ^۱	قانون گونه‌های در معرض خطر
H40-H42	رده‌بندی آماری بین‌المللی بیماری‌ها و مشکلات بهداشتی مربوط	آب‌سیاه

توجه: نشانگان رده‌بندی گاه برای مرتب‌ساختن و یا مکان‌یابی مفاهیم در یک توالی نظام‌مند از پیش تعیین‌شده، یا به شکل اختیاری برای نشان‌دادن این که اجزای مفاهیم پیچیده چگونه ساختاردهی و دسته‌بندی شده‌اند، به کار می‌رود. نشانگان رده‌بندی قادر است میان فهرست‌های الفبایی و نظام‌مند اصطلاح‌نامه، پیوند برقرار سازد. در طرحواره‌های رده‌بندی، «مفاهیم»، بیشتر «موضوع» خوانده می‌شوند، به‌ویژه اگر مانند مثال‌های بالا، پیچیده باشند.

۱. سگ‌های تازی

۴۱-۲. رابطه جانشینی^۱

رابطه پیشینی^۲

رابطه‌ای میان مفاهیم (۱۱-۲) که ذاتی خود آن مفاهیم (۱۱-۲) باشد.

توجه: چنین روابطی در یک واژگان ساختاریافته، مستقل از هرگونه سند نمایه‌سازی شده نشان داده می‌شوند. برای شرح کامل‌تری درباره روابط جانشینی و همنشینی^۳ بند ۴-۳ را ببینید.

۴۲-۲. ساختار چندسلسله‌مراتبی

چینش سلسله‌مراتبی مفاهیم (۱۱-۲) در یک اصطلاح‌نامه (۶۲-۲) یا طرحواره رده‌بندی (۶-۲)، که در آن هر مفهوم (۱۱-۲) می‌تواند بیش از یک مفهوم (۱۱-۲) اعم داشته باشد

مقایسه کنید با ساختار تک‌سلسله‌مراتبی (۳۴-۲)

مثال

در یک ساختار چندسلسله‌مراتبی، «أرگ» (ساز موسیقی) را می‌توان هم زیرمجموعه سازهای چکشی و هم زیرمجموعه سازهای سیمی قرار داد.

توجه: در ساختار چندسلسله‌مراتبی، هر مفهوم می‌تواند در بیش از یک جا در ساختار سلسله‌مراتبی اصطلاح‌نامه ظاهر شود. خصیصه‌ها و روابط آن، به‌ویژه اصطلاحات اخص و مرتبط^۴ با آن، در تمام موارد رخداد آن مفهوم، یکسان است.

۴۳-۲. پس‌همارایی^۵

ترکیب اصطلاحات مرجع (۴۵-۲) یک واژگان مهارشده (۱۲-۲) در زمان جست‌وجو

مقایسه کنید با پیش‌همارایی^۶ (۴۴-۲)

1. paradigmatic relationship
4. related terms

2. priori relationship
5. post-coordination

3. syntagmatic
6. pre-coordination

مثال

عبارت جست‌وجوی پس‌همارای^۱ "microwaves AND radiation" زمانی می‌تواند برای بازیابی اسناد مربوط به microwave radiation^۲ به کار رود که این دو به شکل دو اصطلاح جداگانه "microwave" و "radiation" نمایه‌سازی شده‌باشد، نه به شکل اصطلاح مرکب از آن دو.

۴-۲. پیش‌همارایی

ترکیب مفاهیم (۱۱-۲)، رده‌ها یا اصطلاحات (۶۱-۲) یک واژگان مهارشده (۱۲-۲) در زمان ساخت یا همزمان با به کارگیری آن برای نمایه‌سازی (۲۷-۲) یا رده‌بندی (۵-۲) مقایسه کنید با پس‌همارایی (۴۳-۲)

مثال ۱

رده^۳ "general theory"، زمانی که درون رده^۴ "music" قرار گیرد، فقط به موضوع پیش‌همارایی‌شده^۵ "theory of music" ارجاع می‌دهد و نه به "theory" در معنای کلی آن.

مثال ۲

رشته^۶ پیش‌همارایی‌شده^۷ "cardboard-recycling" ممکن است در یک طرحواره^۸ سرعنوان موضوعی ظاهر شود، یا در غیر این صورت ممکن است به دست یک نمایه‌ساز برحسب نیاز و هنگام کار با یک سند معین ترکیب گردد.

۴-۵. اصطلاح مرجع

توصیفگر^۹

اصطلاح (۶۱-۲) به کاررفته برای بیان یک مفهوم (۱۱-۲) در هنگام نمایه‌سازی^۹ (۲۷-۲)

۱. ریزموج و تشعشع ۲. تشعشع ریزموج ۳. نظریه کلی ۴. موسیقی ۵. نظریه موسیقی
۶. string ۷. مقوا - بازیافت ۸. descriptor ۹. indexing

مقایسه کنید با اصطلاح نامرجح (۲-۳۹)

توجه: اصطلاح مرجح، معمولاً یک اسم یا عبارت اسمی است.

۴۶-۲. پروتکل^۱

قراردادی که نحو، معنی‌شناسی، و هم‌گامی فرایند ارتباطی میان دو رایانه را برای فعال‌سازی خدماتی معین تعریف می‌کند.

۴۷-۲. شبه‌مترادف^۲

نیمه‌مترادف^۳

یکی از دو یا چند اصطلاحی (۲-۶۱) که معانی آن‌ها در کاربرد معمول، متفاوت در نظر گرفته می‌شود، اما ممکن است به عنوان برجسب‌های مفهومی (۲-۱۱) واحد در یک واژگان مهارشده (۲-۱۲) معین به کار روند.

مثال

diseases, disorders^۴
earthquakes^۵, earth tremors^۶

۴۸-۲. اصطلاح مرتبط^۷

اصطلاح مرجح (۲-۴۵) بیان‌کننده یک مفهوم (۲-۱۱) که دارای رابطه همبستگی (۲-۲) با اصطلاح (۲-۴۵) مورد نظر است.

توجه: رابطه میان اصطلاحات مرتبط معمولاً با برجسب RT نشان داده می‌شود. برای توضیح بیشتر ۱۰-۳ را ببینید.

۴۹-۲. فرانما^۸

اصطلاح‌ها (۲-۶۱)، نشانگان رده‌بندی (۲-۴۰)، برنوشت‌ها^۹، ارجاعات دوسویه^{۱۰} و یادداشت دامنه‌های (۲-۵۰) به‌کاررفته برای نمایش محتوا و ساختار یک واژگان ساختاریافته (۲-۵۶)

1. protocol

2. quasi-synonym

3. near-synonym

۶. لرزش زمین

۵. زمین‌لرزه

۴. ناهنجاری‌ها

7. related term

8. captions

9. schedule

10. reciprocal references

۲-۵۰. یادداشت دامنه^۱

یادداشتی که مرزهای معنی‌شناسی یک مفهوم (۲-۱۱) را به شکلی که در یک واژگان ساختاریافته (۲-۵۶) به کار رفته‌است، تعریف یا روشن‌تر می‌کند.

توجه: اصطلاحی که برای برچسب‌زدن به یک مفهوم به کار می‌رود، می‌تواند معانی گوناگونی در کاربرد روزمره داشته‌باشد. یادداشت دامنه برای محدود ساختن مفهوم مورد نظر به یکی از آن معانی، به کار می‌رود و در صورت لزوم، به مفاهیم دیگری که از دامنه مفهوم مورد نظر کنار گذاشته شده‌اند، ارجاع می‌دهد.

۲-۵۱. اصطلاح جست‌وجو^۲

اصطلاحی (۲-۶۱) که تمام یا بخشی از یک عبارت جست‌وجو را تشکیل می‌دهد.

توجه: در زمینه متنی استاندارد ISO 25964، اصطلاحات جست‌وجو معمولاً از یک واژگان مهارشده استخراج می‌شوند.

۲-۵۲. مفهوم خویشاوند^۳

یکی از دو یا چند مفهوم (۲-۱۱) با مفهوم (۲-۱۱) اعم بلافصل مشترک، که هرکدام با یک اصطلاح مرجع (۲-۴۵) بیان شده‌باشد.

مثال

در نمونه زیر، underwear و clothing، اصطلاحات مرجع بیان‌کننده مفاهیم خویشاوند در یک آرایه می‌باشند:

clothing
outerwear
overcoats
underwear

۲-۵۳. اصطلاح خویشاوند^۴

یکی از دو یا چند اصطلاح مرجع (۲-۴۵) با اصطلاح اعم (۲-۳) بلافصل مشترک

مثال

در نمونه زیر، chairs و tables اصطلاحات خویشاوند درون یک آرایه هستند، اما هیچ اصطلاح خویشاوندی برای "furniture"^۱، "armchairs"^۲ و "dining tables"^۳ نشان داده نشده است:

furniture
chairs
armchairs
tables
dining tables

۵۴-۲. زبان مبدأ^۴

زبانی که در ترجمه یا جست‌وجوی معادل‌های یک اصطلاح (۲-۶۱)، به عنوان نقطه شروع به کار می‌رود.

۵۵-۲. جزءنگری^۵

توانایی یک واژگان ساختاریافته^۶ (۲-۵۶) در بیان یک موضوع به شکل دقیق و با جزئیات

توجه: برای توضیح بیشتر، بحث جزءنگری را در بند ۸-۴ و موارد دیگر ببینید.

۵۶-۲. واژگان ساختاریافته

مجموعه‌ای سازمان‌دهی شده از اصطلاح‌ها (۲-۶۱)، سرعنوان‌ها یا رمزگان بازنماینده مفاهیم (۲-۱۱) و روابط متقابل میان آن‌ها که می‌تواند در بازیابی اطلاعات (۲-۲۸) به کار آید

توجه: واژگان ساختاریافته برای اهداف دیگری نیز به کار می‌آید. در زمینه بازیابی اطلاعات، لازم است واژگان با قوانینی درباره چگونگی کاربرد اصطلاحات همراه باشد. در استاندارد ISO 25964-2 به انواع گوناگونی از واژگان ساختاریافته، شامل طرحواره‌های رده‌بندی، طرحواره‌های سرعنوان‌های موضوعی، و غیره پرداخته خواهد شد.

۱. اثاثیه خانه

۲. صندلی راحتی

۳. میز غذاخوری

6. structured vocabulary

5. specificity

4. source language

۲-۵۷. طرحواره سرعنوان موضوعی^۱

زبان سرعنوان موضوعی^۲

فهرست سرعنوان موضوعی^۳

اس‌اچ‌ال^۴

واژگان ساختاریافته (۲-۵۶) متشکل از اصطلاحات (۲-۶۱) قابل استفاده برای نمایه‌سازی (۲-۲۷) موضوعی، همراه با قوانینی برای ترکیب آن‌ها به شکل رشته‌های پیش‌همارای اصطلاح‌ها (۲-۶۱) در موارد لازم

۲-۵۸. مترادف

یکی از دو یا چند اصطلاحی (۲-۶۱) که به یک مفهوم (۲-۱۱) دلالت می‌کند.

مثال

در زبان انگلیسی:	guarantees ^۵ , warranties ^۶ heart attack ^۷ , myocardial infarction ^۸ HIV ^۹ , human immunodeficiency virus
در زبان فرانسوی:	schiste, phyllade ^{۱۰} VIH, virus de l'immunodéficience humaine crise cardiaque, infarctus du myocarde

توجه: کوتاه‌نوشت‌ها و شکل کامل آن‌ها را می‌توان مترادف یکدیگر در نظر گرفت.

۲-۵۹. رابطه همنشینی^{۱۱}

رابطه پسینی^{۱۲}

رابطه میان چند مفهوم (۲-۱۱) که تنها دلیل وجود آن، ظاهرشدن توأم آن مفاهیم در یک سند (۲-۱۵) در دست نمایه‌سازی است

1. subject heading scheme

2. subject heading language

3. subject heading list

4. SHL

۷. حمله قلبی

۶. تضمین‌نامه

۵. ضمانت‌نامه

۱۰. فیلیت (نوعی سنگ)

۹. اچ‌آی‌وی

۸. انفارکتوس ماهیچه قلب

11. syntagmatic relationship

12. a posteriori

توجه: معمولاً چنین رابطه‌هایی به جز در همان سندِ در دست نمایه‌سازی، در زمینه‌های متنی دیگر اعتباری ندارند و به همین سبب، جزء ساختار اصطلاح‌نامه به شمار نمی‌روند. برای شرح مفصل‌تری دربارهٔ روابطِ جانشینی و همنشینی، ۳-۴ را ببینید.

۶۰-۲. زبان مقصد^۱

زبان ارائه‌دهندهٔ ترجمه یا معادلی برای اصطلاح (۶۱-۲) موجود در زبان مبدأ (۵۴-۲)

۶۱-۲. اصطلاح

واژه یا عبارت به‌کاررفته برای بیان یک مفهوم (۱۱-۲)

مثال

schools school uniform costs of schooling ^۲ teaching
--

توجه: اصطلاحات اصطلاح‌نامه ممکن است اصطلاحات مرجح یا نامرجح باشند.

۶۲-۲. اصطلاح‌نامه^۳

واژگان ساختاریافته (۵۶-۲) و مهارشده‌ای (۱۲-۲) که در آن، مفاهیم (۱۱-۲) به وسیلهٔ اصطلاحات (۶۱-۲) بیان شده‌باشند و اصطلاحات به گونه‌ای مرتب شده‌باشند که روابط میان مفاهیم (۱۱-۲) صریح و روشن باشد، و اصطلاحات مرجح (۴۵-۲) با سرمدخل‌هایی برای مترادف‌ها (۵۸-۲) یا شبه‌مترادف‌ها (۴۷-۲) همراه باشند.

توجه: هدف اصطلاح‌نامه، راهنمایی نمایه‌ساز و کاربر به‌گزینش اصطلاح یکسان یا ترکیب یکسانی از اصطلاح‌های مرجح برای بیان یک موضوع معین است. به همین سبب، اصطلاح‌نامه‌ها برای راهبری انسان و پوشش اصطلاح‌شناسی یک

1. target language

۲. هزینه‌های تحصیلی

3. thesaurus

قلمرو موضوعی بهینه‌سازی می‌شوند.

۲-۶۳. اصطلاح رأس^۱

اصطلاح مرجح (۲-۴۵) بیان‌کننده یک مفهوم (۲-۱۱) که دارای هیچ مفهوم (۲-۱۱) اعمی در آن اصطلاح‌نامه (۲-۶۲) نباشد.

۲-۶۴. مهار واژگان

مدیریت یک واژگان برای ابهام‌زدایی و تحدید وجه اصطلاح‌ها (۲-۶۱) و محدودساختن تعداد مفاهیم (۲-۱۱) و اصطلاحات (۲-۶۱) موجود برای نمایه‌سازی (۲-۲۷)

توجه: مهار واژگان از راه تفکیک هم‌نویسه‌ها به شکلی که هریک تنها بر یک معنی دلالت کند، و با گزینش اصطلاح مرجح برای نمایه‌سازی از میان مجموعه‌ای از مترادف‌ها و شبه‌مترادف‌ها انجام می‌گیرد. هدف از این محدودسازی‌ها، افزایش احتمال گزینش اصطلاح یکسان از سوی کاربر و نمایه‌ساز برای اشاره به مفهومی معین است.

۳. نمادها، اصطلاحات مخفف^۲ و قراردادهای دیگر

۳-۱. جدول ۱ مخفف‌هایی را که در نمونه‌های انگلیسی زبان مدارک اصطلاح‌نامه‌ای به عنوان برچسب و پیشوند یادداشت‌ها و اصطلاحات به کار می‌روند، نشان می‌دهد. هر برچسب، نمایش‌دهنده ارتباط یا کارکرد اصطلاح یا یادداشت پیرو خود است.

جدول ۱ - نمادها و کوتاه‌نوشت‌ها

معنی	برچسب	نماد	توصیف
یادداشت دامنه	SN		عناصر توصیفگر
تعریف	DEF		
یادداشت پیشینه	HN		
مقوله موضوعی؛ رمزگان یا نشانگان رده‌بندی به‌کاررفته برای دسته‌ای از مفاهیم مرتبط با موضوعی معین	SC		رمزگان
نشانگان رده‌بندی یا رمزگان مفهوم ^{۱۳}	CC		
به کار برید؛ اصطلاح پس از این برچسب، اصطلاح مرجحی است که باید به جای اصطلاح نامرجح پیش از برچسب به کار رود.	USE	→	روابط
به کار برید به جای یا به کار می‌رود به جای؛ اصطلاح پس از این برچسب، اصطلاح نامرجحی است که باید به جای آن از اصطلاح مرجح پیش از برچسب استفاده کرد.	UF	=	
دو یا چند اصطلاح مرجحی که پس از این برچسب‌ها می‌آیند، باید همراه با هم برای بیان مفهوم مورد نظر به کار روند.	USE...+		
اصطلاح نامرجح پس از این برچسب باید با ترکیبی از اصطلاحات مرجح از جمله اصطلاح مرجحی که پیش از آن آمده، بیان شود.	UF+		
اصطلاح رأس؛ اصطلاح مرجح پس از این برچسب، بیانگر عام‌ترین مفهوم در سلسله مراتبی است که مفهوم مورد نظر به آن تعلق دارد.	TT		
اصطلاح اعم؛ اصطلاح پس از این برچسب بیانگر مفهومی با معنای گسترده‌تر است.	BT	<	
اصطلاح اعم (کلی)	BTG		
اصطلاح اعم (موردی)	BTI		
اصطلاح اعم (جزئی)	BTP	<-	
اصطلاح اخص؛ اصطلاح پس از برچسب به مفهومی با معنای خاص‌تر باز می‌گردد.	NT	>	
اصطلاح اخص (کلی)	NTG		
اصطلاح اخص (موردی)	NTI		
اصطلاح اخص (جزئی)	NTP	>-	
اصطلاح مرتبط؛ اصطلاحی که پس از این برچسب آمده، هم‌پسته ^۲ است اما مترادف، شبه مترادف، اصطلاح اعم یا اصطلاح اخص نیست.	RT	—	

جدول ۲ - برچسب‌های زبان انگلیسی و معادل آن‌ها در زبان‌های دیگر

برچسب‌ها در زبان انگلیسی	برچسب‌ها در زبان فارسی	برچسب‌ها در زبان آلمانی	برچسب‌ها در زبان دانمارکی	برچسب‌ها در زبان فنلاندی	برچسب‌ها در زبان گویزی	برچسب‌ها در زبان یونانی	برچسب‌ها در زبان اسپانیایی	برچسب‌ها در زبان چینی	برچسب‌ها در زبان روسی
SN Scope node	NE Note explicative ^b Note deemploi	H Erläuterung (Hinweis)	SN Fortkørlende node	Huomautus ^c	NO Note	SN Ammarkning	NA Nota de aplicación Nota de alcance	J 解 jie	лп Лексическое примечание
USE Use	EM Employer	BS Benutze	USE USE Brug	KÄ käytä	BRUK Bruk	USE Använd	USE Use	用 yong	см Смотри
UF Use for Used for ^c	EP Employé pour Employer pour	BF Benutzt für Benutze für	UF Brugt for	KT konattu termi	BF Brukt for	UF Används istället för	UP Usado por Use por	D 代 dai	с Синоним
BT Broader term	TG Terme générique	OB Oebtbeffgr	BT Overordnet term	LT laajempi termi	OT Overordnet term	BT Overordnad term	TG Término genérico	S 属 shu	B Выше
NT Narrower term	TS Terme spécifique	UB Unterbeffgr	NT Underordnet term	ST suppeampi termi	UT Underordnet term	NT Underordnad term	TE Término específico	F 分 fen	H Ниже
RT Related term	TA Terme associé	VB Verwandler Begriff	RT Relateret term	RT rinnakkaistermi	SO Se også	RT Relaterad term	TR Término relacionado	C 参 can	A Ассоциация
BTG Broader term (generic)	TGG Terme générique (générique)	OA Oberbegriff (Abstraktionsrelation)	BTG Overordnet term (generic)						BP Выше—род
BTP Broader term (partitive)	TGP Terme générique (partitif)	SP Verbandsbegriff (Bestandsrelation)	BTP Overordnet term (partitiv)						BU Выше—часть
BTI Broader term (instantial)	TGI Terme générique (instance)		BTI Overordnet term (instans)						
NTG Narrower term (generic)	TSG Terme spécifique (générique)	UA Unterbegriff (Abstraktionsrelation)	NTG Underordnet term (generic)						BU Ниже—вид
NTP Narrower term (partitive)	TSP Terme spécifique (partitif)	TP Teilbegriff (Bestandsrelation)	NTP Underordnet term (partitiv)						BU Ниже—часть
NTI Narrower term (instantial)	TSI Terme spécifique (instance)		NTI Underordnet term (instans)						

NOTE The selection of languages in Table 2 is open-ended. Future editions of this part of ISO 25964 could include additional tags.

a Lines in *italics* show variant tags and/or expansions.

b French AFNOR Standard (AFNOR Z47-100) proposed NA. Note d'application

c In the Finnish standard "Scope note" is translated "Selitys" at the moment, but "Huomautus" would be a better translation. There is no associated tag.

۳-۲. اصطلاح‌نامه‌های زبان هلندی از همان برچسب‌های زبان انگلیسی، بدون ترجمه استفاده می‌کنند.

۳-۳. کوتاه‌نوشت‌های فهرست‌شده به‌منزله برچسب در جدول ۲، به عنوان قراردادهای مرسوم شناخته شده‌اند و در بسیاری از اصطلاح‌نامه‌های منتشرشده به‌کار می‌روند. آن‌ها به عنوان یادآور حافظه هستند، اما تنها در برخی زبان‌ها دیده می‌شوند. در صورت نیاز به سامانه‌ای بی‌طرف‌تر از کوتاه‌نوشت‌ها، نمادهای مستقل از زبان فهرست‌شده در ستون سمت راست جدول ۱ پیشنهاد می‌شود.

۳-۴. قراردادهای زیر نیز در نمونه‌های آمده در این بخش از استاندارد ISO 25964 به کار رفته‌اند. توجه داشته‌باشید که این قراردادها لزوماً در تمام اصطلاح‌نامه‌ها به کار نرفته‌اند.

الف) اصطلاحات مرجع به شکلی که معمولاً در متن کامل دارند، چاپ شده‌اند. معمولاً این به معنی استفاده از حروف کوچک در سراسر متن است، به استثنای کوتاه‌نوشت‌ها و سرنام‌ها که با حروف بزرگ نوشته می‌شوند و نام‌های خاص که با حروف بزرگ آغاز می‌شوند.

مثال

cars
animals

ب) اصطلاحات نامرجح با حروف مایل نوشته می‌شوند.

مثال

cars	automobiles
UF automobiles	USE cars
animals	fauna
UF fauna	USE animals
World Health Organization	WHO
UF WHO	USE World Health Organization

۴. نمای کلی اصطلاح‌نامه و اهداف آن

۴-۱. هدف کلی

هدف مرسوم اصطلاح‌نامه، هدایت نمایه‌ساز و جست‌وجوگر به‌گزینش اصطلاح

یکسان برای مفهوم یکسان است. برای دستیابی به این هدف، اصطلاح‌نامه نخست باید تمام مفاهیمی را که ممکن است برای بازیابی اطلاعات در قلمرو موضوعی معین به کار آید، فهرست کند. مفاهیم به وسیله اصطلاحات بازنمایی می‌شوند و برای هر مفهوم، یکی از شیوه‌های ممکن بازنمایی به عنوان اصطلاح مرجح برگزیده می‌شود (۴-۲ و ۶-۶ را ببینید). در قدم بعدی، اصطلاح‌نامه باید اصطلاحات مرجح را به گونه‌ای ارائه دهد که افراد بتوانند اصطلاحات مورد نیاز خود را به آسانی شناسایی کنند. این هدف، با برقراری ارتباط (بندهای ۸ تا ۱۰ را ببینید) میان اصطلاحات، و یا مفاهیم، و استفاده از این ارتباط‌ها برای ارائه اصطلاحات به شیوه‌ای ساختاریافته برآورده می‌شود.

هنگام استفاده از اصطلاحات و روابط اصطلاح‌نامه در یک سامانه جست‌وجو یا نمایه‌سازی، به روش‌های گوناگون می‌توان از آن‌ها بهره جست. از آن میان:

- گسترش دامنه جست‌وجو؛
- پیشنهاد عبارت‌های جست‌وجوی دیگر؛
- پشتیبانی خوشه‌بندی یا دیگر روش‌های پالایش جست‌وجو؛
- شناسایی غلط‌های معمول املائی؛
- پشتیبانی نمایه‌سازی خودکار.

اندرکنش^۱ میان اصطلاحات، مفاهیم و روابط در الگوی داده‌ای بند ۱۵ نشان داده شده است. به منظور کارآسانی، این بخش از استاندارد ISO 25964 اغلب به «اصطلاحات» ارجاع می‌دهد. اما هرگز نباید از نظر دور داشت که هدف از کار با اصطلاحات، بازیابی مفاهیم نهفته در آن‌ها است.

۴-۲. مهار واژگان^۲ و اهداف آن

تعیین یک اصطلاح مرجح مناسب برای بازنمایی مفهومی معین، همیشه آسان نیست، زیرا اغلب، یک مفهوم به بیش از یک شکل بیان می‌شود. علاوه بر این، در گفتار روزمره یک اصطلاح ممکن است بیش از یک معنی داشته باشد. از این رو، مهار واژگان ضرورت می‌یابد و اصطلاح‌نامه‌ها معمولاً به یکی از دو روش اصلی زیر به این هدف دست پیدا می‌کنند.

1. interplay

2. vocabulary control

الف) دامنه اصطلاحات و مفاهیم عمداً به معانی برگزیده محدود می‌شود. برخلاف واژه‌نامه که اصطلاحات آن دارای تعاریف گوناگون مبتنی بر کاربردهای معمول است، هریک از اصطلاحات اصطلاح‌نامه معمولاً به یک معنی واحد که بهتر از بقیه به کار سامانه بازیابی اطلاعات می‌آید، محدود می‌شود. ساختار اصطلاح‌نامه، به‌ویژه شیوه ارائه روابط سلسله‌مراتبی، اغلب اوقات معنی مورد نظر از یک اصطلاح را نشان می‌دهد. در صورتی که این روش به اندازه کافی صریح نباشد، لازم است یک یادداشت دامنه با اصطلاح مورد نظر همراه شود. این یادداشت، معنی برگزیده اصطلاح را بیان می‌کند و گاه ممکن است معانی دیگر آن را که در زبان طبیعی به رسمیت شناخته می‌شوند، اما عمداً و به منظور نمایه‌سازی حذف شده‌اند، نیز بیان کند.

ب) در مواردی که یک مفهوم را بتوان با دو یا چند مترادف یا شبه‌مترادف در یک زبان بیان کرد، معمولاً یکی از این اصطلاحات به عنوان اصطلاح مرجع انتخاب می‌شود و از آن پس، همواره برای نمایه‌سازی یا به شکل ساده به عنوان نخستین یا تنها اصطلاح بیان‌کننده آن مفهوم به کار می‌رود. هریک از مترادف‌های دیگر که می‌توانند به عنوان نقاط دسترسی کاربر به کار روند، نیز باید به اصطلاح مرجع ارجاع داده شوند.

یکی از پیامدهای استفاده از دو روش فوق برای مهار واژگان این است که زبان به دست آمده ممکن است با اولویت‌های کاربر هم‌خوانی نداشته باشد. اصطلاح‌نامه، نقش مهمی در ایجاد ارتباط میان اصطلاحات مورد استفاده در گفتار و اصطلاحاتی که در بازیابی اطلاعات به کار می‌آیند، دارد. برای دستیابی به مزایای بازیابی، لازم است کاربران قدری ساختگی بودن^۱ را در واژگان مهارشده^۲ بپذیرند (گرچه در برخی سامانه‌ها می‌توان با جایگزینی خودکار اصطلاح به کاررفته از سوی کاربر با اصطلاح مرجع مربوط به آن، بر این مشکل پیروز شد).

برای این که اصطلاح‌نامه بتواند در زمینه چندزبانه نیز کارایی بهینه داشته باشد، مفاهیم به کاررفته باید به تمام زبان‌های موجود بازنمایی شده باشند تا گویندگان آن زبان‌ها بتوانند به آن مفاهیم دسترسی داشته باشند. اگر اصطلاح‌نامه، مطابق تعریف این بخش از استاندارد ISO 25964 که الگوی آن در بند ۱۵ آمده است «متقارن»^۳ باشد، هر مفهوم باید اصطلاح

1. artificiality

2. controlled vocabulary

3. symmetrical

مرجیحی در هریک از زبان‌ها داشته و دامنه آن در تمام زبان‌ها یکسان باشد. این شرط، گاه بر ساختگی بودن واژگان می‌افزاید. سایر رویکردها (مثلاً استفاده از نگاشت میان‌واژگان‌ها) در استاندارد ISO 25964-2 شرح داده خواهد شد.

۴-۳. روابط جانشینی در برابر روابط همنشینی

هدف از ایجاد و نمایش روابط نیز، هدایت کاربران (یا عوامل هوشمندی که به جای آنان عمل می‌کنند) به گزینش مناسب‌ترین اصطلاح(ها) برای بیان یک مفهوم معین است. راه دستیابی به این هدف، ارائه اصطلاحاتی است که کاربر ممکن است به جای اصطلاح نخست، یا همراه با آن به کار برد. روش‌های نمایش روابط در بند ۱۲ شرح داده شده‌اند. معمولاً دو نوع رابطه میان اصطلاحات نمایه‌سازی هر زبان مشاهده می‌شود.

الف) روابطی که موجودیت آن‌ها تنها به سبب رخداد مفاهیم در متن سندی معین است، روابط همنشینی نام دارند. زمانی که دو یا چند اصطلاح نمایه‌سازی به یک سند واحد اختصاص یافته باشد، همین عمل رابطه‌ای همنشینی میان آن‌ها برقرار می‌سازد. با این حال، گنجاندن روابط همنشینی در اصطلاح‌نامه توصیه نمی‌شود.

مثال ۱

نمایه‌سازی که با نوشته‌ای درباره «رایانه‌های بانک‌های آمستردام» کار می‌کند، ممکن است سه مفهوم را که به ترتیب با اصطلاحات «بانک (مؤسسه مالی)»، «رایانه» و «آمستردام» بازنمایی شده‌اند، شناسایی کند. او این سه اصطلاح را به سند مورد نظر اختصاص می‌دهد. در یک سامانه پس‌همارا، رابطه این سه اصطلاح به صراحت در فراداده نشان داده نشده است، اما به هر حال، در صورت وارد کردن هریک یا هر سه این اصطلاحات به عنوان کلیدواژه، سند مورد نظر بازایی خواهد شد. در یک نمایه پیش‌همارا، می‌توان مدخلی برای ترکیب این سه اصطلاح ایجاد کرد که به مکانی که سند مورد نظر قابل بازایی است، ارجاع دهد. مفاهیم موجود در این مثال، بر اساس چارچوب‌های ارجاع معمول با یکدیگر ارتباط ندارند و بنابراین روابط متقابل آن‌ها را می‌توان «وابسته به سند»^۱ به شمار آورد.

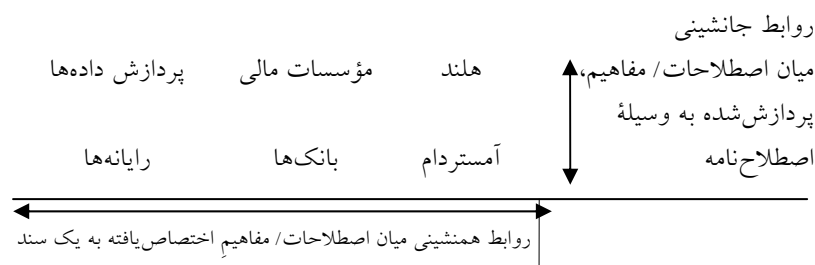
ب) روابطی که تقریباً در تمام متون زمینه‌ای اعتبار دارند، به ویژه اگر ذاتی مفاهیمی باشند که به وسیله اصطلاحات بازنمایی می‌شوند، به نام روابط جانشینی شناخته می‌شوند.

نشان‌دادن روابط جانشینی میان مفاهیم اصطلاح‌نامه از این روی سودمند است که بیشتر اوقات سبب هدایت کاربر به سوی مفاهیم نزدیک به اصطلاحی که نخست به ذهن وی رسیده‌است، می‌شوند.

مثال ۲

با استفاده از مفاهیم مثال قبل، «بانک (مؤسسه مالی)» رابطه‌ای ذاتی با مفهوم اعم «مؤسسات مالی» دارد؛ «رایانه» مستقل از موضوع سند در دست نمایه‌سازی، دارای رابطه قوی همبستگی با «پردازش داده» است؛ و «آمستردام» رابطه جدایی‌ناپذیری با «هلند» دارد. کاربری که یکی از این اصطلاحات مرتبط را جست‌وجو کند، ممکن است به اطلاعات نمایه‌سازی‌شده با اصطلاحات قبلی نیز علاقه‌مند باشد. این روابط جانشینی مستقل از سند هستند. چنین روابطی، به‌طور کلی به رسمیت شناخته شده‌اند و می‌توانند از راه ارجاع‌دهی به نوشتارهای استاندارد مانند واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها پدید آیند.

تفاوت میان این دو نوع رابطه را می‌توان در شکل ۱ نشان داد.



شکل ۱ - روابط جانشینی و همنشینی

۴-۴. انواع روابط جانشینی

سه نوع رابطه جانشینی میان اصطلاحات، الف)، یا مفاهیم، ب) و ج)، باید تعریف و به روشنی از یکدیگر تفکیک شود:

الف) رابطه هم‌ارزی که در هر دو وضعیت تک‌زبانه و چندزبانه مصداق دارد (به ترتیب بندهای ۸ و ۹ را ببینید)؛

ب) رابطه سلسله‌مراتبی (۱۰-۲ را ببینید)؛

ج) رابطه همبستگی (۱۰-۳ را ببینید).

بخش‌های جزئی‌تر این رده‌ها در بندهای ۸ تا ۱۰ بیشتر شرح داده شده است. هریک از این روابط باید به شکل دوسویه برقرار شوند و روابط موجود در اصطلاح‌نامه باید به وسیله سامانه‌ای از برچسب‌ها، نمادها یا کوتاه‌نوشت‌ها، که برای بازنمایی روابط در اصطلاح‌نامه به کار می‌روند، بازنمایی شوند. برچسب‌های متعارفی که در بند ۳ شرح داده شد، در نمونه‌های زیر به کار رفته‌اند.

۵. مفاهیم و دامنه آن‌ها در اصطلاح‌نامه

۵-۱. شالوده مفهومی^۱

۵-۱-۱. کاربرد اصطلاح‌نامه در بازیابی اطلاعات است و هدف از آن جست‌وجوی مفاهیم می‌باشد. همان‌گونه که در بندهای ۴-۱ و ۴-۲ توضیح داده شد، مفاهیم به وسیله اصطلاحات بازنمایی می‌شوند. هر اصطلاح موجود در اصطلاح‌نامه باید یک مفهوم (واحد اندیشه) یکتا را بازنمایی کند. مفاهیم از نوع ساده (مانند «گربه») تا بسیار پیچیده (مانند «تبعیض نژادی در میان اقلیت‌های قومی») متغیرند. معمولاً برای بیان مفاهیم پیچیده‌تر به اصطلاحات یا عبارات مرکب نیاز است. برای شرح گسترده‌تری درباره این مفاهیم، بند ۷ را ببینید.

۵-۱-۲. مفاهیم موجود در یک اصطلاح‌نامه را می‌توان متعلق به مقوله‌های متقابلاً انحصاری مبتنی بر ویژگی‌های مشترک در نظر گرفت. نمونه‌های زیر، این نکته را نشان می‌دهند اما دربرگیرنده همه مقوله‌های ممکن نمی‌باشند.

الف) اشیا و اجزای فیزیکی آن‌ها.

مجموعه مثال ۱

birds
birth certificates^۲
limbs^۳
microforms^۴
monuments^۵
mountain regions^۶

1. conceptual basis

۶. مناطق کوهستانی

۵. بناهای یادبود

۴. ریزنگاشت‌ها

۳. اندام‌های حرکتی

۲. شناسنامه‌ها

توجه: اجزای فیزیکی، خود نیز شیء هستند و می‌توانند اجزای خود را داشته باشند.

(ب) مواد.

مجموعه مثال ۲

adhesives¹
rubber²
titanium

(ف) فعالیت‌ها یا فرایندها.

مجموعه مثال ۳

dressmaking³
fertilization⁴
glaciation⁵
land management⁶

(ب) رخدادها یا پیشامدها.

مجموعه مثال ۴

birthdays⁷
civil wars⁸
revolutions⁹

(ج) ویژگی‌های افراد، اشیاء، مواد یا کنش‌ها.

مجموعه مثال ۵

consciousness¹⁰
elasticity¹¹
personality¹²
speed

(د) رشته‌ها یا زمینه‌های موضوعی.

۱. چسب‌ها	۲. لاستیک	۳. خیاطی	۴. بارورسازی	۵. یخبندان
۶. مدیریت زمین	۷. جشن تولدها	۸. جنگ‌های داخلی	۹. انقلاب‌ها	۱۰. هوشیاری
۱۱. کشسانی	۱۲. شخصیت			

مجموعه مثال ۶

archaeology^۱
organic chemistry^۲
theology^۳

ه) واحدهای اندازه‌گیری.

مجموعه مثال ۷

hertz
kilometres

و) گونه‌های افراد و سازمان‌ها.

مجموعه مثال ۸

Charities^۴
children
international nongovernmental organizations^۵
nations
poets
visually impaired people^۶

۳-۱-۵. موجودیت‌های یگانه‌ای را که به شکل اسامی خاص بیان می‌شوند نیز می‌توان در اصطلاح‌نامه گنجانید، اما آن‌ها را تنها برای اسنادی که درباره آن شخص، سند یا شیء هستند، باید به کار برد. در صورتی که موجودیت بازنمایی شده به وسیله یک اسم خاص، موضوع سند نباشد، اما رابطه دیگری با آن داشته باشد، مثلاً نام پدیدآورنده یا عنوان سند باشد، آن اسم خاص نباید هم‌ردیف اصطلاحات موضوعی فهرست شود، بلکه باید در جای دیگری درج گردد.

اسامی خاص نیز به مقوله‌هایی نظیر آنچه در ۵-۱-۲ آمد، تعلق دارند.

الف) مکان‌ها.

مجموعه مثال ۱

Australia
Milky Way^۷
South Kensington
Sri Lanka

- | | | | |
|-----------------------------------|---------------------------|-------------|---------------------|
| ۱. باستان‌شناسی | ۲. شیمی آلی | ۳. الهیات | ۴. سازمان‌های خبریه |
| ۵. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی | ۶. افراد دارای نقص بینایی | ۷. راه شیری | |

ب) اشیای معین، خصیصه‌های مکان‌نگاری^۱، و موجودیت‌های دیگر.

مجموعه مثال ۲

Magna Carta
Mona Lisa
Nelson's Column
Romeo and Juliet
Skylab

ج) افراد، مناصب سازمانی، و تنالگان‌ها^۲.

مجموعه مثال ۳

Burns, Robert
United Nations Secretary-General^۳
World Health Organization

۲-۵. یادداشت دامنه‌ها

دامنه مطلوب برای یک مفهوم در اصطلاح‌نامه، همیشه شناخته‌شده‌ترین معنی اصطلاح مرجع مربوط به آن (یا هریک از اصطلاحات نامرجع مربوط) در گفتار روزمره نیست. در اصطلاح‌نامه، متن زمینه معمولاً به وسیله سلسله‌مراتب مفاهیم اعم^۴ و اخص^۵ مرتبط با مفهوم مورد نظر شکل می‌گیرد و این امر به روشن‌شدن دامنه مطلوب کمک می‌کند. بیشتر اوقات، می‌توان اصطلاح مرجع مفهوم مورد نظر را به شیوه‌ای بی‌ابهام تدوین کرد تا دامنه مورد نظر را به هر کاربری انتقال دهد (۲-۲-۶ را ببینید). اما در مواردی که این اقدامات، مناسب یا کافی نباشد، یا در جایی که اطلاعات بیشتر بتواند به روشن‌شدن معنی کمک کند و کاربرد آن را یکدست‌تر سازد، باید از یک یادداشت دامنه صریح و روشن استفاده نمود.

یادداشت دامنه را می‌توان برای روشن‌ساختن مرزهای یک مفهوم، به‌ویژه در حالتی که امکان برداشت معنی بیش از حد عام یا بیش از اندازه خاص از اصطلاح مرجع مربوط به آن در گفتار روزمره وجود دارد، یا برای تمایز میان اصطلاحات مرجع دارای معانی متداخل در زبان طبیعی، به کار برد. همچنین از آن می‌توان برای ارائه پیشنهادی دیگر درباره کاربرد اصطلاح به جست‌وجوگر یا نمایه‌ساز، استفاده کرد. یادداشت دامنه لازم

1. topographical features

2. corporate bodies

۳. دبیرکل سازمان ملل متحد

4. broader

5. narrower

نیست تعریفی کامل و دقیق باشد، اما باید کاربرد مورد نظر یک اصطلاح را در اصطلاح‌نامه روشن سازد. انواع دیگر یادداشت‌ها را نیز می‌توان به صورت جداگانه ارائه کرد. برای تعاریف، بند ۳-۲-۶ و برای یادداشت‌های پیشینه، بند ۴-۲-۶ را ببینید. برخلاف توضیح‌گرهای کیفی^۱ مربوط به بند ۲-۲-۶، یادداشت دامنه به عنوان بخشی از اصطلاح مربوط به آن در نظر گرفته نمی‌شود.

مثال ۱

microwave frequencies^۲
SN^۳ 1 GHz to 300 GHz

مثال ۲

تذهیب^۴
ی د تزئینات و نقاشی‌های زینتی نسخ خطی و برخی نسخه‌های اولیه کتاب‌های چاپی، در صورتی که با دست انجام گرفته باشد.

۳-۵. یادداشت دامنه‌های دوسویه^۵

هنگامی که یک یادداشت دامنه به مفاهیم دیگری ارجاع می‌دهد، لازم است برای هریک از آن مفاهیم ذکر شده نیز یادداشت دامنه متقابلی ارائه شود.

1. qualifier

۲. بسامدهای ریزموج

۳. sn: scope note. می‌توان به صورت اختصاری از حروف «ی د» یا «ت» یا «تع» استفاده نمود.

«ی د» از یادداشت دامنه، «ت» و «تع» از تعریف گرفته شده است (مترجم).

4. illuminations

5. reciprocal scope notes

مثال

در زبان انگلیسی: فراورده‌های خوراکی^۱ ی د فقط برای فراورده‌های خوراکی ویژه مصرف انسان به کار برید. برای فراورده‌های ویژه حیوانات، خوراک دام یا خوراک حیوانات را ببینید. خوراک دام^۲ ی د فراورده‌های خوراکی ویژه حیواناتی که به عنوان حیوانات خانگی نگهداری می‌شوند. برای فراورده‌های خوراکی ویژه انسان، فراورده‌های خوراکی را ببینید. برای فراورده‌های ویژه حیوانات غیراهلی، خوراک حیوانات را ببینید. خوراک حیوانات^۳ ی د فراورده‌های خوراکی ویژه حیوانات غیراهلی. برای فراورده‌های ویژه حیوانات اهلی، خوراک دام را ببینید. برای فراورده‌های ویژه مصرف انسان، فراورده‌های خوراکی را ببینید.	در زبان فرانسوی: آمار (statistique) ی د بر علم آمار دلالت می‌کند؛ برای داده‌های آماری واژه "statistiques" را به کار برید. آمار (statistiques) ی د بر داده‌های آماری دلالت می‌کند؛ برای علم آمار واژه "statistique" را به کار برید.
---	---

حتی هنگامی که فقط دامنه یکی از مفاهیم نیاز به روشن‌سازی دارد، افزودن یک یادداشت توضیحی (۱۵-۲-۱۴ را ببینید) درباره محل ذکر هریک از مفاهیم گنجانده شده، مفید خواهد بود. هدف از ارجاعات دوسویه، اطمینان از این نکته است که اگر یکی از مفاهیم تغییر کند یا حذف شود، تأثیر آن بر مفهوم دیگر نیز در نظر گرفته می‌شود.

1. food products

2. petfoods

3. feeds

۶. اصطلاحات اصطلاح‌نامه

۶-۱. شکل اصطلاحات^۱

اصطلاحات برگزیده برای بازنمایی مفاهیم، ممکن است تک‌واژه‌ای یا چندواژه‌ای باشند (بند ۷ را ببینید).

۶-۲. شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی^۲ از اصطلاحات اصطلاح‌نامه

۶-۲-۱. کلیات

در گفتار روزمره، هر اصطلاح ممکن است بیش از یک معنی داشته‌باشد، و شناخته‌شده‌ترین معنی آن ممکن است لزوماً معنی مورد نیاز برای بازنمایی مفهوم مورد نظر در اصطلاح‌نامه نباشد. اگر زمینه متنی پدیدآمده به وسیله سلسله‌مراتب مفاهیم اعم و اخص مربوط به مفهوم مورد نظر برای روشن ساختن دامنه آن ناکافی باشد، تدابیر دیگری باید به کار گرفته‌شود. گذشته از این که تمام اصطلاحات اصطلاح‌نامه باید با کمترین ابهام ممکن بیان شوند، تدوین اصطلاحات مرجح مفاهیم به گونه‌ای که هر کاربری بتواند دامنه مورد نظر آن را دریابد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای نمونه، اصطلاح چندمنظوره «رکود» را می‌توان به تناسب موضوع به شکل‌های «رکود اقتصادی» یا «رکود آب‌وهوایی»^۳ بازنویسی کرد. گزینه دیگر، استفاده از توضیح‌گرهای کیفی (۶-۲-۲) را ببینید) است. در مواردی که این اقدامات نامناسب یا ناکافی باشند، یا افزودن اطلاعات بیشتر به روشن شدن معنی و هم‌خوانی کاربردهای اصطلاح کمک کند، بهتر است از یک یادداشت دامنه صریح^۴ استفاده شود (۵-۲ را ببینید).

۶-۲-۲. هم‌نویسه‌ها و توضیح‌گرهای کیفی

هم‌نویسه‌ها (که گاه با اصطلاح اعم «هم‌نام‌ها» شناخته می‌شوند) واژه‌هایی با نوشتار یکسان اما معنی متفاوتند.

1. form of terms

2. disambiguation

۳. توده هوای کم‌فشار

4. explicit scope note

مثال ۱

Crane (این کلمه در زبان انگلیسی هم به معنی نوعی پرنده و هم به معنی جرثقیل است).

هنگام نیاز به درج هم‌نویسه‌ها به عنوان اصطلاح در اصطلاح‌نامه، معنی هر اصطلاح باید روشن گردد. روش مرسوم انجام این کار، افزودن یک توضیحگر کیفی به آن در داخل کمان است. توضیحگر کیفی باید در حد امکان کوتاه و در بهترین حالت از یک واژه تشکیل شده باشد. توضیحگر کیفی، که اغلب اوقات اصطلاحی اعم است، باید زمینه متنی یا حوزه موضوعی را که مفهوم به آن تعلق دارد، مشخص کند. توضیحگر کیفی بخشی از اصطلاح را تشکیل می‌دهد و نمی‌تواند به عنوان یادداشت دامنه به کار رود (۵-۲ را ببینید).

مثال ۲

Cranes (پرندگان)
Cranes (وسیله بلند کردن بار)

برای هر یک از اصطلاحات هم‌نوشتار^۱، یک توضیحگر کیفی لازم است، حتی اگر یکی از معانی آن در زمینه متنی اصطلاح‌نامه شناخته‌شده‌تر از بقیه باشد. برای نمونه، در زبان انگلیسی "beam" (تیر ساختمان) در یک اصطلاح‌نامه مهندسی که اصطلاح "beam" (تابش) را نیز در خود دارد، اصطلاح مرجح مناسبی به شمار می‌رود. یا برای نمونه در زبان فرانسوی، "eau" (آب: نوشیدنی) در یک اصطلاح‌نامه محیط زیست که "eau" (آب: زیستگاه) را نیز شامل می‌شود، اصطلاح مرجح مناسبی است.

اگر در یک اصطلاح‌نامه تخصصی، تنها یکی از اصطلاحات هم‌نوشتار به کار رود و معنی آن برای کاربران اصطلاح‌نامه بدیهی باشد، می‌توان توضیحگر کیفی را برداشت. با این حال، لازم است به این نکته توجه شود که ممکن است دامنه اصطلاح‌نامه در آینده گسترش یابد یا به تعامل‌پذیری با واژگان‌های دیگر با دامنه‌های دیگر نیاز پیدا کند.

از آن جا که توضیحگرهای کیفی کاربرد اصطلاح را با دشواری همراه می‌سازند، و با توجه به این که برخی سامانه‌های الکترونیکی در استفاده از آن‌ها دچار مشکل می‌شوند،

1. homographic terms

بهتر است در صورت دسترسی به روش دیگری برای ابهام‌زدایی، از به‌کارگیری آن‌ها (به‌ویژه در اصطلاحات مرجع) خودداری کرد. به همین سبب، اصطلاح چندواژه‌ای مرکبی که در زبان طبیعی به کار می‌رود، بر یک اصطلاح تک‌واژه‌ای همراه با توضیحگر کیفی برتری دارد.

مثال ۳

برای نمونه «نیروگاه‌های صنعتی»^۱ بر «نیروگاه‌ها (تأسیسات)»^۲ برتری دارد. اما می‌توان اصطلاح دوم را به عنوان اصطلاح نامرجح درج کرد.

توضیحگرهای کیفی درون کمان نباید برای بیان اصطلاح به شکل وارونه به کار روند.

مثال ۴

برای نمونه، شکل‌های وارونه ^۳"fish" cookery و ^۴"Pens (fountain)" نادرست هستند و به جای آن‌ها باید شکل‌های مستقیم ^۵"fish cookery" و ^۶"fountain pens" را به کار برد. در مثال اخیر، "خودنویس" برای نشان دادن نوعی قلم به کار رفته است، نه برای ابهام‌زدایی از واژه قلم. (درباره ترتیب واژه‌ها در اصطلاحات چندواژه‌ای بند ۷-۷ را ببینید). کاربردهای مناسب توضیحگرهای کیفی همراه با اصطلاح "pens" در زبان انگلیسی عبارت است از: "pen" (محوطه) و "pen" (اسباب نگارش). کاربردهای درست توضیحگرهای کیفی همراه با اصطلاح "audition" در زبان فرانسوی عبارت است از: "audition" (فیزیولوژی) و "audition" (ارتباطات).

در مورد سرنام‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها، که بیشتر اوقات هم‌نویسه‌اند، توضیحگر کیفی باید شکل کامل اصطلاح باشد (۶-۶-۸ را نیز ببینید). توضیحگرهای کیفی همراه با سرنام‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها، تنها هنگامی باید به کار روند که معنی آن‌ها برای کاربران اصطلاح‌نامه مبهم باشد، به بیان دیگر، هنگامی که در قلمرو موضوعی اصطلاح‌نامه مورد نظر یا در زبان متداول معنی دیگری داشته باشند.

1. industrial plants

2. plants (facilities)

۶. قلم‌های خودنویس

۵. آشپزی با ماهی

۴. قلم (خودنویس)

۳. آشپزی (ماهی)

۶-۲-۳. تعاریف^۱

برای روشن ساختن چگونگی کاربرد اصطلاح مرجح، معمولاً نیاز به یک تعریف کامل نیست. با این حال، اگر به هر دلیل به تعریف نیاز باشد، باید فیلد یادداشت دیگری برای تعاریف ایجاد شود تا با یادداشت دامنه اشتباه گرفته نشوند. منبع هر تعریف باید در کنار آن ذکر شود.

مثال

Chiaroscuro^۲ تعریف^۳ سبکی از هنر تصویری که در آن تنها نور و سایه نمایش داده می‌شوند (OED)

توجه: منظور از "OED" واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد (www.oed.com) است. سرنام‌های به‌کاررفته در تعاریف یا یادداشت دامنه‌های اصطلاح‌نامه از این دست، باید در مقدمه اصطلاح‌نامه شرح داده شود (۴-۱۳ را ببینید).

۶-۲-۴. یادداشت پیشینه^۳

هنگامی که اصطلاح‌نامه به روزرسانی می‌شود، تغییرات ایجادشده در اصطلاحات می‌تواند به امکان بازیابی یک مفهوم آسیب برساند. در چنین مواردی می‌توان از یادداشت پیشینه استفاده کرد.

یادداشت پیشینه ممکن است برای یک اصطلاح مرجح یا نامرجح، یا برای یک مفهوم به کار رود. هنگامی باید از یادداشت پیشینه استفاده کرد که اصطلاح مرجح تازه‌ای به اصطلاح‌نامه افزوده شده باشد یا تغییر پدیدآمده در یک اصطلاح موجود، بر دامنه مفهوم مربوط به آن در دوره‌های زمانی مختلف کاربرد آن، اثر نهاده باشد. گرچه می‌توان این اطلاعات را در یادداشت دامنه نیز گنجاند، بهتر است از یک یادداشت پیشینه جداگانه بهره گرفت. یادداشت پیشینه می‌تواند تاریخ تغییر را نیز ثبت کند یا درباره شیوه جست‌وجوی مفهوم مورد نظر در دوره‌های زمانی قبل یا بعدتر، پیشنهادهای تخصصی‌تری ارائه دهد.

1. definitions

۲. chiaroscuro کیازسکورو؛ سایه‌روشن‌کاری. اصطلاحی ایتالیایی است برای نشان دادن روش کاربست رنگسایه‌های تیره و روشن به منظور بازنمایی حجم اشیاء و جانداران و وضعیت آن‌ها در ارتباط با فضای معین و نیز برای ایجاد جلوه‌های هیجان‌انگیز (مترجم)

3. def (definition)

4. history note

مثال ۱

microwave ovens¹
HN² Concept introduced 1985

مثال ۲

notebook computers³
HN Term introduced 1999; prior to that use "laptop computers"⁴

۳-۶. صورت دستوری اصطلاحات

۱-۳-۶. اسامی و عبارت‌های اسمی^۵

اصطلاحات اصطلاح‌نامه باید ترجیحاً از یک اسم یا عبارت اسمی ساخته شده باشند. اسامی مصدر که اسامی فعلی هستند نیز در این دسته جای دارند (۶-۳-۴ را ببینید). در زبان انگلیسی (و زبان‌های دیگر مانند آلمانی، فرانسوی و دیگر زبان‌های لاتین) عبارات اسمی به دو شکل ظاهر می‌شوند:

الف) عبارت صفتی^۶ (شامل مواردی که یک اسم یا مضاف الیه، نقش صفت می‌گیرد)

مجموعه مثال ۱

Burkitt's lymphoma⁷
cold fusion⁸
environmental luminosity⁹
stone walls¹⁰
tropical diseases¹¹

ب) عبارات حرف اضافه‌ای^{۱۲}

مجموعه مثال ۲

accessories after the fact¹³
hospitals for children¹⁴
prisoners of war¹⁵

۱. تندپرها ۲. HN اختصار History Note (یادداشت پیشینه) است.

۳. رایانه‌های کتابی

۴. این اصطلاح در سال ۱۹۹۹ پدید آمد؛ پیش از این تاریخ، اصطلاح «رایانه کیفی» را به کار برید.

5. noun phrases

6. adjective phrases

۷. غدد لنفاوی برکیت ۸. همجوشی سرد ۹. روشنایی محیطی ۱۰. دیوارهای سنگی

۱۱. بیماری‌های استوایی

12. prepositional phrases

۱۳. همدست پس از وقوع جرم ۱۴. بیمارستان برای کودکان ۱۵. زندانیان جنگ

به سبب این که ترکیب‌های اضافی معمولاً باعث طویل و دست‌وپاگیر شدن اصطلاحات می‌شوند، بهتر است تا حد ممکن، به‌ویژه در مورد اصطلاحات مرجح، از به‌کارگیری آن‌ها خودداری کرد. برای نمونه، به جای «سوخت و ساز مربوط به کربوهیدرات‌ها»^۱ از «سوخت و ساز کربوهیدرات‌ها»^۲ استفاده شود (گرچه اصطلاح اول را همچنان می‌توان به عنوان اصطلاح نامرجح پذیرفت).

در برخی زبان‌های دیگر مانند زبان چینی، عبارات حرف اضافه‌ای وجود ندارد، اما انواع دیگر عبارات اسمی موجودند و باید به کار روند.

۶-۳-۲. صفت‌ها^۳

صفت‌ها به عنوان اجزای عبارت‌های اسمی سودمندند، اما اگر به تنهایی به کار روند، می‌توانند منشأ مشکلاتی در بازیابی اطلاعات شوند. جست‌وجوی مقاله‌ای با موضوع «کاربرد چراغ قرمز به عنوان علامت خطر برای پل‌های کم‌ارتفاع»، که با اصطلاحات صفتی همچون «قرمز» یا «کم‌ارتفاع» نمایه‌سازی شده‌باشد، ممکن است به بازیابی اطلاعاتی دربارهٔ پل‌های قرمز و یا چراغ‌های کم‌ارتفاع منتهی شود.

به همین سبب، باید از به‌کارگیری صفت‌ها به عنوان اصطلاح‌های اصطلاح‌نامه، خودداری کرد. همین ملاحظه دربارهٔ صفت‌هایی که به شکل اسم درآمده‌اند، مانند «قرمز» که به «قرمزی» تبدیل می‌شود، نیز صادق است.

در مواردی که دلایل محکمی وجود داشته‌باشد، مثلاً در اصطلاح‌نامه‌ای که گزارش‌های مربوط به علائم بیماری‌ها در آن نمایه‌سازی شده‌اند، یا در مورد تصاویر و سایر مجموعه‌های غیرمتنی، که صفات وصف‌کنندهٔ ظاهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، می‌توان این قاعده را نادیده گرفت.

مثال

dark red large oval smooth

۶-۳-۳. قیدها^۱

قیدهایی چون «خیلی» یا «بسیار» را نباید به عنوان اصطلاح در اصطلاح‌نامه به کار برد. عبارات دارای قید را نیز نباید به عنوان اصطلاح در اصطلاح‌نامه گنجاند، مگر این که معنی ویژه‌ای یافته باشند.

مثال

very high frequency^۲
very large scale integration^۳

۶-۳-۴. فعل‌ها^۴

در زبان انگلیسی، افعالی که به شکل مصدر یا وجه وصفی بیان می‌شوند، نباید به تنهایی به عنوان اصطلاح در اصطلاح‌نامه درج شوند، مگر این که به شکل اسم مصدر^۵ (مثلاً «بافندگی» یا «اشاعه») بیان شوند. کنش‌ها را باید با اسم یا اسم مصدر بازنمایی کرد. در برخی زبان‌های دیگر، ممکن است مصدر نیز قابل پذیرش باشد و این قاعده را می‌توان مطابق با قراردادهای مرسوم و پذیرفته‌شده نمایه‌سازی تغییر داد.

مثال

cooking or cookery^۶ (not "cook", "to cook", "cooked", etc.)
distillation (not "distil")^۷
swimming (not "swim")

۶-۳-۵. حروف تعریف آغازین^۸**۶-۳-۵-۱. حذف**

به‌طور کلی باید از به‌کارگیری حروف تعریف آغازین در اصطلاحات اصطلاح‌نامه خودداری کرد. در صورت نیاز، از توضیح‌گرهای کیفی داخل کمان استفاده شود.

1. adverbs

۳. ادغام در مقیاس بسیار وسیع

۲. بسامد بسیار بالا

4. verbs

5. gerund

۷. تقطیر (نه تقطیر کردن)

۶. آشپزی

8. initial articles

مثال

arts	rather than ¹	the arts
state (political entity) ²	rather than	the state

۶-۳-۵. نگهداری^۳

در صورتی که حرف تعریف آغازین بخشی جدانشدنی از یک نام خاص باشد و وجود آن در عبارت جست‌وجو لازم باشد، باید به همان ترتیب در اصطلاح مورد نظر گنجانده شود. در غیر این صورت، باید آن را حذف یا اصطلاح را به ترتیب عکس درج کرد. اگر حذف حرف تعریف منجر به ابهام شود، لازم است از توضیحگر کیفی استفاده کنیم. این که آیا حرف تعریف بخشی جدانشدنی از اسم است یا نه، به زبان و زمینه متنی مورد نظر بستگی دارد. در نمونه‌های زیر، انگلیسی، زبان پیش‌فرض اصطلاح‌نامه در نظر گرفته شده است.

مثال ۱

El Niño
Le Havre
Los Angeles
Needles (Isle of Wight)
The Who (rock music group) ⁴

در مواردی که یک اصطلاح ممکن است با یا بدون حرف تعریف خود جست‌وجو شود، لازم است ارجاعی از شکل نامرجح آن به شکل دیگر داده شود.

مثال ۲

Salvador (country)	USE	El Salvador
The Needles	USE	Needles (Isle of Wight)
Who, The	USE	The Who (rock music group)

۲. کشور (موجودیت سیاسی)

۱. به جای

3. retention

۴. گروه موسیقی راک

۶-۴. نوشتن با حروف بزرگ، نقطه‌گذاری و علائم ویژه

۶-۴-۱. نوشتن با حروف بزرگ

سبک ارائه اصطلاحات در اصطلاح‌نامه باید یکنواخت باشد. در این بخش از استاندارد ISO 25964 همه جا از حروف کوچک استفاده شده‌است، به جز مواردی که در آغاز اسامی خاص به حروف بزرگ نیاز بود. از آن جا که رایانه‌ها دیگر محدود به استفاده از حروف بزرگ نیستند، می‌توان حروف کوچک یا حروف کوچک را همراه با حروف آغازین بزرگ به کار برد.

موارد استثنا بر این قاعده، کوتاه‌نوشت‌ها، سرنام‌ها، نام‌های خاص یا اصطلاحاتی هستند که به صورت قراردادی به سبک ویژه‌ای نوشته می‌شوند. در چنین مواردی، باید سبکی که از سوی کاربران احتمالی اصطلاح‌نامه پذیرفته‌شده‌تر به نظر می‌رسد، به کار رود.

مثال

British Airways Plc
ActiveX
DNA
NPK fertilizers
pH
photocopies

۶-۴-۲. نویسه‌های غیرالفبایی^۱

استفاده از علائم نقطه‌گذاری، اعراب‌ها و دیگر نویسه‌های ویژه می‌تواند مشکلاتی در ورود اصطلاحات، همچنین مرتب‌سازی و پردازش آن‌ها هنگام جست‌وجو پدید آورد. اپستروف، کمان، خط تیره و نویسه‌های عددی سبب پیچیده‌شدن عبارت جست‌وجو می‌شوند. استفاده از چنین نویسه‌هایی را، به ویژه در اصطلاحات مرجع، باید به کمترین میزان رساند.

مجموعه مثال ۱ (خودداری از به‌کارگیری نویسه‌های ویژه)

در زبان انگلیسی:

beta rays	Not	β-rays
databases	Not	data-bases
nonfiction	Not	non-fiction
research and development	Not	research & development

در زبان فرانسوی:

rayon bêta	au lieu de	rayon β
recherche et développement	au lieu de	recherche & développement

با این حال، از آن رو که نمی‌توان این نویسه‌ها را به‌طور کامل کنار گذاشت، ناگزیر در مواردی که حذف آن‌ها سبب ایجاد ابهام یا اشکال دستوری در اصطلاح شود یا آن را از نظر جامعه کاربر اصطلاح‌نامه نپذیرفتنی سازد، به‌ویژه در مورد کوتاه‌نوشت‌ها، نام‌های شیمیایی، اسامی خاص و نشان‌های تجاری، یا در صورتی که این اصطلاحات به واژگانی استاندارد در همان قلمرو موضوعی تعلق داشته‌باشند، حفظ می‌شوند. برای اصطلاح‌نامه‌های زبان‌های غیرانگلیسی، اغلب اوقات استفاده از اعراب‌ها ضروری است.

مجموعه مثال ۲ (مواردی که نمی‌توان نویسه‌های ویژه را کنار گذاشت)

در زبان انگلیسی:

2,4-D
bis(tributyltin) oxide
Boyle's law
Burkitt's lymphoma
X-rays

در زبان فرانسوی:

2,4-D
oxyde de bis(tributylétain)

خط تیره و اعراب باید در اصطلاحات نامرجح نیز حفظ شود، به‌ویژه هنگامی که این اصطلاحات به عنوان گزینه‌های نوشتاری پذیرفته‌شده در زبان اصطلاح‌نامه به کار می‌روند.

مجموعه مثال ۳ (حفظ نویسه‌های ویژه در اصطلاحات نامرجح)

در زبان انگلیسی:

non-fiction	USE	nonfiction
résumés	USE	resumes

در زبان فرانسوی:

contre-marche	EM	contremarche
contre-plaqué	EM	contreplaqué

هرجا ممکن باشد (نه در مورد نام‌های شیمیایی یا در مواردی که بخشی جدایی‌ناپذیر از اصطلاح را تشکیل دهند) استفاده از کمان را باید به توضیحگرهای کیفی محدود کرد.

۶-۵. وجوه مفرد^۱ یا جمع^۲۶-۵-۱. عوامل فرهنگی و زبان‌شناختی^۳

در زبان‌های طبیعی گوناگون، قراردادهای گوناگونی درباره کاربرد وجوه جمع و مفرد وجود دارد. در برخی جوامع زبانی، مثلاً آلمانی و فرانسوی، نمایه‌سازان به استفاده از وجه مفرد تمایل دارند، تا کاربر بتواند از اصطلاح‌نامه همانند واژه‌نامه بهره گیرد. اما در زبان‌هایی مانند انگلیسی و اسپانیایی، معمولاً بر پایه قابل شمارش یا غیرقابل شمارش بودن اصطلاح مورد نظر تصمیم‌گیری می‌کنند. این قرارداد، به تمایز میان فرایندی مانند «نقاشی» که تنها دارای شکل مفرد است، و دستاورد همان فرایند، یعنی «نقاشی‌ها» کمک می‌کند. شکل اصطلاح در هر زبان باید بر اساس قراردادهای همان زبان تعیین شود. در نتیجه این کار، ممکن است در یک اصطلاح‌نامه چندزبانه، مدخل‌های مفرد در زبان فرانسه یا آلمانی، معادل‌هایی به صورت جمع در زبان انگلیسی داشته باشند.

مثال

fr: maison
de: Haus
en: houses
es: casas

۶-۵-۲. شیوه برخورد با اسامی قابل شمارش در زبان انگلیسی و اسپانیایی

توجه: دستورالعمل‌های آمده در این بند برای زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی کاربرد دارند، نه برای زبان‌های آلمانی و فرانسوی. درباره زبان‌های دیگر، بهترین راه بررسی شیوه‌های به کارگرفته شده در رایج‌ترین اصطلاح‌نامه‌های آن زبان است. اسامی قابل شمارش، نام موجودات قابل شمارش هستند که پرسش «چند تا؟»، و نه «چه قدر؟» درباره آن‌ها قابل طرح است. این اسامی باید در وجه جمع بیان شوند.

مجموعه مثال ۱ (اسامی قابل شمارش)

documents
penguins
political parties ^۴
windows

1. singular

2. plural

3. linguistic

۴. احزاب سیاسی

از موارد استثنای این قاعده، نام اندام‌های بدن است که معمولاً در وجه مفرد بیان می‌شوند.

مجموعه مثال ۲

digestive system^۱
eye
head

استثنای دیگر، نام اندامگان زنده است. بسیاری از گونه‌ها، مانند *Escherichia coli*^۲ یا *Euonymus Fortunei*^۳ نام متداولی ندارند و تنها با نام علمی خود شناخته می‌شوند، که بر اساس قرارداد به زبان لاتین و در وجه مفرد بیان می‌شود. برای حفظ یکنواختی، هنگامی که نام‌های لاتین^۴ و نام‌های پذیرفته‌شده در زبان انگلیسی در یک متن با هم حضور دارند، می‌توان در سراسر متن از وجه مفرد استفاده کرد. اما استفاده از وجه مفرد، الزامی نیست و در واقع ویراستاران اصطلاح‌نامه ممکن است وجه جمع را ترجیح دهند، برای نمونه «گورخرها»^۵، «وال‌ها»^۶ یا «نرگس‌ها»^۷ را ترجیح دهند. مهم این است که یک قرارداد ثابت در سراسر متن به کار رود.

هنگام استفاده از یک واژگان مهارشده برای نام‌گذاری اشیای موزه، معمولاً وجه مفرد نام‌ها به کار می‌رود. اما در مجموع، مفاهیم معمولاً بر مقوله‌های اشیا دلالت دارند و نه بر اشیای منفرد و بنابراین وجه جمع مناسب‌تر است. یک شیء به تنهایی ممکن است «صندلی» نام داشته‌باشد، اما مقوله‌ای که امکان جست‌وجوی آن از سوی کاربر وجود دارد، مقوله «صندلی‌ها» است. استفاده از وجه جمع اصطلاحات مرجع در چنین مواردی می‌تواند بر یکنواختی اصطلاح‌نامه بیفزاید، تا آن اصطلاح‌نامه را بتوان علاوه بر اشیای موزه برای انواع دیگر منابع اطلاعاتی به کار برد.

۳-۵-۶. شیوه برخورد با نام‌های غیر قابل شمارش در زبان انگلیسی و اسپانیایی

توجه: دستورالعمل‌های آمده در این بند برای زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی کاربرد دارند، نه برای زبان‌های آلمانی و فرانسوی. درباره زبان‌های دیگر، بهترین راه بررسی شیوه‌های به کارگرفته‌شده در رایج‌ترین اصطلاح‌نامه‌های آن زبان است.

۱. دستگاه گوارش

۲. اشریشیاکولی

۳. اوونیموس فورتونی. شمشاد پیچ که نام انگلیسی آن wintercreeper است (مترجم)

4. Latin names

5. zebras

6. whales

7. daffodils

اسامی غیرقابل شمارش، نام موجودات غیرقابل شمارش هستند که پرسش «چه قدر؟»، و نه «چند تا؟» درباره آن‌ها قابل طرح است. این اسامی معمولاً باید در وجه مفرد بیان شوند.

مجموعه مثال ۱

cotton
aluminium
steam

اما اگر جامعه کاربر مخاطب اصطلاح‌نامه، ماده یا جسمی را به عنوان رده‌ای با بیش از یک عضو بشناسد، آن رده را باید به صورت جمع بیان کرد.

مجموعه مثال ۲

grasses
poisons^۱
steels

نام پدیده‌های انتزاعی، ویژگی‌ها، نظام‌های اعتقادی، کنش‌ها و رشته‌های علمی معمولاً نام‌های غیرقابل شمارش می‌باشند که باید در وجه مفرد بیان شوند.

مجموعه مثال ۳

پدیده‌های انتزاعی: winter, personality
ویژگی‌ها: solubility^۴, opacity^۳, brittleness^۲
نظام‌های اعتقادی: communism, Shintoism, Catholicism
کنش‌ها یا فرایندها: shrinkage^۷, immigration^۶, cutting^۵
رشته‌های علمی: sociology^۹, astronomy^۸

اما زمانی که یک مفهوم انتزاعی^{۱۰} به عنوان رده‌ای با بیش از یک عضو شناخته شده‌باشد، اصطلاح بازنماینده آن رده باید در وجه جمع بیان شود.

۱. سموم	۲. شکنندگی	۳. کدری
۴. قابلیت انحلال	۵. بُرش	۶. مهاجرت
۷. آبرفتن	۸. ستاره‌شناسی	۹. جامعه‌شناسی
10. abstract concept		

مجموعه مثال ۴ (موارد استثنای دیگر)

chemical reactions¹
intelligence tests²
physical sciences³

۶-۵-۴. همزیستی جمع و مفرد

در هر زبانی، هر جا وجوه جمع و مفرد یک اصطلاح بر مفاهیم متفاوتی دلالت کنند، هر دو باید در اصطلاح‌نامه ذکر شوند. تفاوت میان آن‌ها را باید با افزودن یک یادداشت دامنه و در صورت امکان واژه یا عبارتی توصیفی، پررنگ‌تر کرد.

مثال ۱

در زبان انگلیسی:	wood (material) woods (areas of woodland) ⁵
در زبان فرانسوی:	statistique (science) ⁶ statistiques (données) ⁷

توضیحگر کیفی افزوده‌شده، به جزئی از آن اصطلاح تبدیل می‌شود و یادداشت دامنه به حساب نمی‌آید (۵-۲ را ببینید).

در مواردی که وجوه جمع و مفرد بر مفهوم مشترکی دلالت دارند، اما نوشتار آن دو چنان متفاوت است که در فهرست الفبایی، اصطلاحات نامرتبط میان‌شان فاصله می‌اندازد، لازم است از وجه نامرجح به مرجح ارجاع داده‌شود.

مثال ۲

در زبان انگلیسی:	mouse	USE	mice
در زبان فرانسوی:	yeux ⁸	EM	oeil ⁹

- | | | |
|--------------------------|-----------------------------|-------------------|
| ۱. واکنش‌های شیمیایی | ۲. آزمون‌های هوش | ۳. علوم فیزیکی |
| ۵. نواحی درختزار | ۶. علم آمار | ۷. داده‌های آماری |
| ۸. چشم (در زبان فرانسوی) | ۹. چشم‌ها (در زبان فرانسوی) | 4. coexistence |

هنگامی که وجوه جمع و مفرد بر مفهوم واحدی دلالت دارند و نوشتار آن‌ها تفاوت اندکی دارد، مثلاً در مورد "apron" و "aprons"، معمولاً فقط مدخلی برای اصطلاح مرجح در نظر گرفته می‌شود. اما در مواردی که احتمال جست‌وجو به وسیله رایانه وجود دارد، می‌توان وجه نامرجح را نیز به عنوان اصطلاح کمکی وارد کرد.

۶-۶. انتخاب صورت مرجح^۱

۶-۶-۱. کلیات

گاه در یک زبان بیش از یک اصطلاح برای بازنمایی مفهومی واحد وجود دارد. وقتی چند اصطلاح برای بیان یک مفهوم وجود داشته‌باشد، یکی از آن‌ها را باید به عنوان اصطلاح مرجح و بقیه را اصطلاح نامرجح اعلام کرد (بند ۸ را ببینید). درباره وضعیت مشابه میان چند زبان مختلف، در بند ۹ توضیح داده شده‌است. در مواردی که چند گزینه مترادف وجود دارد، انتخاب اصطلاح مرجح باید بر اساس ارجح بودن در جامعه مخاطب اصطلاح‌نامه انجام گیرد (البته با توجه به پرهیز از ابهام و زبانی که از نظر برخی کاربران توهین‌آمیز باشد).

۶-۶-۲. املاء^۲

پذیرفته‌شده‌ترین املاي واژه را باید به عنوان اصطلاح مرجح در نظر گرفت. در صورتی که املاهای پذیرفته‌شده دیگری نیز وجود داشته‌باشد، تک تک آن‌ها را باید به عنوان اصطلاح نامرجح در اصطلاح‌نامه وارد کرد و از اصطلاحات نامرجح به اصطلاح مرجح ارجاع داد.

مثال ۱

در زبان انگلیسی:		
Roumania Rumania	USE USE	Romania ^۳ Romania
در زبان فرانسوی:		
Lithuanie	EM	Lituanie ^۴

1. preferred form

2. spelling

۴. لیتوانی

۳. رومانی

مثال ۲

در زبان انگلیسی:		
non-fiction	USE	nonfiction
در زبان فرانسوی:		
co-voiturage	EM	covoiturage ^۱

در صورت امکان، املاهای اصطلاحات باید از رویهٔ یک واژه‌نامه یا فرهنگ لغت کاملاً پذیرفته‌شده در زبان مربوط پیروی کند. اگر به سبب وجود گویش‌های گوناگون، ناچار به گزینش از میان انواع گوناگون نوشتار باشیم (برای نمونه، میان گویش آمریکایی و بریتانیایی) باید منبع انتخاب‌شده را در مقدمهٔ اصطلاحنامه (۱۳-۴ را ببینید) ذکر کرد و در سراسر متن به این انتخاب وفادار ماند.

اما نام‌های خاص ممکن است ناهم‌خوانی‌هایی در رویهٔ املاهای پدید آورند که قابل پذیرش است، زیرا آن‌ها را باید مطابق روش شخص صاحب آن نام یا مراجع شناخته‌شده، مانند فهرست مستند مجازی بین‌المللی نام^۲ نوشت. مجموعه مثال ۳ را که به جز نام‌های خاص از املاهای بریتانیایی برای اصطلاحات استفاده می‌کند، ببینید.

مجموعه مثال ۳

colour	UF	color
defence	UF	defense
Department of Defense	(a US government department)	
Ministry of Defence	(a UK government department)	

واژه‌هایی با املاهای غلط، در اصطلاحات مرجع قابل پذیرش نیستند. با این حال، برخی اشتباه‌های املاهای چنان متداول شده‌اند که می‌توانند به عنوان مدخل‌هایی سودمند، به‌ویژه در اصطلاحنامه‌های الکترونیک به کار آیند و می‌توان آن‌ها را به عنوان اصطلاحات نامرجح یا جزئی از آن‌ها به کار برد.

۱. به اشتراک گذاشتن خودرو

۲. VIAF پروژه‌ای مشترک میان چندین کتابخانه ملی است (در زمان تهیهٔ این بخش از ISO 25964، ۱۷ کتابخانه در تهیهٔ بیش از ۱۳ میلیون نام معتبر اشخاص شرکت داشتند) که از سوی OCLC میزبانی شده و در آدرس <http://viaf.org/> قابل دسترسی است.

مثال ۴

در زبان انگلیسی:	
abattoirs ¹	
UF	abatoirs abbatoirs abbattoirs
در زبان فرانسوی:	
Mitterrand François	
EP	<i>Mitterrand François</i>

مدخل‌های دارای غلط املایی را تنها باید در موارد زیر به کار برد:

الف) املای نادرست مذکور به اندازه کافی متداول باشد؛ و
 ب) احتمال این که املای نادرست به اصطلاحی غیر از اصطلاح مرجع ارائه شده مرتبط شود، وجود نداشته باشد.
 این مدخل‌ها باید به شکلی علامت‌گذاری شوند که مشخص شود دارای املای نادرست هستند. یک راه نشان دادن این موضوع، جایگزین کردن برچسب MS (به معنای املای نادرست)^۲ به جای UF (به معنای به کار برید به جای) به عنوان برچسب ورودی است.

هنگامی که واژه‌های دارای املای نادرست به عنوان اصطلاحات نامرجح وارد می‌شوند، می‌توان مدخل‌های دارای املای نادرست را به این سبب که به دانش کاربر درباره مفهوم مورد نظر چیزی اضافه نمی‌کنند، از نمایش‌های الکترونیک یا چاپی حذف کرد، اما آن‌ها را در نسخه‌های الکترونیکی که برای تفسیر اصطلاح جست‌وجوی وارد شده از سوی کاربر استفاده می‌شوند، باقی گذاشت.

۳-۶-۶. اصطلاحات وام‌گرفته^۲ و ترجمه آن‌ها

اصطلاحات وام‌گرفته شده، در صورتی که کاملاً در زبان مقصد پذیرفته شده باشند، می‌توانند به عنوان اصطلاح مرجع به کار روند. (۳-۳-۳-۹ و ۲-۳-۳-۹ را نیز ببینید).

۱. کشتارگاه‌ها

2. misspelling

3. loan terms

مجموعه مثال ۱ (اصطلاحات وام‌گرفته)

در زبان انگلیسی:	bouquets ¹ gestalt therapy ² ombudsmen ³
در زبان فرانسوی:	handball permafrost ⁴ pizza

گاهی اوقات، اصطلاح وام‌گرفته و ترجمه‌ای قراردادی از آن، هر دو، در زبان مقصد وجود دارند. در صورتی که اصطلاح وام‌گرفته پذیرفته‌شده‌تر باشد، باید همان را به عنوان اصطلاح مرجع برگزید، اما اگر ترجمه آن بیشتر رواج یافته باشد، از آن ترجمه به عنوان اصطلاح مرجع استفاده می‌شود. در هر حال، لازم است میان این دو اصطلاح، ارجاع دوسویه وجود داشته‌باشد.

مجموعه مثال ۲ (اصطلاحات وام‌گرفته همراه با ترجمه)

در زبان انگلیسی:	coiffeurs ⁵ USE hairdressers
	hairdressers UF coiffeurs
	abattoirs UF slaughterhouses
	slaughterhouses USE abattoirs
در زبان فرانسوی:	baladodiffusion EP podcast
	podcast EM baladodiffusion

۳. بازرسان ویژه
۵. آرایشگران

۲. گشتالت درمانی

۱. دسته گل

۴. لایه منجمد دائمی اعماق زمین

۶-۶-۴. ترجمه حرف به حرف^۱

هنگام ترجمه حرف به حرف اصطلاحات از زبان‌هایی با الفبای متفاوت، باید از طرحواره‌ای شناخته‌شده و مورد پذیرش بهره گرفت و طرحواره به‌کاررفته را در مقدمه اصطلاح‌نامه معرفی کرد. برخی طرحواره‌های مرتبط را می‌توان در بخش مراجع [۲۷] و نشریات استاندارد فهرست‌شده در بخش کتاب‌شناسی پیدا کرد. بند ۱۲-۴ را نیز، که به مباحث رمزگذاری به زبان ماشین مربوط به استفاده از خط الرسم‌های متفاوت می‌پردازد، ببینید.

۶-۶-۵. نوواژه‌ها^۲، اصطلاحات عامیانه^۳ و واژگان صنفی^۴

به‌طورکلی، از آن رو که اصطلاحات عامیانه و صنفی بیشتر اوقات عمر کوتاهی دارند، بهتر است از اصطلاحات جاافتاده زبان برای بیان مفاهیم در اصطلاح‌نامه استفاده کرد. اما نوواژه‌های (واژه‌های ابداعی) سودمند، معمولاً در پاسخ به فناوری‌های نوظهور یا پیشرفت‌های اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند. به محض اطمینان از سودمندی این دسته از واژه‌ها در بازیابی اطلاعات، می‌توان آن‌ها را در اصطلاح‌نامه درج کرد.

مجموعه مثال ۱ (نوواژه‌های سودمند)

در زبان انگلیسی:	carbon trading smart cards
در زبان فرانسوی:	alicament baladodiffusion littérisme

در موارد زیر ممکن است به مدخل‌های عامیانه و صنفی نیاز پیدا شود:

الف) مفهوم نوظهوری به وسیله اصطلاحی بیان می‌شود که خاستگاهش زیرفرهنگ یا گروه اجتماعی ویژه‌ای است و گزینه چندان پذیرفته‌شده دیگری هم برای آن وجود ندارد. در چنین حالتی، اصطلاح عامیانه یا صنفی مورد نظر را می‌توان به عنوان اصطلاحی مرجح پذیرفت.

مجموعه مثال ۲ (اصطلاحات عامیانه یا صنفی مورد پذیرش)

Hippies
web feeds

ب) در مواردی که یک اصطلاح عامیانه یا صنفی کاربرد گسترده‌تری از اصطلاح جافتاده معادل خود دارد، بسیاری از کاربران آن را مدخلی سودمند می‌یابند. در این حالت، لازم است از اصطلاح مرجع به اصطلاح عامیانه یا صنفی به عنوان اصطلاح نامرجح، ارجاع داده شود.

مجموعه مثال ۳ (اصطلاحات عامیانه یا صنفی ذکرشده به عنوان اصطلاح نامرجح)

در زبان انگلیسی:	
psychiatrists	
UF	shrinks
shrinks	
USE	psychiatrists
در زبان فرانسوی:	
policier	
EP	flic
flic	
EM	policier

الف) هنگامی که کاربران مخاطب اصطلاح‌نامه، اصطلاح عامیانه یا صنفی را ترجیح دهند، بهتر است اصطلاح عامیانه یا صنفی مورد نظر را به عنوان اصطلاح مرجع به کار برد و اصطلاحات دیگر را به شکل نامرجح وارد کرد. چنین حالتی ممکن است مثلاً دربارهٔ جامعهٔ مخاطبی متشکل از جوانان (که زبان عامیانه را ترجیح می‌دهند) رخ دهد.

۶-۶-۶. اسامی عام^۱ و نام‌های تجاری^۲

هر محصول معمولاً با یک نام تجاری شناخته می‌شود. اگر اسم عامی نیز برای آن وجود داشته باشد، باید این نام را به عنوان اصطلاح مرجع برگزید و نام تجاری را تنها در صورتی که مدخلی سودمند برای کاربر به شمار آید، می‌توان به عنوان اصطلاح نامرجح

1. common names

2. trade names

پذیرفت. از آن جا که نشان‌های تجاری ثبت شده تحت پوشش قانون قرار دارند، برای پرهیز از مشکلات قانونی هنگام ذکر آن‌ها باید از علامت "®" استفاده کرد.

مثال ۱

soluble coffee ¹	
UF	Nescafé®
Nescafé®	
USE	soluble coffee

موارد استثنا هم وجود دارد، مثلاً زمانی که یک محصول با نام‌های تجاری مختلف عرضه می‌شود و کاربران می‌خواهند میان محصولات این نام‌های تجاری تفاوت قائل شوند. در این حالت، اسم عام محصول مورد نظر را به عنوان اصطلاح مرجع و نام‌های تجاری مربوط به آن را به عنوان اصطلاحات اخص می‌آوریم. مبحث جزءنگری را نیز در بند ۸-۴ ببینید.

مثال ۲

ballpoint pens ²	
NT	Bic pens ³
	Biros ⁴

۶-۶-۷. نام‌های رایج و نام‌های علمی^۶

هنگامی که مفهومی دارای یک نام رایج و یک نام علمی باشد، برتری از آن نامی است که پیش‌بینی می‌شود کاربران برای جست‌وجو آن را بیشتر به کار می‌برند. برای نمونه، در یک اصطلاح‌نامه عمومی، ممکن است «پنگوئن» را به عنوان اصطلاح مرجع ارائه کرد، اما معادل علمی آن، "Sphenisciformes" در اصطلاح‌نامه جانورشناسی ترجیح داده می‌شود. در این گونه موارد باید از ارجاعات متقابل استفاده کرد.

۶-۶-۸. کوتاه‌نوشت‌ها و سرنام‌ها

کوتاه‌نوشت‌ها و سرنام‌ها اغلب مایه ابهام هستند زیرا ممکن است بر بیش از یک مفهوم دلالت کنند. بنابراین، شکل کامل نام معمولاً به عنوان اصطلاح مرجع به کار می‌رود و به شکل کوتاه‌نوشت ارجاع دوسویه داده می‌شود.

۱. قهوه فوری ۲. قلم خودکارها ۳. خودکارهای بیک ۴. خودکارهای بایرو
5. popular names 6. scientific names

مجموعه مثال ۱ (ابهام‌زدایی از کوتاه‌نوشت‌ها/ سرنام‌ها)

در زبان انگلیسی:	
United Nations Environment Programme ¹	
UF	<i>UNEP</i>
<i>UNEP</i>	
USE	United Nations Environment Programme
direct current ²	
UF	<i>DC (direct current)</i>
<i>DC (direct current)</i>	
USE	direct current
national insurance ³	
UF	<i>NI (national insurance)</i>
<i>NI (national insurance)</i>	
USE	national insurance
در زبان فرانسوی:	
nouveaux pays industriels ⁴	
EP	<i>NPI (nouveaux pays industriels)</i>
<i>NPI (nouveaux pays industriels)</i>	
EM	nouveaux pays industriel

در موارد استثنایی، وقتی کوتاه‌نوشت‌ها و سرنام‌ها بسیار شناخته‌شده و بی‌ابهام باشند و در زمینه موضوعی اصطلاح‌نامه بی‌درنگ فهمیده شوند، می‌توان از آن‌ها به عنوان اصطلاح مرجح استفاده کرد. به ویژه، هنگامی که کوتاه‌نوشت آن‌قدر متداول و پذیرفته شده باشد که شکل کامل اصطلاح به ندرت مورد استفاده قرار گیرد یا کلاً به دست فراموشی سپرده شده باشد. اما در هر حال، لازم است میان شکل کامل اصطلاح و کوتاه‌نوشت مربوط به آن ارجاعات دوسویه وجود داشته باشد.

۱. برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل متحد

۲. جریان مستقیم

۳. تأمین اجتماعی

۴. کشورهای صنعتی جدید

مجموعه مثال ۲ (سرنام‌ها/ کوتاه‌نوشت‌هایی که نیاز به ابهام‌زدایی ندارند)

در زبان انگلیسی:	
UNICEF ¹	
UF	United Nations International Children's Emergency Fund ²
United Nations International Children's Emergency Fund	
USE	UNICEF
HIV	
UF	human immunodeficiency virus ³
human immunodeficiency virus	
USE	HIV
در زبان فرانسوی:	
SIDA	
EP	Syndrome d'immunodéficience acquise ⁴
Syndrome d'immunodéficience acquise	
EM	SIDA

۶-۶-۹. اسامی خاص^۵

۶-۶-۹-۱. کلیات

معمولاً وجود اسامی خاص در اصطلاح‌نامه سودمند است، اما برخی اوقات در صورت زیاد بودن تعدادشان، به‌ویژه اگر شکل آن‌ها تحت کنترل یک فهرست مستند دیگر یا مجموعه قوانینی مانند قواعد فهرست نویسی/انگلوآمریکن^۶ باشد، حذف می‌شوند [۳۷]. با این حال، در صورتی که اصطلاح‌نامه تنها مرجع اعتباربخشی به اصطلاحات نمایه باشد، باید اسامی خاص را در آن گنجانند. گنجاندن این اسامی در اصطلاح‌نامه، سود دیگری نیز دارد و آن امکان برقراری پیوندهای سلسله‌مراتبی و همبستگی (بند ۱۰ را ببینید) میان اصطلاحات موضوعی و اسامی خاص مربوط به آن‌ها است، مثلاً در حالتی که نام خاص

۱. یونیسف

۲. صندوق بین‌المللی کمک‌های اضطراری سازمان ملل متحد برای کودکان

۳. ویروس نقص ایمنی انسان ۴. سندروم اکتسابی نقص ایمنی

5. proper names

۶. این مجموعه قوانین در زمان تدوین این بخش از استاندارد ISO 25964 کاربرد گسترده‌ای دارد، اما قرار است استاندارد جدیدی که بیشتر با نام RDA (تعریف منابع و دسترسی) شناخته شده‌است، جایگزین آن شود.

بیان‌کننده موردی از اصطلاحات موضوعی مربوط باشد.

مثال

mountains ¹	
NT	Ben Nevis ²
	Mount Everest ³
Hockney, David (1937-) ⁴	
BT	artists
RT	contemporary art ⁵

۶-۹-۲. اسامی مکان‌ها^۶

نام کشورها و مناطق جغرافیایی گاه از یک زبان به زبان دیگر عوض می‌شود. گاه در یک زبان نیز به دلایل زیر برای یک مکان جغرافیایی اصطلاحات گوناگون وجود دارد:

الف) دو اسم، یکی «عامیانه» و دیگری «رسمی» برای یک مکان به کار می‌رود؛

مثال ۱

Republic of Korea ⁷
South Korea ⁸

ب) شکل بومی اسم، با شکل معمول آن در زبان اصطلاح‌نامه متفاوت است؛

مثال ۲

Leghorn (اصطلاح‌نامه‌ای به زبان انگلیسی ممکن است این ترجمه نام شهر ایتالیایی را که در زبان محلی «لیورنو» نامیده می‌شود، ارائه دهد)
Livorno (همان اصطلاح‌نامه ممکن است نام بومی را نیز دربر داشته باشد)

الف) در کشوری که بیش از یک زبان رسمی دارد، ممکن است دو شکل متداول وجود داشته باشد؛

۱. کوه‌ها ۲. بن‌نویس (اسم کوه) ۳. کوه اورست

۴. هاکنی، دیوید (۱۹۳۷-) ۵. هنر معاصر

6. place names

۷. جمهوری کره ۸. کره جنوبی

مثال ۳

Gand (در بلژیک، این نام فرانسوی برای شهر Ghent همراه با نام هلندی آن به کار می‌رود)
Gent (در بلژیک، این نام هلندی برای شهر Ghent همراه با نام فرانسوی آن به کار می‌رود)

اسمی که برای کاربران اصطلاح‌نامه آشنا تر است، باید به عنوان اصطلاح مرجح ارائه شود. نام رسمی باید بر نام عامیانه برتری داده‌شود. شکل کوتاه نام رسمی، مرجح است. درباره اسامی رسمی، باید به مراجع استاندارد مانند ISO 3166 مراجعه کرد. لازم است میان شکل‌های مرجح و نامرجح ارجاعات دوسویه برقرار شود.

مثال ۴

Ireland ¹
UF Irish Republic ²
Eire
Eire
USE Ireland
Irish Republic
USE Ireland

۶-۹-۳. اسم نهادها و اشخاص

این دسته اسامی تنوع بسیار دارند و در صورتی که مهار نشوند، می‌توانند منشأ مشکلاتی باشند. شکل نام‌هایی را که در اصطلاح‌نامه گنجانده می‌شود باید بر اساس یک نظام‌نامه معتبر فهرست‌نویسی مانند قواعد فهرست‌نویسی انگلو-آمریکن انتخاب کرد [۳۷]. باید توجه داشت نام انتخاب‌شده به عنوان اصطلاح مرجح، درست، روزآمد و به اندازه کافی کامل باشد تا با نام اشخاص یا نهادهای دیگر اشتباه گرفته نشود. شکل‌های دیگر اسم که کاربردشان متداول نیست، باید به عنوان اصطلاحات نامرجح ارائه شوند.

۱. ایرلند
۲. جمهوری ایرلند
۳. مؤسسه ملی رقص (فرانسه)
۴. کمیته میان دولتی تربیت بدنی و ورزش
۵. انجمن آموزش صدا و سیما (ایالات متحده)

مثال

Armstrong, Louis (1901-1971)	UF Satchmo (1901-1971)
Berners-Lee, Tim	
Otlet, Paul (1868-1944)	
Centre national de la danse (France) ¹	UF CND (Centre national de la danse)
Intergovernmental Committee for Physical Education and Sport ²	
Association for Professional Broadcasting Education (U.S.) ³	
	UF Broadcast Education Association (U.S.)

۷. مفاهیم پیچیده^۴

۷-۱. کلیات

مفاهیم، گستره‌ای از بسیار ساده تا بسیار پیچیده را در بر می‌گیرند. در سوی ساده این گستره، مفاهیمی مانند «نقره» یا «مردم» قرار دارند. مواردی همچون «قوری‌های نقره‌ای گرجی» یا «مبارزان حقوق بشر» پیچیدگی بیشتری دارند. مورد اخیر، برای مثال دست کم سه مفهوم جداگانه را به شکل یک مفهوم پیچیده‌تر ترکیب کرده‌است.

مفاهیم پیچیده، اغلب با اصطلاحات مرکب، یعنی اصطلاحاتی که از نظر ساختاری^۵ قابل تفکیک به دو یا چند جزء هستند، بیان می‌شوند. برخی از آن‌ها اصطلاحاتی چندواژه‌ای بوده و برخی دیگر تنها از یک واژه تشکیل شده‌اند. برای نمونه، «زیست‌تجزیه‌پذیری»^۶ اصطلاحی تک‌واژه‌ای است که مفهوم تجزیه‌پذیری آسان را همراه با این نکته که اندامگان زنده عامل این تجزیه باشند، باهم ترکیب کرده‌است. به شکل نظری، مفهوم فوق را می‌توان با ترکیبی از «تجزیه‌پذیری + اندامگان زنده»^۷ ساخت.

شکستن «زیست‌تجزیه‌پذیری» به دو مفهوم، ممکن است غریب یا ناکافی به نظر رسد، اما هنگامی که این مفهوم پیچیده با اصطلاحی چندواژه‌ای بیان شده‌باشد، شکستن آن به مفاهیم ساده‌تر، ملموس‌تر خواهد بود. برای مثال، «مبارزان حقوق بشر»^۸ را می‌توان به آسانی به «حقوق بشر + مبارزان» تفکیک کرد یا مفهوم «تعطیلات اردوگاهی»^۹ را به سادگی با «تعطیلات + اردوگاه» انتقال داد. برخی مفاهیم، گزینه‌های گوناگونی برای ترکیب پیش روی ما می‌نهند. برای نمونه، «مدیریت منابع انسانی»^{۱۰} را می‌توان به مفاهیم

۱. مؤسسه ملی رقص (فرانسه) ۲. کمیته میان دولتی تربیت بدنی و ورزش

۳. انجمن آموزش صدا و سیما (ایالات متحده)

4. complex concepts

5. morphology

6. biodegradability

7. living organisms

8. human rights campaigners

9. camping holidays

10. human resource management

«منابع انسانی + مدیریت» یا «مردم + مدیریت منابع» یا حتی «مردم + منابع + مدیریت» تجزیه کرد.

این گوناگونی گزینه‌ها، ویراستار اصطلاح‌نامه را با تصمیمی دشوار و فردی روبه‌رو می‌سازد: این که آیا مفهوم پیچیده را بپذیرد یا کاربر را در استفاده از مفاهیم ساده‌تر آزاد بگذارد و ترکیب آن‌ها را به او بسپارد. هنگامی که اصطلاح‌نامه امکان به‌کارگیری گزینه‌های مختلف را اجازه می‌دهد، بسیار مهم است که کاربران به سوی استفاده از ترکیب یکسان برای یک مفهوم مشخص هدایت شوند. حفظ یکنواختی در مواردی که مفهوم مورد نظر به بیش از دو جزء شکسته می‌شود، مانند نمونه «مردم + منابع + مدیریت» دشوارتر است.

نکته قابل توجه دیگر این است که بازنمایی مفاهیم پیچیده، با اصطلاحات تک‌واژه‌ای یا چندواژه‌ای، دقت را افزایش می‌دهد. جزءنگری بیشتر، به کاربران کمک می‌کند به درجه بالاتری از تشخیص مفاهیم دست یابند. برای مثال، اگر «زیست‌تجزیه‌پذیری» به عنوان اصطلاح اخص «تجزیه‌پذیری» ذکر شود، جست‌وجوکننده به آسانی می‌تواند به اسناد مربوط و مورد نیاز خود دست یابد، بدون این که به موارد ناخواسته مانند تجزیه‌پذیری ناشی از عوامل شیمیایی، اثر نور فرابنفش و غیره برخورد کند. البته، تاوان جزءنگری بیشتر این است که اصطلاح‌نامه پر حجم‌تر می‌شود و گاه موارد مشابه را نیز از یکدیگر تفکیک می‌کند که تشخیص اصطلاح درست را برای کاربران دشوارتر می‌سازد.

بیشتر نمونه‌های ذکر شده در بند ۷، مبتنی بر اصطلاحات چندواژه‌ای^۱ هستند. اما ملاحظات مشابهی درباره مفاهیم پیچیده ارائه شده با اصطلاحات تک‌واژه‌ای^۲ نیز وجود دارد. افزون بر این، در زبان‌هایی مانند آلمانی که واژه‌های پیچیده بسیار کاربرد دارند، گزینه شکستن اصطلاحات تک‌واژه‌ای بسیار بیشتر از زبان انگلیسی پیش می‌آید و راهکاری مشابه آن‌چه گفته شد، به کار گرفته می‌شود.

۲-۷. ماهیت اصطلاحات پیچیده

در زبان انگلیسی، اصطلاحات پیچیده معمولاً از بیش از یک واژه تشکیل می‌شوند.

1. multi-word terms

2. single-word terms

مجموعه مثال ۱

road safety ^۱
thesaurus management software ^۲
birds of prey ^۳

اجزای اغلب این گونه واژه‌ها را می‌توان به شکل زیر جداسازی کرد.

الف) کانون یا سرواژه، به بیان دیگر مؤلفه اسمی^۴ که رده کلی مفاهیمی را که اصطلاح مورد نظر به آن ارجاع می‌دهد، مشخص می‌کند.

مجموعه مثال ۲ (کانون اصطلاح)

(۱) مؤلفه اسمی ^۵ "indexes" در اصطلاح "printed indexes" ^۶
(۲) اسم "hospitals" در عبارت اضافی "hospitals for children"

ب) ممیز^۷ یا توضیحگر^۸، یعنی یک یا چند مؤلفه که برای محدود کردن دامنه کانون و مشخص ساختن یکی از زیررده‌های آن از این طریق به کار می‌روند.

مجموعه مثال ۳ (ممیز اصطلاح)

(۱) صفت "printed" در اصطلاح "printed indexes"
(۲) ترکیب حرف اضافه+اسم "for children" در اصطلاح "hospitals for children"

گاه می‌توان تحلیل مشابهی درباره اصطلاحات پیچیده تک‌واژه‌ای نیز به کار برد.

مجموعه مثال ۴ (اصطلاحات پیچیده تک‌واژه‌ای)

اصطلاح	کانون	ممیزه
agroindustry ^۹	industry	agro (برگرفته از agriculture)
biosecurity ^{۱۰}	security	bio (پیشوند متصل به biology)

۱. ایمنی جاده‌ای
۲. نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه
۳. پرندگان شکارچی
۴. noun component
۵. نمایه‌ها
۶. نمایه‌های چاپی
۷. difference
۸. modifier
۹. کشت و صنعت
۱۰. زیست‌امنیت

۳-۷. تصمیم بر پذیرش یا رد یک مفهوم پیچیده

۳-۷-۱. نمایی کلی از گزینه‌های موجود

به عنوان نمونه‌ای صریح، مفهومی مانند «ایمنی جاده‌ای» را می‌توان با ترکیب دو مفهوم ساده‌تر «جاده» و «ایمنی» بیان کرد. با افزایش میزان پیچیدگی، گزینه‌های بیشتر باید در نظر گرفته شوند. به این ترتیب نرم‌افزار مدیریت می‌تواند با ترکیب «اصطلاح‌نامه‌ها» + «مدیریت» + «نرم‌افزار» یا «مدیریت اصطلاح‌نامه» + «نرم‌افزار» بازنمایی شود. پنج گزینه اصلی زیر را باید برای بررسی یک مفهوم پیچیده پیشنهادی مورد توجه قرار داد.

الف) پذیرش مفهوم و بازنمایی آن با یک اصطلاح مرجع.

مجموعه مثال ۱

camping holidays ^۱ road safety thesaurus management software

ب) پذیرش مفهوم و بازنمایی آن به وسیله ترکیبی از دو یا چند اصطلاح. در این موارد، باید یک اصطلاح نامرجح برای کل مفهوم وارد شود که به ترکیب مناسبی از اصطلاحات مرجح ساده‌تر ارجاع دهد. این گزینه را اغلب به نام «شکستن»^۲ مفهوم می‌شناسند.

مجموعه مثال ۲

camping holidays	USE	camping + holidays
thesaurus management software	USE	thesaurus
		management + software

ج) پذیرش مفهوم به عنوان گزینه‌ای موقت برای بررسی بعدی پس از یک دوره کاربرد آزمایشی.

د) رد مفهوم پیچیده به سبب نامربوط یا نامناسب بودن یا بسامد کم موارد نیاز به آن.

۱. تعطیلات اردوگاهی

2. spilitting

ه) رد درج مستقیم مفهوم در اصطلاح‌نامه، اما ایجاد و نگهداری یک مفهوم اعم و پذیرش اصطلاحی نامرجح برای مفهوم مورد نظر که به اصطلاح اعم مرجح ارجاع دهد.

مجموعه مثال ۳

road safety	USE	safety
thesaurus management software	USE	software

۲-۳-۷. نکات قابل توجه

تصمیم درباره رد یا پذیرش یک مفهوم، اغلب دشوار است. تحلیل فایل‌های ثبت تراکنش موجود (۱۳-۱-۳-۳ و ۱۳-۲-۲ را ببینید) می‌تواند تا حدی به تصمیم‌گیری درست کمک کند. توسعه‌دهنده اصطلاح‌نامه باید به تعادل مزایای ممکن در حالت‌های مختلف بازیابی اطلاعات نیز توجه کند. عواملی مانند آن‌چه را که در زیر آمده‌است (که البته به ترتیب اولویت مرتب نشده) باید در خاطر داشت.

الف) بسامد استفاده. در صورتی که مفهوم پیچیده‌ای مکرراً جست‌وجو شود یا اهمیت آن از نظر جامعه کاربران رو به افزایش باشد، باید آن را در فهرست مفاهیم پیچیده قابل بررسی برای پذیرش قرار داد. در صورتی که اصطلاح بازنماینده آن مفهوم، کاربردی گسترده داشته و عموماً برای مخاطبان قابل فهم باشد، انجام این کار به مراتب ساده‌تر نیز خواهد بود. گزینه الف) از بند ۷-۳-۱ باید معمولاً اجرا شود، اما گزینه‌های ب) و ج) را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد.

ب) میزان تمایز مورد نیاز. چنانچه پیش‌بینی می‌شود حجم اسنادی که باید نمایه‌سازی شوند بسیار زیاد است، ممکن است تمایز میان مفهوم پیچیده و مفاهیم مشابه آن دارای اهمیت باشد. مثلاً در مورد «ایمنی جاده‌ای»، ممکن است همان مجموعه اسناد برای ایمنی راه‌آهن و یا به‌طور کلی ایمنی حمل و نقل، همچنین ایمنی در برابر آتش‌سوزی، ایمنی خانه و غیره نیز به کار روند. اما ممکن است کاربران بسیاری بخواهند میان این جنبه‌های گوناگون ایمنی تفاوت قائل شوند. پذیرش تمام این اصطلاحات سبب افزایش درجه جزءنگری و بالارفتن مانعیت نمایه‌سازی و جست‌وجو می‌شود.

ج) تعدد گزینه‌های جست‌وجو که به بازیابی ناقص می‌انجامد. وجود تعدادی اصطلاح مرجح بسیار نزدیک به هم، انتخاب گزینه‌ها را با دشواری روبه‌رو می‌سازد. برای

نمونه، اگر اصطلاح‌نامه‌ای تمام اصطلاحات «ایمنی»، «ایمنی حمل و نقل»، «ایمنی سرنشین»، «ایمنی عابر پیاده»، «ایمنی وسایل نقلیه» و «ایمنی جاده‌ای» را در بر داشته باشد، ممکن است کاربر ناچار شود تمام این گزینه‌ها را امتحان کند (و همچنین ترکیب‌های «ایمنی» را با اصطلاحاتی مانند «جاده‌ها»، «وسایل نقلیه»، «خودروها»، «ترافیک جاده‌ای» و غیره) تا اطمینان یابد تمام مطالب مربوط را یافته است. اگر تعداد کل اسناد مربوط به ایمنی اندک باشد، در صورتی که هیچ یک از مفاهیم پیچیده به عنوان اصطلاح مرجح پذیرفته نشده و عبارت جست‌وجوی پس‌همارای «جاده‌ها + ایمنی» تنها گزینه بازیابی اطلاعات باشد، شاید جست‌وجو آسان‌تر و کارآمدتر انجام گیرد.

(د) اصطلاحات پیچیده‌ای که قانونی با بیش از یک ممیز دارند. در مثال‌های پیشین، اصطلاحات نسبتاً ساده‌ای به کار رفته بود که در آن‌ها قانون «ایمنی» تنها با یک ممیز، مثلاً «حمل و نقل» توصیف می‌شد. در مورد اصطلاحاتی مانند «ایمنی وسیله نقلیه در برابر آتش‌سوزی» وضعیت پیچیده‌تر است، زیرا قانون، همزمان با دو ممیز توصیف شده است. اصطلاحاتی از این دست، گزینه‌های جست‌وجو را باز هم بیشتر می‌کنند و بازیابی سرراست اطلاعات را دشوار می‌سازند. بنابراین، بهتر است از آن‌ها پرهیز شود. برای نمونه، ترکیب «ایمنی وسیله نقلیه» + «ایمنی در برابر آتش‌سوزی» مفهوم مورد نیاز را به حد کافی بازنمایی می‌کند و به سردرگمی نیز نمی‌انجامد.

(ه) انتظارات کاربران احتمالی. اصطلاحی چون «نمایه‌های پیش‌همارا» می‌تواند در اصطلاح‌نامه‌ای که برای کارشناسان بازیابی اطلاعات پدید آمده است، پذیرفتنی و سودمند باشد، اما در اصطلاح‌نامه‌ای که برای مخاطبان عام‌تر تهیه شده باشد مایه سردرگمی خواهد بود. در چنین حالتی، شاید بهتر باشد به جای شکستن اصطلاح به «پیش‌همارایی» + «نمایه‌ها»، گزینه (ه) از ۱-۳-۷ را انتخاب و این اصطلاح را به شکل یکی از مدخل‌های اصطلاح اعم «نمایه‌ها» وارد کنیم (۸-۴ را ببینید).

(و) پرهیز از ابهام. در حالتی که اجزای یک مفهوم پیچیده قابلیت ترکیب به شیوه‌های گوناگون و ایجاد معانی گوناگون را داشته باشند، گاه گنجاندن خود مفهوم پیچیده برای پرهیز از ابهام لازم است. برای مثال، ترکیبی از «کتابخانه‌ها» و «علم» می‌تواند برای بازنمایی «علم کتابخانه‌ای»^۱ (کتابداری) یا «کتابخانه‌های علمی»^۲ به کار رود.

بنابراین برای جلوگیری از بازیابی موارد ناخواسته، می‌توان یک اصطلاح مرجع را برای یک یا هر دوی این مفاهیم پیچیده پذیرفت.

(ز) پیچیدگی‌های چندزبانه^۱ (بند ۹ را ببینید). در مورد اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه، محدودیت‌ها یا نیازهای ویژه هریک از زبان‌ها می‌تواند بر پذیرش یا رد مفهومی پیچیده در سراسر زبان‌های اصطلاح‌نامه تأثیر بگذارد.

(ح) محیط جست‌وجوی پیش‌بینی‌شده. وجود قابلیت‌های پیچیده‌ای چون خوشه‌سازی^۲ نتایج جست‌وجو، تنظیم‌های ویژه بر اساس علاقه‌مندی‌های کاربران یا جامعه مخاطب و غیره در نرم‌افزار جست‌وجو، می‌تواند بر میزان جزءنگری مورد نیاز در اصطلاح‌نامه اثر بگذارد. این عامل را باید با در نظر گرفتن این که نرم‌افزار و دیگر جنبه‌های محیط جست‌وجو ممکن است در آینده تغییر پیدا کنند، متوازن ساخت.

۷-۳-۳. وضعیت‌هایی که شکستن مفهوم پیچیده لازم می‌شود

در وضعیت‌های زیر، شکستن مفهوم ترجیح دارد.

- (الف) هنگامی که با مفهومی بسیار ویژه سروکار داریم که بیرون از دامنه اصلی اصطلاح‌نامه قرار می‌گیرد. گنجاندن تعداد زیادی اصطلاح جنبی بدون ایجاد مزیتی خاص در بازیابی اطلاعات، سبب افزایش حجم و پیچیدگی اصطلاح‌نامه می‌شود.
- (ب) اگر پیش‌بینی می‌شود تعداد اسنادی که با اصطلاح مورد نظر نمایه‌سازی خواهند شد، بسیار کم است، شاید گنجاندن آن به عنوان اصطلاح مرجع ارزش چندانی نداشته باشد. در چنین حالتی، شکستن اصطلاح گزینه‌ای قابل بررسی است.
- (ج) در مواردی که کانون به وسیله بیش از یک ممیز توصیف شده باشد، باید مفهوم پیچیده را شکست. برای نمونه، «دوربین‌های فیلم‌برداری زیر آب» را باید به «دوربین‌های زیر آب» و «دوربین‌های فیلم‌برداری» شکست.
- (د) معمولاً در حالتی که کانون، بازنماینده یک ویژگی، بخش یا مؤلفه‌ای از ممیز خود باشد، شکستن مفهوم پیچیده لازم است.

مثال

aircraft engines¹
hospital floors
instrument reliability²
soil acidity³

با این حال، مفاهیمی که مشخص و به خوبی تعریف شده باشند، مثلاً «کلاهک چراغ رومیزی» یا «دمای بدن»، استثناً به شمار می‌روند. انتظار می‌رود ارجاعاتی که به دمای بدن داده می‌شود با سایر ارجاعات به دمای مواد یا اشیای بی‌جان، که ممکن است در همان مجموعه اسناد به آن‌ها نیز پرداخته شده باشد، بسیار متفاوت باشد.

۷-۳-۴. وضعیت‌هایی که شکستن مفهوم پیچیده رد می‌شود

در حالت‌های زیر نباید مفهوم پیچیده را بشکنیم.

الف) اصطلاح مربوط به آن مفهوم در کاربرد روزمره، یا در زمینه موضوعی اصطلاح‌نامه، آن چنان رواج یافته باشد که بیان آن به شکل اجزای جداگانه سبب دشواری دریافت مفهوم شود.

مجموعه مثال ۱

data processing
gross domestic product⁴

ب) شکستن مفهوم به اجزایش به از دست رفتن معنی یا ایجاد ابهام منجر شود.

۱. موتورهای هواپیما
۲. قابلیت اطمینان ابزار
۳. میزان اسیدی بودن خاک
۴. تولید ناخالص داخلی

مجموعه مثال ۲

در زبان انگلیسی: plant food¹ («غذا» + «گیاه» می‌تواند هم «غذا» برای «گیاه» و هم «گیاه» به عنوان «غذا» را بازنمایی کند.)
در زبان فرانسوی: marque de voiture² («مارک» + «خودرو» می‌تواند بازنماینده «خودرو» به عنوان «مارک» یا «مارک» یک «خودرو» باشد.) société de construction («société» + «construction» می‌تواند «انجمن»ی برای «ساخت‌وساز» یا «ساختن» یک «جامعه» را بازنمایی کند.)

ج) مفهوم مورد نظر با اصطلاحی جاافتاده بازنمایی شود که یک اسم خاص است یا بخشی از یک اسم خاص را تشکیل می‌دهد.

مجموعه مثال ۳

Boolean logic³ United Nations⁴
--

د) ممیز یک اصطلاح جاافتاده، معنی آغازین خود را از دست داده‌باشد.

مجموعه مثال ۴

در زبان انگلیسی: lawn tennis⁵ deck chair⁶ trade wind⁷
در زبان فرانسوی: pistolet à température⁸ maison mère⁹ police d'assurance¹⁰

- | | | | |
|-----------------|----------------|---------------|-------------|
| ۱. غذای گیاه | ۲. مارک خودرو | ۳. منطق بولی | ۴. ملل متحد |
| ۵. تنیس روی چمن | ۶. صندلی تاشو | ۷. روند تجارت | ۸. دماسنج |
| ۹. خانه مادری | ۱۰. سیاست بیمه | | |

ه) مفهوم با اصطلاحی بازنمایی شده باشد که ممیز آن شباهتی، مثلاً از نوع استعاری، به شیء یا رخدادی نامرتبط داشته باشد.

مجموعه مثال ۵

tree structures¹
wing nuts²

و) اجزای مفهوم در حالت شکسته، مفهوم کلی را انتقال ندهند و بنابراین، نمایه سازی اسناد مربوط با اصطلاحاتی که بیانگر اجزای مفهوم مورد نظرند، گمراه کننده باشد.

مجموعه مثال ۶

در زبان انگلیسی: پله فرار حریق^۳ (مطلب مربوط به پله فرار حریق، ممکن است اصلاً درباره فرار یا حریق سخنی به میان نیامورد) استخر شنا^۴ (مطلبی درباره استخرهای شنا، ممکن است اصولاً درباره شنا اطلاعاتی ارائه ندهد)
در زبان فرانسوی: مرکز سلامت^۵ (مطلبی درباره «مرکز سلامت» ممکن است لزوماً اطلاعاتی درباره «سلامت» ارائه ندهد) کلاس آموزش اسکی^۶ (متن مربوط به «کلاس آموزش اسکی» لزوماً مطلبی درباره «برف» در بر ندارد)

ز) مفهوم مورد نظر به وسیله اصطلاحی بیان شده باشد که در آن کانون، بدون ممیز، معنی دیگری داشته باشد.

مجموعه مثال ۷

گل مصنوعی^۷ تخم مرغ شکلاتی^۸ (استفاده از اصطلاح «تخم مرغ» برای نمایه سازی اسناد مربوط به تخم مرغ شکلاتی گمراه کننده خواهد بود، زیرا تخم مرغ شکلاتی نوعی شیرینی است، نه نوعی تخم مرغ).

۱. ساختار درختی ۲. پیچ و مهره خروسکی

3. fire escapes

4. swimming pools

5. établissement de santé

6. classe de neige

7. artificial flowers

8. chocolate eggs

۷-۴. چگونگی شکستن یک مفهوم پیچیده

در موارد ساده، مثلاً ایمنی جاده‌ای، بیان مفهوم به وسیله واژه‌های سازنده اصطلاح چندواژه‌ای مربوط به آن (در این مورد «جاده» + «ایمنی») کافی است. دلیل کافی بودن این کار در اصطلاح‌نامه‌ای معین می‌تواند این باشد که هر سندی درباره ایمنی جاده‌ای احتمالاً اطلاعاتی درباره هر دو اصطلاح سازنده مفهوم در بر دارد و کسی که در جست‌وجوی اطلاعاتی درباره جاده‌ها است به احتمال زیاد مقاله‌ای درباره ایمنی جاده را به موضوع مورد نظر خود مرتبط خواهد دانست.

هنگام شکستن یک مفهوم، می‌توان مفاهیم سازنده آن را با اصطلاحات مرجحی که با واژه‌های اصطلاح چندواژه‌ای مربوط به آن تفاوت دارند، بازنمایی کرد. اغلب اوقات، لازم است واژه‌های سازنده اصطلاح را برای انتقال مفهوم درست، تغییر دهیم. برای نمونه، «ایمنی راه آهن»^۱ نباید به «ایمنی» + «راه» شکسته شود، بلکه بیان آن به شکل «راه آهن» + «ایمنی» مناسب‌تر است. در مورد «منابع انسانی» ترکیب «مردم» + «منابع» شاید برای کاربران پذیرفتنی‌تر از «انسان» + «منابع» باشد.

برای مفاهیم پیچیده‌ای که درج اصطلاح مرجح جداگانه را توجیه نمی‌کنند، اما احتمال جست‌وجوی آن‌ها از سوی کاربران وجود دارد، مدخل‌های اصطلاح‌نامه‌ای به شکل زیر باید ارائه شود (برای جزئیات بیشتر ۵-۸ را ببینید).

مثال

rail safety USE railways + safety
--

۷-۵. حفظ مفاهیم تشکیل‌دهنده مفهوم پیچیده

۷-۵-۱. کلیات

در مواردی که یک اصطلاح پیچیده به عنوان اصطلاح مرجح پذیرفته می‌شود، باید توجه داشت که هریک از اصطلاحات مرجح بازنمایی‌کننده مفاهیم تشکیل‌دهنده آن، در صورتی که از پیش در اصطلاح‌نامه موجود نباشد، حتماً در آن گنجانده شود. برای نمونه، در صورتی که «ایمنی جاده‌ای» پذیرفته شود، اصطلاحات مرجح «جاده» و «ایمنی» نیز باید

1. rail safety

حتماً در اصطلاح‌نامه مورد نظر گنجانده شده باشند. اصطلاح اخیر (ایمنی) را می‌توان به عنوان اصطلاح اعم برای «ایمنی جاده‌ای» و «جاده» را به عنوان اصطلاح مرتبط با آن در نظر گرفت (بند ۱۰-۳ را ببینید).

۲-۵-۷. بخش‌ها و اجزا

در مواردی که ممیز یک مفهوم پیچیده، ماشین یا مجموعه پیچیده‌ای باشد که کانون به جزئی از آن اشاره می‌کند، امکان اشتباه وجود دارد. برای نمونه، اگر «موتورهای هواپیما» به شکل «هواپیما» و «موتور» شکسته شود، جست‌وجوی «هواپیما»، اسناد مربوط به تمام اجزای هواپیما را علاوه بر خود هواپیما نتیجه می‌دهد. این حالت ممکن است در برخی مجموعه‌ها قابل پذیرش باشد، اما در برخی دیگر سبب گرانباری^۱ اصطلاح «هواپیما» می‌شود و راهی برای جداسازی مدارک مربوط به هواپیما (به صورت موجودیتی واحد) باقی نمی‌گذارد. یک راه حل برای چنین وضعیتی، ایجاد اصطلاح مرجحی مثل «اجزای هواپیما» است. این اصطلاح را می‌توان در ترکیب با «موتورها»، «ابزارها»، «ارابه‌فرو» یا هر جزء دیگر هواپیما به کار برد.

۲-۶. حفظ یکنواختی در کار با مفاهیم پیچیده

به‌طور کلی، ثبات رویه هدف سودمندی است، زیرا به همگونی کاربرد از سوی کاربران کمک می‌کند. اما دستیابی به ثبات رویه کامل در پذیرش مفاهیم پیچیده آسان نیست و در همه موارد هم ضرورت ندارد. از آنجا که جزءنگری مورد نیاز در حوزه‌های اصلی اصطلاح‌نامه معمولاً بیش از جزءنگری مورد نیاز در حوزه‌های حاشیه‌ای است، برخی ناهمگونی‌ها غیرقابل اجتناب است. این نوع ناهمگونی، تا زمانی که به تعداد کافی مدخل‌های روشن و سودمند در اصطلاح‌نامه وجود دارد، اثر منفی بر فرایند بازیابی اطلاعات ندارد و بنابراین قابل چشم‌پوشی است.

اما در برخی وضعیت‌ها، وجود قوانین همگون برای ویراستاران اصطلاح‌نامه سودمند است. برای نمونه، هنگامی که اصطلاح‌نامه میان چند سازمان، که از آن برای مجموعه اسناد و گروه‌های کاربر گوناگون استفاده می‌کنند به اشتراک گذاشته می‌شود، قضاوت درباره درجه جزءنگری برای یک نفر دشوارتر می‌شود. به همین گونه، اگر تدوین اصطلاح‌نامه به شکل پروژه‌ای شبکه‌ای باشد که در آن صدها شرکت‌کننده از سراسر جهان

1. overloading

به ارائه پیشنهاد می‌پردازند، به مقداری هدایت نیاز خواهد بود. برای دستیابی به ثبات رویه، لازم است مجموعه‌ای از معیارهای مناسب برای موضوع مطلب تدوین شود. برای نمونه، *اصطلاح‌نامه هنر و معماری* [26] دارای مجموعه قوانینی برای شکستن اصطلاحات مرکب با تأکید بر نیازهای فهرست‌نویسی اشیای موزه‌ها و نگارخانه‌ها است. یکی از این قوانین بر شکستن مفهوم در مواردی که ممیز به سبک یا دوره زمانی اشاره کند، تأکید دارد. بنابراین، مثلاً مفهوم «تذهیب باروک»^۱ با ترکیب «باروک» و «تذهیب» بازنمایی می‌شود.

۷-۷. ترتیب واژه‌ها در اصطلاحات چندواژه‌ای

اصطلاحات مرجحی را که عبارات اسمی صفتی یا حرف اضافه‌ای باشند، باید در اصطلاح‌نامه با ترتیبی که در زبان طبیعی دارند، نه با ترتیب معکوس، وارد کرد. با این حال، شکل معکوس عبارت حرف اضافه‌ای می‌تواند به عنوان اصطلاح نامرجح درج شود. این کار به‌ویژه درباره اصطلاح‌نامه‌هایی که به شکل چاپی به کار می‌روند، سودمند است؛ انجام آن برای اصطلاح‌نامه‌های الکترونیکی که قابلیت جست‌وجوی هر یک از واژه‌های به‌کاررفته در یک اصطلاح را دارند، ضروری نیست.

مثال

<i>matter, states of prey, birds of</i>	USE USE	<i>states of matter birds of prey</i>
---	--------------------	---

برای عبارات صفتی (مثل «نان قهوه‌ای» یا «تخت دونفره») نیاز به مدخل معکوس نیست، زیرا معمولاً اسم کانون به شکل اصطلاح اعم موجود است (۱۰-۲ را ببینید). مدخل اصطلاح اعم (مثلاً «نان» یا «تخت») مدخلی در اختیار کاربر قرار می‌دهد که یافتن تمام اصطلاحات اخص از طریق آن امکان‌پذیر می‌شود.

۸. رابطه هم‌ارزی در متون تک‌زبانه

۸-۱. کلیات

رابطه هم‌ارزی، رابطه میان یک اصطلاح مرجح و اصطلاح یا اصطلاحات نامرجح مربوط به آن در همان زبان طبیعی است. چنان که در الگوی داده‌ای بند ۱۵ نشان

1. baroque gilding

داده شده است، این رابطه بیشتر میان اصطلاحات برقرار است تا میان مفاهیم.

توجه: رابطه هم‌ارزی میان اصطلاحات بازنمایی‌کننده یک مفهوم در زبان‌های طبیعی مختلف، که معمولاً هم‌ارزی میان‌زبانی خوانده می‌شود، در بند ۹ شرح داده شده است.

این رابطه، دوسویه است و ارتباط متقابل میان اصطلاحات مرجح و نامرجح را باید با قراردادهای زیر بیان کرد:

USE، که پیش از اصطلاح مرجح می‌آید؛
UF (به کار می‌رود به جای، یا به کار برید به جای)، که پیش از اصطلاح نامرجح می‌آید.

مثال

در زبان انگلیسی:	
greenhouses ¹	UF glasshouses
glasshouses	USE greenhouses
در زبان فرانسوی:	
biodiversité	EP diversité biologique
diversité biologique	EM biodiversité

هم‌ارزی در چهار حالت کلی برقرار می‌شود:

- الف) اصطلاحات مترادف باشند (بند ۸-۲ را ببینید)؛
- ب) اصطلاحات شبه‌مترادف باشند (بند ۸-۳ را ببینید)؛
- ج) اصطلاحی بیش از حد لازم اخص به شمار رود و با اصطلاح دیگری با دامنه گسترده‌تر بازنمایی شود (بند ۸-۴ را ببینید)؛
- د) اصطلاحی بیش از حد لازم اخص به شمار رود و با ترکیبی از دو یا چند اصطلاح (که به «هم‌ارزی مرکب» شناخته می‌شود) بازنمایی شود. (بند ۸-۵ را ببینید).

۸-۲. مترادف‌ها

انواع گوناگونی از مترادف‌ها در عمل مشاهده می‌شود. فهرست زیر کامل نیست اما برخی رده‌های معمول‌تر مترادف‌ها را نشان می‌دهد.

الف) اصطلاحات دارای منشأ زبان‌شناختی متفاوت.

مجموعه مثال ۱

در زبان انگلیسی:	freedom; liberty sweat; perspiration ^۱
در زبان فرانسوی:	marketing; mercatique ^۲ lobby; groupe de pression ^۳

ب) نام‌های متداول^۴ و نام‌های علمی.

مجموعه مثال ۲

در زبان انگلیسی:	baking soda; sodium bicarbonate ^۵ rock roses; Cistus ^۶
در زبان فرانسوی:	aspirine; acide acetylsalicylique ail; Allium sativum ^۷

ج) اسامی عام و نام‌های تجاری.

مثال ۳

vacuum flasks; Thermos® flasks; Thermos® bottles
--

د) نام‌های گوناگون برای مفاهیم نوظهور.

مجموعه مثال ۴

hovercraft; air cushion vehicles laptop computers; notebook computers
--

۱. تعرق ۲. بازاریابی ۳. گروه فشار ۴. popular names
۵. سدیم بی‌کربنات ۶. شبه‌زُر ۷. سیر

ه) اصطلاحات محبوب یا متداول در برابر اصطلاحات کهنه یا مطرود.

مجموعه مثال ۵

developing countries¹; underdeveloped countries²
radio; wireless³

و) املاهای مختلف، شامل وجوه متفاوت بُن‌ها^۴، ترتیب معکوس واژه‌ها و وجوه جمع بی‌قاعده. شاید گنجاندن چند نمونه املائی نادرست در میان املاهای گوناگون یک اصطلاح خالی از فایده نباشد (بند ۶-۶-۲ را ببینید).

مجموعه مثال ۶

در زبان انگلیسی:
geese; goose groundwater; ground-water; ground water paediatrics; pediatrics ⁵ radiation, ionizing; ionizing radiation; ionising radiation ⁶ Romania; Rumania; Roumania
در زبان فرانسوی:
clef; clé ⁷ Lithuanie; Lituanie nénuphar, nénufar bioénergie, bio-énergie ⁸ oeil, yeux ⁹

ز) اصطلاحات ناشی از فرهنگ‌های گوناگون دارای زبان مشترک.

مجموعه مثال ۷

در زبان انگلیسی:
flats; apartments lifts; elevators ¹⁰
در زبان فرانسوی:
mitaine (fr-CA); moufle (fr-FR) ¹¹ journal de classe (fr-BE); agenda scolaire (fr-FR) ¹²

ح) اختصارات یا سرنام‌ها و اسامی کامل.

۱. کشورهای در حال توسعه	۲. کشورهای توسعه‌نیافته	۳. بی‌سیم
۴. stem variants		
۵. پزشکی کودکان	۶. پرتو یونساز	۷. کلید
۸. انرژی زیستی		
۹. چشم‌ها	۱۰. آسانسورها	۱۱. دستکش
		۱۲. برنامه کلاسی

مجموعه مثال ۸

FAO; Food and Agriculture Organization
PVC; polyvinyl chloride

ط) اسامی عام و اصطلاحات عامیانه و حرفه‌ای

مجموعه مثال ۹

psychiatrists; shrinks soluble coffee; instant coffee	در زبان انگلیسی:
policier; flic café soluble; café instantané	در زبان فرانسوی:

در این گونه موارد و موارد مشابه، اصطلاحات مرجح را باید با توجه به نیازهای اکثریت کاربران و با در نظر داشتن توصیه‌های ذکرشده در بندهای ۶-۴ و ۶-۶ انتخاب کرد. به منظور حفظ پیش‌بینی‌پذیری، این توصیه‌ها را باید به صورت همگون در سراسر اصطلاحنامه به کار برد. برای نمونه، اگر قرار بر این است که به جای نام‌های علمی، از اسامی عام به عنوان اصطلاح مرجح استفاده شود، این قاعده باید به شکل همگون در همه جا به جز مواردی که اسم عام مناسبی وجود ندارد، رعایت شود. به همین گونه، از قراردادهای نوشتاری مشابهی نیز باید پیروی شود. قراردادهای و معیارهای ویرایشی را باید در مقدمه‌ای بر اصطلاحنامه ذکر کرد (بند ۱۳-۴ را ببینید).

به عنوان گزینه‌ای دیگر، می‌توان نوع هم‌ارزی میان یک زوج اصطلاح را با استفاده از برچسب به جای USE/UF مشخص نمود. برچسب‌های زیر گاه به کار می‌روند (در زبان انگلیسی).

SP¹ وجه متفاوت املائی

MS² املائی نادرست (بند ۶-۶-۲ را نیز ببینید)

AB³ کوتاه‌نوشت

FT⁴ شکل کامل اصطلاح

برای تعمیم این قاعده به موارد شرح داده شده در ۸-۳ و ۸-۴ می‌توان از برچسب‌های بیشتری استفاده کرد. اما چنین ابداعاتی را باید با احتیاط انجام داد (بند ۱۰-۴ را ببینید).

1. spelling

2. misspelling

3. abbreviation

4. full form of the term

تمام برچسب‌های غیراستاندارد باید در مقدمه به‌طور کامل شرح داده‌شوند (بند ۱۳-۴ را ببینید).

۳-۸. شبه‌مترادف‌ها

شبه‌مترادف‌ها بیشتر اوقات بازنماینده نقاط روی یک زنجیره‌اند و گاه ممکن است حتی متضاد (مخالف) باشند.

مجموعه مثال ۱ (متضادهایی که شبه‌مترادف در نظر گرفته می‌شوند)

consistency, inconsistency wetness, dryness
--

در خط دوم مجموعه مثال ۱ (مثال فوق)، مفهوم جست‌وجوشده در اصطلاح‌نامه «میزان رطوبت موجود در یک شیء یا ماده» است، که می‌تواند با دو اصطلاح تری یا خشکی بیان شود. به شکل قراردادی، یکی از دو اصطلاح به عنوان اصطلاح مرجح و دیگری به عنوان اصطلاح نامرجح برگزیده می‌شود. در موارد دیگر، مفاهیم رابطه‌ای چنان نزدیک دارند که احتمال دارد مبحث مربوط به یکی از آن‌ها مورد توجه کاربری که مفهوم دیگر را جست‌وجو می‌کند نیز قرار گیرد.

مجموعه مثال ۲ (مفاهیم مرتبطی که شبه‌مترادف تلقی می‌شوند)

bushes ¹ , shrubs ² mallets ³ , hammers ⁴
--

گستره‌ای که اصلاحات به عنوان شبه‌مترادف در نظر گرفته می‌شوند، تا حد زیادی به زمینه موضوعی اصطلاح‌نامه بستگی دارد. در یک اصطلاح‌نامه تخصصی تولید پوشاک، ممکن است هر دو اصطلاح «دستکش» و «دستکش بی‌انگشت» به عنوان اصطلاح مرجح ذکر شده باشد، اما در اصطلاح‌نامه‌ای عام‌تر درباره صنعت پارچه به‌طور کلی، این دو اصطلاح ممکن است شبه‌مترادف در نظر گرفته‌شوند. تصمیم درباره این موضوع، باید بر پیش‌بینی میزان تمایز مورد نیاز در زمان جست‌وجو مبتنی باشد.

۸-۴. اصطلاحات خاص مفروض در یک مفهوم اعم

گاه سودمند است که نام یک رده^۱ و نیز نام اعضای آن به شکل یک مجموعه هم‌ارزی در نظر گرفته‌شود و اصطلاح اعم به عنوان اصطلاح مرجع ذکر گردد.

مثال

rock		
UF	basalt ²	
	granite ³	
	slate ⁴	
	etc.	
basalt	USE	rock
Granite	USE	rock
Slate	USE	rock

از این روش، گاهی برای کاهش تعداد اصطلاحات مرجع در اصطلاح‌نامه استفاده می‌شود. این کار، جزءنگری نمایه‌سازی و جست‌وجو را کاهش می‌دهد و زمانی سودمند است که مجموعه در دست نمایه‌سازی دارای اطلاعات کمی در حوزه موضوعی مورد نظر باشد. وجود اصطلاحات نامرجع مدخل‌های بیشتری برای کمک به کاربر ارائه می‌دهد. با این حال، در مواقعی که اطلاعات پرباری در زمینه موضوع مورد نظر وجود دارد و به جزءنگری بیشتر برای تفکیک دقیق مفاهیم نیاز است، نباید مفاهیم اخص را در زیرمجموعه مفهوم اعم گنجانده.

۸-۵. بازنمایی مفاهیم پیچیده به وسیله ترکیبی از اصطلاحات

هنگامی که یک اصطلاح چندواژه‌ای به عنوان اصطلاح مرجع، نامناسب تلقی شود، اما احتمال جست‌وجوی آن از سوی کاربران وجود داشته‌باشد، می‌توان آن را با ترکیبی از دو یا چند اصطلاح مرجع بازنمایی کرد [که گاه به نام هم‌ارزی مرکب شناخته می‌شود؛ گزینه (ب) از بند ۷-۳-۱ را نیز ببینید]. مدخلی به شکل زیر ممکن است در اصطلاح‌نامه پذیرفته شود.

1. class

۴. سنگ لوح

۳. گرانیت

۲. بازالت

مجموعه مثال ۱ (مدخل‌های مفاهیم پیچیده)

<i>coal mining</i> ¹	
USE	coal
+	mining
<i>ferromagnetic films</i> ²	
USE	ferromagnetic materials ³
+	films

ارجاعات دوسویه به شکل زیر نیز باید ارائه شود.

مجموعه مثال ۲ (مدخل‌های دوسویه برای یک مفهوم پیچیده)

coal	
UF+	<i>coal mining</i>
mining	
UF+	<i>coal mining</i>

رابطه سه‌سویه^۴ فوق پیچیده به نظر می‌رسد، اما برچسب‌های USE و + تنها به منظور خوانش ساده‌تر متمایز شده‌اند. در عمل، رابطه میان "coal" و "*coal mining*" در هر دو جهت، مشابه رابطه "*mining*" و "*coal mining*" است.

به شکل نظری، ترکیب‌های اصطلاحات را می‌توان به جای «و» با «یا» به هم پیوند داد (مجموعه مثال ۳ را ببینید). اما با چنین مواردی باید به‌صورت هم‌نویسه رفتار کرد (۶-۲-۲). بهتر است از حرف ربط^۵ «یا» پرهیز شود و به جای آن از مدخل‌هایی که دامنه گزینه‌ها را روشن می‌سازند، استفاده گردد (مجموعه مثال ۴ را ببینید).

مجموعه مثال ۳ (روش‌هایی که بهتر است به کار نرود)

در زبان انگلیسی:	
<i>Pitch</i> ⁶	
USE	audio frequency ⁷
OR	gradient ⁸
در زبان فرانسوی:	
<i>ton</i>	
EM	nuance de couleur ⁹
OU	tonalité (musique)

اما بهتر است از این روش استفاده نشود و به جای آن، مدخل‌هایی ارائه شود که دامنه

۱. معدن‌کاری زغال‌سنگ ۲. فیلم‌های فرومغناطیسی ۳. مواد فرومغناطیسی
۴. three-way relationship ۵. connector
۶. ارتفاع (صدا) ۷. بسامد شنیداری ۸. گرادیان ۹. تفاوت‌های جزئی رنگ

گزینه‌ها روشن گردد.

مجموعه مثال ۴ (پرهیز از به‌کارگیری روابط پیچیده دارای «یا»)

در زبان انگلیسی:	
<i>pitch</i> (sound)	USE audio frequency
<i>pitch</i> (steepness)	USE gradient
در زبان فرانسوی:	
<i>ton</i> (couleur)	EM nuance de couleur
<i>ton</i> (musique)	EM tonalité (musique)

۹. هم‌ارزی میان‌زبانی^۱

۹-۱. کلیات

در یک اصطلاح‌نامه چندزبانه، تمام زبان‌ها باید جایگاه یکسان داشته‌باشند و در صورت امکان هر مفهوم باید به تمام زبان‌های اصطلاح‌نامه بازنمایی شود. به این ترتیب، مجموعه‌ای که با استفاده از یکی از زبان‌ها نمایه‌سازی شده‌باشد، در هریک از زبان‌های دیگر نیز با کارایی یکسان قابل جست‌وجو خواهدبود.

هنگامی که هر مفهوم در اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه، دارای اصطلاحی مرجع در هر زبان باشد و تمام زبان‌های آن، ساختار روابط همبستگی و سلسله‌مراتبی یکسانی داشته‌باشد، آن ساختار «متقارن»^۲ خوانده می‌شود. برای شرحی درباره ساختارهای غیرمتقارن، بندهای ۹-۲ ج، ۱۰-۲-۶ و ۱۰-۳-۴ را ببینید.

علاوه بر این، می‌توان گویش‌ها و زیرشاخه‌های زبان^۳ را نیز مانند زبان‌های جداگانه تلقی کرد. برای مثال، انگلیسی آمریکایی، انگلیسی بریتانیایی و انگلیسی هندی را می‌توان به‌صورت زبان‌های جداگانه در نظر گرفت که هر سه در اصطلاح‌نامه‌ای سه‌زبانه ارائه شده‌باشند. بیشتر اصطلاحات در دو یا سه زبان یکسان، اما برخی هم متفاوت خواهندبود. به همین‌گونه، اصطلاحات مورد ترجیح دانشمندان ممکن است به شکل زبانی متفاوت با زبان شاغلان در زمینه فروشنده‌گی و بازاریابی ارائه شود. در صورتی که

1. equivalence across languages

2. symmetrical

3. sublanguages

اصطلاح‌نامه تک‌زبانه تلقی شود، یک اصطلاح مرجح به هر مفهوم اختصاص داده می‌شود و اصطلاح علمی یا گویشی مربوط به آن به شکل اصطلاح نامرجح ارائه می‌گردد [بندهای ۶-۲ و ۸-۲ ز را ببینید]. تلقی آن به صورت اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه، امکان قراردادن تمام گویش‌ها و زیرشاخه‌های زبان را در جایگاه برابر فراهم می‌کند.

در یک اصطلاح‌نامه چندزبانه، باید بین اصطلاحات مرجح که یک مفهوم را در زبان‌های گوناگون بیان می‌کنند، رابطه دوسویه هم‌ارزی میان‌زبانی برقرار گردد. روش دیگر، اختصاص یک نشانگان رده‌بندی و یا شناسه یکتا به هر مفهوم است (۱۲-۱-۳ را ببینید).

در مواقعی که اصطلاح مناسبی در یک زبان وجود نداشته باشد، اغلب می‌توان دامنه مفهوم را به صورتی تغییر داد که امکان بازنمایی آن با یک اصطلاح مناسب در هر یک از زبان‌های اصطلاح‌نامه فراهم آید. راه دیگر این است که اصطلاح هم‌ارز غیردقیق یا مشابهی در یک زبان پذیرفته شود یا کمبود موجود در یکی از زبان‌ها با اصطلاحی وام‌گرفته یا ابداعی^۱ جبران گردد (۹-۳-۳ را ببینید).

هرجا اطمینان حاصل کنیم که یافتن اصطلاحی مناسب برای بازنمایی هر مفهوم در تمام زبان‌های اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه ممکن نیست، شاید لازم باشد هریک از نسخه‌های زبانی اصطلاح‌نامه چندزبانه را به گونه‌ای تلقی کنیم که گویی دو یا چند اصطلاح‌نامه تک‌زبانه موازیند و سپس میان اصطلاحات مربوط به یکدیگر رابطه نگاشتی برقرار سازیم. درباره برقراری رابطه نگاشتی در استاندارد ISO 25964-2 شرح داده خواهد شد.

توجه: رویکردهای مدیریت ساخت اصطلاح‌نامه چندزبانه در ۱۳-۳-۳ بررسی خواهد شد.

۲-۹. درجات هم‌ارزی^۲

در هنگام تهیه اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه، اغلب با درجات هم‌ارزی زیر روبه‌رو خواهیم شد. این درجات را نه به عنوان گونه‌های ارتباطی جداگانه، بلکه بیشتر چون نقاطی روی طیف حالات ممکن میان دو حد نهایی هم‌ارزی کامل و عدم هم‌ارزی باید تلقی کرد.

الف) هم‌ارزی کامل^۳. در این وضعیت کمال‌گرایانه، هر مفهوم در تک‌تک زبان‌های اصطلاح‌نامه چندزبانه بازنمایی می‌شود و می‌توان اصطلاحات مرجحی را که از دید

1. coined term 2. degrees of equivalence 3. exact equivalence

معنایی و فرهنگی هم‌ارز باشند، یافت. در این حالت باید یک رابطه هم‌ارزی میان‌زبانی بین اصطلاحات مرجع مربوط برقرار کرد.

مجموعه مثال ۱

en: sun / es: sol / fr: soleil / de: Sonne en: rail network / fr: réseau ferroviaire / de: Schienennetz / nl: spoorwegnet fr: physique / en: physics / es: física / de: Physik

ب) **هم‌ارزی ناقص یا تقریبی**^۱. اصطلاحات یافت‌شده در زبان‌های گوناگون گاه شاید به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، معانی ضمنی یا فهم متفاوت، تفاوتی بسیار جزئی در دامنه خود دارند (همانند وضعیت شبه‌مترادف‌ها در یک زبان؛ بند ۸-۳ را ببینید). اما در صورتی که این اصطلاحات آن‌قدر به یکدیگر نزدیک باشند که هنگام استفاده در اصطلاح‌نامه برای بازنمایی مفهومی واحد به کار روند، آن‌گاه لازم است اصطلاحی مرجع در هر یک از زبان‌ها انتخاب شود، رابطه هم‌ارزی میان آن‌ها تعیین گردد، و دامنه مفهوم مورد نظر در بر گیرنده تمام گوناگونی فرهنگی تلقی شود.

مجموعه مثال ۲

en: information retrieval / fr: repérage d'information fr: jeu didactique / en: learning games ^۲ en: legal education / fr: enseignement du droit ^۳ en: farms / es: granjas

ج) **هم‌ارزی جزئی** که به نام **هم‌ارزی اعم/اخص**^۴ نیز شناخته می‌شود. گاه در یک زبان هیچ اصطلاحی برای بازنمایی دقیق مفهومی که در جست‌وجوی برچسبی برای آن هستیم، وجود ندارد، اما اصطلاحی وجود دارد که معمولاً برای بازنمایی مفهوم اعم یا اخص آن اصطلاح به کار می‌رود. در صورتی که دامنه مفهوم بازنمایی‌شده به وسیله یک اصطلاح به شکل کامل درون دامنه مفهوم بازنمایی‌شده به وسیله اصطلاح دیگر قرار گیرد، دو اصطلاح مذکور هم‌ارزی جزئی دارند. در حالتی که تفاوت دامنه این دو به اندازه کافی کم باشد، شاید بتوان هر دو اصطلاح را در اصطلاح‌نامه پذیرفت و آن‌ها را به عنوان اصطلاحاتی هم‌ارز، که یک مفهوم را بازنمایی می‌کنند،

1. inexact or near-equivalence

۲. بازی‌های آموزشی

۳. آموزش حقوقی

4. broader/ narrower equivalence

در نظر گرفت (همانند حالت اصطلاحات خاص که در زیرمجموعه مفهومی اعم در یک زبان قرار گرفته باشند؛ بند ۸-۴ را ببینید.) در این وضعیت لازم است در یکی از زبان‌ها یا هر دوی آن‌ها یادداشت دامنه‌ای برای رفع ابهام، به مفهوم افزوده شود. در مثال ۳، وجود یادداشت دامنه آلمانی غیرضروری است، زیرا مفهوم مورد نظر در اصطلاح‌نامه، ارتباط نزدیکی با معنای عادی ^۱ "Wissenschaft" دارد؛ اما وجود یادداشت دامنه در زبان انگلیسی لازم است تا روشن سازد که هنگام استفاده از اصطلاح‌نامه، تعریف بسیار گسترده‌ای از «علم» باید دریافت شود.

مثال ۳

de: Wissenschaft / en: science SN: Includes natural and social sciences and knowledge in general

حالتی ویژه از هم‌ارزی جزئی زمانی پیش می‌آید که در یکی از زبان‌ها، دو یا چند اصطلاح دارای هم‌ارزی جزئی وجود داشته باشد که ترکیب‌شان بتواند تمامیت مفهومی را که در زبان مبدأ به وسیله اصطلاحی واحد بازنمایی شده، بیان کند. این وضعیت را گاه «هم‌ارزی مرکب» می‌نامند.

مثال ۴

fr: sécurité / de: Sicherheit / en: safety, security
--

در مثال ۴، مفهوم بازنمایی شده به وسیله اصطلاح فرانسوی "sécurité"، به درستی در زبان آلمانی با اصطلاح "Sicherheit" بازنمایی شده است؛ در زبان انگلیسی اصطلاح "security" معمولاً بخشی از دامنه آن را بیان می‌کند، در حالی که "safety" بخش دیگر را پوشش می‌دهد. یافتن اصطلاحی که هر دو بخش را همزمان بیان کند، در زبان انگلیسی بسیار دشوار است. گاه می‌توان با افزودن توضیح‌گرهای کیفی و یا پذیرفتن اصطلاحات ابداعی در یک یا چند زبان بر این وضعیت غلبه کرد (مثال‌های موجود در بندهای ۹-۳-۲ و ۹-۳-۴ را ببینید). در صورتی که این راه حل قابل پذیرش نباشد، ممکن است تعریف ساختارهای غیرمتقارن لازم شود یا ضرورت یابد اصطلاحات را متعلق به اصطلاح‌نامه‌های گوناگون تک‌زبانه در نظر بگیریم و مطابق با شرحی که در استاندارد ISO 25964-2 خواهد آمد، نگاشت‌های یک-به-چند تعیین کنیم.

۱. در زبان آلمانی به معنی علم است (مترجم)

(د) **عدم هم‌ارزی**^۱. گاه در یک زبان، هیچ اصطلاحی نمی‌توان یافت که بتواند مفهوم مورد نیاز در اصطلاح‌نامه را حتی به صورت جزئی یا غیردقیق بازنمایی کند. این مشکل را معمولاً می‌توان به وسیله یک اصطلاح ابداعی یا وام‌گرفته حل کرد (بند ۳-۳-۹ را ببینید). برای نمونه، اصطلاح گالیک^۲ "ceilidh" اغلب از سوی گویندگان انگلیسی زبان برای توصیف رخدادی اجتماعی که ریشه در فرهنگ گالیک دارد، به کار می‌رود. به همین گونه، مفهوم "régime pédagogique" تنها به فرهنگ کانادایی تعلق دارد و در صورت نیاز به درج آن در اصطلاح‌نامه‌ای دوزبانه، شاید لازم باشد در زبان انگلیسی نیز همان اصطلاح فرانسوی امانت گرفته شود یا اصطلاحی مانند "pedagogic regime" ابداع گردد.

استاندارد ISO 25964-2 این مبحث را با پرداختن به نگاشت‌های هم‌ارزی، گسترش خواهد داد. این نگاشت‌ها هنگام تعیین مفاهیم هم‌ارز در واژگان‌های گوناگون یا زمانی که ساختارهای غیرمتقارن در یک اصطلاح‌نامه چندزبانه یافت شود، به کار می‌آیند. هنگامی که مفاهیم و ساختارهای ارائه شده در یک زبان، معادل‌های جامعی در زبان‌های دیگر نداشته باشند، باید تا حد امکان میان مفاهیم هم‌ارز، نگاشت گزینشی برقرار کرد تا ردیابی و تعامل‌پذیری ممکن شود.

۳-۹. مسائل و راه‌حل‌های نمونه

۳-۹-۱. کلیات

در حالت ایده‌آل، برای هر مفهوم، اصطلاحی مرجع در هر یک از زبان‌ها یافت می‌شود و این اصطلاحات در گفت‌وگوی روزمره، دقیقاً هم‌ارزند. بنابراین، امکان وجود ساختار یکسان روابط سلسله‌مراتبی و همبستگی برای تمام زبان‌ها و تمام موارد روابط یک به یک در میان اصطلاحات مرجع به وجود می‌آید. دشواری‌هایی را که در عمل پیش می‌آید می‌توان گاه با پذیرش اصطلاحات هم‌ارز غیردقیق یا جزئی به عنوان اصطلاحات مرجع، حل کرد (۲-۹ ب و ج را ببینید). اما وجود شبه‌مترادف‌ها (۳-۸ را ببینید) یا هم‌نویسه‌های شناسایی نشده (۲-۲-۶ را ببینید) در یک یا چند زبان، یا نبود کامل اصطلاحی برای بازنمایی یک مفهوم در یک یا چند زبان (۲-۹ د را ببینید) گاه مشکلات دیگری پدید

1. non-equivalence

۲. gaelic زبان سلتی (ایرلندی / اسکاتلندی) است (مترجم)

می‌آورند. به ندرت راه حل درست واحدی می‌توان یافت. ناچاریم مزایای گزینه‌های گوناگون را در هر مورد بسنجیم و راه حلی را که برای اغلب حالت‌های بازیابی اطلاعات مناسب‌تر است، در نظر بگیریم.

۹-۳-۲. دشواری‌های ناشی از شبه‌مترادف‌ها یا هم‌نویسه‌ها

هنگامی که مشکل ناشی از هم‌نویسه‌ها باشد، می‌توان طبق توصیه‌های بند ۶-۲-۲ با افزودن توضیحگر کیفی در موارد مناسب آن را رفع کرد (مثال ۱ را در ادامه ببینید). حتی در مواردی که اصطلاحات مشکل‌ساز، معنایی بسیار نزدیک‌تر به یکدیگر داشته باشند، می‌توان از همین راه حل بهره جست و حتی آن‌ها را شبه‌مترادف تلقی کرد. در مثال ۲، نیمه‌مترادف‌ها به اندازه کافی باهم تفاوت دارند که بتوان آن‌ها را به شکل دو مفهوم جداگانه در نظر گرفت و برای تأکید بر تفاوت میان آن‌ها، در یکی از زبان‌ها توضیحگرهای کیفی به کار برد. در مثال‌های ۳ و ۴، راه حل پذیرفتنی‌تر این است که نیمه‌مترادف‌ها را در یک زبان، هم‌ارز تلقی کنیم و در زبان دیگر تنها یک اصطلاح برای بازنمایی آن مفهوم ارائه دهیم.

مثال ۱

زبان انگلیسی	زبان فرانسوی
spring	printemps source
راه حل	
spring (season) ^۱ spring (water) ^۲	printemps source

مثال ۲

زبان فرانسوی	زبان انگلیسی
lisibilité ^۳	legibility readability
راه حل	
lisibilité (calligraphie) ^۴ lisibilité (style)	legibility readability

مثال ۳

زبان انگلیسی	زبان فرانسوی
energy power	Energie
راه حل	
energy UF Power power USE energy	Énergie

مثال ۴

زبان انگلیسی	زبان فرانسوی
Walls	mur Paroi
راه حل	
Walls	mur EP paroi paroi EM mur

۹-۳-۳. نبود اصطلاح هم‌ارز در یک یا چند زبان

اصطلاحی از زبان مبدأ که دارای هم‌ارز میان‌زبانی نباشد، معمولاً دقیق‌تر از دیگر اصطلاحات همان اصطلاح‌نامه است. در این حالت، یک راه حل ساده این است که مفهوم و اصطلاح بدون هم‌ارز در زبان مبدأ، از اصطلاح‌نامه حذف شود. در صورتی که حذف ممکن نباشد، سه راه حل برای حفظ روابط هم‌ارزی یک به یک میان‌زبانی بین اصطلاحات مرجع در اصطلاح‌نامه چندزبانه وجود دارد.

۹-۳-۳-۱. راه حل ۱: تبدیل اصطلاح مرجع به نامرجع

در زبان مبدأ، اصطلاح مرجعی را که هم‌ارزی در زبان مقصد ندارد، به اصطلاح نامرجع تبدیل کنید. آن‌گاه می‌توان این اصطلاح نامرجع را با یک اصطلاح مرجع کلی‌تر، که هم‌ارزهایی در سایر زبان‌های اصطلاح‌نامه چندزبانه دارد، مرتبط ساخت. البته در این صورت، مفهوم اولیه به مفهومی عام‌تر تغییر می‌کند.

مثال ۱

زبان انگلیسی	زبان فرانسوی
Teenagers	?
راه حل	
adolescents ¹ UF teenagers teenagers USE adolescents	adolescent

مثال ۲

زبان انگلیسی	زبان فرانسوی
classroom environment	?
راه حل	
classroom environment ² USE learning environment ³ learning environment UF classroom environment	milieu d'apprentissage

۹-۳-۲. راه حل ۲: وام گرفتن اصطلاح

اصطلاح مرجع زبان مبدأ را به عنوان یک اصطلاح وام گرفته به زبان مقصد وارد کنید (بند ۶-۶-۳ را نیز ببینید). پیش از گنجانیدن هر اصطلاح وام گرفته در اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه باید با کسانی که آن زبان، زبان مادری‌شان است، مشورت کرد.

مجموعه مثال ۱ (اصطلاحات وام گرفته‌ای که به آسانی پذیرفته می‌شوند)

زبان آلمانی Schadenfreude	زبان انگلیسی schadenfreude ⁴
زبان افریقایی veld ⁵	زبان انگلیسی veld

همچنین در مواردی که ترجمه یک اصطلاح وام گرفته نیاز به تعریف یا شرحی طولانی

۳. محیط یادگیری

۲. محیط کلاس درس

۱. نوجوانان

۵. علفزار (در زبان آفریقایی)

۴. شادی در غم دیگران

دارد، که در عمل نمی‌توان آن را به عنوان اصطلاحی مرجح در زبان مقصد به کار برد، می‌توان از اصطلاح وام‌گرفته‌استفاده کرد.

مثال ۲ (اصطلاح وام‌گرفته‌ای که به یادداشت دامنه‌ای توضیحی نیاز دارد)

زبان انگلیسی	زبان آلمانی
Teenager	teenagers H: Zwischen 13 und 19 Jahren

گاه پیش از رواج یافتن اصطلاحی ابداعی در یک زبان طبیعی، از اصطلاح وام‌گرفته‌استفاده می‌شود. این حالت معمولاً دربارهٔ کشفیات علمی یا فناوری‌های نو رخ می‌دهد. در صورتی که به نظر می‌رسد احتمال پذیرفته‌شدن ترجمه‌ای از اصطلاح زیاد است، آن ترجمه را باید به عنوان اصطلاح مرجح در نظر گرفت و اصطلاح وام‌گرفته را نامرجح ذکر کرد.

مثال ۳ (اصطلاح وام‌گرفته‌ای که نامرجح اعلام شود)

زبان آلمانی	زبان انگلیسی
Bremsstrahlung ^۱	braking radiation UF Bremsstrahlung Bremsstrahlung USE braking radiation

۹-۳-۳. راه حل ۳: پدید آوردن یک اصطلاح هم‌ارز (ابداعی)^۲

اصطلاحی هم‌ارز (ابداعی) در زبان مقصد ایجاد کنید. اصطلاحات ابداعی باید فقط پس از مشاوره میان نمایه‌سازان، کارشناسان زبان و کارشناسان رشتهٔ مربوط پدید آیند. این اصطلاحات را در حالات زیر می‌توان ابداع کرد.

- اصطلاح زبان مبدأ، که مفهومی نو را برای کاربران زبان مقصد بازنمایی می‌کند، به دلیلی قابل پذیرش به عنوان اصطلاح وام‌گرفته نیست.
- اصطلاح زبان مبدأ قبلاً از سوی نویسندگان زبان مقصد وام‌گرفته‌شده‌است، البته به سبب نامناسب یا غیرقابل پذیرش شناخته‌شدن، باید با اصطلاح دیگری جایگزین شود.
- البته تا زمان رواج اصطلاح ابداعی، اصطلاح وام‌گرفته باید همچنان به عنوان اصطلاح

۱. تابش ترمزی

2. coined

نامرجح در اصطلاح‌نامه ذکر شود.

- در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه با سه زبان یا بیشتر، مفهومی که ابتدا در یکی از زبان‌ها بازنمایی شده، پیشتر به وسیله اصطلاحی ابداعی در یکی از زبان‌های دیگر بیان شده باشد. نمایه‌سازی که با یک زبان سوم کار می‌کند و با دو گزینه برای وام‌گرفتن اصطلاح (از دو زبان) روبه‌روست، ممکن است در عوض ترجیح دهد اصطلاحی ابداعی پدید آورد، به ویژه اگر احتمال رخداد آن مفهوم در زبان سوم وجود داشته باشد.

مثال ۱

زبان آلمانی	زبان انگلیسی	زبان فرانسوی
Schlüsselkind	latchkey children	enfant à clé NE Enfant dont les parents travaillent pendant la journée et qui est muni d'une clé pour pouvoir rentrer chez lui en sortant de l'école. ^۱

اصطلاحات ابداعی را می‌توان به روش‌های زیر پدید آورد (موارد به ترتیب اهمیت نیامده‌اند).

الف) با ترجمه لفظ به لفظ اصطلاح زبان مبدأ یا اجزای معناشناسی آن.

مثال ۲

زبان فرانسوی	زبان انگلیسی
cuisine minceur	lean cuisine ^۲

ب) با ساختن اصطلاح یا عبارتی که معنای کلی اصطلاح زبان مبدأ را بیان می‌کند.

مثال ۳

آلمانی	انگلیسی	فرانسوی
Bremsstrahlung	braking radiation	rayonnement de freinage

۱. کودکی که والدین وی در طول روز سر کار می‌روند و کلید خانه را به او می‌دهند تا بعد از مدرسه به خانه بازگردد.
۲. آشپزی کم‌کالری

ج) با اختراع یک نوواژه که باید تا حد ممکن کوتاه باشد تا رواج یابد (این اختراعات گاه به ترجمه لفظ به لفظ نزدیک می‌شوند).

مثال ۴

انگلیسی	فرانسوی
gender mainstreaming	intégration de la dimension de genre

۹-۳-۴. مشکلات ترکیبی

اغلب در مورد یک اصطلاح با چندین مشکل روبه‌رو می‌شویم و ممکن است یافتن راه حل کاری بسیار پیچیده باشد.

مثال

اسپانیایی	انگلیسی
Aislamiento	insulation ¹ isolation
راه حل	
aislamiento acústico	acoustic insulation ² UF insulation (acoustic)
aislamiento eléctrico	electrical insulation ³ UF insulation (electrical)
aislamiento físico	isolation
aislamiento térmico	thermal insulation ⁴ UF insulation (thermal)

در زبان اسپانیایی، "aislamiento" را می‌توان به سبب دو معنای فوق‌الذکر، هم‌نویسه به شمار آورد. اما اصطلاحات جداگانه‌ای برای دو مفهوم فوق وجود ندارد و یافتن توضیح‌گرهای کیفی برای روشن‌ساختن تفاوت آن‌ها بسیار دشوار است. در زبان انگلیسی نیز می‌توان گفت اصطلاح "insulation" هم‌نویسه است، زیرا انواع گوناگون insulation کاملاً با یکدیگر متفاوتند. بنابراین، راه حل نشان‌داده‌شده مفهوم اعم "insulation" را به‌طور کلی حذف، و آن را با سه مفهوم اخص برای بیان انواع اصلی insulation مورد نیاز

در این اصطلاح‌نامه جایگزین می‌سازد. در عین حال، اصطلاح "aislamiento físico" نیز در زبان اسپانیایی در برابر اصطلاح انگلیسی "isolation" ابداع شده‌است.

۹-۴. بازنمایی هم‌ارزی میان‌زبانی بین اصطلاحات مرجح

برای نشان‌دادن هم‌ارزی میان اصطلاحات مرجح مربوط به یکدیگر در زبان‌های گوناگون، باید از رمزگان زبانی آلفا-۲ در استاندارد ISO 639-1، که همیشه حروف کوچک به کار می‌برد، مانند نمونه زیر استفاده کرد (بند ۱۵-۲-۱۰ را نیز ببینید). در صورتی که رمزگان مناسبی در استاندارد ISO 639-1 یافت نشود، می‌توان رمزگان آلفا-۳ از استاندارد ISO 639-2 را به کار برد. در مواقع لزوم، این رمزگان را می‌توان با استفاده از رمزگان اضافی شرح‌داده‌شده در RFC 4646 [۴۵]، که در فهرست برچسب‌های IANA ثبت شده‌است، گسترش داد [۳۵].

مثال

نسخه انگلیسی	نسخه اسپانیایی	نسخه فرانسوی
economic aid es ayuda económica fr aide économique UF economic assistance	ayuda económica en economic aid fr aide économique	aide économique ^۱ en economic aid es ayuda económica

مثال فوق، اصطلاحات مرجح و روابط هم‌ارزی را برای یک مفهوم در هر یک از نسخه‌های زبانی اصطلاح‌نامه چندزبانه (انگلیسی، اسپانیایی و فرانسوی) نشان می‌دهد. هم‌ارزهای میان‌زبانی پیش از هم‌ارزهای درون‌زبانی نشان داده‌شده‌اند. رهنمودهای بیشتر دربارهٔ چگونگی نمایش روابط در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه را در بند ۱۲-۳ ببینید.

۹-۵. هم‌ارزی میان‌زبانی بین اصطلاحات نامرجح

تعداد مترادف‌ها و شبه‌مترادف‌های یک اصطلاح از زبانی به زبان دیگر تغییر می‌کند و ارائه هم‌ارزهای میان‌زبانی برای اصطلاحات نامرجح در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه لزومی ندارد. در مثال ۴-۹ "economic assistance" به عنوان مترادفی برای "economic aid" درج شده‌است، اما برای اصطلاحات مرجح اسپانیایی "ayuda económica" و فرانسوی "aide économique" ذکر نشده‌است.

۱. کمک اقتصادی

نشان دادن هم‌ارزهای میان‌زبانی برای اصطلاحات نامرجح زبان‌های مختلف در اصطلاح‌نامه چندزبانه، هنگامی که این اصطلاحات نامرجح شبه‌مترادف‌هایی باشند که وجه خاصی از دامنه مفهوم مورد نظر را انتقال می‌دهند، می‌تواند سودمند باشد. اصطلاحات نامرجح گاه برای مفاهیم مرزی دامنه موضوعی اصطلاح‌نامه ارائه می‌شوند، زیرا حجم اطلاعاتی که بناست ارائه شود تضمین کننده دربرداشتن یک مفهوم اخص همراه با اصطلاح مرجح مربوط به آن نیست. به مرور و با گسترش دامنه اصطلاح‌نامه، وضعیت این اصطلاحات ممکن است تغییر یابد و به اصطلاحات مرجح بدل شوند. در این حالت، بسیار سودمند است اگر هم‌ارزهای تمام زبان‌ها از پیش تعیین شده باشند.

برای نمونه، اصطلاح "narcissus"^۱ می‌تواند در هر دو نسخه انگلیسی و فرانسوی اصطلاح‌نامه چندزبانه به عنوان اصطلاح مرجح ارائه داده شود و "daffodils"^۲ و "jonquille"^۳ به عنوان اصطلاحات نامرجح برای همان مفهوم در زبان‌های فوق ذکر شوند. می‌توان ارتباطی مستقیم میان "daffodils" و "jonquille" نیز برقرار کرد، اگرچه این کار معمولاً ضروری نیست.

۱۰. روابط میان مفاهیم^۴

۱-۱۰. مقدمه

جدا از رابطه هم‌ارزی، روابط گوناگون دیگری نیز می‌توان در اصطلاح‌نامه برقرار ساخت. در حالی که روابط هم‌ارزی در یک اصطلاح‌نامه تک‌زبانه فقط میان اصطلاحات (مرجح و نامرجح) وجود دارند، روابط بیان‌شده در این بخش تنها میان مفاهیم برقرارند (الگوی داده‌ای بند ۱۵ را نیز ببینید). چنین روابطی تنها زمانی باید در اصطلاح‌نامه گنجانده شوند که از نوع جانشینی باشند، به بیان دیگر در گستره وسیعی از زمینه‌های موضوعی اعتبار داشته باشند.

توجه: نمایش دادن چنین روابطی دشوار است، زیرا مفاهیم فقط در ذهن حضور دارند و بنابراین، روش مرسوم نمایش آن‌ها این است که هر رابطه از این دست را به صورت رابطه میان اصطلاحات مرجح بیان‌کننده مفاهیم مورد نظر نشان دهیم. از این

۳. نرگس زرد (در زبان فرانسوی)

۲. نرگس‌های زرد

۱. گل نرگس

4. relationships between concepts

رو، برچسب‌های BT، NT و RT که به ترتیب اصطلاح اعم، اصطلاح اخص و اصطلاح مرتبط را نشان می‌دهند، می‌توانند نشان‌دهنده مفهوم اعم، مفهوم اخص و مفهوم مرتبط نیز باشند.

۱۰-۲. رابطه سلسله‌مراتبی

۱۰-۲-۱. کلیات

رابطه سلسله‌مراتبی هنگامی میان دو مفهوم برقرار می‌شود که دامنه یکی کاملاً درون دامنه دیگری قرار گیرد. این رابطه باید بر درجات و سطوح فرودست^۱ و فرادست^۲ استوار شود. به این شکل که مفهوم فرادست بیانگر یک رده یا کلیت است و مفاهیم فرودست به اعضا یا اجزای آن اشاره می‌کنند.

از برچسب‌های زیر باید به صورت دوسویه استفاده شود:

BT (اصطلاح اعم)، که به شکل پیشنهاد اصطلاح فرادست می‌آید؛

NT (اصطلاح اخص)، که به صورت پیشنهاد اصطلاح فرودست می‌آید.

مثال ۱

animals
NT mammals ³
mammals
BT animals

روابط سلسله‌مراتبی سه شکل زیر را دارند و به سه حالت که از نظر منطقی متفاوتند، مرتبط می‌شوند:

الف) رابطه نسلی^۴

ب) رابطه کل-جزء سلسله‌مراتبی^۵

ج) رابطه موردی^۶

هریک از این سه حالت به سلسله‌مراتبی می‌انجامد که از طریق ارجاع دهی به انواع مفاهیم مربوط، مثلاً آن‌هایی که در بند ۵-۱-۲ فهرست شده‌اند، در آزمونی منطقی صدق می‌کنند. هر مفهوم فرودست باید به مقوله ذاتی یکسان با مفهوم فرادست خود تعلق

1. subordinate term

2. superordinate term

۳. پستانداران

4. generic relationship

5. hierarchical whole-part relationship

6. instance relationship

داشته باشد. به بیان دیگر، هر دو اصطلاح اعم و اخص باید بیان‌کننده نوعی شیء، کنش، ویژگی و غیره باشند (شرح بیشتر درباره تحلیل چهریزه‌ای را در بند ۱۱ بخوانید).

مثال ۲

الف) «فلزات» (رده‌ای از مواد) و «ریخته‌گری» (یک کنش) انواع مختلفی از مفاهیم را بازنمایی می‌کنند و بنابراین نمی‌توانند رابطه سلسله‌مراتبی باهم داشته باشند.

ب) «فلزات» و «طلا» هر دو بیان‌کننده نوعی ماده‌اند و بنابراین می‌توانند رابطه سلسله‌مراتبی داشته باشند.

با استفاده از قراردادهای شرح داده شده در ۲-۲-۱۰، ۳-۲-۱۰ و ۴-۲-۱۰ می‌توان سه گونه رابطه سلسله‌مراتبی را به شکل صریح از هم متمایز ساخت. این کار نیازمند صرف وقت و افزایش درجه پیچیدگی است و باید با سنجیدن مزایایی که در کاربردهای پیش‌بینی شده ایجاد خواهد کرد، انجام گیرد.

مهم‌ترین کارکرد روابط سلسله‌مراتبی، کمک به نمایه‌ساز و جست‌وجوگر در انتخاب میزان جزءنگری موردنیاز است. جست‌وجو را می‌توان با پیمایش به سمت بالا یا پایین در سلسله‌مراتب، به ترتیب عام‌تر یا خاص‌تر کرد. یک روش معمول برای بهینه‌سازی فراخوانی جست‌وجو، «انفجار جست‌وجو»^۱ نام دارد. در این روش، جست‌وجو را آن قدر گسترش می‌دهند تا تمام اصطلاحات اخص اصطلاح مرجع اولیه را در بر بگیرد [۳-۳-۱۶، ۵، ۳-۳-۱۶، ۳-۳-۱۶، ۴-۳-۱۶ ج را نیز ببینید]. پیروی دقیق از رهنمودهای ذکر شده در بندهای ۲-۲-۱۰ تا ۵-۲-۱۰ سبب می‌شود که نتیجه جست‌وجوی انفجاری تنها به بازیابی مواردی بینجامد که در دامنه مفهوم فرادست قرار می‌گیرد.

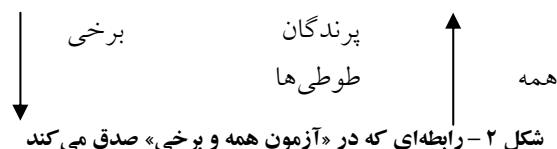
توجه: انفجار جست‌وجو، برخلاف گسترش جست‌وجو، اصطلاحات دارای رابطه همبستگی را در بر نمی‌گیرد (۳-۱۰ را ببینید).

۲-۲-۱۰. رابطه نسلی

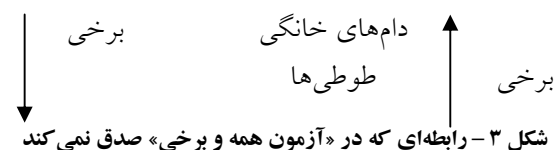
۱-۲-۲-۱۰. رابطه نسلی، پیوند میان یک رده یا مقوله و اعضا یا گونه‌های درون آن است. علاوه بر آزمون اعتبار شرح داده شده در بند ۱-۲-۱۰، این رابطه در یک «آزمون همه و

1. search explosion

برخی^۱ مانند آنچه در شکل ۲ نشان داده شده، نیز صدق می کند.



شکل ۲ نشان می دهد که برخی اعضای رده «پرنده‌ها» با نام «طوطی» شناخته می شوند و تمام «طوطی‌ها» بر اساس تعریف و مستقل از موضوع، جزء «پرنده‌ها» به شمار می روند. این آزمون معمولاً تضمین می کند که اصطلاحی نظیر «طوطی» فرودست رده‌ای مانند «دام‌های خانگی» قرار نگیرد، زیرا همه طوطی‌ها لزوماً دام خانگی نیستند. شکل ۳ رابطه میان این دو اصطلاح را نشان می دهد.



در شکل ۳، برخی از اعضای رده «دام‌های خانگی» «طوطی» هستند و فقط بعضی طوطی‌ها دام خانگی به شمار می روند. بنابراین، میان چنین اصطلاحاتی نباید پیوند BT/NT (اصطلاح اعم/اصطلاح اخص) برقرار کرد.

توجه: هنگام نمایه‌سازی اثری درباره «طوطیان به عنوان دام‌های خانگی»، باید اصطلاحات مرجحی به بازنمایی هردوی این مفاهیم اختصاص یابد.

۱۰-۲-۲-۲. این استدلال ممکن است در زمینه موضوعی اصطلاح‌نامه‌ای تخصصی ویژه حیوانات اهلی، که در آن طوطی فقط به عنوان حیوانی خانگی مطرح است، به کار نیاید. در چنین حالتی، «طوطی» را می توان در یک سلسله مراتب فرودست «دام‌های خانگی» قرار داد. اما این گونه تقریب‌ها را، به ویژه در محیط‌های شبکه‌ای که مدارک مربوط به یک سامانه ممکن است با سامانه‌ای دیگر درهم آمیخته شوند، باید با احتیاط به کار برد. هنگامی که به تعامل‌پذیری نیاز است، روابط برقرارشده باید در همه جا قابل پذیرش باشند.

1. all-and-some test

۱۰-۲-۳. برچسب‌های BT/NT معمولاً برای تعیین روابط نسلی کفایت می‌کنند، اما به اختیار می‌توان از برچسب‌های زیر نیز استفاده کرد:

¹BTG: اصطلاح اعم (نسلی)

²NTG: اصطلاح اخص (نسلی)

مثال

rats	
BTG	rodents ³
rodents	
NTG	rats

۱۰-۲-۳. رابطه کل-جزء سلسله‌مراتبی

۱۰-۲-۳-۱. رابطه کل-جزء سلسله‌مراتبی گستره محدودی از حالات را در بر می‌گیرد که در آن‌ها بخشی از یک کل یا سامانه به‌صورت انحصاری به یک کل مالک تعلق دارد. این وضعیت ویژه چهار رده اصلی از اصطلاحات است.

الف) دستگاه‌ها و اندام‌های بدن.

مثال ۱

cardiovascular system ⁴
blood vessels ⁵
arteries ⁶
veins ⁷

ب) مکان‌های جغرافیایی.

مثال ۲

Canada
Ontario
Ottawa
Toronto

1. BTG: broader term (generic)

2. NTG: narrower term (generic)

۵. رگ‌های خونی

۴. دستگاه گردش خون

۳. جوندگان

۷. سیاهرگ‌ها

۶. سرخرگ‌ها

ج) رشته‌ها و موضوعات گفتمان.

مثال ۳

science ¹
biology ¹
botany ²
zoology ³

د) ساختارهای اجتماعی سلسله‌مراتبی.

مثال ۴

armies ⁴
corps ⁵
divisions (army) ⁶
battalions ⁷
regiments ⁸

بیشتر موارد دیگر رابطه کل-جزء واجد شرایط پیوند سلسله‌مراتبی نیستند، زیرا بخش جزء می‌تواند به بیش از یک کل تعلق داشته‌باشد. برای نمونه، میان «دوچرخه» و «چرخ» نباید رابطه BT/NT برقرار شود، زیرا «چرخ» می‌تواند جزئی از خودرو، چرخ دستی یا بسیاری مصنوعات دیگر باشد. جست‌وجوی انفجاری اصطلاح دوچرخه، در صورتی که تا حد دربرداشتن تمام انواع چرخ گسترش یافته‌باشد، به بازیابی مقدار زیادی اطلاعات ناخواسته منجر خواهدشد. اما گاه مواردی پیش می‌آید که اجزای یک محصول، دست کم در زمینه کاربرد اصطلاح‌نامه مورد نظر، تنها به خود آن محصول تعلق دارد. مثلاً شاید برقراری پیوند BT/NT میان "fireplaces"⁹ و "hearths"¹⁰ یا میان "bows"¹¹ و "bowstrings"¹² مناسب باشد. این کار معمولاً به سردرگمی منجر نمی‌شود و جست‌وجوهای انفجاری مبتنی بر اصطلاح اعم را بهبود می‌بخشد. اما این روش درباره ماشین‌های پیچیده و اجزای آن‌ها پیشنهاد نمی‌شود. در چنین مواردی راه حل مناسب‌تر، ایجاد اصطلاح اعمی مانند "engine components"¹³ و فهرست کردن اجزای گوناگون آن به عنوان اصطلاحات اخص است (۷-۵-۲ را ببینید).

۱۰-۲-۳-۲. معمولاً برچسب‌های BT/NT برای تشخیص رابطه جزئی کافی هستند، اما

۱. زیست‌شناسی	۲. گیاه‌شناسی	۳. جانورشناسی	۴. ارتش‌ها
۵. سپاه	۶. لشگرها	۷. گردان‌ها	۸. هنگ‌ها
۹. شومینه	۱۰. آتشدان	۱۱. کمان	۱۲. زه
			۱۳. قطعات موتور

برچسب‌های زیر را نیز می‌توان به کار برد:

BTP = اصطلاح اعم (جزئی)^۱

NTP = اصطلاح اخص (جزئی)^۲

مثال

central nervous system ^۳ BTP nervous system ^۴
nervous system NTP central nervous system

۱۰-۲-۴. رابطه موردی

۱۰-۲-۴-۱. رابطه موردی، مفهومی عام، مانند رده‌ای از اشیا یا رخدادها، را با تک نمونه‌ای از آن رده، که اغلب با یک اسم خاص بازنمایی می‌شود، پیوند می‌دهد (۶-۶-۹ را نیز ببینید).

مثال

mountain regions	{ class
Alps Himalayas	{ instances

در این مثال، "Alps" و "Himalayas" به جایگاه‌های فرودست سلسله‌مراتبی اختصاص می‌یابند. درحالی که هیچ یک از آن دو، گونه یا جزئی از "mountain regions" نیستند، اما نمونه‌هایی منحصر به فرد از آن را بازنمایی می‌کنند.

۱۰-۲-۴-۲. برچسب‌های BT/NT معمولاً برای تشخیص رابطه موردی کفایت می‌کنند،

اما از برچسب‌های زیر نیز می‌توان استفاده کرد:

BTI = اصطلاح اعم (موردی)^۵

NTI = اصطلاح اخص (موردی)^۶

1. BTP: broader term (partitive)

2. NTP: narrower term (partitive)

۳. دستگاه اعصاب مرکزی ۴. دستگاه عصبی

5. BTI: broader term (instantial)

6. NTI: narrower term (instantial)

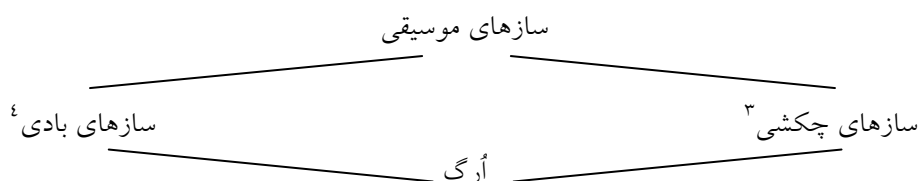
مثال

Paris BTI capital cities ^۱
capital cities NTI Paris

۱۰-۲-۵. روابط چندسلسله‌مراتبی^۲

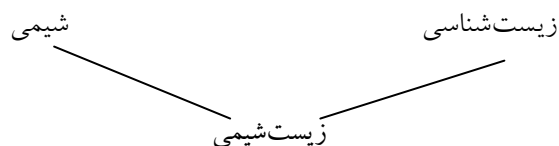
برخی مفاهیم با دلایل منطقی، همزمان به بیش از یک دسته یا رده تعلق دارند. در چنین مواردی، باید پیوند سلسله‌مراتبی مستقیمی به تمام مفاهیم اعم مربوط به آن داده شود و در این حالت، ساختار اصطلاح‌نامه را ساختار چندسلسله‌مراتبی می‌خوانند. این حالت، در تقابل با ساختار تک‌سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرد که بر اساس آن به هر مفهوم تنها یک پیوند معتبر BT می‌توان اختصاص داد.

مثال ۱



در مثال ۱، اصطلاح «اُرگ» بر اساس رابطهٔ نسلی خود با دو اصطلاح اعم در جایگاه فرودست قرار گرفته‌است. در موارد دیگر، پیوندهای چندسلسله‌مراتبی ممکن است بر اساس روابط کل-جزء استوار گردند.

مثال ۲



در برخی موارد، پیوندهای چندسلسله‌مراتبی ممکن است بر روابطی که از نظر منطقی

۱. پایتخت‌ها

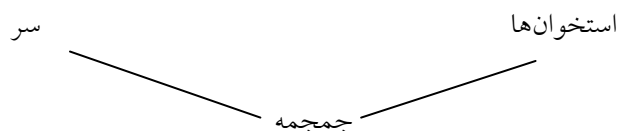
2. polyhierarchical relationships

3. keyboard instruments

4. wind instruments

کاملاً متفاوتند، استوار شده‌باشند.

مثال ۳



در مثال ۳، پیوند میان «استخوان‌ها» و «جمجمه» بر رابطهٔ نسلی استوار است (جمجمه نوعی استخوان است)، در حالی که پیوند میان «سر» و «جمجمه» بر رابطهٔ کل-جزء سلسله‌مراتبی مبتنی است (جمجمه بخشی از سر است).
هنگامی که مفهومی دارای بیش از یک مفهوم اعم باشد، تمام روابط مربوط به آن باید نشان داده‌شوند. گزینهٔ دیگر، نمایش صریح تفاوت رابطه‌ها با استفاده از برچسب‌های مناسب است.

مثال ۴

skull ¹		or	skull
BT	bones		BTG bones
	head		BTP head

۱۰-۲-۶. ساختارهای نامتقارن در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه و چندفرهنگی

به‌طور معمول، تمام نسخه‌های زبانی اصطلاح‌نامه چندزبانه، از ساختاری مشترک برای یک سلسله‌مراتب معین از مفاهیم استفاده می‌کنند. اما هنگامی که دو یا چند اجتماع با فرهنگ‌های متفاوت، از یک اصطلاح‌نامه استفاده کنند، به‌ویژه اگر مفاهیم و اصطلاحات آشنا برای یک اجتماع ارتباط یک‌به‌یک با مفاهیم و اصطلاحات هم‌ارز مورد استفاده در اجتماع دیگر نداشته‌باشد، ممکن است مشکلاتی در تعیین ساختار سلسله‌مراتبی مناسب پیش آید (۹-۲ ج را هم ببینید). برای تطابق تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و اطمینان از این که تمام نسخه‌های زبانی اصطلاح‌نامهٔ چندزبانه از جایگاه یکسان برخوردارند، می‌توان گاه از ساختارهای نامتقارن استفاده کرد. برای توضیح بیشتر دربارهٔ رویکردهای ساخت اصطلاح‌نامهٔ چندزبانه، ۱۳-۳-۳ را ببینید.

توجه: در صورت پذیرش ساختارهای نامتقارن، الگوی داده‌ای شرح داده شده در بند ۱۵، نیاز به اصلاح خواهد داشت.

۱۰-۳. رابطه همبستگی

۱۰-۳-۱. کلیات

رابطه همبستگی، ارتباط میان زوج مفهومی‌هایی را نشان می‌دهد که ارتباط سلسله‌مراتبی ندارند، اما همبستگی معنایی یا مفهومی میان آن‌ها به اندازه‌ای است که لازم است ارتباط آن‌ها را به دلیل فراهم آوردن گزینه‌های بیشتر برای نمایه‌سازی یا بازیابی، در اصطلاح‌نامه به صراحت نشان دهیم. این ارتباط با برچسب "RT" (اصطلاح مرتبط) نشان داده می‌شود و باید به شکل دوسویه به کار رود.

مثال

birds	
RT	ornithology ^۱
ornithology	
RT	birds

رهنمودی کلی برای روابط همبستگی این است که هرگاه اصطلاح مرجع یک مفهوم به کار رود، لازم است به مفهوم دیگر نیز در چارچوب مرجع مشترک میان کاربران اصطلاح‌نامه به طور ضمنی اشاره شود. افزون بر این، اغلب اوقات یکی از اصطلاحات، جزئی ضروری از هر شرح یا تعریف ارائه شده درباره اصطلاح دیگر است. برای نمونه، اصطلاح "birds" جزئی ضروری از توضیح مربوط به "ornithology" است. برقراری رابطه همبستگی میان مفاهیمی که دامنه‌های آن‌ها هم‌پوشانی دارند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۱۰-۳-۲. اصطلاحات و مفاهیم دارای هم‌پوشانی معنایی^۲

۱۰-۳-۲-۱. در گفتمان عادی، اغلب اوقات یک زوج اصطلاح را می‌توان در برخی

۱. پرندشناسی

2. overlapping meaning

زمینه‌های موضوعی به جای یکدیگر به کار برد، اما در برخی زمینه‌های دیگر نمی‌توان چنین کرد. برای نمونه، دو اصطلاح «کشتی» و «قایق» ممکن است بیانگر دو مفهوم متفاوت تلقی شوند، زیرا گرچه فصل مشترک قابل توجهی دارند، دامنهٔ هیچ یک به اندازهٔ کافی با دامنهٔ دیگری هم‌پوشانی ندارد. اگر دو مفهوم از این دست در اصطلاح‌نامه وارد شده و با اصطلاحات مرجع متفاوتی بازنمایی شده باشند، لازم است یک رابطهٔ همبستگی میان آن دو برقرار شود. این نکته، به جست‌وجوگر یادآوری می‌کند که شاید لازم باشد برای اطمینان از دستیابی به تمام اطلاعات مربوط، هر دو اصطلاح مرجع را جست‌وجو کند.

مثال

boats	
RT	ships
ships	
RT	boats

۱۰-۳-۲. زوج اصطلاحی که هم‌پوشانی معنایی دارند، اغلب ممکن است خویشاوند باشند، به بیان دیگر اصطلاح اعم مشترکی داشته باشند. اما نیازی نیست میان تمام اصطلاحات خویشاوند به این شکل ارتباط برقرار کرد. برای مثال، برقراری رابطهٔ همبستگی میان اصطلاحاتی چون «اسب» و «الاغ»، تنها به دلیل داشتن اصطلاح اعم مشترک، مثلاً «اسب‌سانان»^۱، لازم نیست، زیرا این دو اصطلاح هم‌پوشانی معنایی ندارند.

۱۰-۳-۳. سایر موارد پیوند همبستگی

هنگامی که یک اصطلاح بر اصطلاحی دیگر دلالت ضمنی قوی دارد، دلیل کافی برای برقراری رابطهٔ همبستگی میان آن دو وجود دارد. دسته‌های زیر تنها چند نمونه از حالت‌های ارتباطی را که در عمل مشاهده می‌شود، نشان می‌دهند.

الف) رشته یا حوزه مطالعاتی و اشیاء یا پدیده‌های مورد مطالعه.

1. equines

مثال ۱

forestry ¹ RT forests
forests RT forestry

مثال ۲

neurology ² RT nervous system
nervous system RT neurology

ب) فرایند یا عملکرد و عامل یا ابزار آن.

مثال ۳

temperature control RT thermostats
thermostats RT temperature control

مثال ۴

crime investigation ³ RT detectives ⁴
detectives RT crime investigation

ج) کنش و دستاورد آن.

مثال ۵

weaving ⁵ RT cloth
cloth RT weaving

مثال ۶

ploughing ^۱ RT furrows ^۲	
furrows RT ploughing	

د) کنش و مفعول یا مخاطب آن.

مثال ۷

harvesting ^۳ RT crops	
crops ^۴ RT harvesting	

مثال ۸

imprisonment ^۵ RT prisoners	
prisoners RT imprisonment	

ه) اشیاء یا مواد و ویژگی‌های توصیف‌کننده آن‌ها.

مثال ۹

poisons RT toxicity	
toxicity RT poisons	

مثال ۱۰

magnets RT ferromagnetism	
ferromagnetism RT magnets	

و) دست‌ساخته‌ها و اجزای آن‌ها، در صورتی که در رابطه کل-جزء سلسله‌مراتبی صدق نکنند (۱۰-۲-۳ را ببینید).

مثال ۱۱

optical instruments ¹ RT lenses
lenses RT optical instruments

ز) مفاهیمی که وابستگی علت و معلولی دارند.

مثال ۱۲

bereavement ² RT death
death RT bereavement

مثال ۱۳

diseases RT pathogens
pathogens RT diseases

ح) شیء یا فرایند و عامل مخالف آن.

مثال ۱۴

plants RT herbicides
herbicides RT plants

مثال ۱۵

inflammation¹
RT anti-inflammatory agents²
 anti-inflammatory agents
RT inflammation

ط) مفهوم و واحد سنجش آن.

مثال ۱۶

electric current
RT amperes
 amperes
RT electric current

ی) اصطلاح مرکب و اسمی که کانون آن است، در صورتی که بین آن دو رابطهٔ سلسله‌مراتبی واقعی وجود نداشته‌باشد.

مثال ۱۷

model ships
RT ships
 ships
RT model ships

مثال ۱۸

fossil reptiles
RT reptiles
 reptiles³
RT fossil reptiles

ک) موجودزنده یا ماده‌ای که از موجودزنده یا مادهٔ دیگر تولید یا مشتق شده‌باشد.

مثال ۱۹

mules⁴
RT donkeys
 donkeys
RT mules

مثال ۲۰

brass ^۱
RT copper ^۲
copper
RT brass

۱۰-۳-۴. اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه و چندفرهنگی

برای ارائه روابط همبستگی کافی در اصطلاح‌نامه چندزبانه، نیازهای کاربران تمام نسخه‌های زبانی آن باید در نظر گرفته شود و روابط مناسب برقرار گردد (۳-۳-۱۳) را نیز ببینید).

همان‌گونه که در بندهای ۱-۹، ۲-۹ و ۶-۲-۱۰ شرح داده شد، جوامع دارای فرهنگ‌ها و یا زبان‌های مختلف که اصطلاح‌نامه‌ای مشترک دارند، گاه به مفاهیم و روابطی میان‌مفهومی نیازمندند که برای جوامع دیگر کاربر همان اصطلاح‌نامه ناآشنا هستند. در مواردی که ساختارهای نامتقارن سلسله‌مراتبی برای همسازی این تفاوت‌ها به کار می‌روند، معمولاً به روابط همبستگی نامتقارن نیز نیاز است.

توجه: در صورت به‌کارگیری ساختارهای نامتقارن، الگوی داده‌ای شرح داده‌شده در بند ۱۵ باید اصلاح شود.

۱۰-۴. روابط سفارشی^۳

انواع روابط هم‌ارزی، سلسله‌مراتبی و همبستگی که در بندهای ۸ و ۲-۱۰ و ۳-۱۰ توضیح داده شد، روابطی پذیرفته‌شده و دارای کاربرد گسترده‌اند و معمولاً در زمینه‌هایی که کاربر پیش از انتخاب نحوه بیان عبارت جست‌وجوی خود، با نمایش آرایه‌ای از اصطلاحات اعم، اخص یا مرتبط روبرو است، کافی تلقی می‌شوند. اما گاه ممکن است به انواع روابط دقیق‌تر یا بیشتری نیاز باشد.

به همان شکل که رابطه سلسله‌مراتبی را می‌توان به اختیار به روابط نسلی، جزئی یا موردی بخش کرد، روابط هم‌ارزی و همبستگی نیز می‌تواند برای کاربردی ویژه به زیرمجموعه‌هایی تقسیم شود. برای نمونه، کونه‌نوشت‌ها و یا سرنام‌ها را می‌توان جدا از تمام انواع دیگر روابط هم‌ارزی نمایش داد. می‌توان از برجسب‌هایی غیر از USE/UF،

۱. برنج (فلز) ۲. مس

3. customized relationship

مثلاً^۱ FT/AB برای اصطلاح کامل و کوتاه‌نوشت نیز استفاده کرد. به همین گونه، رابطه همبستگی را می‌توان به زیرمجموعه‌هایی مانند علت و معلول با برچسب‌های CAUSE/EFFECT تقسیم کرد.

تهیه‌کننده اصطلاح‌نامه پیش از آغاز به ارائه انواع رابطه‌های دقیق‌تر، ابتدا اطمینان یابد که این روابط واقعاً ضرورت دارند و تنها یک ساختار ذهنی جذاب نیستند. هدف اصطلاح‌نامه، خدمات به مجموعه‌ای از کاربران در زمینه موضوعی معین است. ممکن است مزایای ارائه روابط بیشتر و دقیق‌تر در مقایسه با میزان پیچیدگی افزوده‌شده از دید کاربران، چندان ارزشمند نباشد. با این حال، شاید دلایل دیگری نیز برای این کار اضافی وجود داشته‌باشد، مثلاً اگر بنا باشد اصطلاح‌نامه به عنوان هستی‌شناسی یا در ارتباط با یک هستی‌شناسی به کار رود (هستی‌شناسی‌ها معمولاً روابطی خاص‌تر و با توضیح دقیق‌تر ارائه می‌دهند).

توجه: برای توصیه‌هایی در زمینه‌های فوق، استاندارد ISO 25964-2 را ببینید. در صورت تعریف روابط سفارشی، مهم است که کاربران با رویه به‌کاررفته آشنا باشند و هنگام کاربری همزمان اصطلاح‌نامه سفارشی با اصطلاح‌نامه‌های مرسوم سردرگمی ایجاد نشود. کاربرد برچسب‌ها و نمادهای غیرمرسوم در هنگام تعامل میان اصطلاح‌نامه مورد نظر و سایر اصطلاح‌نامه‌ها خطر ناسازگاری را پدید می‌آورد. این خطر را می‌توان با اطمینان از این که روابط ابداع‌شده زیرگونه‌های واقعی روابط مرسوم هستند، کاهش داد.

۱۱. تحلیل چهریزه‌ای

تحلیل چهریزه‌ای در ایجاد سلسله‌مراتب‌هایی که تابع قوانین روابط سلسله‌مراتبی، مطابق بند ۱۰-۲ باشند، به کار می‌آید زیرا این رابطه‌ها فقط برای مفاهیم متعلق به یک مقوله کلی مشترک اعتبار دارند.

انتخاب چهریزه‌ها ممکن است بر اساس زمینه موضوعی، متفاوت باشد، اما در لایه‌های رأس معمولاً از مقوله‌های بنیادین مانند اشیاء، مواد، عوامل، کنش‌ها، مکان‌ها، زمان‌ها و غیره استفاده می‌شود. در مواقع لزوم، می‌توان این چهریزه‌ها را به چهریزه‌های فرعی‌تری تا سطح لایه مورد نیاز تجزیه کرد؛ برای نمونه، کنش‌ها را می‌توان به *فرایندها* (افعال لازم)، مانند «رسیدن» یا «زوال» و *عملیات* (افعال متعدی)، مانند «بریدن» یا «مرمت‌کردن» تقسیم

1. FT/AB (full term/abbreviation)

کرد.

توجه: فعل لازم، فعلی است که «فاعل» آن عملی بر چیزی انجام نمی‌دهد؛ در حالی که فاعل یک فعل متعدی، عملی بر یک شیء انجام می‌دهد. به این ترتیب، یک سیب طی فرایندی درونی «می‌رسد»، اما در «بریدن» سیب، یک کارد، عملی بر شیئی بیرونی انجام می‌دهد.

یک نمونه از کاربرد تحلیل چهریزه‌ای در آرایشی رده‌بندی‌شده در شکل ۴ دیده می‌شود. در این مثال چند اصطلاح از موضوع عام «صنایع» نشان داده شده است. درست در زیر این اصطلاح، دو اصطلاح اخص «صنایع کشاورزی» و «صنایع مهندسی» دیده می‌شود. یکی از چهریزه‌های نمایش داده شده در زیر «صنایع کشاورزی»، *فراورده‌ها* است. درون این چهریزه، تنها دو لایه سلسله‌مراتبی نشان داده شده است، به جز اصطلاح «شیر» که بیشتر بسط داده شده است تا نشان دهد چگونه اصطلاحات اخص آن به آرایه‌هایی دسته‌بندی شده و پیش از هر کدام یک عبارت راهنما برای نمایش ویژگی بخش‌پذیری آمده است. هر یک از این آرایه‌ها روشی متفاوت برای تقسیم کردن مفهوم شیر بر اساس چربی، بر اساس حیوان تولیدکننده آن و غیره ارائه می‌دهند؛ و عبارت «بر اساس» در تک‌تک این عبارات راهنما تکرار شده است. اما عبارات راهنمای ارائه‌دهنده چهریزه‌های جدید، مانند (مردم) و (فراورده‌ها) عبارت «بر اساس» را در بر ندارند.

توجه به الگوی روابط سلسله‌مراتبی حول عبارات راهنما مهم است. در جایی که عبارت راهنما ویژگی بخش‌پذیری اصطلاح فرادست را نشان می‌دهد، تمام اصطلاحات پیرو آن در آرایه، اصطلاحات اخص واقعی اصطلاح فرادست هستند. بنابراین در شکل ۴، «شیر دست‌نخورده»، «شیر بوفالو» و «شیر استریلیزه» همگی اصطلاحات اخص اصطلاح «شیر» به شمار می‌روند. برعکس، هنگامی که برجسب، نشان‌دهنده چهریزه‌ای جدید باشد، اصطلاحات پیرو آن عموماً اصطلاحات اخص اصطلاح پیشین نیستند. برای نمونه، «مدیران کشتزار»، «فراورده‌های غله‌ای» و غیره اصطلاحات اخص «صنایع کشاورزی» نیستند.

عبارات راهنما جزء اصطلاحات اصطلاح‌نامه نیستند. وجود آن‌ها تنها به کار نمایش نظام‌مند می‌آید و هیچ یک از روابط شرح داده شده در بندهای ۸ تا ۱۰ درباره آن‌ها صادق نیست. برای پیش‌گیری از سردرگمی، لازم است عبارات راهنما به شکلی متفاوت از

اصطلاحات اصطلاح‌نامه چاپ شوند. چنان که در شکل ۴ دیده می‌شود، معمولاً از حروف مایل، کمان یا قلاب گوشه‌دار استفاده می‌شود. برخی روش‌های دیگر کاربرد تحلیل چهریزه‌ای در بندهای ۱۲-۲-۴ و ۱۲-۲-۵ نشان داده شده است.

اصطلاحات بیان‌کننده مفاهیم در یک آرایه را می‌توان به شکل الفبایی یا نظام‌مند مرتب کرد. توالی الفبایی را زمانی باید به کار برد که هیچ روش آشکار دیگری برای مرتب‌کردن دسته‌ای از مفاهیم وجود نداشته باشد. از توالی نظام‌مند^۱ هنگامی باید استفاده کرد که احتمال آشنایی اکثریت کاربران با آن وجود داشته باشد، یا چنین نظامی به روشن‌ساختن دامنه اصطلاحات کمک کند. در مثال مربوط به تابش الکترومغناطیسی، انواع تابش به ترتیب افزایش طول موج ارائه شده است زیرا چنین نظامی ممکن است به بعضی از نمایه‌سازان در گزینش اصطلاح یا اصطلاح‌های مناسب کمک کند.

مثال

electromagnetic radiation²
<by wavelength>
ultraviolet radiation³
visible radiation⁴
infrared radiation⁵
microwave radiation⁶
radio waves⁷

توجه: قراردادهای به‌کاررفته در عبارات راهنمای این مثال، کمی متفاوت، اما به اندازه قراردادهای مرسوم، پذیرفتنی می‌باشند: قلاب‌های گوشه‌دار به جای قلاب‌های منحنی به‌کاررفته‌اند و اصطلاح والد^۸ در آغاز عبارت راهنما هجی نشده است. با این حال، وجود واژه "by" نشان می‌دهد که عبارت راهنما بیان‌کننده ویژگی بخش‌پذیری است که انواع تابش بر اساس آن تقسیم‌بندی شده‌اند. در برخی اصطلاح‌نامه‌ها، نام چهریزه‌ها به عنوان اصطلاحات مرجع درج شده است و آن‌ها را اصطلاحات رأسی در نظر گرفته‌اند که می‌توانند حلقه بالایی یک سلسله‌مراتب کامل باشند (۱۲-۲-۴ را ببینید). شیوه دیگر این است که چهریزه‌های کامل هیچ‌جا به

1. systematic sequence

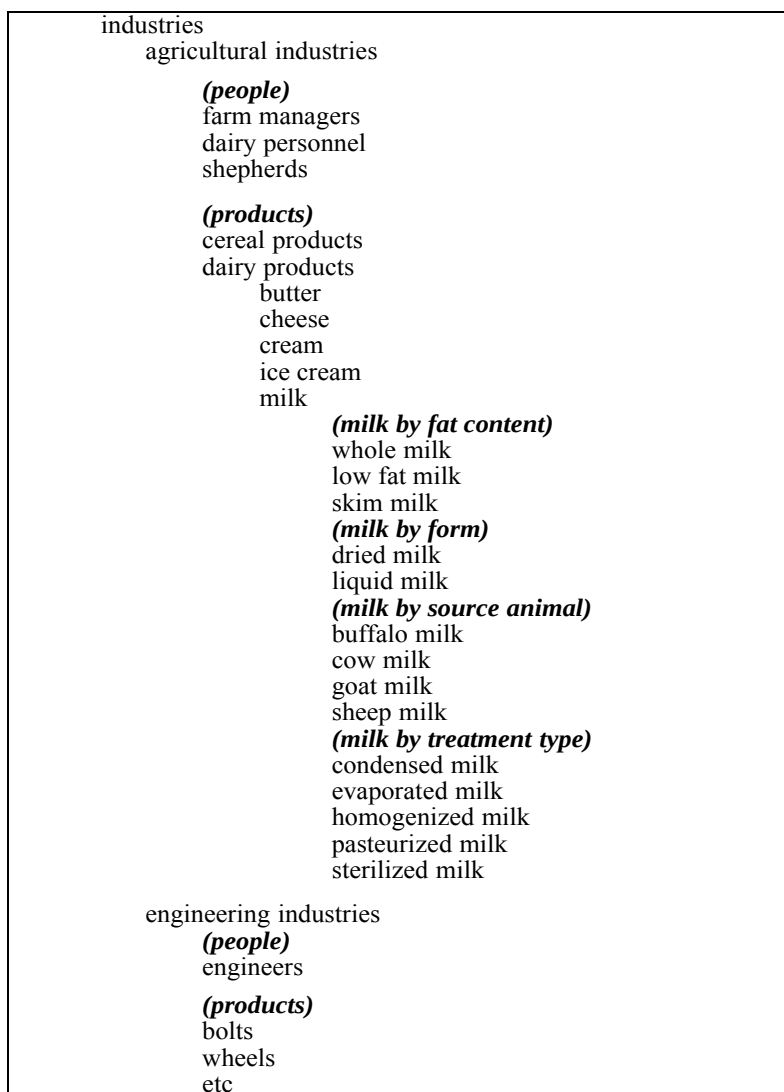
۴. تابش مرئی
۷. امواج رادیویی

۳. تابش فرابنفش
۶. تابش ریزموج

۲. تابش الکترومغناطیسی
۵. تابش فروسرخ

8. parent term

شکل صریح ذکر نشوند و نام چهریزه‌ها تنها در عبارات راهنما، مانند شکل ۴، بیابند یا به‌صورت عنوان گروه‌های مفهومی (۱۵-۲-۱۸ را ببینید) ذکر شوند. ۱۵-۲-۱۹ را نیز ببینید.



شکل ۴ - نمایش رده‌بندی شده نیمه‌گسترده رده "industries" با عبارات راهنمای نشان‌دهنده تغییر چهریزه و ویژگی‌های بخش‌پذیری آرایه‌ها

۱۲. ارائه و صفحه‌بندی^۱

۱-۱۲. کلیات

۱-۱-۱۲. کاربرد اصطلاحنامه در نگهداری اطلاعات مربوط به شیوه ارائه^۲

در سامانه‌های رایانه‌ای، اصطلاحنامه معمولاً در ساختار پایگاه داده‌ای نگهداری می‌شود (بند ۱۵ را ببینید) که در آن هر اصطلاح و هر پیوند بین یک جفت اصطلاح، تنها یک بار ذخیره می‌شود. این کار سبب حفظ ثبات رابطه‌ها می‌شود و امکان استخراج و نمایش اصطلاحات را به شیوه‌های گوناگون پدید می‌آورد.

۲-۱-۱۲. خلاصه‌ای از سبک‌های نمایش

هنگام ارائه اصطلاحنامه برای کاربری انسان، چه بر صفحه نمایش رایانه‌ای و چه به شکل چاپی، روش‌های زیر را می‌توان به کار برد.

الف) یک مدرک واحد، ابتدایی‌ترین شکل نمایش بوده و نشان‌دهنده اصطلاح مرجع یا نامرجح و (به‌صورت اختیاری) برخی یا تمام روابط، رمزگان، و یادداشت‌های پیوست‌شده به آن اصطلاح است.

ب) آرایشی الفبایی امکان دسترسی به مفاهیم را از طریق واژه‌هایی که نخستین بار از سوی کاربر برای بیان آن مفاهیم به کار رفته‌اند، پدید می‌آورد. این نمایش الفبایی، در اصطلاحنامه‌های چاپی به شکل نمایه عمل می‌کند، اما در نمایش رایانه‌ای می‌تواند مکمل یک عملکرد جست‌وجوی مستقیم باشد.

ج) توالی سلسله‌مراتبی مبتنی بر روابط BT/NT به بسط یا پالایش مفهوم مورد جست‌وجو یا نمایه‌سازی کمک می‌کند.

د) توالی رده‌ای^۳ امکان مرور اجمالی را در حوزه‌ای موضوعی، همراه با هدایت توجه کاربر به مفاهیم مرتبط، پدید می‌آورد.

ه) نمایش ترسیمی، اصطلاحات و روابط میان آن‌ها را به شکل تصویری نشان می‌دهد. و) نمایش گردشی^۴ به یافتن واژه‌های موجود در اصطلاحات چندواژه‌ای کمک می‌کند. این آرایش‌های مختلف، مکمل یکدیگرند. دسترسی الفبایی، ضروری است و باید به وسیله جست‌وجوی مستقیم یا توالی الفبایی مانند آن‌چه در ب) گفته شد، ارائه شود.

1. layout

2. presentation

3. classified sequence

4. permuted display

دست کم یکی از دو توالی ج) و د) باید به کار رود تا چشم‌اندازی کلی از نظام سامانه‌ای اصطلاح‌نامه ارائه دهد. اطلاعات بیشتر درباره هر مفهوم، نظیر یادداشت دامنه‌ها و روابط آن با مفاهیم دیگر را می‌توان در هریک از این توالی‌ها نشان داد. اصطلاح‌نامه‌ها بر اساس رویکردشان به کارکرد و اهمیت نسبی انواع مختلف توالی‌ها، و همچنین از نظر آرایش و نوع اطلاعات رابطه‌ای ارائه‌شده در هر یک، باهم تفاوت دارند. ارائه گرافیکی گاه می‌تواند چشم‌اندازی سودمند از یک حوزه ارائه دهد، اما ایجاد و به‌روزرسانی آن دشوار است و در صورت دربرداشتن اطلاعات اضافی بیش از اندازه، ساختاری مبهم خواهدداشت. نمایش گردشی با استفاده از قالب کوویک^۱ (کلیدواژه در متن) یا کووک^۲ (کلیدواژه خارج از متن) به شکل نمایه‌ای برای همه واژه‌های موجود در تمام اصطلاحات (مرجع و نام‌رجح) عمل می‌کند. این کار در اصطلاح‌نامه‌های چاپی سودمند است، اما معمولاً وجودشان در سامانه‌های رایانه‌ای که امکان جست‌وجوی رشته‌های نویسه‌ای^۳ را دارند، ضروری نیست.

۱-۲-۳. نشانگان رده‌بندی و پیوندهای میان توالی‌ها

هنگام ارائه چاپی اصطلاح‌نامه، توالی الفبایی باید به شکل نمایه‌ای برای نمایش مکان اصطلاحات در توالی‌های دیگر، با استفاده از شماره خط، نظام نشانگان رده‌بندی، یا در صورتی که سلسله‌مراتب‌های به‌کاررفته چندان گسترده نباشند، با نشان دادن اصطلاح رأس سلسله‌مراتبی که اصطلاح مورد نظر در آن یافت می‌شود، عمل کند. برقراری پیوند از نمایه الفبایی به نمایش گرافیکی ممکن است نیاز به یک سامانه هم‌ارایی داشته‌باشد. هنگام ارائه اصطلاح‌نامه روی صفحه رایانه، شاید به نمادهای صریح ارتباطی نیازی نباشد، زیرا ابرپیوندهای تولیدشده به شکل خودکار، پرش آسان از یک توالی به توالی دیگر را با حفظ تمرکز بر اصطلاح مورد نظر ممکن می‌سازند.

در یک توالی رده‌ای، نشانگان رده‌بندی می‌تواند، نه لزوماً، بیان‌کننده ساختار رده‌ای باشد و به شکلی طراحی شود که امکان ترکیب نمادهای نشانگان رده‌بندی را برای ایجاد شماره رده‌های پیش‌همارا برای مفاهیم پیچیده فراهم آورد. هر نظام نشانگانی باید امکان گنجاندن مفاهیم تازه را در توالی رده‌ای، در هر لحظه فراهم آورد.

1. KWIC (Key Word In Context)

2. KWOC (Key Word Out Of Context)

3. character strings

۱۲-۲. دیگر سبک‌های نمایش

۱۲-۲-۱. کلیات

سبک‌های گوناگون نمایش بسیارند و تنوع آن‌ها بیش از آن است که بتوان همه را در این‌جا نشان داد. نمونه‌هایی از گونه‌های اصلی نمایش در بندهای ۱۲-۲-۲ تا ۱۲-۲-۶ ارائه شده‌است. برای مقایسه و مقابله آسان‌تر، در بیشتر این نمونه‌ها از مجموعه اصطلاحات مشترکی استفاده شده که بیان‌کننده مفهوم «دوربین عکاسی» و مفاهیم وابسته به آنند. محتوا به شکلی انتخاب شده که دربرگیرنده تمام گونه‌های اصلی روابط و برخی ویژگی‌های اختیاری، مانند عبارات راهنما و نشانگان رده‌بندی که کارکردن با آن‌ها آسان نیست، نیز باشد. در مواردی که نشانگان رده‌بندی وجود دارد، از یک سامانه ساده شماره-خط^۱ استفاده شده‌است. نمونه‌های بیشتری از شیوه‌های نمایش به‌کاررفته در اصطلاح‌نامه‌های منتشرشده، در پیوست آمده‌است.

توجه: برای جلوگیری از سردرگمی، در این بند به نمایش‌های چندزبانه پرداخته‌ایم. این موارد در بند ۱۲-۳ شرح داده شده‌اند.

۱۲-۲-۲. نمایش تک-مدرکی^۲

هنگامی که به مدرک مربوط به یک مفهوم یا اصطلاح مرجع به شکل جداگانه نگریسته شود، اصطلاح مرجع باید در آغاز نمایش داده‌شود و فیلدهای دیگر پس از آن معمولاً به ترتیب زیر ارائه می‌شوند.

الف) CC نشانگان رده‌بندی یا رمزگان مفهوم، که مکان اصطلاح/مفهوم را در یک توالی سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد.

ب) SN یادداشت دامنه

ج) UF ارجاع به اصطلاح(های) هم‌ارز نامرجح

د) TT ارجاع به اصطلاحات رأس

ه) BT ارجاع به اصطلاحات اعم

و) NT ارجاع به اصطلاحات اخص

ز) RT ارجاع به اصطلاحات مرتبط

ح) DEF تعریف اصطلاح مرجع (۶-۲-۳ را ببینید)

ط) HN یادداشت پیشینه (۶-۲-۴ را ببینید)
 ی) SC مقوله موضوعی یا گروه مفهومی دیگری که مفهوم مورد نظر به آن اختصاص یافته است.

در چنین آرایشی، SN و UF در ردیف‌های آغازین فهرست می‌آیند، زیرا دامنه مفهوم را روشن می‌سازند. سپس، ارتباط با اصطلاحات دیگر ارائه می‌شود. DEF و HN در آخر می‌آیند، زیرا به عنوان فیلدهای مدیریتی شناخته می‌شوند و بیشتر از سوی ویراستار اصطلاح‌نامه به کار می‌روند تا نمایه‌ساز یا جست‌وجوگر. گزینه دیگر این است که این فیلدهای انتهایی را پس از یادداشت دامنه ارائه دهیم تا تمام فیلدهای متنی کنار هم قرار گیرند. اما باید توجه داشت که در صورت حضور همزمان SN و DEF، این دو با یکدیگر اشتباه گرفته نشوند.

توالی مربوط به یک اصطلاح نامرجح به شکل زیر است:

- USE ارجاع به اصطلاح مرجح مربوط
- DEF تعریف اصطلاح نامرجح (۶-۲-۳ را ببینید)
- HN یادداشت پیشینه (۶-۲-۴ را ببینید)

انتخاب و توالی فیلدها ممکن است برای کاربردهای ویژه عوض شود. مثلاً ممکن است ویراستار اصطلاح‌نامه بخواهد چند فیلد سامانه‌داری^۱ را برای کاربرد خود به نمایش اضافه کند (مثلاً ۴-۲-۱۵، ۹-۲-۱۵ و ۱۴-۲-۱۵ را ببینید).

۳-۲-۱۲. نمایش الفبایی

۳-۲-۱۲-۱. در یک نمایش الفبایی، تمام اصطلاحات، چه مرجح و چه نامرجح، در قالب یک توالی الفبایی واحد سازمان‌دهی می‌شوند. در صورت امکان، باید میان اصطلاحات مرجح و نامرجح تمایز نوشتاری قائل شد تا نامرجح بودن اصطلاحات نامرجح به روشنی تشخیص داده شود (در رسانه‌های چاپی، می‌توان از حروف مایل برای این منظور استفاده کرد). در برخی کاربردها، ممکن است فهرست ساده‌ای از اصطلاحات کافی باشد. اما به‌طور معمول، مدرک کامل مربوط به هر اصطلاح، مشابه بند ۲-۲-۱۲، درج می‌شود.

۳-۲-۱۲-۲. نمونه‌ای از این نوع نمایش در شکل ۵ نشان داده شده است. پس از نمایش تک مدرکی، این روش شاید ساده‌ترین نوع نمایش برای مقایسه و مقابله باشد.

1. housekeeping

متداول‌ترین قرارداد، نمایش اصطلاحات اعم و اخص بلافصل به تنهایی است، که سبب صرفه‌جویی در فضای به‌کاررفته می‌شود، اما لایه‌های سلسله‌مراتبی بیشتری را آشکار نمی‌سازد.

35 mm cameras CC: H012 BT: film cameras	diving equipment CC: D001 BT: equipment NT: aqualungs	physical properties CC: A202 BT: properties NT: pressure temperature
aqualungs CC: D002 BT: diving equipment	diving suits face masks swimming fins	physicists CC: P005 BT: people RT: physics
camera accessories CC: H002 BT: photographic equipment	underwater cameras diving diving suits	physics CC: P000 BT: fields of work RT: physicists
NT: flash guns light meters tripods	CC: D003 BT: diving equipment NT: dry suits wet suits	<i>Polaroid® cameras</i> USE: instant picture cameras
RT: cameras	dry suits CC: D004 BT: diving suits	pressure CC: A208 BT: physical properties
camera components CC: H006 BT: cameras and camera components	equipment CC: A001 diving equipment	properties CC: A200 NT: physical properties
NT: camera lenses camera viewfinders	NT: electrically-powered equipment fixed equipment human-powered equipment	reflex cameras CC: H017 SN: Cameras in which the image is reflected on to a glass screen for composing and focusing.
camera lenses CC: H007 BT: camera components	photographic equipment physics equipment portable equipment	BT: cameras NT: single lens reflex cameras twin lens reflex cameras
camera viewfinders CC: H008 BT: camera components	<i>exposure meters</i> USE: light meters face masks	single lens reflex cameras CC: H018 UF: <i>SLR cameras</i> BT: reflex cameras
cameras CC: H009 BT: cameras and camera components	CC: D006 BT: diving equipment fields of work	<i>SLR cameras</i> USE: single lens reflex cameras special-purpose cameras
NT: digital cameras film cameras instant picture cameras plate cameras reflex cameras special-purpose cameras	NT: diving photography physics	CC: H021 BT: cameras NT: stereo cameras underwater cameras
RT: camera accessories photography	film cameras CC: H011 BT: cameras NT: 35 mm cameras medium format cameras miniature cameras	stereo cameras CC: H022 BT: special-purpose cameras
cameras and camera components CC: H005 BT: photographic equipment NT: camera components cameras	instant picture cameras CC: H015 SN: Cameras which produce a finished print directly	swimming fins CC: D007 BT: diving equipment
colour CC: A204 BT: optical properties	UF: <i>Polaroid cameras®</i> BT: cameras	temperature CC: A209 BT: physical properties
contrast CC: A205 BT: optical properties	people CC: A100 NT: adults children	tripods CC: H004 BT: camera accessories
digital cameras CC: H010 UF+: <i>underwater digital cameras</i> BT: cameras	divers infants models (people) photographers physicists	twin lens reflex cameras CC: H019 BT: reflex cameras underwater cameras
divers CC: D008 BT: people RT: diving	photographic equipment CC: H001 BT: equipment NT: camera accessories cameras and camera components	CC: D028, H023 UF+: <i>underwater digital cameras</i> BT: special purpose cameras diving equipment
diving CC: D000 BT: fields of work RT: divers diving equipment	RT: photography photography CC: H000 BT: fields of work RT: cameras photographers photographic equipment	RT: diving <i>underwater digital cameras</i> USE: digital cameras + underwater cameras

شکل ۵ - نمایش الفبایی اصطلاحات اصطلاح‌نامه (برخی اصطلاحات برای صرفه‌جویی در فضای مورد استفاده حذف شده‌اند)

۱۲-۳-۳. راه حل دیگر، استفاده از سطوح مختلف تورفتگی و یا شماره‌گذاری این لایه‌ها، مانند مثال زیر، برای نشان‌دادن بیش از یک لایه فرودست یا فرادست است. اگر از این روش برای نشان دادن تمام سطوح سلسله‌مراتبی برای هر یک از اصطلاحات استفاده شود، می‌تواند به نمایشی بس طولانی بینجامد.

مثال

Bovidae
BT1 ruminants ¹
BT2 mammals
BT3 vertebrates ²
NT1 buffaloes
NT1 cattle
NT2 beef cattle
NT2 dairy cattle
NT1 yaks

۱۲-۲-۴. نمایش سلسله‌مراتبی

نمایش سلسله‌مراتبی برای یک زبان با استفاده از سطرهای تورفته برای هر آرایه از اصطلاحات اخص در زیر اصطلاح اعم والد خود ساخته می‌شود. روابط دیگر (مانند هم‌ارزی و همبستگی) معمولاً در این نوع نمایش نشان داده نمی‌شوند، زیرا دنبال کردن ساختار را دشوارتر می‌سازند. با این روش، سلسله‌مراتب‌های زیادی ممکن است ایجاد شوند که هریک دارای اصطلاح رأس مخصوص به خود هستند (اصطلاحی که هیچ اصطلاح اعم دیگری ندارد). برای نمونه، به شکل آ.۲ در پیوست آ مراجعه کنید.

روش دیگر این است که با استفاده از تحلیل چهریزه‌ای در لایه بالایی اصطلاح‌نامه، تمام اصطلاحات متعلق به یک چهریزه را در سلسله‌مراتبی واحد جای داد که عبارت راهنمایی حاوی نام چهریزه، مانند شکل ۶، در رأس آن قرار داشته باشد (نام چهریزه‌های شکل ۶ «اشیاء»، «رشته‌های کاری»، «افراد» و «ویژگی‌ها» است).

هنگام استفاده از تحلیل چهریزه‌ای به شکل فوق، دسته‌بندی اصطلاحات به چهریزه‌ها بر اساس مقوله‌های بنیادین مفاهیمی که بازنمایی می‌کنند و بدون توجه اولیه به زمینه یا زمینه‌هایی که مفهوم مورد نظر به آن‌ها ارتباط دارد، انجام می‌گیرد (۱۰-۲-۱ و بند ۱۱ را ببینید).

در مقایسه با رویکرد شرح‌داده‌شده در ۱۲-۲-۵-۲ که در آن سازمان‌دهی اولیه بر اساس موضوع است و چهریزه‌ها درون این دسته‌بندی‌ها به کار رفته‌اند، سازمان‌دهی اولیه اصطلاحات بر اساس چهریزه‌ها مزایایی به همراه دارد:

الف) در صورت تغییر زمینه ای که به‌طور معمول با یک مفهوم معین مرتبط است، احتمال نیاز به بازبینی عمده کمتر می‌باشد.

ب) انتظار می‌رود میزان بالاتری از توافق میان مراکز گوناگون مستندسازی وجود داشته باشد.

با این حال، کاستی‌های زیر را نیز باید در نظر داشت:

الف) سازمان‌دهی بر اساس چهریزه‌ها به پراکنده ساختن مفاهیمی که به‌طور معمول به زمینه یا رشته‌ای معین مرتبطند، تمایل دارد.

ب) معمولاً اساس سازمان‌دهی اصطلاح‌نامه برای نمایه‌ساز و جست‌وجوگر نامشخص‌تر می‌شود.

ج) در صورتی که اصطلاح‌نامه تمام یا طیف گسترده‌ای از رشته‌ها را در بر گیرد، گرد هم آوردن موجودیت‌ها و فعالیت‌های رشته‌های گوناگون، احتمالاً توالی کارآمد و قابل درکی از اصطلاحات ایجاد نخواهد کرد. بنابراین، این شکل نمایش، به‌ویژه در اصطلاح‌نامه‌های خاص یک رشته به کار می‌آید.

(objects) equipment . <equipment by portability> . . fixed equipment¹ . . portable equipment² . <equipment by power source> . . electrically-powered equipment . . human-powered equipment . <equipment by application> . . diving equipment . . . aqualungs . . . diving suits . . . dry suits . . . wet suits . . . face masks . . . swimming fins . . . underwater cameras . . . photographic equipment . . . camera accessories flash guns light meters tripods . . . cameras and camera components camera components camera lenses camera view finders cameras <cameras by imaging technique> digital cameras film cameras <film cameras by film size> 35 mm cameras medium format cameras miniature cameras instant picture cameras plate cameras <cameras by viewing method> reflex cameras single lens reflex cameras twin lens reflex cameras viewfinder cameras special-purpose cameras stereo cameras underwater cameras	(objects) (cont.) equipment (cont.) . <equipment by application> (cont.) . . physics equipment . . . optical instruments³ light meters microscopes (fields of work) fields of work . diving . photography . physics (people) people . <people by age> . . infants . . children . . adults . <people by profession> . . divers . . models (people) . . photographers . . physicists (properties) properties . physical properties . . optical properties . . . colour . . . contrast . . . luminance . . . luminosity . . pressure . . temperature
--	---

شکل ۶ - نمایش سلسله‌مراتبی اصطلاحات اصطلاح‌نامه با سازمان‌دهی چهره‌ای

۱۲-۲-۵. نمایش رده‌ای

۱۲-۲-۵-۱. آرایش اصطلاحات اصطلاح‌نامه بر اساس حوزه موضوعی

رویکرد سازمان‌دهی اصطلاحات اصطلاح‌نامه بر اساس رشته یا حوزه موضوعی مشابه

۱. تجهیزات ثابت ۲. تجهیزات منقول ۳. تجهیزات نوری

رویکرد مسئول رده‌بندی مواد کتابخانه‌ای است که کار خود را با دسته‌بندی جهان مفاهیم به رده‌ها یا رشته‌های اصلی آغاز می‌کند. در مورد اصطلاح‌نامه، دسته‌بندی اولیه مقوله‌ها یا مفاهیم باید بر اساس حوزه‌های مورد علاقه کاربران انجام گیرد. این روش درباره اصطلاح‌نامه‌های دارای طیفی از حوزه‌های موضوعی کاربرد دارد. مفاهیمی که معمولاً به حوزه‌ای معین مانند «هنر» مرتبطند، در کنار هم قرار می‌گیرند و به‌طور مؤثر از مفاهیم متعلق به حوزه‌های دیگر چون «اقتصاد» و «فیزیک» جدا می‌شوند.

این روش برای اصطلاح‌نامه‌های تک‌حوزه‌ای نیز قابل استفاده است. برای نمونه، اصطلاح‌نامه «پزشکی» را می‌توان در آغاز به حوزه‌های فرعی مانند «جراحی»، «فیزیولوژی»، «کالبدشناسی» و غیره تقسیم کرد. برای تکمیل مفاهیم اصلی، می‌توان مفاهیم متعلق به رشته‌های گوناگون مثلاً «مدیریت»، «حقوق» و «پردازش داده» را نیز به کار برد که البته باید آن‌ها را از اصطلاحات پزشکی تفکیک نمود.

برتری رویکرد موضوعی، دسته‌بندی مفاهیم به گروه‌هایی است که در بیشتر اوقات با شیوه تفکر کاربران متناظرند. یکی از دشواری‌های موجود این است که برخی مفاهیم طبق معمول در چند حوزه موضوعی گوناگون به کار می‌روند. مثلاً اگر اصطلاح‌نامه‌ای به هر دو موضوع جنگل‌داری و کشاورزی بپردازد، بسیاری از مفاهیم مانند کاشتن، در هر دو موضوع به کار می‌رود. چنین مفاهیمی یا باید در هر حوزه موضوعی تکرار شوند یا در فهرستی جداگانه از مفاهیم کلی که به یک حوزه خاص محدود نیستند، ارائه گردند.

دسته‌بندی مفاهیم بر اساس حوزه موضوعی، همراه با سازمان‌دهی اصطلاحات خویشاوند به‌صورت الفبایی یا نظام‌مند، و با تورفتگی برخی در سطوح زیرین برخی دیگر، به نمایش‌هایی منتهی می‌شود که به سلسله‌مراتب شباهت دارند، اما اصطلاحات فرودست درون آن‌ها ممکن است تابع قوانین روابط سلسله‌مراتبی که در بند ۱۰-۲ شرح داده‌شد، نباشند. بنابراین، لازم است عبارت‌های راهنمایی حاوی نام چهریزه‌ها در این گونه نمایش‌ها گنجانده شوند تا محل چهریزه‌های گوناگون و جایی را که روابط به شکل سلسله‌مراتبی نیستند، مانند آنچه در بند ۱۱ شرح داده‌شد، نشان دهند.

۱۲-۲-۵-۲. آرایش چهریزه‌ای اصطلاحات اصطلاح‌نامه درون حوزه‌های موضوعی

رویکردهای گوناگون شرح‌داده‌شده در ۱۲-۲-۴ و ۱۲-۲-۵-۱ اغلب در عمل با هم ترکیب می‌شوند. مثلاً وقتی اصطلاح‌نامه‌ای که در آغاز بر اساس حوزه‌های موضوعی

سازمان‌دهی شده‌است، بر اساس چهریزه‌هایش نیز دسته‌بندی می‌شود.

شکل ۷، رویکرد ترکیبی را با استفاده از مثال اصطلاح‌نامه‌ای که حوزه‌های غواصی، عکاسی و فیزیک را در بر می‌گیرد، نشان می‌دهد. تنها اصطلاحات مرجع مربوط به یک حوزه مشخص در داخل آن حوزه نشان داده می‌شوند. برخی اصطلاحات مشترک در هر سه حوزه در بخشی جداگانه با عنوان اصطلاحات عام، ارائه شده‌اند. پس از سازمان‌دهی اولیه بر اساس موضوع، در مرحله بعد اصطلاحات بر اساس چهریزه‌ها دسته‌بندی می‌شوند. در شکل ۷، چهریزه‌های «اشیاء»، «افراد» و «ویژگی‌ها» به نوبت در هریک از بخش‌های موضوعی به کار رفته‌اند.

در بازنمایی‌های چاپی، اغلب لازم است حجم کلی تألیف را با انتخاب یک موقعیت اصلی برای هر اصطلاح، کم کنیم. گرچه ممکن است این اصطلاح در موقعیت‌های دیگری نیز تکرار شود، اما تکرارنشدن تمام اصطلاحات اخص مربوط به آن سبب صرفه‌جویی در فضای به‌کاررفته می‌شود. انتظار می‌رود کاربر برای دسترسی به کل سلسله‌مراتب به موقعیت اصلی اصطلاح مراجعه کند. به این ترتیب در شکل ۷، «موقعیت اصلی» اصطلاح «خواص» در A200 است که «خواص شیمیایی»، «خواص فیزیکی» و تمام اصطلاحات اخص دیگر نیز نشان داده شده‌اند. در بخش مربوط به غواصی، تنها خواص فیزیکی ذکر شده «فشار» و «دما» هستند. در بخش عکاسی، تنها خواص نوری به‌طور کامل درج شده‌اند.

شکل ۷، کاربرد نشانگان رده‌بندی را برای تعیین موقعیت اصطلاحات در یک نمایش رده‌ای نیز نشان می‌دهد. در این مثال، هر اصطلاح تنها دارای یک نشانگان رده‌بندی است که موقعیت اصلی آن اصطلاح را نشان می‌دهد. هر جا که اصطلاح دوباره تکرار شده‌باشد، نشانگان رده‌بندی پس از آن در قلاب قرار می‌گیرد تا کاربر را به موقعیت اصلی آن اصطلاح هدایت کند. در برخی اصطلاح‌نامه‌ها، نشانگان کمکی نیز به اصطلاح اختصاص داده می‌شود تا محل هر تکرار به آسانی قابل دسترسی باشد.

تخصیص یک «موقعیت اصلی» به اصطلاحات برای محدود ساختن حجم اصطلاح‌نامه‌های چاپی سودمند است، اما گام‌های بیشتری به مراحل جست‌وجوی کامل

یک مفهوم می‌افزاید. بازنمایی‌های رایانه‌ای، با ایجاد امکان بسط یا فروپاشی^۱ بخش‌هایی از سلسله‌مراتب از سوی کاربر، و نشان دادن مقدار جزئیات دلخواه کاربر تنها در زمانی که میل به دیدن آن‌ها دارد، می‌توانند فرایند جست‌وجو را بسی ساده‌تر سازند.

A000	general terms (objects)	H000	photography (objects)
A001	. equipment		. equipment (A001)
A002	.. <equipment by portability>	H001	.. photographic equipment
A003	... fixed equipment	H002	... camera accessories
	... portable equipment	H003	... flash guns
A004	.. <equipment by power source>		... light meters (P003)
	... electrically-powered	H004	... tripods
	equipment	H005	... cameras and camera components
A005	... human-powered equipment	H006	... camera components
	.. <equipment by application>	H007	... camera lenses
	... diving equipment (D001)	H008	... camera viewfinders
	... photographic equipment (H001)	H009	... cameras
	... physics equipment (P001)		... <cameras by imaging technique>
A100	(people)	H010	... digital cameras
	. people	H011	... film cameras
	.. <people by age>		... <film cameras by film size>
A101	... infants	H012	... 35 mm cameras
A102	... children	H013	... medium format cameras
A103	... adults	H014	... miniature cameras
	.. <people by profession>	H015	... instant picture cameras
	... divers (D008)	H016	... plate cameras
	... models (people) (H025)		... <cameras by viewing method>
	... photographers (H026)	H017	... reflex cameras
	... physicists (P005)	H018	... single lens reflex cameras
	(properties)	H019	... twin lens reflex cameras
A200	. properties	H020	... viewfinder cameras
A201	.. chemical properties	H021	... special-purpose cameras
A202	.. physical properties	H022	... stereo cameras
A203	... optical properties	H023	... underwater cameras
A204	... colour	H024	... high pressure underwater cameras
A205	... contrast		(people)
A206	... luminance		. people (A100)
A207	... luminosity	H025	.. models (people)
A208	... pressure	H026	.. photographers
A209	... temperature		(properties)
	(fields of work)		. properties (A200)
A300	. fields of work		.. physical properties (A202)
	.. diving (D000)		... optical properties (A203)
	.. photography (H000)		... colour (A204)
	.. physics (P000)		... contrast (A205)
D000	diving (objects)		... luminance (A206)
	. equipment (A001)		... luminosity (A207)
D001	.. diving equipment	P000	physics (objects)
D002	... aqualungs		. equipment (A100)
D003	... diving suits	P001	.. physics equipment
D004	... dry suits	P002	... optical instruments
D005	... wet suits	P003	... light meters
D006	... face masks	P004	... microscopes
D007	... swimming fins		(people)
	... underwater cameras (H023)		. people (A100)
	(people)		.. physicists
D008	. people (A100)	P005	(properties)
	.. divers		. properties (A200)
	(properties)		.. physical properties (A202)
	.. properties (A200)		
	.. physical properties (A202)		
	... pressure (A208)		
	... temperature (A209)		

شکل ۷ - نمایش رده‌ای اصطلاحات اصطلاحنامه با سازمان‌دهی چهره‌ای درون حوزه‌های موضوعی

۱۲-۲-۳. نمایش رده‌ای بسط یافته

می‌توان به نوع نمایش نشان داده شده در شکل ۷، تمام داده‌های شرح داده شده در نمایش تک‌مدرکی را، مطابق ۱۲-۲-۲، اضافه کرد تا هر اصطلاح در تمام موقعیت‌های ارائه شود. گرچه شکل ۸ تا این حد پیش نمی‌رود، گنجاندن اطلاعات اضافی، مانند یادداشت دامنه‌ها، اصطلاحات نامرجح و اصطلاحات مرتبط را بدون هم‌ارزهای میان‌زبانی نشان می‌دهد.

توجه: برای نمونه با مثال underwater cameras در H023 مقایسه کنید. گنجاندن داده‌های اضافی بر طول مطلب می‌افزاید. برای مقابله با بخشی از این مشکل، در مثال شکل ۸ روشی با کمی تفاوت درباره تکرار سلسله‌مراتب‌ها اتخاذ شده است. با مقایسه دو شکل ۷ و ۸ مشاهده می‌شود که در بخش غواصی شکل ۸، «فشار» و «دما» بدون ذکر اصطلاحات اعم «خواص فیزیکی» و «خواص» که در موقعیت متناظر در شکل ۷ ذکر شده بودند، درج شده‌اند. در این حالت، کاربر برای یافتن این اصطلاحات اعم باید پیوندهای نشانگان مربوط به A208 و A209 را دنبال کند تا به سلسله‌مراتب کامل دست یابد. این رویکرد، علاوه بر صرفه‌جویی در فضا، از برداشت نادرست درباره دامنه اصطلاح اعمی مانند خواص یا خواص فیزیکی هنگام مشاهده آن در موقعیت‌های غیراصولی جلوگیری می‌کند.

در جمع‌بندی مقایسه ویژگی‌های شکل‌های ۶، ۷ و ۸، لازم به ذکر است که هیچ یک از آن‌ها به عنوان بهترین رویکرد برای تمام وضعیت‌ها پیشنهاد نمی‌شود. هریک از رویکردهای مذکور، دارای برتری‌ها و کاستی‌هایی است که میزان اهمیت آن‌ها به زمینه کاربرد آن رویکرد بستگی دارد. امکان به‌کارگیری انواع رویکردهای دیگر مانند گروه‌های مفهومی، که در ۱۵-۲-۱۸ شرح داده شده است، نیز وجود دارد (پیوست آ، شکل‌های آ.۲، آ.۴، آ.۷، آ.۹، آ.۱۰، آ.۱۳ و آ.۱۶ را هم ببینید). با این حال، ضروری است دست کم یک شکل نمایش نظام‌مند، سلسله‌مراتبی یا رده‌ای، افزون بر نمایش معمول الفبایی به کاربر ارائه شود (برای توضیح درباره مسائل میان‌زبانی، ۱۲-۳-۴ را نیز ببینید).

A000 general terms <objects> A001 .. equipment .. <equipment by portability> A002 .. fixed equipment A003 .. portable equipment .. <equipment by power source> A004 .. electrically-powered equipment A005 .. human-powered equipment .. <equipment by application> .. diving equipment [D001] .. photographic equipment [H001] .. physics equipment [P001] <people> A100 .. people .. <people by age> A101 .. infants A102 .. children A103 .. adults .. <people by profession> .. divers [D008] .. models (people) [H025] .. photographers [H026] .. physicists [P005] <properties> A200 .. properties A201 .. chemical properties A202 .. physical properties A203 .. optical properties A204 .. colour A205 .. contrast A206 .. luminance RT: light meters [P003] A207 .. luminosity A208 .. pressure A209 .. temperature <fields of work> A300 .. fields of work .. diving [D000] .. photography [H000] .. physics [P000] D000 diving <objects> D001 .. diving equipment BT: equipment [A001] D002 .. aqualungs D003 .. diving suits D004 .. dry suits D005 .. wet suits D006 .. face masks D007 .. swimming fins .. underwater cameras [H023] <people> D008 .. divers BT: people [A100] <properties> .. pressure [A208] .. temperature [A209] H000 photography <objects> H001 .. photographic equipment BT: equipment [A001] H002 .. camera accessories H003 .. flash guns .. light meters [P003] H004 .. tripods H005 .. cameras and camera components	photography (cont.) <objects>(cont.) .. photographic equipment(cont.) .. cameras and camera components (cont.) H006 .. camera components H007 .. camera lenses H008 .. camera viewfinders H009 .. cameras .. <cameras by imaging technique> H010 .. digital cameras UF+: underwater digital cameras H011 .. film cameras .. <film cameras by film size> H012 .. 35 mm cameras H013 .. medium format cameras H014 .. miniature cameras H015 .. instant picture cameras SN: Cameras which produce a finished print directly UF: Polaroid® cameras H016 .. plate cameras .. <cameras by viewing method> H017 .. reflex cameras SN: Cameras in which the image is reflected on to a glass screen for composing and focusing H018 .. single lens reflex cameras UF: SLR cameras H019 .. twin lens reflex cameras H020 .. viewfinder cameras H021 .. special-purpose cameras H022 .. stereo cameras H023 .. underwater cameras SN: cameras for taking pictures under water UF+: underwater digital cameras BT: diving equipment [D001] H024 .. high pressure underwater cameras <people> .. people [A100] H025 .. models (people) H026 .. photographers <properties> .. optical properties [A203] .. colour [A204] .. contrast [A205] .. luminance [A206] .. luminosity [A207] P000 physics <objects> P001 .. physics equipment BT: equipment [A100] P002 .. optical instruments P003 .. light meters UF: exposure meters RT: luminance [A206] P004 .. microscopes <people> P005 .. physicists BT: people [A100] <properties> .. physical properties [A202] .. optical properties [A203] .. colour [A204] .. contrast [A205] .. luminance [A206] .. luminosity [A207] .. pressure [A208] .. temperature [A209]
--	--

شکل ۸ - نمایش رده‌بندی‌شده اصطلاحات اصطلاح‌نامه که بر اساس چهره‌های درون حوزه‌های موضوعی سازمان‌دهی شده‌اند، همراه با اطلاعات افزوده مانند SN، UF و RT

۱۲-۲-۶. نمایش روابط چندسلسله‌مراتبی

۱۲-۲-۶-۱. روش مرسوم کار با روابط چندسلسله‌مراتبی (۱۰-۲-۵ را نیز ببینید) در شکل

۵ نشان داده شده است، که در آن اصطلاح "underwater cameras"^۱ دارای دو اصطلاح اعم "special purpose cameras"^۲ و "diving equipments"^۳ بوده و از این رو، در دو موقعیت در چهریزه تجهیزات شکل ۶ درج شده است و در صورتی که اصطلاحات اخصبی هم داشت، آن‌ها هم در هر دو موقعیت درج می‌شدند.

۱۲-۲-۶-۲. در بخش سلسله‌مراتبی یا رده‌ای یک اصطلاح‌نامه چاپی که با محدودیت فضا روبروست، می‌توان در جایی که اصطلاحی چندسلسله‌مراتبی به مدخلی بسط‌یافته نیاز دارد، رویکردی متفاوت در پیش گرفت. چنین اصطلاحی ممکن است دارای سلسله‌مراتبی طولانی از اصطلاحات اخص باشد و شاید یادداشت دامنه‌ای طولانی و یا چند مترادف نامرجم و اصطلاح مرتبط نیز داشته باشد. همانند شکل‌های ۶ و ۷، می‌توان یک «موقعیت اصلی» برای اصطلاح چندسلسله‌مراتبی برگزید و در موقعیت‌های دیگر، جزئیات کامل آن را نمایش نداد. برای مثال، شیوه نمایش "underwater cameras" را در شکل ۸ ببینید.

۱۲-۲-۶-۳. در بازنمایی رایانه‌ای^۴، کاربران باید امکان دیدن تمام روابط یک اصطلاح چندسلسله‌مراتبی را در تمام موقعیت‌های رخداد آن داشته باشند.

۱۲-۳. ارائه و صفحه‌بندی اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه

۱۲-۳-۱. کلیات

علاوه بر توصیه‌های کلی معتبر درباره همه اصطلاح‌نامه‌ها (۱-۱۲ و ۲-۱۲ را ببینید)، هنگامی که با ارائه و صفحه‌بندی در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه سروکار داریم، باید به دو نکته ضروری توجه کنیم:

- الف) به منظور اعطای جایگاه برابر به تمام زبان‌های اصطلاح‌نامه چندزبانه، لازم است توالی الفبایی ایجادشده برای هر یک از زبان‌ها رعایت شود (۱۲-۴-۳ را ببینید). این نکته نه تنها درباره ارائه‌های الفبایی اصطلاح‌نامه‌ها، بلکه درباره توالی‌های الفبایی موجود در مدارک اصطلاحات مرجح نیز معتبر است.
- ب) هم‌ارزهای میان‌زبانی اصطلاحات مرجح باید در تمام نسخه‌های زبانی وجود داشته باشد.

۳. تجهیزات غواصی

۲. دوربین‌های خاص منظوره

۱. دوربین‌های زیرآبی

4. computer presentation

علاوه بر نمونه‌های آمده در بند ۱۲-۳، پیوست آ نیز چند مثال دیگر از اصطلاحنامه‌های منتشر شده ارائه داده است.

۱۲-۳-۲. نمایش تک‌مدرکی

رابطه^۱ کاربر باید امکان‌پذیرش یکی از زبان‌های اصطلاحنامه را به عنوان پایه نمایش تک‌مدرکی فراهم آورد. روش نمایش شرح داده شده در ۱۲-۲-۲ باید به گونه‌ای گسترش یابد که تمام هم‌ارزهای میان‌زبانی را در بر گیرد. هر زبان، مطابق آنچه در استاندارد ISO 639-1 آمده است، به وسیله یک رمزگان زبانی آلفا-۲ شناخته می‌شود (شکل ۹ را ببینید). در صورتی که رمزگان مناسبی در ISO 639-1 یافت نشود، می‌توان رمزگانی از ISO 639-2 را به کار برد. این رمزگان را می‌توان در هنگام لزوم با رمزگان افزوده‌ای که در RFC 4646 [۴۵] شرح داده شده و در فهرست برچسب‌های IANA آمده است، بسط داد [۳۵].

توجه: دونقطه‌های نشان داده شده در شکل‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ اختیاری می‌باشند.

Pesticides	
es:	plaguicidas
CC:	FF120
SN:	Excludes growth regulators and repellents ²
UF:	fumigants
TT:	agrochemicals
BT:	agrochemicals
NT:	fungicides ³
	herbicides
	insecticides ⁴
RT:	pests ⁵
DEF:	A substance for destroying pests ⁶
HN:	Added 1975-04-01

شکل ۹ - نمایش تک‌مدرکی در یک اصطلاحنامه دوزبانه (انگلیسی - اسپانیایی)

برای هر اصطلاح در هر یک از نسخه‌های زبانی اصطلاحنامه چندزبانه، باید نمایش تک‌مدرکی کامل و یکسانی وجود داشته باشد. به این ترتیب، اگر ویراستار به سراغ زبان دوم این اصطلاحنامه انگلیسی - اسپانیایی برود، نمایش شکل ۱۰ باید دیده شود.

1. interface

۲. شامل مهارکننده‌های رشد و سموم دفع آفات نمی‌شود. ۳. قارچ‌کش‌ها
۴. حشره‌کش‌ها ۵. آفات ۶. ماده‌ای برای نابودکردن آفات

Plaguicidas
en: pesticides
CC: FF120
SN: Excluye repelentes y reguladores del crecimiento
UF: fumigantes
TT: productos químicos agrícolas
BT: productos químicos agrícolas
NT: fungicidas herbicidas insecticidas
RT: plagas
DEF: Agente que combate las plagas del campo
HN: Agregado 1975-04-01

شکل ۱۰ - نمایش تک‌مدرکی در اصطلاح‌نامهٔ دوزبانه (اسپانیایی - انگلیسی)

به جز مواردی که هم‌ارزی میان اصطلاحات نامرجح برقرار شده باشد (۹-۵ را ببینید)، نمایش تک‌مدرکی برای اصطلاحات نامرجح اصطلاح‌نامهٔ چندزبانه، مشابه اصطلاح‌نامهٔ تک‌زبانه است (۱۲-۲-۲ را ببینید).

۱۲-۳-۳. نمایش الفبایی

برای هر یک از زبان‌های اصطلاح‌نامهٔ چندزبانه باید یک توالی الفبایی جداگانه وجود داشته باشد. گنجاندن چند زبان در یک توالی الفبایی توصیه نمی‌شود.

مدارک مربوط به اصطلاحات مرجح در نمایش الفبایی یک زبان معین را باید به وسیلهٔ هم‌ارزهای میان‌زبانی در هریک از زبان‌های اصطلاح‌نامهٔ چندزبانه تقویت کرد. اما برای مدارک اصطلاحات نامرجح نیازی به این کار نیست. شکل ۱۱ بخشی از یک نمایش دوزبانه به سبک فوق را نشان می‌دهد. نمایشی متناظر باید برای هریک از زبان‌های اصطلاح‌نامه تهیه شود.

mosquitoes ¹ es: mosquitos CC: HH120 BT: pests	plant products ² es: productos de origen vegetal CC: PD100 NT: cereals fruits spices ⁴ vegetables RT: plants
pesticides ³ es: plaguicidas CC: FF120 SN: Excludes growth regulators and repellents UF: fumigants BT: agrochemicals NT: fungicides herbicides ⁵ insecticides RT: pests	plants es: plantas CC: HM100 RT: plant products
pests es: plagas CC: HH100 NT: locusts ⁶ mosquitoes slugs snails RT: pesticides	porkers USE: pigs
pigs es: cerdos CC: HB130 UF: hogs porkers sows BT: livestock	poultry es: aves de corral CC: HB140 BT: livestock ⁷ NT: chickens ducks geese turkeys ⁸ RT: eggs
	sheep es: ovinos CC: HB190 BT: livestock RT: wool

شکل ۱۱ - نمایش الفبایی نسخه انگلیسی اصطلاحنامه‌ای چندزبانه

۱۲-۳-۴. نمایش‌های نظام‌مند

مشاهده همزمان ساختار اصطلاحنامه در هر یک از نسخه‌های زبانی آن، می‌تواند مفید باشد. برای این کار می‌توان از نمایش سلسله‌مراتبی، مانند شکل ۶، یا نمایش رده‌ای، مانند شکل ۷، استفاده کرد. دیدن این نمایش‌های جداگانه تک‌زبانه در کنار هم، در صورتی که برای تک‌تک زبان‌ها تهیه شده باشند، می‌تواند کافی باشد. گزینه دیگر، ارائه نسخه‌های زبانی در ستون‌هایی در یک صفحه است به صورتی که ارجاعات بین آن‌ها به روشنی دیده

۱. پشه‌ها	۲. فراورده‌های گیاهی	۳. آفت‌کش‌ها	۴. ادویه‌ها
۵. علف‌کش‌ها	۶. ملخ‌ها	۷. حیوان اهلی (دام)	۸. بوقلمون‌ها

شود. شکل ۱۲ قسمتی از یک نمایش سلسله‌مراتبی به این سبک را نشان می‌دهد. در شکل ۱۲، نشانگان رده‌بندی برای سادگی خوانش، در ستونی میانی آمده‌است. نشانگان، اختیاری است اما کاربرد آن در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه سودمندتر از اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه می‌باشد. البته یادآوری این نکته لازم است که آرایش الفبایی اصطلاحات خویشاوند به‌طور هم‌زمان در بیش از یک زبان، معمولاً غیرممکن است و بنابراین به برترتقی شدن یکی از زبان‌ها خواهد انجامید. برای مقابله با این مشکل، ممکن است از توالی‌های دیگری از اصطلاحات خویشاوند در هر دو زبان استفاده شود. در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه با بیش از دو یا سه زبان، ارائه نمایش‌های سلسله‌مراتبی موازی کار دشواری است. یک راه حل ممکن برای ارائه‌های اینترنتی، استفاده از رویکرد صفحه دو قسمتی است به این شکل که یک سمت صفحه تنها نمایش سلسله‌مراتبی را به یک زبان نشان می‌دهد و سمت دیگر هم‌ارزهای اصطلاح مرجع انتخاب‌شده از سلسله‌مراتب را در تمام زبان‌های دیگر اصطلاح‌نامه درج می‌کند. شکل ۱۱.آ در پیوست آ این رویکرد را نشان می‌دهد. شکل ۷.آ نیز، با این که مربوط به اصطلاح‌نامه‌ای تک‌زبانه است، برای ارائه نمایشی از روش کار، سودمند است.

<materials>	FF100	<materiales>
. agrochemicals	FF110	. productos químicos
	agícolas	
.. fertilizers	FF120	.. fertilizantes
.. pesticides	FF130	.. plaguicidas
... fungicides	FF140	... fungicidas
... herbicides	FF150	... herbicidas
... insecticides	FM100	... insecticidas
. feeds	FP100	. piensos
. fuel		. combustibles
<organisms>	HB100	<organismos>
. livestock	HB110	. ganado
.. cattle	HB120	.. ganado bovino
.. goats	HB130	.. caprinos
.. pigs	HB140	.. cerdos
.. poultry	HB150	.. aves de corral
... chickens	HB160	... pollos
... ducks	HB170	... patos
... geese	HB180	... gansos
... turkeys	HB190	... pavos
.. sheep	HH100	.. ovinos
.. pests	HH110	. plagas
.. locusts	HH120	.. langostas de tierra
.. mosquitoes	HH130	.. mosquitos
.. slugs	HH140	.. babosas
.. snails	HM100	.. caracoles
. plants		. plantas
<products>	PC100	<productos>
. animal products	PC200	. productos animales
.. dairy products	PC210	.. productos lácteos
... butter	PC220	... mantequilla
... cheese	PC230	... queso
... cream	PC240	... crema
... milk	PC250	... leche
.. eggs	PC260	.. huevos
.. leather	PC270	.. cuero
.. meat	PC300	.. carne
.. wool	PD100	.. lana
. plant products	PD110	. productos de origen vegetal
.. cereals	PD120	.. cereales
.. fruits	PD130	.. frutas
.. spices	PD140	.. especias
.. vegetables		.. hortalizas

شکل ۱۲ - نمایش سلسله‌مراتبی در اصطلاح‌نامه‌ای دوزبانه

۱۲-۳-۵. جداول تناظر برای اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه

در برخی کاربردها، تنها نمایش هم‌ارزی‌های میان زبان‌ها در یک جدول تناظر، بدون ذکر روابط دیگر کافی است. نظم مناسب در شکل‌های ۱۳ و ۱۴ دیده می‌شود. برای هر یک از زبان‌های اصطلاح‌نامه چندزبانه، جدولی جداگانه باید تهیه شود و هر جدول باید از قراردادهای برگه‌آرایی زبانی که به عنوان زبان مبدأ به کاررفته، استفاده کند.

English	Spanish
Agrochemicals	productos químicos agrícolas
<i>agricultural chemicals</i> see:	
agrochemicals	
animal products	productos animales
Butter	mantequilla
Cattle	ganado bovino
Cereals	cereales
Cheese	queso
Chickens	pollos
Cream	crema
dairy products	productos lácteos
Ducks	patos
Eggs	huevos
Feeds	piensos
fertilizers	fertilizantes
fruits	frutas
fuel	combustibles
<i>fumigants</i> see: pesticides	
fungicides	fungicidas
geese	gansos
goats	caprinos
<i>hens</i> see: chickens	
herbicides	herbicidas
<i>hogs</i> see: pigs	
insecticides	insecticidas
leather	cuero
livestock	ganado
locusts	langostas de tierra
meat	carne
milk	leche
mosquitoes	mosquitos
pesticides	plaguicidas
pests	plagas
pigs	cerdos
plant products	productos de origen vegetal
plants	plantas
<i>porkers</i> see: pigs	
poultry	aves de corral
sheep	ovinos
slugs	babosas
snails	caracoles
<i>sows</i> see: pigs	
spices	especias
turkeys	pavos
vegetables	hortalizas
Wool	lana

شکل ۱۳ - جدول تناظر برای اصطلاح‌نامه‌ای دوزبانه (انگلیسی - اسپانیایی)

Español	Ingles
aves de corral	poultry
babosas	slugs
caprinos	goats
caracoles	snails
carne	meat
cerdos	Pigs
cereals	cereals
<i>chanchos véase: cerdos</i>	
combustibles	fuel
crema	cream
cuero	leather
especias	spices
fertilizantes	fertilizers
frutas	fruits
<i>fumigantes véase: plaguicidas</i>	
fungicidas	fungicides
Ganado	livestock
ganado bovino	cattle
<i>ganado porcino véase: cerdos</i>	
gansos	geese
herbicidas	herbicides
hortalizas	vegetables
huevos	eggs
insecticidas	insecticides
lana	wool
langostas de tierra	locusts
leche	milk
mantequilla	butter
mosquitos	mosquitoes
ovinos	sheep
patos	ducks
pavos	turkeys
piensos	feeds
plagas	pests
plaguicidas	pesticides
plantas	plants
pollos	chickens
productos animales	animal products
productos de origen vegetal	plant products
productos lácteos	dairy products
productos químicos agrícolas	agrochemicals
<i>puercos véase: cerdos</i>	
queso	cheese

شکل ۱۴ - جدول تناظر برای اصطلاح‌نامه‌ای دوزبانه (اسپانیایی - انگلیسی)

۱۲-۴. مسائل مربوط به زبان و رمزگذاری نویسه‌ها^۱

۱۲-۴-۱. کلیات

زبان‌های مختلف به‌کاررفته در واژگانی چندزبانه، گاه از نظام‌های نوشتاری گوناگون استفاده می‌کنند. حتی زبان‌هایی که حروف مشترک بسیار دارند (مثلاً زبان‌های دارای الفبای لاتین) گاهی اعراب یا نمادهای دیگری همراه با برخی از این حروف به کار می‌برند. رویه حرف‌نویسی^۲ نیز گاهی برای ترانهش^۳ نویسه‌ها در این زبان‌ها به نظام‌های نوشتاری دیگر، که محدودیت چاپ یا نمایش علائم دارند یا کاربران آن‌ها در خواندن خطوط ناآشنا ناتوان هستند، به کار می‌روند.

برای دستیابی به بیشترین تعداد زبان و خط ممکن، استفاده از مجموعه علائم جهانی^۴ (UCS) توصیه می‌شود. این مجموعه مشترکاً به وسیله استاندارد Unicode و ISO/IEC 10646 تعریف شده‌است.

از UCS در استانداردهای دیگر نیز نام برده شده‌است (مراجع [۵۷] تا [۵۹] را ببینید) و سازندگان رایانه و تولیدکنندگان نرم‌افزار به‌طور گسترده آن را پشتیبانی می‌کنند. استفاده از این استانداردها برای رمزگذاری علائم سبب افزایش تعامل‌پذیری با سامانه‌های دیگر می‌شود. در مورد علائم نادری که در مجموعه علائم جهانی یافت نمی‌شوند، باید از استانداردهای ملی یا صنعتی استفاده کرد.

باید اطمینان حاصل کرد که تمام اجزای یک سامانه مدیریت واژگان با زبان‌ها و مجموعه علائم مربوط هم‌خوانی دارند و تنظیم شده‌اند. این اجزا، نه تنها نرم‌افزار مدیریت واژگان، بلکه سخت‌افزار رایانه‌ای ورود داده‌ها (مانند صفحه کلید، نرم‌افزار ورودی)، سامانه پردازشگر رایانه، و قلم‌ها و قالب‌های نمایش (برای انتشارات چاپی و ارائه‌های رایانه‌ای) را نیز دربرمی‌گیرند. همچنین، مسائل مربوط به نمایش، نظم برگه‌آرایی^۵ و بهنجارسازی^۶ لازم برای جست‌وجو و نمایه‌سازی نیز باید مورد توجه قرارگیرد.

۱۲-۴-۲. مسائل مربوط به نمایش

در هر زبان، حروف و علائم و اعراب‌های مربوط به آن‌ها باید در سراسر واژگان به یکسان و به شکلی پذیرفتنی برای گویندگان آن زبان ظاهر شوند. گرچه آلمانی‌زبان‌ها گاه

1. character encoding

4. Universal Character Set (UCS)

2. transliteration

5. filing order

3. transpose

6. normalization

تبدیل "ä" به "ae" و "ö" به "oe" و غیره را می‌پذیرند، بهتر است شکل ارائه حروف بر صفحه چاپی یا صفحه رایانه آشناترین شکل برای کاربران باشد. زبان‌هایی که از راست به چپ نوشته می‌شوند، مانند عبری، عربی و [فارسی]^۱، معمولاً نیاز به توجه ویژه دارند تا اطمینان حاصل شود که نوشته‌ها به درستی نمایش داده شده‌اند.

۱۲-۴-۳. نظم برگه‌آرایی

زبان‌های گوناگون (و حتی متون مختلف در یک زبان) گاهی به شکل قراردادی نیاز به استفاده از نظم‌های برگه‌آرایی مختلف دارند که نظم رج‌آرایی^۲ نیز خوانده می‌شوند. برای هر زبان ممکن است لازم باشد نویسه‌ها و اعراب‌هایی را که باید در برگه‌آرایی نادیده گرفته شوند، و توالی برگه‌آرایی نویسه‌ها مشخص گردد. برای نمونه:

الف) در زبان انگلیسی (و بیشتر زبان‌های دیگر که خط لاتین، یونانی، حروف روسی و گرجی دارند) تفاوت میان حروف کوچک و بزرگ هنگام مرتب‌سازی نادیده گرفته می‌شود.

ب) در زبان اسپانیایی، حرف ñ، پس از حرف n و پیش از o قرار می‌گیرد.

ج) در زبان فرانسوی، هنگام مرتب‌سازی از تمام اعراب‌ها چشم‌پوشی می‌شود و حرف ñ هم‌ردیف حرف n قرار می‌گیرد.

د) در زبان چک، ch به عنوان یک حرف در نظر گرفته می‌شود که جای آن پس از h و پیش از i است.

ه) در کرواسیایی، dj، lj و nj نیز حروف تنها در نظر گرفته می‌شوند و به ترتیب پس از d، l و n و پیش از m، d و o جای می‌گیرند.

و) چندین گزینه برای مرتب‌سازی علائم اندیشه‌نگارانه^۳ مانند علائم زبان‌های چینی، ژاپنی و کره‌ای وجود دارد. افزون بر این، نسخه‌های ساده‌شده و سنتی علائم اندیشه‌نگارانه وجود دارد، گرچه ممکن است شکل‌های ساده‌شده و سنتی مشابه یکدیگر مرتب شوند (و در ISO/IEC 10646 به یکسان رمزگذاری می‌شوند).

۱. افزوده شده توسط مترجم.

2. sorting order

3. ideographic

- ز) رشته‌های عددی گاه به ترتیب متنی، مثلاً ۱، ۱۰، ۱۰۲، ۱۱، ۱۲۰، ۲ و گاهی به ترتیب عددی ۱، ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۰۲، ۱۲۰ مرتب‌سازی می‌شوند.
- برای رهنمودهایی دربارهٔ نظم برگه‌آرایی مناسب برای نمایه‌ها و فهرست‌های مربوط به کاربردهای تک‌زبانه، مراجع [۱۱] و [۳] را ببینید.
- نظم‌های برگه‌آرایی در زمینه‌های چندزبانه در استاندارد ISO/IEC 14651 و همچنین در الگوریتم تطبیقی یونی‌کد^۱ تعریف شده‌است. با این حال، کاربران ممکن است روش‌های معمول در زبان‌های خاص را نیز که (برای زبان‌های دارای خط لاتین) در استاندارد ISO 12199 آمده‌است، سودمند بیابند.
- نرم‌افزارهای رایانه‌ای واژگان‌های چندزبانه باید توانایی تولید توالی‌های برگه‌آرایی^۲ برای هر یک از زبان‌های گوناگون آن واژگان را داشته‌باشند تا کار کاربران را ساده‌تر سازد. در صورتی که ترتیب معمول قابل استفاده نباشد، ترتیب چیش به‌کاررفته باید در متنی همراه هریک از نسخه‌های زبانی آن واژگان به روشنی توضیح داده‌شود.
- در صورتی که به نمایشی نظیر آنچه در شکل ۱۲ آمده‌است، نیاز باشد، که در آن ارجاعات تصویری میان زبان‌ها اهمیت دارد، تلاش برای استفاده از ترتیب الفبایی برای توالی اصطلاحات خویشاوند، دست کم در یکی از زبان‌ها به نتیجه نامطلوب خواهد‌انجامید. شکل ۱۲ این مشکل را نشان می‌دهد. برای پرهیز از برتری بخشیدن به برخی زبان‌ها، انجام یکی از کارهای زیر لازم است:
- تولید خروجی‌های چندگانه، یکی به ازای هر زبان، که در هر یک، توالی‌های بقیه با ارجاع به اولی به دست آمده‌باشد، یا
 - انتخاب یک توالی نظام‌مند بنیادین (مثلاً از کوچکترین به بزرگترین یا از جنوب به شمال) که در تمام زبان‌ها معتبر باشد.

۱۲-۴-۴. بهنجارسازی برای بازیابی اطلاعات

فرایند جست‌وجو، چه در یک سامانه مدیریت واژگان و چه در یک سامانه بازیابی

اطلاعات، که از اصطلاحات یک واژگان مهارشده استفاده می‌کند، مستلزم تطابق علائم واردشده از سوی کاربر (اصطلاح جست‌وجو) با رشته‌ای از علائم استخراج‌شده از فراداده و ذخیره‌شده در نمایه (اصطلاح نمایه‌ای) است. اصطلاح جست‌وجو و اصطلاح نمایه‌ای گاه تفاوت‌هایی غیرمشهود، مانند رمزگان، کاربرد حروف بزرگ و کوچک، اعراب‌ها یا نشانه‌گذاری‌ها، دارند. بهنجارسازی، فرایند تبدیل اصطلاحات جست‌وجو و نمایه‌ای به شکل متعارف است تا تطبیق رشته‌ها ساده‌تر انجام گیرد و در نتیجه، فراخوانی بهبود یافته و میزان بازیابی اطلاعات افزایش یابد.

مثال

اگر سامانه مدیریت واژگان در نسخه زبان فرانسوی، شامل نام سازمان Alliance coopérative internationale^۱ باشد، قوانین بهنجارسازی به‌کاررفته در فرایند ساخت نمایه ممکن است تمام حروف را به حروف بزرگ تبدیل کند و تکیه صدا را از روی حروف بردارند و در نتیجه، رشته ALLIANCE COOPERATIVE INTERNATIONALE در نمایه ثبت شود. همین قوانین در هنگام ورود این رشته جست‌وجو از سوی کاربر اعمال می‌شود تا مدرک مربوط به این اصطلاح به وسیله هریک از رشته‌های زیر قابل بازیابی باشد:

alliance cooperative internationale
Alliance Cooperative Internationale
Alliance Coopérative Internationale
ALLIANCE COOPERATIVE INTERNATIONALE
ALLIANCE COOPÉRATIVE INTERNATIONALE

مستقل از این که کاربر کدام شکل را وارد کند، دو شکل متعارف بهنجارسازی‌شده باهم مطابقت دارند و کاربر خواهدتوانست مدرک مربوط به اصطلاح موجود در واژگان مهارشده را با موفقیت بازیابی کند.

مثال فوق سناریوی ساده‌ای را در درون یک سامانه مدیریت واژگان ارائه می‌دهد. اما، قواعد بهنجارسازی ممکن است بر کاربرد فاصله (مثلاً در اسامی مکان‌ها و زوج‌واژه‌ها مانند data bases و databases)، علائم نشانه‌گذاری (به‌ویژه خط تیره مثلاً در واژه‌هایی مانند fish-breeding)، نحوه استخراج واژه‌ها و کاربرد نمادهای خاص مانند & تأثیر بگذارد. این موضوع در ISO/IEC 14651 و مرجع هم‌ارز آن، الگوریتم تطبیقی یونی‌کد

۱. اتحادیه تعاونی بین‌المللی

بیشتر شرح داده شده است.

در موارد نادر، اصطلاحات مربوط به مفاهیم متفاوت ممکن است شکل بهنجارسازی شده یکسان داشته باشند (مثلاً AIDS و aids) و باید در واژگان به عنوان هم‌نویسه تلقی شوند (۲-۲-۶ را ببینید). قوانین بهنجارسازی باید برای کاربر واژگان روشن باشد و قوانین املا و علامت‌گذاری مربوط به فرم اصطلاحات باید قوانین بهنجارسازی تعریف شده در سامانه مدیریت واژگان را لحاظ کند.

۱۲-۴-۵. مشخص کردن گویش‌ها و خط‌الرسم‌های غیرمتعارف

در حالتی که گویش‌ها زبان‌های جداگانه تلقی شوند، یا یک رویه حرف‌نویسی همراه با یکی از زبان‌ها به کار رفته باشد، لازم است گویش یا رویه حرف‌نویسی با برچسب‌هایی در نمایش چندزبانه مشخص شود. رمزگان آلفا-۲ از استاندارد ISO 639-2 باید با استفاده از رمزگان مکمل شرح داده شده در [۴۵] RFC 4646 که در فهرست برچسب‌های [۳۵] IANA درج شده است، کامل گردد. این کار امکان مشخص‌سازی زبان‌ها، خط‌الرسم‌ها، مناطق و متغیرهای دیگر را فراهم می‌کند. به این ترتیب، متنی که با استفاده از رویه حرف‌نویسی Pinyin از چینی ماندارین به حروف لاتین حرف‌نویسی شده است، باید به صورت zh-Latn-pinyin رمزگذاری شود، در حالی که رمزگان مربوط به انگلیسی با گویش ایالات متحده به شکل en-US رمزگذاری می‌شود.

۱۳. مدیریت ساخت و نگهداری اصطلاح‌نامه

۱۳-۱. طراحی اصطلاح‌نامه

۱۳-۱-۱. تعیین اهداف

تهیه اصطلاح‌نامه کار طاقت‌فرسایی است که جز با چندین سال تلاش و تعهد به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. بنابراین، پیش از صرف وقت و انرژی قابل توجه باید اهداف را بر اساس ملاحظات از این دست، روشن ساخت:

الف) اصطلاح‌نامه چه کاربردی دارد و کاربران آن کیستند؟

ب) آیا محدودیت‌های نرم‌افزارهای موجود که همراه با اصطلاح‌نامه به کار خواهند رفت،

اصطلاح‌نامه را محدود خواهد ساخت؟

ج) دانش کاربران درباره حوزه موضوعی اصطلاحنامه و مهارت آنان در کار با اصطلاحنامه چقدر خواهد بود؟

دست‌اندرکاران مختلف (مانند مدیران ارشد، پشتیبانان بخش فناوری اطلاعات و کاربران آتی) چشمداشت‌های متفاوتی درباره این که اصطلاحنامه چیست و کارکرد آن چگونه باید باشد، دارند. به عنوان گامی اساسی در دستیابی به کار گروهی نتیجه‌بخش، لازم است تمام دست‌اندرکاران درباره بیانیه اهداف به توافق برسند.

۱۳-۲. تعیین ویژگی‌های اصطلاحنامه

پس از کسب دانش کافی درباره اهداف، کاربردهای طراحی‌شده، و جامعه کاربر، باید دامنه و سبک اصطلاحنامه را تعیین کرد. ویژگی‌های زیر باید مشخص شود:

- الف) آیا اصطلاحنامه به صورت چاپی یا الکترونیک یا هر دو به کار خواهد رفت؟
 - ب) سبک نمایش مورد نیاز
 - ج) آیا به قالب‌های خاصی برای گنجانیدن اصطلاحنامه در سامانه‌های دیگر مانند سامانه‌های جست‌وجو و نمایه‌سازی نیاز است؟
 - د) چه قالبی برای به‌روزرسانی پیش‌بینی شده‌است و این کار با چه بسامد زمانی مورد نیاز است؟
- درباره ویژگی‌های اختیاری نیز باید تصمیم‌گیری شود؛ مثلاً این که آیا روابط سلسله‌مراتبی مطابق ۱۰-۲-۱ به اجزای خردتر تقسیم شوند، آیا امکان تعریف روابط سفارشی وجود داشته‌باشد (۱۰-۴ را ببینید)، آیا عبارات راهنما در نمایش‌های خروجی نشان داده‌شوند، و آیا ذخیره تعریف اصطلاحات و منابع و اطلاعات زمانی مربوط به آن‌ها مهم است یا نه؟
- در سطحی دقیق‌تر، باید قراردادهای مورد استفاده برای جمع/مفرد، املا و کاربرد حروف بزرگ نیز تعیین شوند. توجه به محدودیت‌های عملی مانند بیشینه طول مجاز اصطلاحات، اعراب‌ها و علائم ویژه موردنیاز و تحدید یا عدم تحدید تعداد لایه‌های سلسله‌مراتبی نیز می‌تواند سودمند باشد.

۱۳-۱-۳. برآورد منابع

۱۳-۱-۳-۱. کلیات

در حین مراحل طراحی اصطلاح‌نامه، منابع اصلی مانند افراد، بودجه، نرم‌افزارها، و منابع واژگان باید تعیین شوند. در صورتی که اصطلاح‌نامه چندزبانه باشد، بودجه تعیین‌شده باید هزینه بالاسری ارتباطات، و هزینه نرم‌افزارهای اضافی موردنیاز را نیز شامل گردد.

۱۳-۱-۳-۲. منابع انسانی

منابع انسانی باید بخش‌های زیر را در بر گیرد:

الف) یک حامی در سطح مدیران ارشد که ترجیحاً تعهد شرکتی به پروژه اصطلاح‌نامه داشته باشد.

ب) پشتیبانی و علاقه‌مندی از سوی کاربران، به‌ویژه از سوی کارشناسان اصطلاح‌شناسی در یک یا چند حوزه از زمینه موضوعی.

ج) متخصصان اطلاعات آگاه در حوزه موضوعی که استعداد و ترجیحاً تجربه آموزشی کار با اصطلاح‌نامه را برای عهده‌دارشدن وظیفه اصلی ساخت و نگهداری اصطلاح‌نامه داشته باشند.

د) پشتیبانی متخصصان فناوری اطلاعات که در نصب و یا انطباق نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه، هرگونه برنامه‌نویسی لازم برای گنجاندن خروجی اصطلاح‌نامه در سامانه به‌کاربرنده اصطلاح‌نامه، و اجرای روزمره ابزارهای معمول روی میز^۱ یاری رسانند.

در مواردی که بیش از یک ویراستار در کار شرکت دارد، برنامه‌ریزی دقیقی لازم است تا از ورود همزمان و احتمالاً متناقض اطلاعات به یک بخش از اصطلاح‌نامه جلوگیری شود.

هنگامی که اصطلاح‌نامه چندزبانه است، افراد دست‌اندرکار ساخت و نگهداری آن در حالت ایده‌آل باید تمام ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

- درک درستی از هریک از زبان‌های موجود در اصطلاح‌نامه؛

- دانش خوبی درباره حوزه موضوعی واژگان؛ و
 - درک درستی از تفاوت میان ترجمه و تعیین هم‌ارزهای اصطلاح‌شناختی با هدف بازیابی اطلاعات.
- چنین افرادی انگشت‌شمارند و ممکن است در کشورهای مختلف زندگی کنند. به همین سبب، حفظ ارتباط مکرر، مؤثر و کارآمد میان اعضای گروه اهمیت زیادی دارد. دستیابی به توافقی درباره فرایندها و قالب‌های تبادل شفاف داده‌های ساختاریافته لازم است.

۱۳-۱-۳-۳. منابع واژگان

پیش از آغاز کار ساخت اصطلاح‌نامه، باید منابع موجود واژگان جست‌وجو شود. هریک یا همه موارد زیر ممکن است به کار آید:

الف) اصطلاح‌نامه‌ها یا طرحواره‌های رده‌بندی موجود با دامنه کاملاً یا نسبتاً منطبق با نیاز. در نهایت، شاید اقتباس بدون تغییر یک اصطلاح‌نامه موجود، روشی مقرون‌به‌صرفه باشد. روش معمول‌تر این است که از بخش‌هایی از یک واژگان موجود، با رعایت حق اثر اقتباس شود. تألیفات موجود، منبع فکری برای اصطلاحات، ساختارها یا هردوی آن‌ها است.

ب) مجموعه اصطلاحات یا عبارات دارای بسامد بالای جست‌وجو که همکاران ممکن است در طی کار گردآوری کرده باشند.

ج) نمایه‌های پایگاه داده‌های موجود یا سایر ابزارهای مرجع مرتبط که مدخل‌های سودمند زمینه موضوعی مورد نظر را نشان می‌دهند. اگر پایگاه داده مرتبطی موجود باشد که با یک واژگان مهارشده نمایه‌سازی شده باشد، شاید بتوان گزارشی از تمام اصطلاحات نمایه‌ای به‌کاررفته و فراوانی کاربرد آن‌ها را از آن به دست آورد.

د) گزارش تراکنش^۱ یک سایت اینترنتی مرتبط که عبارات جست‌وجوی پرستفاده کاربران را نشان دهد.

ه) آثار مرجع معتبر مانند واژه‌نامه‌ها، اصطلاح‌شناسی‌ها، فهرست اصطلاحات^۲ و فرهنگ‌نامه‌ها برای بررسی معنای اصطلاحات و سنجش اعتبار ساختارهای سلسله‌مراتبی مناسب‌ترند تا پیشنهاد و گزینش اصطلاحات.

1. transaction log

2. nomenclatures

۱۳-۱-۴. تعیین مسئولیت‌ها

در مرحله اول، باید ویراستاری به عنوان مدیر پروژه اصطلاح‌نامه در تمام مراحل، و در صورت امکان نگهداری مداوم، و حتی تألیف ویراست نخست آن تعیین شود. این ویراستار، بسته به حجم کار، می‌تواند از پشتیبانی گروهی از ویراستاران و شاید یک هیئت بازبینی برخوردار باشد. ترکیب مسئولیت‌های ویراستاری اصطلاح‌نامه با کنترل کیفی نمایه‌سازی موضوعی منابع استفاده‌کننده از اصطلاح‌نامه نیز خالی از فایده نیست.

۱۳-۱-۵. انتخاب نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه

گرچه تألیف و تهیه اصطلاح‌نامه‌ای کامل، بدون پشتیبانی نرم‌افزاری نیز ممکن است، این کار توصیه نمی‌شود. بهتر است از نرم‌افزارهای هدفمند مدیریت اصطلاح‌نامه برای بازدهی بالاتر و پرهیز از اشتباهات دفتری استفاده شود.

هنگام انتخاب نرم‌افزار، لازم است فهرستی از نیازمندی‌ها بر اساس ویژگی‌های ذکرشده در بند ۱۴ و ملزومات دیگر تهیه شود. سپس باید نرم‌افزارهای موجود در بازار را ارزیابی کرد. در صورتی که هیچ یک از آنها ملزومات کار را برآورده نسازد، ممکن است به انتخاب حد واسط نیاز باشد. گزینه دیگر این است که یکی از محصولات نرم‌افزاری موجود بنا بر نیاز تغییر یافته یا نرم‌افزار تازه‌ای ساخته شود.

۱۳-۲. مراحل اولیه تدوین

۱۳-۲-۱. کلیات: کی و چگونه آغاز کنیم؟

با این فرض که اصطلاح‌نامه برای پشتیبانی نمایه‌سازی و جست‌وجو در یک پایگاه داده یا منبعی دیگر مورد نیاز است، اصطلاح‌نامه باید پیش از آغاز تدوین پایگاه داده مورد نظر کامل شود تا بتوان به نمایه‌سازی نظام‌مند دست یافت. اما، تصمیم‌گیری درباره این که به چه اصطلاحاتی در اصطلاح‌نامه نیاز خواهد بود، پیش از ساخت بخش قابل توجهی از پایگاه داده، دشوار است. برای اجتناب از نیاز آتی به نمایه‌سازی دوباره، دست کم بخشی از اصطلاح‌نامه باید پیشاپیش آماده گردد، اما نیاز به کار تکمیلی مداوم درباره اصطلاح‌نامه نیز باید از پیش در نظر گرفته شود.

نرم‌افزارهایی وجود دارند که بدنه متون حوزه یا حوزه‌های موضوعی مربوط را تحلیل و واژه‌ها یا عبارات عمده را همراه با فراوانی کاربردها استخراج می‌کنند. برخی بسته‌های

نرم‌افزاری، اصطلاحات را به شکل قالبی ساختاریافته نیز سازمان‌دهی می‌کنند. اگرچه کیفیت اصطلاح‌نامه‌هایی که به صورت ماشینی تهیه شده‌است، به پای اصطلاح‌نامه‌های محصول هوش انسانی نمی‌رسد، می‌توان از آن‌ها به عنوان منبعی فکری برای سرعت‌بخشیدن به فرایند هوشمند انسانی کمک گرفت.

۱۳-۲-۲. گردآوری اصطلاحات و مفاهیم

همان‌گونه که در بند ۵-۱ گفته شد، اصطلاحات درج‌شده در اصطلاح‌نامه، تنها بازنمایی مفاهیم بنیادینی هستند که اصطلاح‌نامه بر آن‌ها بنا شده‌است. در مرحله ساخت اصطلاح‌نامه هدف کلی، گردآوری و سازمان‌دهی مفاهیم است، اما این کار در عمل به وسیله گردآوری و مرتب‌ساختن اصطلاحات انجام می‌گیرد به گونه‌ای که مفاهیم لازم را به اندازه کافی بازنمایی کنند.

منابع اصلی اصطلاحات در موارد الف) تا د) از بند ۱۳-۱-۳-۳ فهرست شده‌اند. متن کامل منابع نوشتاری که برای دامنه مورد نظر مهم هستند نیز می‌تواند مفید باشد. همان‌گونه که در ۱۳-۲-۱ گفته شد می‌توان برای استخراج واژه‌ها و عبارات کلیدی از متن از روش‌های خودکار استفاده کرد. گرچه بررسی مواد ورودی کاری نسبتاً آسان است، باید به نشانه‌های آنچه مورد جست‌وجوی کاربران خواهد بود، مثلاً فهرست پرسش‌های مطرح‌شده در میزهای اطلاع‌رسانی، نیز دست کم همان قدر اهمیت داد. می‌توان از خود کاربران نیز دعوت کرد تا اصطلاحات و مفاهیم سودمند را پیشنهاد دهند.

در این مرحله ابتدایی، نیازی نیست درباره بهترین شکل بازنمایی ممکن برای مفاهیم مورد نیاز تصمیم‌گیری کرد. گام اول، گردآوری تمام اصطلاحات موجود، ثبت منبع هریک و فراوانی تکرار آن‌ها است.

۱۳-۲-۳. تحلیل اصطلاحات

پیش از مطالعه و واردکردن اصطلاحات گردآوری‌شده در اصطلاح‌نامه، باید آن‌ها را به ترتیبی نظام‌مند مرتب ساخت. در صورتی که نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه چنین قابلیت‌ی نداشته‌باشد، می‌توان از ابزارهای رایانه‌ای معمول مانند صفحه‌گسترده^۱ برای این مرتب‌سازی اولیه استفاده کرد. در صورتی که اصطلاحات از منبعی قابل خوانش به وسیله ماشین به دست آمده‌باشند، این فرایند آسان‌تر و کارآمدتر می‌شود. پس از این که

اصطلاحات گردآوری شده را همراه با منابع و فراوانی تکرارشان در یک صفحه گسترده قرار دادیم، باید آن‌ها را به حوزه‌های موضوعی یا چهریزه‌ها دسته‌بندی کنیم (بند ۱۱ را ببینید) به گونه‌ای که اصطلاحات مشابه همراه با مترادف‌ها و شکل‌های گوناگون‌شان در کنار هم قرار گیرند. گرچه ساختار چهریزه‌ای یا رده‌بندی انجام گرفته در این مرحله، ممکن است ناقص و ابتدایی بوده و لزوماً تعیین‌کننده ساختار نهایی اصطلاح‌نامه نباشد، می‌تواند به شکل‌گیری دیدگاه‌هایی برای ساختار نهایی یاری رساند. دستاورد اصلی این مرحله تحلیلی باید فهرست یا مجموعه‌ای از فهرست‌های کوچک اصطلاحات باشد که با ذکر منبع و فراوانی کاربرد، بر اساس موضوع و یا چهریزه دسته‌بندی شده‌اند. ویراستار با دراختیارداشتن این داده‌ها می‌تواند ساخت نظام‌مند اصطلاح‌نامه را آغاز کند.

۱۳-۳. ساخت

۱۳-۳-۱. ورود اطلاعات

اصطلاحات را باید در قالب دسته‌های موضوعی / چهریزه‌ای یا سلسله‌مراتب به کار برد. دسته‌های مترادف‌ها و شبه‌مترادف‌ها باید در کنار هم قرار گیرند و ترجیحات و روابط هم‌ارزی برقرار گردد. در این مرحله، باید اصطلاحات و روابط سلسله‌مراتبی آن‌ها را با دقت و با در نظر گرفتن تکرارهای احتمالی، هم‌پوشانی‌ها، حذف‌ها و میزان جزءنگری مورد نیاز برگزید. یادداشت دامنه‌ها را نیز می‌توان در این مرحله اضافه کرد. در صورت تمایل، منابع و تعاریف را هم می‌توان وارد کرد. بهتر است تاریخ ورود داده‌ها و شناسه اصطلاحات^۱ به جای ورود دستی، به شکل خودکار و به وسیله نرم‌افزار افزوده شود. اگر کار ارزیابی اولیه، به شناسایی اصطلاح‌نامه‌ای موجود منتهی شده باشد، که قرار است بخش قابل توجهی از آن اقتباس گردد، ممکن است بتوان آن را مستقیماً به نرم‌افزار انتخاب‌شده برای مدیریت اصطلاح‌نامه وارد کرد. این کار، به‌ویژه اگر نرم‌افزار مورد نظر، ورود داده‌های ساختاریافته را همراه با یادداشت دامنه‌ها و روابط اصطلاحات میسر سازد، به صرفه‌جویی زمانی خواهد انجامید، اما حتماً باید از مالک معنوی اثر اجازه گرفت.

فهرست‌های ساختارنیافته اصطلاحات را نیز می‌توان مستقیماً به برخی محصولات نرم‌افزاری وارد کرد. اما این کار به صرفه‌جویی چندانی در وقت منجر نخواهد شد، زیرا پس از آن هنوز باید روابط میان اصطلاحات را وارد کرد و دقت زیادی لازم است تا

1. term identifier

اطمینان حاصل کنیم ناهم‌خوانی‌های املایی تصادفاً ایجاد نشوند.

۱۳-۳-۲. ترتیب ساخت

هنگام کار با سلسله‌مراتب‌ها، این پرسش پیش می‌آید که آن‌ها را باید از پایین به بالا ساخت یا از بالا به پایین. نمایی از لایه‌های بالایی می‌تواند به حصول اطمینان از این که اصطلاح‌نامه از پوشش‌دهی و توازن کافی برای دامنه مورد نظر برخوردار است، کمک کند. چنین نمایی همچنین در موارد دعوت از کارشناسان و کاربران دیگر برای ارائه پیشنهاد سودمند است تا بتوان پیشنهاد آن‌ها را در زمینه ساختار کلی جای داد.

از سوی دیگر، کار در لایه پایین‌تر می‌تواند به حذف ناهنجاری‌های مؤثر بر ساختار اصطلاح‌نامه در لایه‌های بالاتر کمک کند. وجود لایه‌های پایین فراوان در سلسله‌مراتب، که نشان‌دهنده مفاهیم بسیاری است که باید در جایی گنجانده شوند، می‌تواند از ایجاد ساختاری عالی و منطقی خبر دهد.

هر دو راهکار فوق سودمندند و باید به صورت ترکیبی به کار روند. قبل از پیشروی در بخش‌های سطح پایین سلسله‌مراتب، باید پیش‌طرحی از ساختار سطح بالا تهیه شود. همزمان با پیشرفت کار، طرح سطح بالای مذکور بر اساس نیازهای پیش‌آمده اصلاح می‌شود.

کار با خوشه‌های سلسله‌مراتبی اصطلاحات و درج آن‌ها همراه با هم‌ارزها و روابط سلسله‌مراتبی، مؤثر است. اما ورود روابط همبستگی در این مرحله چندان آسان نیست، زیرا اصطلاحات سوی دیگر رابطه همبستگی معمولاً در سلسله‌مراتبی دیگر قرار دارند که هنوز پدید نیامده است. به طور معمول، روابط همبستگی در مرحله‌ای پسین، هنگامی که بدنه کلی اصطلاحات در سامانه وجود داشته باشد، اضافه می‌شوند.

صرف نظر از این که کار به چه ترتیبی دنبال شود، کنترل کیفی برای اطمینان از کامل بودن، غیرتکراری بودن، دقت نوشتاری، انتخاب روابط درست و غیره لازم است.

۱۳-۳-۳. ساخت یک اصطلاح‌نامه چندزبانه

برای ساختن اصطلاح‌نامه چندزبانه، سه رویکرد را می‌توان در نظر گرفت. رویکردی که انتخاب می‌شود به منابع انسانی، مالی و زمانی موجود بستگی دارد. همچنین، به زمینه کاربرد مورد نظر نیز باید توجه کرد؛ مثلاً این که آیا اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه‌ای در قلمرو موضوعی مورد نظر وجود دارند و آیا تا کنون از آن‌ها برای نمایه‌سازی اسناد مورد نیاز

استفاده شده است؟

الف) ترجمه یک اصطلاح‌نامه تک‌زبانه

ترجمه، روشی معمول و نسبتاً مقرون به صرفه برای ساخت اصطلاح‌نامه‌ای چندزبانه است، به‌ویژه اگر اسنادی که قرار است جست‌وجو شوند، قبلاً با استفاده از اصطلاح‌نامه تک‌زبانه، نمایه‌سازی شده باشند. اما در صورت به‌کارگیری این روش، زبان اصطلاح‌نامه تک‌زبانه منبع، در جایگاه زبان برتر اصطلاح‌نامه چندزبانه قرار خواهد گرفت. فرایند ترجمه، نسخه‌های زبانی چندگانه‌ای با اصطلاحات و ساختار روابط مشابه پدید می‌آورد که لزوماً همیشه با انتظارات فرهنگی و مفهومی جوامع کاربر زبان‌های مقصد متناظر نیست.

ب) ادغام چند اصطلاح‌نامه تک‌زبانه

ادغام چند اصطلاح‌نامه تک‌زبانه مجزا، فرایندی پیچیده است. در این روش، یکپارچگی سامانه‌های زبانی و مفهومی گوناگونی که باید با یکدیگر تطبیق داده شوند، بیشتر حفظ می‌شود، زیرا تمام زبان‌ها به نوبت خود فرصت می‌یابند در جایگاه زبان مبدأ قرار گیرند. اما، به این سبب که اصطلاح‌نامه‌های مختلفی که به عنوان منبع به کار می‌روند، معمولاً سطوح جزءنگری و پیش‌همارایی متفاوتی دارند، این روش از دیدگاه مدیریتی چالش‌انگیزترین روش است.

ج) ساخت همزمان نسخه‌های زبانی گوناگون اصطلاح‌نامه چندزبانه

در این روش سوم، تمام زبان‌های اصطلاح‌نامه موقعیت یکسانی می‌یابند. هر یک از زبان‌ها به نوبت در جایگاه زبان مبدأ و مقصد قرار می‌گیرد و می‌تواند بر استقرار روابط سلسله‌مراتبی و همبستگی تأثیر بگذارد. مدیریت کار باید به گونه‌ای انجام گیرد که انطباق‌های ساختاری و اصطلاح‌شناختی که برای حفظ هم‌ارزی میان‌زبانی لازم هستند، همیشه بر یک زبان اعمال نشوند. برای دستیابی به نتیجه‌ای مطلوب، باید از آغاز هماهنگی و کار گروهی دقیقی به عمل گذاشته شود.

۱۳-۳-۴. مشارکت کارشناسان و افراد ذینفع

مزایای مشارکت افراد دیگر در مراحل مختلف کار در ادامه آمده است.

الف) دریافت معنای برخی اصطلاحات تخصصی دشوار است و گاه تفاوت‌های جزئی شگفت‌آوری در معنی باهم دارند. کسی که بر حوزه‌ای تخصصی تسلط دارد، می‌تواند به سرعت دریابد که اصطلاح انتخاب‌شده مناسب است و روابط به‌درستی برقرار شده‌اند یا خیر. اگر اصطلاحات به‌گونه‌ای در اصطلاح‌نامه به‌کاررفته‌باشند که برای کارشناسان جامعه کاربر پذیرفتنی نباشد، اصطلاح‌نامه به آسانی مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. بنابراین، اصولاً مشارکت دادن کارشناسان در بازبینی کار در حین پیشرفت آن، فکر خوبی است. در عین حال، اصطلاحات معمولاً بیش از یک معنی دارند و معنی مطلوب یک کارشناس ممکن است همیشه به تأیید کارشناس دیگر نرسد. افزون بر این، بدان سبب که مناسب‌ترین مفهوم برای هدف بازبینی اطلاعات ممکن است کمی عام‌تر یا خاص‌تر از اصطلاح مرجع برای بازبینی آن باشد، برخی کارشناسان پذیرش این "خطای" عمدی را دشوار می‌یابند. کارشناسانی که برای این همکاری برگزیده می‌شوند، باید به خوبی با اهداف و قراردادهای یک واژگان مهارشده آشنا باشند (بند ۴ را ببینید). سازنده اصطلاح‌نامه باید آمادگی راهنمایی و میانجیگری در تمام مشارکت‌ها را داشته‌باشد.

ب) گرفتن تمام تصمیمات درست در وهله اول برای یک نفر دشوار است. به‌شورگذاشتن اصطلاحات دشوار در یک گروه ویراستاری، همراه با کمی تفکر جانبی، دستاوردهای مثبت بسیار در پی خواهدداشت. در صورتی که گروه تنها یک ویراستار داشته‌باشد، تشکیل کمیته یا هیئتی برای بازبینی بخش‌هایی از کار در حین پیشرفت، یا مشورت با همکارانی که به شکل اتفاقی انتخاب شده‌اند، می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. گزینه دیگر این است که تمام عناصر اصطلاح‌نامه پیش از انتشار، به تأیید هیئت بازبینی ویراستاری برسد.

ج) مشارکت گاه‌به‌گاه مدیران ارشد و یا دیگر افراد ذینفع می‌تواند در تداوم سرمایه‌گذاری مالی، پذیرش و اجرای محصول نهایی مؤثر باشد.

د) مشارکت کاربران، میزان خرید محصول را به شدت افزایش می‌دهد. کسانی که در پروژه‌ای همکاری داشته‌اند، تمایل بیشتری به استفاده از دستاوردهای آن دارند.

ه) مشارکت کارشناسان زبان‌های گوناگون اصطلاح‌نامه چندزبانه از همان آغاز کار، احتمال پذیرفته‌شدن آن در میان کاربران جوامع متکلم به آن زبان‌ها را بسیار افزایش می‌دهد.

۱۳-۴. مقدمه اصطلاح‌نامه

هر اصطلاح‌نامه نیاز به مقدمه‌ای جامع دارد که اهداف اصطلاح‌نامه و این که چرا، چگونه، و به دست چه کسانی تهیه شده‌است را به روشنی بیان کند. نکات زیر باید در نظر گرفته شود:

- الف) حوزه‌های موضوعی پوشش داده‌شده، همراه با تعیین حوزه‌های اصلی و حاشیه‌ای؛
 - ب) زبان‌هایی که اصطلاح‌نامه به آن زبان‌ها ارائه شده‌است؛
 - ج) معرفی استانداردهای ملی و یا بین‌المللی پیروی‌شده؛
 - د) معنی تمام قراردادهای، کوتاه‌نوشت‌ها و علائم نقطه‌گذاری که به روش غیر استاندارد به کاررفته‌اند؛
 - ه) تعداد کل اصطلاحات و تعداد اصطلاحات مرجع و نامرجع به صورت جداگانه؛
 - و) هرگونه قوانین به کاررفته در گزینش مفاهیم، از جمله مفاهیم پیچیده؛
 - ز) قوانین به کاررفته در انتخاب شکل اصطلاحات مرجع، شامل ارجاع به هر دستنامه راهنمای سبک استفاده‌شده و قوانین تصمیم‌گیری درباره روابط میان آن‌ها؛
 - ح) قوانین بایگانی مورد استفاده که در صورت امکان از یک استاندارد مناسب ملی یا بین‌المللی (با ذکر آن) پیروی کنند؛
 - ط) بیانیه‌ای درباره سیاست به روزرسانی، شامل بازه‌های زمانی تکرار آن، تاریخ‌ها و رویه‌ها، و نام و نشانی مؤسسه مسئول دریافت نظرات و پیشنهادات؛
 - ی) ارجاع به منابع به کاررفته در تألیف و بازبینی اصطلاح‌نامه و قدردانی از آن‌ها.
- هرجا ممکن باشد، این نکات را باید با مثال و تعاریف تمام اصطلاحات فنی به کاررفته در مقدمه همراه کرد.
- در مواردی که اصطلاح‌نامه برای سامانه یا کاربردی ویژه طراحی شده باشد، روش استفاده از اصطلاح‌نامه در متن آن زمینه خاص نیز باید در مقدمه ارائه شود.

۱۳-۵. انتشار

۱۳-۵-۱. انضمام به سامانه الکترونیک

نیازهای کاربران اصطلاح‌نامه، چه جست‌وجوگر و چه نمایه‌ساز، باید در نظر گرفته شود. دستیابی به اطلاعات هنگامی سراسرتر است که اصطلاح‌نامه همراه با تمام

اصطلاحات، روابط و یادداشت دامنه‌هایش کاملاً در کارکردهای نمایه‌سازی، مرور و جست‌وجو، مطابق آنچه در بند ۱۶-۳ آمد، ادغام شده باشد.

برخی سامانه‌های جست‌وجو و یا نمایه‌سازی دارای واحد نگهداری اصطلاح‌نامه در خود هستند. در صورت استفاده از این واحد برای تولید اصطلاح‌نامه، به ورود و خروج^۱ داده‌ها و آماده‌سازی خاصی نیاز نیست. با این حال، اگر سامانه به کارگرفته شده سازوکاری برای خروج اصطلاح‌نامه در قالبی استاندارد نداشته باشد، هنگام نیاز به تغییر سامانه یا در دسترس نهادن آن اصطلاح‌نامه برای کاربردهای دیگر، دچار مشکل خواهیم شد.

انتشار منظم اصطلاح‌نامه چه مورد نیاز باشد و چه نباشد، قابلیت خروج آن در قالب استاندارد، لازم است. سامانه‌های نمایه‌سازی و جست‌وجویی که از اصطلاح‌نامه استفاده می‌کنند نیز باید توانایی ورود اصطلاح‌نامه را در همان قالب داشته باشند. رهنمودهایی درباره انواع قالب‌ها در بند ۱۷ و پیوست ب آمده است.

۱۳-۵-۲. نشر الکترونیک

ممکن است اصطلاح‌نامه در حالت «خوداتکا»^۲، یعنی بدون پیوند به برنامه‌ای کاربردی در دسترس کاربران قرار گیرد. اصطلاح‌نامه‌های الکترونیک ممکن است روی لوح فشرده، پایگاه اینترنتی، شبکه‌ای داخلی یا اینترنت منتشر شود. کارکردهای مرور اجمالی مربوط به آن‌ها در بند ۱۶-۳ شرح داده شده‌اند.

حتی هنگامی که اصطلاح‌نامه‌ای بدون پیوند مستقیم با هرگونه برنامه کاربردی روی شبکه‌ای انتشار می‌یابد، برخی نرم‌افزارهای جست‌وجوی روی همان شبکه (شبکه داخلی یا اینترنت) می‌توانند برای کسب اطلاعات همزمان در حین جست‌وجو از آن استفاده کنند. برای تسهیل این کار، اصطلاح‌نامه باید در قالب ایکس‌ام‌ال و به صورت «مجموعه‌نام‌های»^۳ ایکس‌ام‌ال در دسترس قرار گیرد.

برخی علائم در قالب ایکس‌ام‌ال کاربرد چندانی ندارند (مانند "< >" & "). چنین علائمی، باید تا حد ممکن طبق آنچه در ۶-۴-۲ شرح داده شده، به کار نروند. اما در مواردی که به کارگیری آن‌ها برای پذیرفته شدن از سوی کاربر لازم باشد (مثلاً Boyle's Law، women's rights) باید هنگام تولید خروجی ایکس‌ام‌ال به وسیله نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه و طبق مراجع [۵۷] و [۵۸] رمزگذاری شوند.

1. import/export

2. stand-alone mode

3. namespace

۱۳-۵-۳. توزیع محدود نسخه چاپی

نسخه چاپی اصطلاح نامه ممکن است در وضعیت های زیر به تعداد محدود در دسترس قرار گیرد:

- الف) هنگامی که تهیه نسخه چاپی و کامل آن مستلزم صرف هزینه زیادی باشد؛
- ب) اکثر کاربران نسخه الکترونیک را ترجیح دهند؛
- ج) اصطلاح نامه، محصولی اکیداً درون سازمانی باشد؛
- د) گروه ویراستاری اصطلاح نامه، نسخه چاپی را برای نمایش و یا یادداشت برداری مناسب بدانند.

در واقع، این گزینه بسط رویه معمول گزارش گیری از پایگاه داده اصطلاح نامه است. این روش، انعطاف لازم را برای تنظیم گزارشات تک منظوره بر اساس نیاز، مثلاً گنجاندن یا نگنجاندن «فیلدهای مربوط به سامانه داری»^۱، ایجاد زیرمجموعه ای برای دسته ای کاربر خاص، انتخاب میان سبک های مختلف نمایش و غیره دارد. گزارشاتی از این دست را می توان به شکل الکترونیک منتشر کرد تا کاربران در صورت نیاز، آن ها را چاپ کنند.

۱۳-۵-۴. نشر سنتی

گرچه ظهور انتشارات الکترونیک، چاپ به شیوه سنتی را تحت الشعاع خود قرار داده است، هنوز در برخی موارد و در صورت تقاضای کاربر، شیوه انتشار مناسبی است. نمایش چاپی برتری هایی بر نمایش الکترونیک دارد، به ویژه در مناطقی که دسترسی به رایانه محدود است. علاوه بر این، چاپ اصطلاح نامه به روش سنتی می تواند آن را در دسترس گروه متفاوت و مهمی از مخاطبان قرار دهد.

هنگامی که سازمانی تصمیم به تهیه و انتشار اصطلاح نامه ای جدید می گیرد، باید تصمیم خود را در یکی از نشریات تخصصی حوزه یا حوزه های موضوعی مرتبط و همایش های گفت و گوی الکترونیک اعلام کند.

۱۳-۵-۵. واسپاری به یک مرکز مبادله اطلاعات

نسخه ای از نخستین ویراست و ویراست های بعدی اصطلاح نامه منتشر شده باید در کتابخانه ملی واسپاری به امانت گذاشته شود. در صورتی که اصطلاح نامه به زبان انگلیسی

1. housekeeping fields

باشد یا زبان انگلیسی یکی از زبان‌های آن باشد، نسخه‌ای نیز باید به مرکز مبادله اطلاعات آمریکای شمالی در تورونتو^۱ سپرده شود.

۱۳-۵-۶. فهرست‌های موجود در پایگاه‌های اینترنتی

تعدادی از پایگاه‌های اینترنتی، فهرست‌هایی از اصطلاحنامه‌ها را ارائه می‌دهند. برخی از این پایگاه‌ها، پروژه‌های اصطلاحنامه را پیش از انتشار به اطلاع عموم می‌رسانند. افزون بر این، طرح فراداده‌ای هسته^۲ دابلین^۳ تعدادی از پروژه‌های در دست انجام را به ایجاد فهرست‌های ثبت^۴ فراداده‌ای، شامل «فهرست ثبت اصطلاحات»^۵ برای واژگان مهارشده و منابع دیگر [۳۱] تشویق کرده‌است. تدوین‌کننده اصطلاحنامه باید در زمان انتشار یا پیش از آن، جزئیات کامل اصطلاحنامه را به شکل چاپی یا الکترونیک برای مسئول پایگاه‌های اینترنتی یا خدمات ثبت اطلاعات بفرستد. در مورد اصطلاحنامه‌های الکترونیک قابل دسترسی در اینترنت، مرکز خدمات ثبت می‌تواند پیوندی مستقیم به آن ارائه دهد.

۱۳-۶. به‌روزرسانی

۱۳-۶-۱. کلیات

نگهداری اصطلاحنامه باید در سراسر دوره زیست آن ادامه یابد. ارائه تغییرات حاصل، چه در تحول طبیعی اصطلاحات و چه در دامنه پایگاه‌داده‌ها یا منابع دیگری که از اصطلاحنامه مورد نظر تغذیه می‌کنند، اهمیت دارد. نیاز به‌روزرسانی اصطلاحنامه از همان روز انتشار، و اگر نگوئیم پیش از آن، پدید می‌آید. پیشنهاد تغییرات به‌ویژه در چند ماه نخست پس از انتشار اصطلاحنامه ممکن است بسیار زیاد باشد و این زمان مرحله‌ای است که واژگان، اولین آزمون جدی خود را از سر می‌گذرانند. روال‌های ویرایشی باید از آغاز اعمال شوند.

۱. مجموعه سامانه‌های تحلیل موضوعی (SAS) در نشانی زیر نگهداری می‌شود:

The Inforum, Faculty of Information, University of Toronto, 140 St George Street Toronto, Ontario M5S 3G6 Canada.

جزئیات بیشتر را در

<http://discover.library.utoronto.ca/general-information/libraries/FISINFORUM/>

ببینید. مدارک SAS در فهرست دانشگاه گنجانده شده‌است.

2. Dublin Core Metadata Initiative (DCMI)
4. terminology registry

3. registries

گرچه ایجاد تغییر برای همسازی با نیازهای جدید ضروری است، توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که هر تغییری به‌طور بالقوه به عملکرد بازیابی مدارک پیشین^۱ (منابعی که با واژگان اولیه نمایه‌سازی شده‌اند) آسیب می‌رساند. هنگامی که اصطلاح تازه‌ای وارد می‌شود، از همان لحظه برای جست‌وجو در پایگاه داده قابل دسترسی است، اما منابعی که از پیش در سامانه وجود دارند، این اصطلاح را در نمایه خود نخواهند داشت. در صورتی که نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه امکان تصحیح خودکار یا نیمه خودکار مدارک پیشین را فراهم کند، می‌توان تغییرات را بر اصطلاحات مرجح موجود اعمال کرد. اما در انواع دیگر تغییرات، ممکن است امکان تصحیح گذشته‌نگر کمتر باشد. بنابراین، باید میان همسازی با نیازهای جدید و حفظ ثبات اصطلاح‌نامه، تعادل برقرار کرد.

اگر اصطلاح‌نامه چندزبانه باشد، باید پیش از تأیید تغییر پیشنهادی، اثر آن را در تمام زبان‌ها در نظر گرفت.

۱۳-۶-۲. روال پیشنهاددهی

سازوکار ساده‌ای برای پیشنهاد تغییرات باید در دسترس تمام کاربران اصطلاح‌نامه، به‌ویژه نمایه‌سازان قرار گیرد. این سازوکار می‌تواند یک برگه چایی یا الکترونیک باشد. چنین برگه‌ای باید افراد را به پیشنهاد دادن اصطلاحات جدید یا هر تغییر دیگر مورد نیاز، همراه با هر مقدار ممکن اطلاعات زمینه‌ای، فراخواند. اطلاعات زمینه‌ای سودمند شامل تعریفی از مفهوم مورد نظر، ارجاع به موقعیت‌های رخداد آن در نوشتجات، مترادف‌ها یا شکل‌های دیگر بیان آن مفهوم، روابط آن با اصطلاحات موجود در اصطلاح‌نامه و دلیل ضرورت آن تغییر است.

اغلب اوقات، نمایه‌سازان در حین پردازش اسناد برای وارد کردن آن‌ها در پایگاه داده‌ها، نیاز به اصطلاحی جدید را متوجه می‌شوند. از آن رو که ممکن است تا پیش از تکمیل نمایه‌سازی، وقت کافی برای مشورت با ویراستار اصطلاح‌نامه نباشد، اصطلاح پیشنهادی را باید به عنوان «اصطلاح مرجح احتمالی»^۲ به کار برد. اصطلاحات احتمالی برای جست‌وجو در دسترس خواهند بود، اما در ارزیابی اصطلاح‌نامه در نظر گرفته نخواهند شد. ویراستار اصطلاح‌نامه وظیفه دارد اصطلاحات احتمالی را مرتباً بازبینی کند (۱۳-۶-۳ را ببینید) و ممکن است آن‌ها را با ذکر وضعیت «احتمالی» وارد سامانه مدیریت اصطلاح‌نامه

1. backfile

2. candidate preferred term

نماید. هنگامی که یک اصطلاح احتمالی تأیید شود، وضعیت اصطلاح باید به تبع این تأیید تغییر یابد. پیشنهادات تأییدنشده باید حذف شوند یا به شکل مناسب تغییر یابند.

۱۳-۶-۳. روال بازبینی

ویراستار اصطلاح‌نامه باید در مقاطع زمانی منظم تمام پیشنهادات دریافت‌شده و اصطلاحات احتمالی پیشنهادشده را بازبینی کند. افزون بر این، ویراستار وظیفه دارد فراوانی کاربرد اصطلاحات مرجح را در پایگاه یا پایگاه‌های داده وابسته به اصطلاح‌نامه تحت نظر داشته‌باشد. اصطلاحاتی که فراوانی کاربرد بیش از حد زیاد یا فوق‌العاده کم دارند، باید برای حذف یا اصلاح بررسی شوند.

از عبارات جست‌وجوی کاربران نیز می‌توان در فرایند نگهداری اصطلاح‌نامه کمک گرفت. می‌توان اصطلاحات به‌کاررفته در جست‌وجوهای ناموفق را بررسی کرد که آیا جزء مفاهیم معتبر اصطلاح‌نامه‌اند یا خیر. کاربرد بسیار زیاد یا عدم استفاده از یک اصطلاح در عبارات جست‌وجو می‌تواند نشان دهد که آن اصطلاح باید به ترتیب برای تقسیم یا حذف بررسی شود.

بسیاری از سامانه‌های بازبینی امروزی امکان جست‌وجوی متن-آزاد را برای یافتن منابع ارائه می‌دهند و فهرستی از تراکش‌ها، شامل عبارات جست‌وجوی واردشده از سوی کاربر را ذخیره می‌کنند. این فهرست‌های تراکش را می‌توان به عنوان راهنمای عینی عادات و ترجیحات کاربران به کار برد و مثلاً از روی آن‌ها دریافت کدام حوزه‌های موضوعی نیاز به پردازش عمیق‌تری دارند و چه مفاهیم ساده‌تر یا پیچیده‌تری جست‌وجو شده‌اند. گاه ممکن است این فهرست‌ها، اصطلاحات نامرجح بیشتری برای مفهومی که از پیش در اصطلاح‌نامه وجود دارد، پیشنهاد دهند یا حتی به جایگزینی اصطلاحی مترادف که کاربران آن را بیشتر جست‌وجو کرده‌اند، به جای اصطلاح مرجح موجود، رأی دهند. باید از تمام فهرست‌های تراکش قابل دسترسی برای کمک به نگهداری اصطلاح‌نامه استفاده کرد.

پیشنهادات، عبارات جست‌وجوی کاربران، و اصطلاحات احتمالی پیشنهادشده از سوی نمایه‌سازان را باید دقیقاً بررسی کرد. ممکن است بررسی دقیق به این نتیجه بینجامد که مفهوم پیشنهادی از قبل با نامی دیگر در اصطلاح‌نامه وجود دارد. بدین سبب که بیشتر پیشنهادات معمولاً به افزودن اصطلاحات مرجح تازه مربوط می‌شود، به‌ندرت به تمام

عملیات جنبی یا مکمل مورد نیاز، مانند افزودن سرمدخل، تغییر یادداشت دامنه، تصحیح روابط همبستگی یا سلسله‌مراتبی و غیره مربوط می‌شود. این تغییرات ممکن است میزان پیچیدگی اصطلاح‌نامه را تا حد غیرقابل قبولی بالا ببرد. ویراستار باید پیش از تأیید هر پیشنهاد، آن را به مجموعه‌ای قابل لمس و کاملاً همساز و منسجم از اصلاحات تبدیل کند. در صورتی که اصطلاح‌نامه چندزبانه باشد، تغییر پیشنهادشده باید با اعمال همسازی‌های لازم در تمام زبان‌ها انجام شود.

در سازمان‌های کوچک، شاید ویراستار ناچار باشد تمام تصمیم‌گیری‌ها را به تنهایی انجام دهد، اما در این حالت هم، به‌ویژه اگر اصطلاح‌نامه برای چند کاربرد مختلف استفاده شود، مشورت با کاربران توصیه می‌شود. می‌توان یادداشتی حاوی تمام تغییرات پیشنهادشده همراه با فراخوان نظردهی را در میان کاربران دست به دست گردانید. راه دیگر، مشورت با یک هیئت بازبینی شامل یک نماینده از هریک از موارد کاربرد اصطلاح‌نامه است. این هیئت باید نشست‌ها یا جلسات گفت‌وگوی الکترونیک منظم داشته باشد. پس از مطالعه و تصحیح کامل پیشنهادات، ویراستار باید آن‌ها را به هیئت بازبینی ارائه دهد. پیش از هر تصمیم نهایی، تأثیر تغییرات بر هر یک از موارد کاربرد اصطلاح‌نامه باید در نظر گرفته شود.

۱۳-۶-۴. ماهیت تغییرات

با این که بیشترین تمایل فرایند به‌روزرسانی، افزودن اصطلاحات تازه است، دیگر انواع تغییر را نباید نادیده گرفت. هر یک از موارد الف) تا ن) زیر ممکن است روی دهد:

- الف) افزودن مفهومی تازه، که با اصطلاحی مرجع بازنمایی شده باشد؛
- ب) افزودن یک اصطلاح نامرجح جدید به عنوان مدخل راهنما؛
- ج) اصلاح یک اصطلاح مرجع یا نامرجح موجود؛
- د) حذف اصطلاحی مرجع؛
- ه) تبدیل اصطلاحی مرجع به اصطلاح نامرجح یک اصطلاح مرجع دیگر؛
- و) حذف اصطلاحی نامرجح؛
- ز) جابه‌جا کردن دو اصطلاح مرجع و نامرجح با یکدیگر؛
- ح) افزودن یا تغییردادن یک یادداشت دامنه، تعریف، یادداشت پیشینه یا یادداشت ویراستار؛

ط) ادغام دو مفهوم در یکی؛
 ی) شکستن یک مفهوم به دو یا چند مفهوم، که گاه ممکن است به تبدیل یک اصطلاح نامرجح موجود به اصطلاح مرجح منتهی شود؛
 ک) تغییر ساختار سلسله‌مراتبی؛
 ل) تغییر مکان شاخه‌ای از یک سلسله‌مراتب؛
 م) افزودن یا حذف روابط همبستگی؛
 ن) تقریباً هر ترکیبی از موارد فوق که گاه به تغییرات دیگری در زبان‌های مختلف یک اصطلاح‌نامه چندزبانه می‌انجامد. مثلاً اصطلاح نامرجح اضافه‌شده در یک زبان ممکن است در زبان‌های دیگر افزوده شود یا نشود.

حفظ معیارهای ویرایشی اولیه، همراه با احترام به راحتی کاربران فعلی، ضروری است. حذف‌ها باید با وسواس فراوان انجام گیرد، به‌ویژه اگر اصطلاح مورد نظر در گذشته مورد استفاده قرار گرفته باشد. به جای حذف یک اصطلاح مرجح، باید آن را به اصطلاح نامرجیحی که به اصطلاح مرجح مربوط ارجاع می‌دهد، تبدیل کرد و یادداشت پیشنهادی به آن افزود که نشان دهد تا چه تاریخی اعتبار داشته‌است. لازم است اصطلاح مرجح مربوط به آن نیز با یادداشت پیشنهادی درباره تغییر اعمال‌شده، همراه باشد.

ضمن این‌که ویراستار وظیفه دارد در موارد تغییر چشمگیر اصطلاحات، یادداشت پیشنهادی مناسبی تهیه کند، تاریخ ورود اطلاعات و آخرین تغییرات انجام‌گرفته باید به‌صورت خودکار به‌وسیله نرم‌افزار ثبت شود. همچنین، شناسه اصطلاح جدید نیز باید به‌طور خودکار افزوده شود.

در اصطلاح‌نامه چندزبانه، تغییرات باید به شکل همزمان در تمام زبان‌ها اجرا شود.

۱۳-۶-۵. انتشار نسخه‌های روزآمد

۱۳-۶-۵-۱. کلیات

سازوکار انتشار نسخه‌های روزآمد باید پیش از انتشار اصطلاح‌نامه طراحی شود. انتقال تغییرات اعمال‌شده، به‌ویژه اگر خصیصه‌ها و روابط یک اصطلاح به گونه‌های مختلف تغییر یافته باشد، می‌تواند پیچیده باشد. اعلام فهرستی از اصطلاحات جدید دشوار نیست، اما در صورتی که کاربران علاقه‌مند باشند بدانند اصطلاحات جدید در کجای ساختار

سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرند، به خصوص در حالتی که به انتشار چند نوع نمایش گوناگون نیاز باشد، کار دشوار می‌شود. حتی با این فرض که کاربران به فهرستی از اصطلاحات جدید بسنده کنند، احتمال دارد این اصطلاحات هنگام استفاده از اصطلاح‌نامه نادیده گرفته شوند، زیرا به‌درستی در فرایند ارجاع‌دهی گنجانده نشده‌اند.

ساده‌ترین راه انتشار تغییرات، توزیع ویراست جدیدی از اصطلاح‌نامه است. انجام این کار به شکل الکترونیک، هزینه‌ها را به کمترین مقدار خواهد رساند. افزون بر این، این روش از دشواری انتقال ماهیت تغییرات به کاربر می‌کاهد و تضمین می‌کند که تمام کاربران هنگام انتخاب اصطلاحات، به فهرست مستند یکسانی از واژگان دسترسی دارند. علاوه بر همه این‌ها، لازم است جزئیات تغییرات ایجادشده به هر دو دسته کاربران انسانی و سامانه‌های رایانه‌ای که از این داده‌ها استفاده می‌کنند، منتقل شود.

۱۳-۶-۵-۲. به‌روزرسانی خواننده‌پسند^۱

برای اطلاع کاربران انسانی از تغییرات ایجادشده، می‌توان از یک فهرست الفبایی و در صورت امکان، همراه با فهرستی با نظم رده‌ای یا فهرستی مقوله‌بندی‌شده استفاده کرد که تمام اصطلاحات مرجع جدید اضافه یا تصحیح‌شده، سرمدخل‌های تازه و غیره را نشان دهد. بازخورد افراد دربارهٔ قالب به‌کاررفته باید دریافت شود. این فهرست را می‌توان بر اساس نظرات دریافت‌شده، مفصل‌تر یا ساده‌تر کرد. برخی گروه‌های کاربران ممکن است به مشاهدهٔ تمام جزئیات هر اصطلاح جدید یا تصحیح‌شده و روابط مربوط به آن علاقه‌مند باشند. درنمایش‌های الکترونیک، می‌توان از ابزارهایی مانند پی‌گیری یا برجسته‌سازی برای جلب توجه کاربران نسبت به تغییرات استفاده کرد. در صورتی که کاربران از نسخهٔ چاپی استفاده می‌کنند، بهتر است توجه آن‌ها را نسبت به تغییرات مهم، مانند اصطلاحات افزوده یا حذف شده، جلب کرد. در مورد اصطلاح‌نامه‌های چاپی، این کار را می‌توان با تولید صفحات کلاسوری آسان‌تر انجام داد، زیرا در این حالت اصلاحات انجام‌گرفته در قالب صفحاتی کامل جایگزین صفحات از رده خارج می‌شوند.

۱۳-۶-۵-۳. به‌روزرسانی برای رایانه

هنگامی که نسخهٔ دیگری از اصطلاح‌نامه در یک سامانهٔ رایانه‌ای دیگر نگهداری

1. reader-friendly

می‌شود، آسان‌ترین راه برای به‌روزرسانی آن نسخه، حذف نسخه قبلی و جایگزین کردن آن با نسخه جدید شامل تمام تغییرات است. اما در صورتی که سامانه مورد نظر، اصطلاحات اصطلاحنامه را با داده‌های دیگری، مانند جای‌گماری‌های مدارک کتابشناختی یا نگاشت‌هایی بر واژگان‌های دیگر پیوند دهد، این راه حل ممکن است پذیرفتنی نباشد. برای این گونه سامانه‌های رایانه‌ای باید دست کم گزارشات و پرونده‌هایی شامل تمام موجودیت‌ها^۱، خصیصه‌ها و روابطی (بند ۱۵ را ببینید) که حذف، اضافه یا تصحیح شده‌اند، ارائه شود.

برای برآورده ساختن این ملزومات، سامانه مدیریت نرم‌افزار باید توانایی ثبت تاریخ آخرین تغییر در موجودیت‌ها، خصیصه‌ها و روابط را داشته باشد و این تاریخ را برای استخراج گزارشی از داده‌های تصحیح‌شده به کار برد. راه حل دیگر این است که تمام حذف‌ها، افزوده‌ها و تغییرات انجام‌گرفته بر موجودیت‌ها، خصیصه‌ها و روابط در یک فهرست خارجی ثبت عملیات، ذخیره شود.

برخی از تغییرات برای سامانه‌های تغذیه‌شونده از داده‌ها، اهمیت دارند و برخی دیگر بی‌اهمیت هستند. به همین سبب، برخی سامانه‌های مدیریت اصطلاحنامه علاوه بر خود تغییر، نوع تغییر را نیز ثبت می‌کنند. این کار به سامانه رایانه‌ای تغذیه‌شونده از داده‌ها امکان می‌دهد که تغییرات نسبتاً سراسرتر مانند تغییرات املایی را از تغییرات پیچیده‌تر مانند تقسیم یک اصطلاح به دو اصطلاح، تفکیک کند. از آن رو که مقوله‌بندی استاندارد برای تغییرات ممکن وجود ندارد، روال دستیابی به آن باید به شکل موردی ایجاد شود.

۱۳-۶-۵-۴. ردیابی تغییرات

اهمیت ثبت تاریخ آخرین تغییر قبلاً در بخش به‌روزرسانی برای رایانه بیان شده‌است. ثبت این تاریخ، گاه برای به‌روزرسانی‌های خواننده‌پسند نیز همانند تاریخ ورود داده‌ها، مهم است. تاریخ‌ها باید مطابق استاندارد ISO 8601 در قالب استاندارد سال - ماه - روز درج شوند. در مواردی که نوشتار اصطلاح تغییر یافته باشد، درج شناسه مفهوم^۲ و یا شناسه اصطلاح نیز ضروری است. (بدون شناسه، رایانه راهی برای فهمیدن این موضوع که قرار است اصطلاحی با نوشتار متفاوت جایگزین اصطلاح دیگر شود، نخواهد داشت.) برای پیش‌گیری از خطاهای انسانی، تمام مشخصات ذکرشده باید به‌صورت خودکار وارد شوند.

1. entities

2. concept identifier

توصیه می‌شود یادداشتی حاوی تمام اصطلاحات حذف‌شده نگهداری شود. اما تنها تعداد ناچیزی از بسته‌های نرم‌افزاری مدیریت اصطلاح‌نامه دارای سازوکاری برای حفظ فهرست اصطلاحات پاک‌شده و ارائه گزارش درباره آن‌ها هستند. بنابراین، بر عهده ویراستار است که یادداشتی برای ثبت اصطلاحات حذف‌شده و شناسه‌های آن‌ها تهیه کند.

۱۴. رهنمودهایی درباره نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه

۱-۱۴. کلیات

نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه باید توانایی مدیریت، ورود و خروج داده را طبق شرح آمده در بند ۱۵ داشته‌باشد. این نرم‌افزار باید بر اساس نیازهای پروژه در دست اجرا انتخاب شود (۱۳-۱-۵ را ببینید). با این که معمولاً به ویژگی‌ها و کارکردهای ذکرشده در ۱۴-۲ تا ۱۴-۱۰ نیاز است، موارد استثنا نیز وجود دارد. افزون بر این، اغلب اوقات ویژگی‌های اضافی نیز لازم است. برای نمونه، مزیت بزرگی است اگر نرم‌افزار بتواند بیش از یک اصطلاح‌نامه را به شکل همزمان مدیریت کند.

توجه: در این سند، هیچ رهنمودی درباره معیارهای کلی انتخاب نرم‌افزار، مانند وجود مستندات مناسب، آموزش و دیگر شکل‌های پشتیبانی، کاربرپسند بودن رابط کاربر، و قیمت مناسب ارائه نشده‌است. ملاحظات مربوط به نگاشت واژگان در استاندارد ISO 25964-2 شرح داده خواهد شد.

۲-۱۴. محدودیت‌های اندازه و نویسه‌ها

نرم‌افزار به کاررفته نباید محدودیت‌های زیر را داشته‌باشد.

- الف) نباید محدودیتی در تعداد اصطلاحات واژگان وجود داشته‌باشد تا واژگان بتواند به اندازه مورد نیاز افزایش یابد. همین قاعده برای عناصر دیگر مانند عبارات راهنما، یادداشت دامنه‌ها و غیره نیز صادق است.
- ب) بهتر است محدودیتی بر طول اصطلاحات یا عبارات راهنما، یادداشت‌ها و غیره اعمال نشود. اگرچه تعداد نسبتاً کمی از اصطلاحات بیش از ۴۰ نویسه دارند، برخی از آن‌ها از ۱۰۰ نویسه یا بیشتر تشکیل شده‌اند.

- ج) هیچ محدودیتی در تعداد لایه‌های سلسله‌مراتبی قابل پذیرش یا تعداد روابط سلسله‌مراتبی، همبستگی یا هم‌ارزی متعلق به یک اصطلاح مرجع نباید وجود داشته باشد.
- د) نرم‌افزار باید قابلیت کار با تمام نویسه‌های مجموعه علائم جهانی به کاررفته در هر یک از عناصر متنی (شامل اصطلاحات، عبارات راهنما و یادداشت‌ها) را که در استاندارد ISO/IEC 10646 شرح داده شده‌اند، داشته باشد.
- ه) ویراستار باید در انتخاب حروف بزرگ یا کوچک بر اساس نیاز، آزاد باشد.
- و) در مورد اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه، نباید محدودیتی بر تعداد زبان‌های قابل قبول اصطلاح‌نامه اعمال شود. استفاده از هر زبان دلخواه برای همه یا برخی از عناصر متنی مانند اصطلاحات، عبارات راهنما و یادداشت‌ها باید ممکن باشد.

۱۴-۳. روابط میان اصطلاحات و میان مفاهیم

- نرم‌افزار مورد استفاده باید نیازمندی‌های الف) تا ط) زیر را برآورده سازد.
- توجه: در این بخش، هر جا به برچسب‌های انگلیسی BT، NT، RT، USE، UF، SN ارجاع داده می‌شود، لازم است برچسب‌های متناظر هر زبان در آن زبان به کار روند (جدول ۲ از بند ۳ را ببینید).
- الف) اجازه وجود اصطلاحات تکراری را در یک زبان ندهد. هر اصطلاح تکراری باید در زمان ورود، رد شود یا دست کم برای تصحیح، ادغام، افزودن توضیحگر کیفی یا اقدام اصلاحی دیگر در اختیار ویراستار قرار گیرد. الگوریتم کشف موارد تکراری باید قابلیت تنظیم داشته باشد، به گونه‌ای که مثلاً بتوان تفاوت‌های حروفچینی مانند نوشتن با حروف مایل و حروف بزرگ را در شناسایی موارد تکراری ندیده گرفت.
- ب) روابط پایه‌ای مانند BT/NT، RT/RT، USE/UF را که در بندهای ۸ تا ۱۰ شرح داده شده‌اند، پشتیبانی کند.
- ج) از ملزومات دوسویه‌ای که در بندهای ۸ تا ۱۰ توضیح داده شده‌اند، تبعیت کند، به این معنی که اگر مفهوم الف رابطه BT با مفهوم ب داشته باشد، مفهوم B نیز حتماً باید دارای رابطه NT با مفهوم الف باشد و برعکس؛ اگر مفهوم ت با مفهوم ث رابطه RT داشته باشد، آن‌گاه مفهوم ث نیز حتماً باید با مفهوم ت رابطه RT داشته باشد؛ و اگر اصطلاح ج رابطه‌ای از نوع USE با اصطلاح ح داشته باشد، اصطلاح ح نیز حتماً باید

با اصطلاح ج رابطه UF داشته باشد و برعکس. حالت بهینه این است که نرم افزار در پاسخ به برقراری یک سوی رابطه دوسویه به دست ویراستار، سوی دیگر آن را به شکل خودکار ایجاد کند اما در غیر این صورت نرم افزار باید دست کم وجود روابط یکسویه را هشدار دهد.

(د) هنگامی که اصطلاح یا مفهومی تصحیح یا حذف می شود، این تغییر باید به شکل خودکار به تمام موقعیت های حضور آن اصطلاح یا مفهوم در رابطه با اصطلاح یا مفهومی دیگر (رابطه از هریک از انواع BT، NT، RT، USE یا UF) اشاعه یابد. در هنگام حذف یک اصطلاح یا مفهوم، تمام روابط مربوط به آن مفهوم یا اصطلاح نیز باید حذف شوند. اما، در مواردی که حذف یک اصطلاح یا مفهوم یا رابطه، به وضعیتی منجر شود که مفهومی تمام اصطلاح یا مفهوم های اعم خود را از دست بدهد یا اصطلاح نامرجمی بدون اصطلاح مرجع بماند، لازم است به ویراستار اطلاع داده شود.

(ه) تعداد روابطی که یک مفهوم یا اصطلاح مرجع می تواند با دیگران داشته باشد، نباید محدود شود. به این ترتیب، یک مفهوم می تواند دارای چندین رابطه BT، NT و RT باشد و یک اصطلاح مرجع می تواند هر تعداد اصطلاح نامرجم داشته باشد.

توجه: برخی ترکیب ها غیر قابل قبولند (ز را در ادامه ببینید).

(و) کاربران باید امکان تعریف روابط دوسویه جدید، مثلاً انواع گوناگون روابط BT/NT یا گونه های مختلف روابط همبستگی را داشته باشند.

(ز) با استفاده از آزمون های اعتبار باید از ورود ترکیب های غیرقابل قبول روابط به شرح زیر جلوگیری کرد:

- اگر دو مفهوم یا اصطلاح دارای یکی از روابط پایه ای باشند، وجود هیچ رابطه پایه ای دیگری میان آن دو پذیرفته نیست.
- اگر مفهوم الف دارای مفهوم اعم ب باشد، هیچ یک از مفاهیم بالادست مفهوم ب در سلسله مراتب BT به عنوان BT، NT یا RT مفهوم الف قابل پذیرش نیست.
- اصطلاحات نامرجم (یعنی هر اصطلاحی که دارای رابطه USE یا USE+ با اصطلاحی دیگر باشد) نمی توانند روابط BT، NT، RT یا UF داشته باشند.

- نرم‌افزار باید رابطه‌های USE+ را بررسی و اطمینان حاصل کند که این روابط دست کم سه‌تایی باشند.

(ح) هیچ رابطه‌ای از یک اصطلاح یا مفهوم با خودش قابل پذیرش نیست، به بیان دیگر تمام روابط پایه‌ای غیرانعکاسی هستند.

(ط) در هر یک از زبان‌های اصطلاح‌نامه، برای هر مفهوم تنها یک اصطلاح مرجح می‌تواند وجود داشته‌باشد.

۱۴-۴. یادداشت‌های مربوط به اصطلاحات یا مفاهیم

نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه باید امکان افزودن انواع یادداشت‌های زیر را فراهم سازد:

(الف) یادداشت دامنه برای هر یک از مفاهیم.

توجه: طول یادداشت دامنه آزاد است.

(ب) در صورتی که یک یادداشت (از هر نوع) به اصطلاح یا مفهوم دیگری در واژگان ارجاع دهد، بهتر است نرم‌افزار امکان افزودن یک نشانگر^۱ یا ابرپیوند^۲ به مدرک مربوط به آن اصطلاح یا مفهوم را داشته‌باشد. همچنین اعتبار مقصد پیوند نیز باید به وسیله نرم‌افزار سنجیده شود.

(ج) نرم‌افزار باید به کاربر امکان دهد برای اصطلاحات یا مفاهیم، یادداشت‌های جدید مانند یادداشت پیشینه، یادداشت ویراستار و غیره تعریف کند.

۱۴-۵. رمزگان و نشانگان رده‌بندی

نرم‌افزار به‌کاررفته باید امکان ایجاد مقوله‌های موضوعی، رمزگان و نشانگان رده‌بندی را مطابق موارد زیر فراهم آورد:

(الف) امکان اختصاص دست کم یک رمزگان، شماره یا دیگر انواع نشانگان رده‌بندی، به هر اصطلاح یا مفهوم، گروه یا آرایه مفهومی، موجود باشد (۱۲-۲ و ۱۵-۲-۱۸ را ببینید). ترجیحاً بهتر است بیش از یک گونه رمزگذاری یا شماره‌گذاری به کار رود.

1. marker

2. hyperlink

ب) ارتباط دادن دست کم یک یا دو مقوله موضوعی به هر اصطلاح یا مفهوم، گروه یا آرایه مفهومی، ممکن باشد (۲-۲-۱۲ و ۱۵-۲-۱۸ را ببینید).

ج) اختصاص شناسه‌ای یکتا به هر اصطلاح و هر مفهوم امکان‌پذیر باشد. بهتر است تخصیص شناسه هنگام ورود هر اصطلاح و یا مفهوم جدید به صورت خودکار و به گونه‌ای انجام گیرد که هیچ یک از شناسه‌های موجود یا شناسه‌های اصطلاحات و مفاهیم حذف‌شده، تکرار نشود. در صورت تغییر مشخصات یا روابط یک اصطلاح یا مفهوم، هرگز نباید شناسه آن تغییر یابد.

د) برونداد واژگان با استفاده از توالی‌های هر یک از انواع نشانگان رده‌بندی، رمزگان یا شناسه امکان‌پذیر باشد.

۶-۱۴. عبارات راهنما

در زمینه عبارات راهنما، نرم‌افزار باید خصوصیات زیر را داشته‌باشد:

الف) عبارات راهنما جزء اصطلاحات یا مفاهیم اصطلاح‌نامه به شمار نمی‌روند (بند ۱۱، به‌ویژه نمونه‌های ارائه‌شده در شکل ۴ را ببینید) و بنابراین، از ملزومات روابطی که در بند ۳-۱۴ آمده‌است، پیروی نمی‌کنند. افزون بر این، شرط یکتایی درباره آن‌ها ضروری نیست و از این رو به کنترل تکراری‌نبودن که در ۳-۱۴ الف) آمد، نیازی ندارند.

ب) نرم‌افزار باید این توانایی را داشته‌باشد که موقعیت درست عبارت راهنما را در نمایش‌ها^۱ نسبت به اصطلاح والد و نسبت به اصطلاحات موجود در بالاترین لایه چهریزه یا آرایه مربوط به آن، تعیین کند.

۷-۱۴. جایگاه زبان‌ها

نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه باید شرایط را به‌شکلی فراهم سازد که تمام زبان‌های اصطلاح‌نامه چندزبانه از جایگاه یکسان برخوردار شوند و هیچ یک از آن‌ها بر دیگران برتری نداشته‌باشد. برای نمونه:

الف) تعداد اصطلاحات نامرجح مربوط به یک مفهوم در هر زبان نباید با توجه به این تعداد در زبان دیگر تعیین شود و اصطلاحات نامرجح زبان‌های گوناگون نباید لزوماً با یکدیگر متناظر باشند.

ب) وجود یادداشت دامنه برای یک مفهوم معین در یک زبان نباید به معنای الزام وجود یادداشت دامنه‌ای متناظر در یک یا چند زبان دیگر باشد.

۸-۱۴. ورود/خروج داده‌ها

قابلیت ورود و خروج داده از اهمیت فراوان برخوردار است، زیرا در این صورت محتوای اصطلاح‌نامه به نرم‌افزار یا برنامه کاربردی اولیه‌ای که برای آن طراحی شده، محدود نخواهد بود. قالب‌های ورود/خروج داده در بند ۱۷ شرح داده شده است. ارائه سازوکارهای زیر لازم می‌باشد.

الف) ورود انبوه مجموعه داده‌ها از واژگان‌های موجود، شامل اصطلاحات، یادداشت دامنه‌ها، عبارات راهنما، روابط استاندارد میان اصطلاحات و مفاهیم، و تمام مشخصات دیگر اصطلاحات، مفاهیم و عبارات راهنما.

- تمام ویژگی‌های ذکر شده همراه با تمام حروف و علائم به کاررفته از مجموعه علائم جهانی باید پس از ورود داده‌ها حفظ شود.

ب) تهیه گزارش یا خروج واژگان شامل تمام اصطلاحات، یادداشت دامنه‌ها، نشانگان رده‌بندی و روابط استاندارد میان اصطلاحات و مفاهیم.

- امکان خروج زیرمجموعه‌های تعریف شده از سوی ویراستار مانند مجموعه اصطلاحات نامرجح به تنهایی، یا مجموعه اصطلاحات مرجح فقط همراه با یادداشت دامنه‌ها و اصطلاحات اخص آن‌ها، یا مجموعه اصطلاحات مرجح مفاهیمی که هیچ رابطه سلسله‌مراتبی یا همبستگی ندارند، و

ج) امکان تصحیح و یا حذف دسته‌ای.

- امکان حذف یا تصحیح دسته‌های مدارک به شکل یکسان، ترجیحاً به صورت یکی از امکانات داخلی نرم‌افزار باید وجود داشته باشد. در صورتی که این امکان وجود نداشته باشد، گزینه دیگر می‌تواند استفاده از کارکردهای سامانه زیرین مدیریت اصطلاح‌نامه یا خروج داده‌های انتخاب شده، تصحیح آن‌ها در نرم‌افزاری

بیرونی و ورود دوباره آن‌ها باشد. از این روش مثلاً می‌توان برای افزودن یادداشت پیشینه یا رابطه‌ای یکسان به دسته‌ای از اصطلاحات یا نگاشتی بر اصطلاحات یک واژگان دیگر استفاده کرد. در صورت استفاده از این روش، هنگام ورود داده‌ها ارزیابی معمول باید انجام گیرد.

(د) خروج تمام اصطلاحاتی که پس از تاریخی معین تصحیح شده‌اند، بدون جزئیات کامل یا همراه با آن‌ها.

- وجود گزینه انتخاب انحصاری انواع معینی از تغییرات مثلاً فقط اصطلاحات جدید، یا اصطلاحات یک زبان معین، یا همه اصطلاحاتی که مشخصات یا روابط آن‌ها تغییر یافته، لازم است. همچنین باید امکان گزارش‌دهی از تمام اصطلاحاتی که پس از تاریخی معین حذف شده‌اند، نیز موجود باشد.

(ه) خروج نمایش‌های اصطلاح‌نامه، به صورت نسخه چاپی یا بر صفحه نمایش.

- قابلیت انتخاب از میان طیفی از توالی‌ها و صفحه‌بندی‌ها^۱ برای نمایش باید وجود داشته باشد، که از میان آن‌ها نمایش الفبایی ضروری است و توصیه می‌شود نمایش سلسله‌مراتبی یا رده‌ای هم وجود داشته باشد. برای شرحی درباره انواع نمایش، بند ۱۲ را ببینید.

(و) هنگامی که اصطلاحات خویشاوند در نمایش‌های الفبایی، سلسله‌مراتبی یا رده‌ای ارائه می‌شوند، باید یکی از دو قرارداد واژه-به-واژه یا حرف-به-حرف را به کار برد. آنگاه از همان قرارداد باید در سراسر اصطلاح‌نامه استفاده کرد. (شرحی درباره قراردادها در ISO 999 آمده است؛ مثال زیر را نیز ببینید.) با این حال، باید امکان استفاده از یک توالی متفاوت در جای مناسب نیز باشد (بند ۱۱ را ببینید).

مثال

ترتیب واژه به واژه	ترتیب حرف به حرف
national insurance national parks nationality	national insurance nationality national parks

۹-۱۴. پشتیبانی و راهبری ویرایشی

کارکردهای ویرایشی زیر باید در نرم‌افزار قابل اجرا باشد.

الف) ویراستار اصطلاح‌نامه باید بتواند تمام جزئیات مربوط به یک اصطلاح (و مفهوم متناظر آن) را از طریق ورود مستقیم آن اصطلاح مکان‌یابی کند. حتی بهتر است وارد کردن تنها بخشی از اصطلاح کافی باشد و نرم‌افزار با شناسایی تمام اصطلاحات دربردارنده آن بخش، به گزینش اصطلاح کمک نماید.

ب) ویراستار باید امکان یافتن جزئیات کامل مربوط به هر اصطلاح (و مفهوم متناظر آن) را از راه مرور اجمالی روابط میان اصطلاحات و یا مفاهیم داشته‌باشد. تسهیلات مرور اجمالی ترجیحاً باید به ویراستار امکان دهد مرور را از فهرست اصطلاحات رأس آغاز کند، اما در صورتی که این امر ممکن نباشد او باید دست کم امکان راهبری هر اصطلاح به مدرک مربوط را با استفاده از هریک از اصطلاحاتی که با اصطلاح مورد نظر رابطه NT، BT، RT، USE یا UF دارند، داشته‌باشد.

ج) رابط ویرایشی^۱ باید مشاهده زمینه سلسله‌مراتبی کامل یک اصطلاح یا مفهوم را همزمان با مشاهده خود آن اصطلاح همراه با تمام یادداشت‌ها، رمزگان و روابط ارائه‌شده برای ویرایش ممکن سازد.

د) جابه‌جایی یک مفهوم (همراه با تمام اصطلاحات اخص و اصطلاحات اخص آن اصطلاحات و غیره) از یک جایگاه سلسله‌مراتبی به جایگاه دیگر باید به آسانی، ترجیحاً به صورت کشیدن و انداختن^۲، امکان‌پذیر باشد. این کار، مستلزم شکستن یک مجموعه از روابط BT/NT و تشکیل مجموعه‌ای جدید است. آن دسته از روابط RT که در این مسیر اعتبار خود را از دست می‌دهند، باید به اطلاع ویراستار برسد.

ه) قابلیت‌های ویرایشی باید شامل امکانات مرسوم واژه‌پردازی، مانند قابلیت افزودن، تصحیح یا حذف نویسه بدون نیاز به درج دوباره یک فیلد، باشد. وجود عملکرد غلط‌گیر املائی نیز می‌تواند سودمند باشد.

و) هنگامی که ویراستار برای حذف اصطلاح یا مفهومی اقدام می‌کند، نرم‌افزار باید پیش از انجام این کار، نخست از وی بخواهد درستی درخواست حذف خود را بار دیگر تأیید کند.

ز) هنگامی که بناست رابطه‌ای میان دو اصطلاح یا مفهوم که از پیش در واژگان موجودند، برقرار شود، بهتر است این کار از طریق راهبری و انتخاب قابل اجرا باشد، نه این‌که با درج کامل اصطلاحی که برای سامانه تعریف شده‌است، انجام‌پذیرد. این ویژگی برای پیش‌گیری از خطاها و حفظ کارایی لازم است.

ح) ویراستار باید بتواند به آسانی از نمایشی در یک زبان به نمایش متناظر آن در هر یک از زبان‌های دیگر اصطلاح‌نامه برود.

۱۰-۱۴. تدابیر ایمنی ویرایشی^۱

تدابیر ایمنی زیر باید در نرم‌افزار گنجانده شود.

- الف) در وهله اول، لازم است در پایگاه داده اصلی، که برون‌دادها به شکل منظم برای پردازش‌های پایین‌دستی چون نمایه‌سازی یا اکتشاف منابع از آن انجام می‌گیرد، تغییراتی ویرایشی داده‌شود.
- ب) اگر بیش از یک نفر به‌طور همزمان دست‌اندرکار ویرایش پایگاه داده هستند، باید با سازوکاری داخلی مانع دسترسی نوشتاری همزمان به یک مدرک شد.
- ج) باید با استفاده از نظارت امنیتی و گذرواژه‌ای، از دسترسی افراد غیرمجاز به بخش ویرایش جلوگیری کرد.
- د) بهتر است نرم‌افزار دارای سطوح گوناگون دسترسی باشد، تا بتوان برخی تغییرات را مشروط به تأیید نهایی ساخت.
- ه) ویراستار باید امکان بازگشت به عقب و ابطال تازه‌ترین تغییراتی را که ایجاد کرده‌است، داشته‌باشد.
- و) وجود یک فایل ثبت تغییرات لازم است تا همواره امکان بازیافت پایگاه داده از روی نسخه‌ای قدیمی‌تر وجود داشته‌باشد.

۱۱-۱۴. ابزارهای سامانه‌داری

تهیه گزارش از تعداد اصطلاحات دارای ویژگی‌هایی معین، به‌ویژه تعداد کل اصطلاحات مرجع و نامرجع، باید امکان‌پذیر باشد.

همان گونه که در ۱۳-۶-۳ گفته شد، نظارت بر فراوانی کاربرد اصطلاحات اصطلاحنامه در نمایه‌سازی و جست‌وجو لازم است. افزون بر این، در صورتی که ابزار جداگانه‌ای برای ورود و ذخیره داده‌های مربوط به کاربرد اصطلاحات در کار نباشد، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه باید از عهده این کار برآید. ممکن است برای ذخیره‌سازی داده، یک یا چند فیلد تعریف‌شده از سوی کاربر [۱۴-۴ ج را ببینید] یا ویژگی‌های سفارشی (۱۵-۲-۱۶ را ببینید) موردنیاز باشد.

۱۵. الگوی داده‌ای

۱۵-۱. کلیات

این بند، زیرساختار داده‌هایی را که در اصطلاحنامه‌های تابع بندهای پیشین این بخش از استاندارد ISO 25964 می‌توان یافت، مدل‌سازی می‌کند. البته در مورد اصطلاحنامه‌های چندزبانه، این الگوی داده‌ای تنها در مورد اصطلاحنامه‌های کاملاً متقارن صادق است. اگر ساختارهای داده‌ای در زبان‌های گوناگون اصطلاحنامه متفاوت باشند، ممکن است دست کم برای بخش‌هایی از اصطلاحنامه که این وضعیت را دارند، به روش‌های نگاشت نیاز پیدا کنیم. روش‌های نگاشت در ISO 25964-2 بررسی خواهد شد.

الگوی ایکس‌ام‌ال در پیوست ب شرح داده‌شده، از این الگوی داده به دست آمده‌است و می‌تواند در ارسال یا دریافت داده‌های اصطلاحنامه در قالب الکترونیک به کار رود. این الگو، ساختاری منطقی ارائه می‌دهد که باید رعایت شود، اما لزوماً چگونگی نگهداری داده در سامانه رایانه‌ای را بیان نمی‌کند.

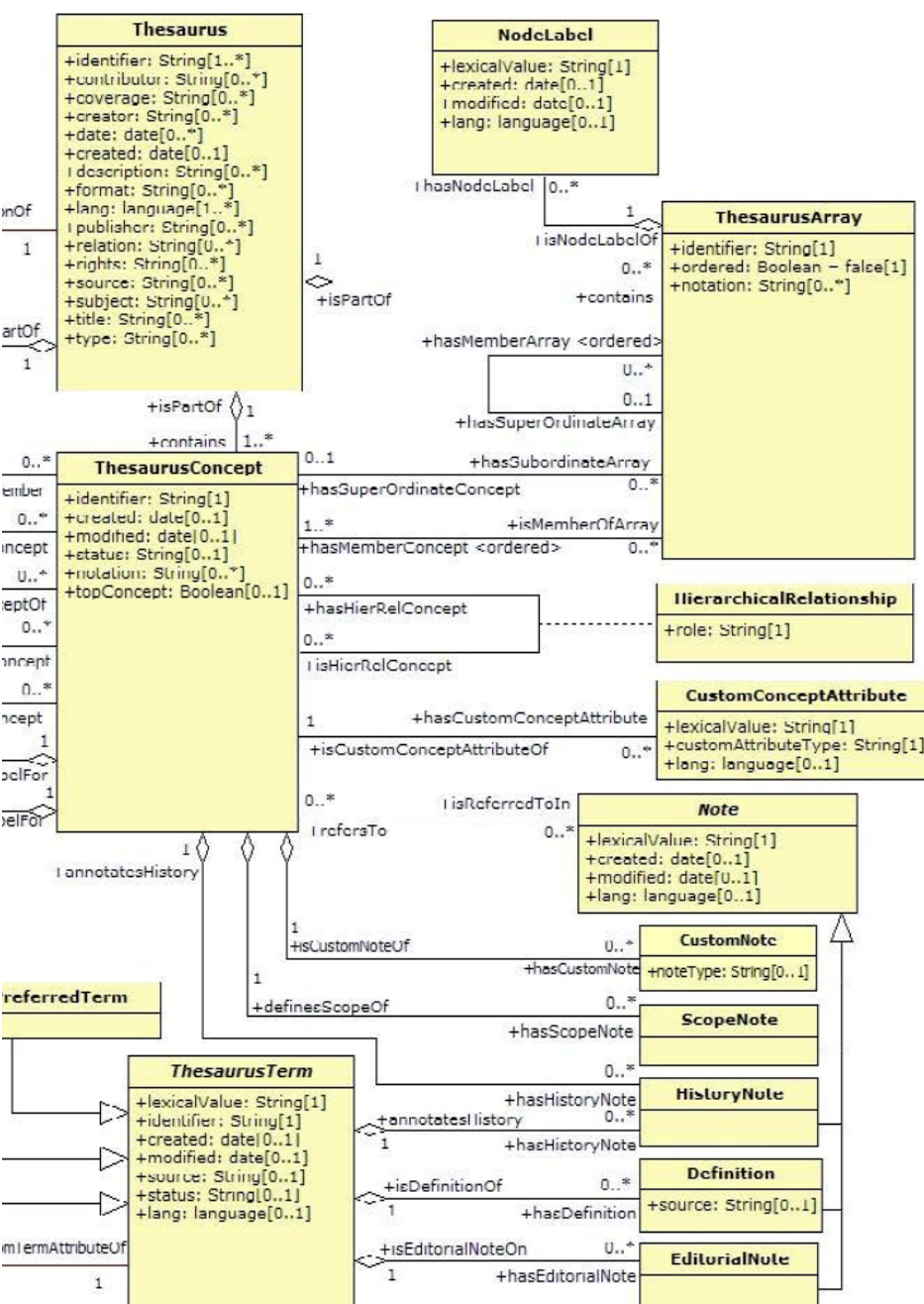
توصیه‌های بنیادین ذکرشده در بندهای ۵ تا ۱۲ بسیار ساده‌اند و تنها به الگویی ساده نیاز دارند. اما ویژگی‌های اختیاری دیگری هم هستند که نیاز به الگوهایی بس پیچیده‌تر دارند. برای این که تبادل اصطلاحنامه‌ها در بیشتر حالات موفقیت‌آمیز باشد، داشتن قالبی که پذیرای هر دو دسته اصطلاحنامه‌های ساده و پیچیده باشد، لازم است.

الگوی ارائه‌شده در این جا، با گستره کامل گزینه‌های شرح داده‌شده در بندهای ۵ تا ۱۲ سازگار است. برخی عناصر این الگو، اختیاری اعلام شده‌اند و هنگام تبادل اصطلاحنامه‌هایی که فاقد ویژگی‌های اختیاری می‌باشند، نیازی به آن‌ها نیست. سامانه‌های نرم‌افزاری واردکننده داده‌ها می‌توانند آن دسته از عناصر اختیاری را که برایشان تعریف نشده‌است، نادیده بگیرند، و برای آن دسته از عناصر اختیاری که برایشان تعریف شده‌است

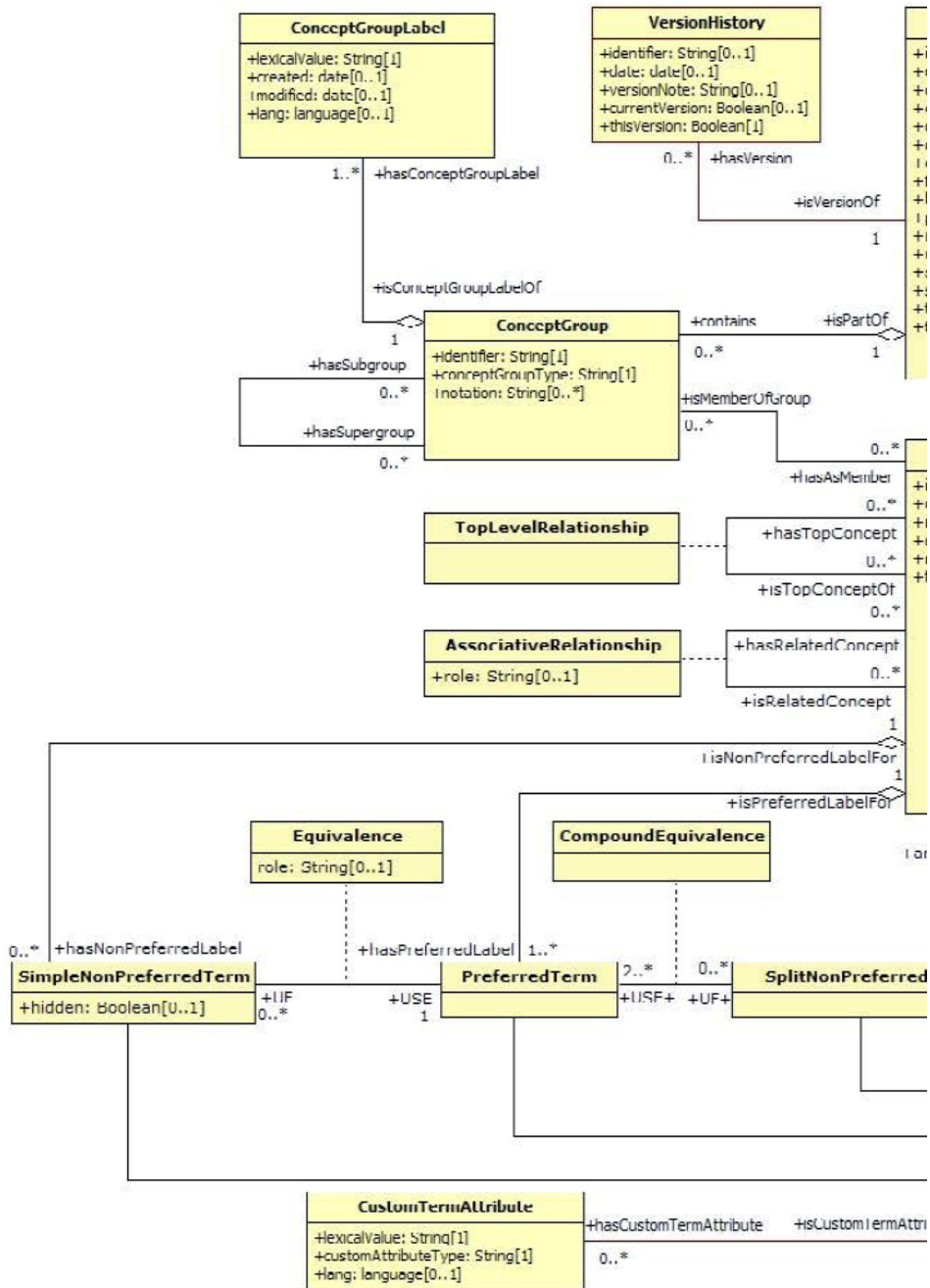
اما در داده‌های ورودی وجود ندارد، مقادیر پیش فرض مناسب (که می‌تواند صفر باشد) در نظر بگیرند و در همین حال بقیه عناصر را پیوسته و به‌درستی تفسیر کنند.

الگوی مورد بحث، اول بار در شکل ۱۵ با استفاده از قراردادهای یوامال (زبان مدل‌سازی یکپارچه)^۱ [۴۲] و [۴۳] و [۴۴] ارائه شده است، اما در روشن ساختن رفتارها و شیوه‌های رده‌بندی اصطلاح‌نامه که ممکن است در شرح مشخصات اجرایی نرم‌افزار مورد نیاز باشد، موفق نیست. یوامال بسیار گویا و بی‌ابهام است، اما از آن جا که برخی کاربران ممکن است با قراردادهای آن آشنا نباشند، جدول دیگری نیز در ۱۵-۳ ارائه شده است. عناصر داده‌ای و خصیصه‌های نمودار یوامال و جداول داده، محتوای یکسانی دارند، گرچه برخی جزئیات روابط در بازنمایی جدولی شکل به صراحت بیان نشده‌اند. در موارد قابل تردید، باید به نمودار مراجعه کرد.

1. UML (Unified Modelling Language)



شكل ١٥ - الغوى يوم ال



ادامه شکل ۱۵ - الگوی یوامال

یوامال قراردادهای اصطلاحات ویژه‌ای را به منظور مدل‌سازی تعریف می‌کند. در این بند، اصطلاح «رده» طبق تعریف یوامال و به معنای مجموعه‌ای از چیزها که ساختار، رفتار و روابط یکسان دارند، به کار رفته است. به همان گونه، یوامال معناهای ویژه‌ای به اصطلاحات «رشته»، «عملگر بولی»^۱ و «تجمع»^۲ می‌بخشد. برای اطلاعات بیشتر درباره یوامال می‌توانید به مراجع موجود در بخش کتاب‌شناسی رجوع کنید. در مرجع [۴۴]، بخش ۵ راهنمای نشانگان رده‌بندی یوامال است و بخش ۴-۵-۴ معناشناسی تفصیلی را شرح می‌دهد.

یادداشت‌های الگوی ارائه شده در ۱۵-۲ درباره ارائه جدولی شکل ۱۵-۳ و نمودار شکل ۱۵ نیز معتبرند.

۱۵-۲. یادداشت‌های روی الگو

۱۵-۲-۱. قراردادهای نام‌گذاری^۳

نام تمام خصیصه‌ها، از جمله برخی عناصر فراداده هسته دابلین (مرجع [۳۳] را ببینید) که در الگوی فوق و طرح ایکس‌ام‌ال مشتق از آن دیده می‌شوند، از قرارداد "lowerCamelCase" هسته دابلین پیروی می‌کنند (به معنی عدم وجود فاصله میان واژه‌ها و کاربرد حروف بزرگ در آغاز تمام واژه‌ها به جز در واژه اول). اسامی رده‌های یوامال از قرارداد "UpperCamelCase" (به معنی عدم وجود فاصله میان واژه‌ها و آغاز تمام واژه‌ها با حروف بزرگ) پیروی می‌کنند.

۱۵-۲-۲. نمادهای روابط همبستگی

نماد الماس^۴ در نمودار، نماینده یک «تجمع» یا به بیان دیگر یک رابطه «دارد - یک»^۵ است. این نماد نشان می‌دهد که در طرح ایکس‌ام‌ال به دست آمده، تعریف یک شیء درون شیء والد آن نهفته خواهد بود.

نماد مثلث^۶، «تعمیم»^۷ را نشان می‌دهد، یعنی رابطه «یک... است»^۸ که رده‌ای عام را با گونه‌های ویژه‌تر از آن رده، که تمام مشخصات رده والد را به ارث می‌برند، پیوند می‌دهد. همبستگی عادی (بدون الماس) رابطه‌ای از نوع کلید/کلیدمرجع^۹ را در ایکس‌ام‌ال نشان

1. Boolean

4. diamond symbol

7. generalization

2. aggregation

5. "has-a" relationship

8. "is-a" relationship

3. naming conventions

6. triangle symbol

9. key/keyref

می‌دهد که در آن هر نمونه از یک رده حاوی کلید مرجعی است که آن را به نمونه‌ای از رده‌ای دیگر پیوند می‌دهد. توجه داشته باشید که طرح ایکس‌ام‌ال که در پیوست ب شرح داده شده عملاً محدودیت‌های کلید/کلیدمرجع را اعمال نمی‌کند. دلیل این تخفیف در محدودیت‌ها، این است که سخت‌گیری سبب بی‌اعتبار شدن فایل‌های خروجی ایکس‌ام‌ال می‌شود که به جای تمام اصطلاح‌نامه، تنها بخشی از آن را در بر دارند.

۱۵-۲-۳. مفهوم

هر مفهوم اصطلاح‌نامه به وسیله یک اصطلاح مرجع در هر زبان و چند اصطلاح نامرجح بازنمایی می‌شود. نشانگان رده‌بندی، یادداشت دامنه و روابط اصطلاح اعم/اخص/مرتبط در واقع به کل مفهوم مربوط می‌شود، نه به اصطلاح مرجع بیان‌کننده آن. به هر مفهوم یک شناسه یکتا تعلق می‌گیرد. در برخی سامانه‌ها، هر مفهوم تنها به وسیله اصطلاح مرجع یا شناسه اصطلاح مرجع خود شناسایی می‌شود، اما این روش در صورت تغییر املاي اصطلاح، ناکارآمد است.

۱۵-۲-۴. شناسه

اصطلاح‌نامه، مفهوم/اصطلاح‌نامه^۱، اصطلاح/اصطلاح‌نامه^۲، آرایه اصطلاح‌نامه^۳ و گروه مفهومی^۴، هریک شناسه‌ای یکتا دارند که در طرح ایکس‌ام‌ال که در پیوست ب شرح داده شده است، به کار رفته‌اند^۵. خصیصه‌های شناسه و تاریخ اصطلاح/اصطلاح‌نامه برای خدمات به‌روزرسانی مناسب ضروری هستند، زیرا اگر املاي یک اصطلاح تغییر یابد، شناسه‌ای ثابت، سبب حفظ همسازی در به‌روزرسانی‌های پی‌درپی می‌شود. استفاده از شناسه مفهوم برای بهبود تعامل‌پذیری میان کاربردهای جست‌وجوی شبکه‌ای به‌شدت توصیه می‌شود.

۱۵-۲-۵. تاریخ‌ها

تاریخ ایجاد و تاریخ تغییر، مشخصاتی توصیه شده اما اختیاری برای بسیاری از رده‌ها هستند. این تاریخ‌ها باید مطابق استاندارد ISO 8601 در قالب سال - ماه - روز ارائه

1. ThesaurusConcept 2. ThesaurusTerm 3. ThesaurusArray 4. ConceptGroup
۵. در متن اصلی کتاب برخی از شناسه‌های دو و سه کلمه‌ای به صورت یک کلمه و چسبیده به هم و ایتالیک به کار رفته‌اند. برای تبعیت از متن اصلی، این گونه شناسه‌ها در ترجمه با نیم‌فاصله نوشته شده‌است. (مترجم)

شوند. در مورد اصطلاح‌نامه‌ها، گزینه دیگر استفاده از خصیصه ساده «تاریخ» است که در این صورت مقدار آن به عنوان تاریخ ایجاد نسخه مربوط به آن تلقی خواهد شد. در این حالت نیز همان قالب قبلی باید به کار رود.

۱۵-۲-۶. نسخه‌ها و پیشینه نسخه‌ها

رده پیشینه نسخه، رده‌ای اختیاری است که به هر رونوشت از اصطلاح‌نامه امکان می‌دهد سابقه‌ای از نسخه‌ها یا ویراست‌های پیشین را همراه داشته باشد. اگرچه این رده اختیاری است و حتی هنگامی که تنها یک نسخه وجود داشته باشد، وجود آن لازم نیست، توصیه می‌شود به محض تولید بیش از یک نسخه، ایجاد شود. هر نسخه باید به وسیله یک شناسه یا تاریخ یا هر دو شناخته شود. می‌توان از یادداشت نسخه برای شرح ماهیت آن نسخه، مثلاً این که آیا نسخه‌ای روزآمد است یا نه، ترجمه است یا خلاصه، یا توضیح رابطه آن با نسخه‌های دیگر، استفاده کرد.

نسخه حاضر برچسب عملگر بولی (درست/نادرست) است برای نشان دادن این نکته که آیا هر نسخه هنوز مورد استفاده است یا این که جایگزین یا خارج شده. بیش از یک نسخه ممکن است به طور همزمان مورد استفاده باشند.

این نسخه برچسب عملگر بولی است برای نشان دادن این که کدام یک از نسخه‌های موجود در فهرست، نسخه‌ای است که این پیشینه به آن پیوست شده است.

تفکیک میان آن دسته از متغیرهای اصطلاح‌نامه که «نسخه» هستند و آن‌هایی که باید به عنوان آثار مجزا شناخته شوند، همیشه آسان نیست. در متن حاضر، نظارت بر نسخه‌سازی بیشتر به روزآمدسازی پیاپی اصطلاح‌نامه اصلی اطلاق می‌شود. بنابراین:

(الف) به روزرسانی‌های انجام گرفته یا اقتباس شده به دست صاحب یا پدیدآورنده اصلی، یعنی مفاهیم، اصطلاحات، روابط، یادداشت‌ها، تغییرات در بخش‌های پیشین اصطلاح‌نامه و ویراست‌های خاص برای اهداف گوناگون، معمولاً باید نسخه‌های جدید یک اصطلاح‌نامه موجود تلقی شوند.

(ب) ساده‌تر است که زیرمجموعه‌های حقیقی را، حتی در صورتی که عنوانی مانند «نسخه کوتاه شده» داشته باشند، گروه‌های مفهومی در نظر بگیریم (۱۵-۲-۱۸ را ببینید)، زیرا بر اساس محتوای یک نسخه موجود بنا شده‌اند.

ج) به همان گونه، نسخه‌های زبانی مختلف به شرطی که به اثر اصلی مربوط باشند و ساختار مفهومی مشترکی داشته باشند (گرچه ممکن است آن‌ها را «نسخه انگلیسی»، «نسخه فرانسوی» و غیره بخوانیم)، باید متعلق به نسخه‌ای واحد از اصطلاح‌نامه تلقی شوند. به منظور تبادل داده، این نسخه‌ها را باید با استفاده از خصیصه زبان اصطلاح‌نامه از یکدیگر متمایز ساخت.

د) هر اثری را که دربردارنده تغییرات اصطلاحات، مفاهیم یا روابط، ترجمه‌های جدید، ساده‌سازی یا کاهش روابط و موارد مشابه این‌ها باشد، در صورتی که به دست افرادی جز صاحبان یا پدیدآورندگان اولیه تهیه شده باشد، باید اصطلاح‌نامه‌ای مجزا تلقی کرد. تغییر در خصیصه‌های پدیدآورنده، پدیدآمده، ناشر، حقوق یا عنوان می‌تواند نشان‌دهنده اثری جدید باشد. در این گونه موارد، باید شناسه‌ای متفاوت به آن اختصاص داد و آن را به وسیله داده‌های موجود در خصیصه‌هایی مانند رابطه، شرح، و منبع به اثر اصلی پیوند داد.

۱۵-۲-۷. وضعیت

این، خصیصه‌ای اختیاری از مفهوم اصطلاح‌نامه و اصطلاح اصطلاح‌نامه است، که تعیین می‌کند مفهوم یا اصطلاح مورد نظر تأییدشده، احتمالی، جایگزین، یا ردشده است (۱۳-۶-۲ را ببینید).

۱۵-۲-۸. نشانگان رده‌بندی

این، خصیصه‌ای اختیاری از مفهوم اصطلاح‌نامه، عبارت‌راهنما و گروه مفهومی است (۱۲-۱-۳ و ۱۲-۲-۵-۲ را ببینید).

در صورتی که اصطلاح‌نامه از نشانگان رده‌بندی گویا^۱ استفاده کند، کاربرد آن‌ها در عبارات راهنما امکان نشان دادن آن‌ها را در مکان مناسب در نمایش‌های سلسله‌مراتبی فراهم می‌آورد.

اگر نشانگان رده‌بندی گویا وجود نداشته باشد، باید راهکار دیگری برای برون‌داد صحیح عبارات راهنما در نمایش خروجی به کار گرفت؛ مثلاً یک خصیصه رمزگان رج‌آرایی که در دید کاربر قرار نگیرد. در این صورت، به همین خصیصه در مرحله نمایش اصطلاحات مرجع نیاز خواهد بود.

1. expressive notation

نظام نشانگان رده‌بندی به‌کاررفته برای گروه مفهومی ممکن است با نظام به‌کاررفته برای مفهوم/اصطلاح‌نامه کاملاً متفاوت باشد و ممکن است یکی از این دو نظام بدون دیگری وجود داشته‌باشد.

۱۵-۲-۹. منبع

این خصیصه، خصیصه‌ای اختیاری از اصطلاح‌نامه و اصطلاح/اصطلاح‌نامه است که می‌تواند برای ثبت مرجع یا فردی که اصطلاح مورد نظر را ارائه داده به‌کار رود.

۱۵-۲-۱۰. رمزگان زبان

زبان، خصیصه‌ای اختیاری از اصطلاح/اصطلاح‌نامه، یادداشت و عبارت/راهنما و خصیصه‌ای اجباری از اصطلاح‌نامه است. این خصیصه باید در صورت وجود در فهرست استاندارد ISO 639-1 به عنوان رمزگان آلفا-۲ و در غیر این صورت به عنوان رمزگان آلفا-۳ از ISO 639-2 ارائه شود. این رمزگان را می‌توان در جای لازم با رمزگان افزوده شرح داده‌شده در [۴۵] RFC 4646، که در فهرست برچسب‌های IANA آمده‌اند [۳۵]، توسعه داد (۱۲-۴-۵ را ببینید).

۱۵-۲-۱۱. عناصر هسته دوبلین^۱

رده اصطلاح‌نامه، دارای تعدادی خصیصه برای تخصیص فراداده هسته دوبلین [۳۳] به فایل‌های استفاده‌کننده از قالب ISO 25964 است. این خصیصه‌ها، علاوه بر شناسه، تاریخ، منبع و زبان که پیشتر شرح داده‌شد، ارائه‌دهنده^۲، شمول^۳، پدیدآورنده، شرح، قالب، ناشر، روابط، حقوق، موضوع، عنوان و گونه را نیز شامل می‌شوند. تمام این خصیصه‌ها به جز زبان و شناسه، اختیاری هستند.

۱۵-۲-۱۲. تعدد اصطلاحات مرجع

این الگو وجود بیش از یک اصطلاح مرجع برای هر مفهوم را در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه مجاز می‌داند، تا بتوان در هر زبان یک اصطلاح مرجع به آن مفهوم اختصاص داد. برای اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه، این تعداد به یکی کاهش می‌یابد.

1. dublin core

2. contributor

3. coverage

۱۵-۲-۱۳. مفاهیم سطح بالا

در بند ۱۲، توضیح کوتاهی درباره «اصطلاح رأس» به معنی اصطلاحات نماینده مفاهیم رأس، به عنوان ویژگی اختیاری نمایش‌های الفبایی و تک‌اصطلاحی (۱۲-۲ و ۱۲-۱-۳ را ببینید)، که یک مفهوم را به مفهوم رأس سلسله‌مراتب مربوط به آن پیوند می‌زند، ارائه شد. رده رابطه سطح بالا^۱ این امکان را پدید می‌آورد.

قابلیت مرور اجمالی نیز که مقدمه‌اش ارائه فهرستی از اصطلاحات رأس به ویراستار است، در ۹-۱۴ ب توصیه شده‌است. خصیصه مفهوم رأس به این قابلیت می‌پردازد و بیان می‌کند که یک مفهوم در رأس سلسله‌مراتبی قرار دارد، به این معنی که دارای هیچ مفهوم اعمی نیست. به این ترتیب، هنگام ورود اصطلاح‌نامه، گزینش تمام مفاهیم سطح بالا که درخت راهبری را می‌سازند، آسان‌تر می‌شود.

۱۵-۲-۱۴. یادداشت‌ها

در هر زبان، می‌توان از صفر تا هر تعداد یادداشت از هر گونه ثبت کرد. یادداشت‌های ویرایشی برای مدخل‌هایی مانند «این اصطلاح پس از ادغام شرکت، بازیابی شود» یا «این اصطلاح در یادداشت دامنه مفهوم X ذکر شده‌است» (۵-۳ را ببینید) یا «درباره املا با کارشناس آ مشورت کنید» به کار می‌آیند. یادداشت‌هایی از این دست، و تعدادی از خصیصه‌ها، بیشتر برای سامانه‌داری مناسب هستند تا استفاده کاربر. بسته به تمایل، می‌توان آن‌ها را در دید کاربر گذاشت یا پنهان کرد.

۱۵-۲-۱۵. مراجع یادداشت‌ها

همبستگی میان یادداشت و مفهوم/اصطلاح‌نامه، ارجاع‌دهی یادداشت متصل به یک مفهوم به هر مفهوم دیگر در اصطلاح‌نامه را ممکن می‌سازد. این قابلیت به‌ویژه برای یادداشت دامنه‌ها سودمند است (۵-۳ را ببینید).

۱۵-۲-۱۶. خصیصه‌های سفارشی^۲

این الگو دربرگیرنده رده‌های خصیصه مفهوم سفارشی و مشخصه اصطلاح سفارشی برای خصیصه‌های سفارشی مفاهیم و اصطلاحات است. این رده‌ها ثبت اطلاعات سفارشی درباره مفاهیم و اصطلاحات را ممکن می‌سازند.

1. TopLevelRelationship

2. custom attributes

این خصیصه‌ها به جای خصیصه‌های عادی، به صورت رده‌های جداگانه ارائه می‌شوند تا سرپرست سامانه مدیریت اصطلاح‌نامه بتواند مقادیر خصیصه‌های سفارشی قابل تخصیص را معین کند. رده‌ها دارای خصیصه‌ای با عنوان گونه‌ی خصیصه‌ی سفارشی هستند که سرپرست را قادر می‌سازد گونه‌ی خصیصه‌ی مورد استفاده را مشخص کند. مقادیر گونه‌ی خصیصه‌ی سفارشی معمولاً باید از فهرستی مهارشده انتخاب شوند.

۱۵-۲-۱۷. آرایه‌ها و عبارات راهنما

اگرچه تمام اصطلاح‌نامه‌ها دارای آرایه‌هایی از اصطلاحات خویشاوندند، مدل‌سازی صریح آن‌ها همیشه ضروری نیست و به همین سبب این رده، اختیاری است. رده‌های *آرایه اصطلاح‌نامه* و *عبارت راهنما* به‌ویژه برای پشتیبانی تولید نمایش‌هایی شامل عبارات راهنما و یا توالی‌های غیرالفبایی اصطلاحات خویشاوند لازم هستند (مثال‌ها را در شکل‌های ۴، ۶، ۷، ۸ و ۱۲ ببینید؛ ۱۲-۴-۳ را نیز ببینید).

خصیصه *نظم‌یافته*^۱ هروقت که ضروری باشد، توالی‌های غیرالفبایی را ممکن می‌سازد. در هر زبان اصطلاح‌نامه به ازای هر آرایه حداکثر یک عبارت راهنما باید وجود داشته باشد.

برخی سامانه‌ها، نمایش را به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کنند که گویی عبارات راهنما همچون مفاهیمی دارای روابطی با مفاهیم اعم و اخص هستند. این کار فقط به‌منظور سازمان‌دهی نمایش انجام می‌گیرد و برای کارکردهای عادی روابط اعم و اخص به‌کار نمی‌رود. تنها یک مفهوم می‌تواند روابط واقعی اعم و اخص داشته‌باشد.

۱۵-۲-۱۸. گروه‌های مفهومی

بسیاری از اصطلاح‌نامه‌ها، مفاهیم را با استفاده از یک ساختار رده‌بندی موازی با سلسله‌مراتب‌های مبتنی بر روابط BT/NT مفاهیم اصطلاح‌نامه، دسته‌بندی می‌کنند. دسته‌های پدیدآمده به‌وسیله این رده‌بندی اغلب بر پایه رسته، حوزه موضوعی یا حوزه‌های فعالیت تجاری بنا شده‌اند. این دسته‌ها را گاه «مقوله موضوعی»، «زمینه موضوعی»^۲، «قلمرو»^۳، «گروه»^۴، «زیرمجموعه» یا «اصطلاح‌نامه خرد»^۵ می‌نامند. این الگو با تعریف رده‌های گروه‌مفهومی و برچسب‌گروه‌مفهومی و گونه خاصی که می‌توان آن را با خصیصه گونه‌گروه‌مفهومی نشان داد، تمام موارد فوق را ممکن می‌سازد. به‌طور کلی، رابطه BT/NT

1. ordered 2. theme 3. domain 4. group 5. microthesaurus

میان یک گروه مفهومی و مفاهیم موجود در آن برقرار نیست. مفاهیم را می‌توان از چهریزه‌ها یا سلسله‌مراتب‌های گوناگون اصطلاح‌نامه انتخاب و در یک گروه مفهومی گرد آورد. همچنین، نشانگان به‌کاررفته برای رده‌بندی این گروه‌ها می‌تواند کاملاً با هر نشانگان دیگر به‌کاررفته برای خود مفاهیم متفاوت باشد. گروه‌ها می‌توانند دارای زیرگروه‌هایی در لایه‌های مختلف باشند. هر گروه باید یک برچسب زبانی^۱ برای هر زبان داشته‌باشد. در صورتی که بیرون گذاشتن اصطلاحات نامرجح برگزیده از زیرمجموعه‌ای از مفاهیم اهمیت داشته‌باشد، ممکن است لازم باشد اصطلاحات برگزیده را با خصیصه‌ای سفارشی علامت‌گذاری کنیم (۱۵-۲-۱۶ را ببینید).

۱۵-۲-۱۹. کار با چهریزه‌ها

چهریزه‌ها در الگو پیش‌بینی شده‌اند، اما به این سبب که اصطلاح‌نامه‌های گوناگون تحلیل چهریزه‌ای را به روش‌های گوناگون به کار می‌برند، به شکل صریح الگوسازی نشده‌اند. در صورتی که نام چهریزه‌ها به عنوان اصطلاحات رأس آمده‌باشد، با آن‌ها باید مثل اصطلاحات مرجع عادی، که برای مفاهیم سطح بالا به کار می‌روند، رفتار کرد (۱۵-۲-۱۳ را ببینید). حالت دیگر این است که نام چهریزه‌ها، اسامی گروه‌های مفهومی باشند (۱۵-۲-۱۸) و یا در عبارات راهنما (۱۵-۲-۱۷) ذکر شوند.

۱۵-۲-۲۰. نقش رابطه‌ها

رده‌های هم‌ارزی، رابطه‌سلسله‌مراتبی و رابطه‌همبستگی هریک دارای یک خصیصه «نقش» هستند. این خصیصه را می‌توان برای بیان روابط معمولی مانند BT/NT، USE/UF و RT/RT به کار برد. همچنین برای گونه‌های روابط اختیاری که در ۱۰-۲-۱ و شرح‌داده‌شده یا گونه روابط سفارشی که در ۱۰-۲-۴ ذکر شد، می‌توان از آن بهره گرفت. هر مورد رخداد یک رابطه، تنها در یک جهت میان نمونه‌های یک رده «منبع» و رده «هدف» بیان می‌شود. برای مثال، «مفهوم آ دارای مفهوم اعم ب است»، که در آن «اعم» نقش است. اگر نیاز به بیان رابطه مکمل «مفهوم ب دارای مفهوم اخص آ است» هم باشد، آن را نیز به شکل رخدادی جداگانه با نقش «اخص» نشان می‌دهند. در مورد گونه‌های رابطه سفارشی، متن ارائه‌شده در خصیصه «نقش» باید از (الف) نام

1. verbal label

گونه رابطه والد، و پس از آن (ب) نماد ممیز، و در آخر (ج) نام گونه رابطه سفارشی تشکیل شده باشد. در صورت لزوم، گونه‌های روابط سفارشی را می‌توان به روش مشابه باز هم خردتر کرد.

مثال

متن درون خصیصه «نقش» رابطه سلسله‌مراتبی می‌تواند یکی از انواع زیر باشد.
 NTX نشان‌دهنده خردتر کردن NTI است:
 NT
 NT/NTP
 NT/NTI
 NT/NTG
 NT/NTI/NTX
 BT
 BT/BTP
 BT/BTI
 BT/BTG
 BT/BTI/BTX
 و غیره.

۱۵-۲-۲۱. اصطلاحات نامرجح مجزا^۱

رده‌های اصطلاح‌نامرجح مجزا و هم‌ارزی مرکب، بازنمایی مفاهیم پیچیده را با ترکیبی از اصطلاحات به شرحی که در ۸-۵ آمده است، امکان‌پذیر می‌سازند.

۱۵-۲-۲۲. نقش برچسب‌های روابط

شکل ۱۵ رابطه میان اصطلاح‌نامرجح ساده و اصطلاح مرجح را با برچسب‌های USE و UF، که در بندهای ۳ و ۸ در زمینه قراردادها و نمایش‌های مناسب برای کاربر انسان شرح داده شدند، نشان می‌دهد. در زمینه تبادل داده‌ها، ممکن است ادعا شود این رابطه تکراری است، زیرا تمام اصطلاحات مرجح و نامرجح مربوط به یک مفهوم معین به آن مفهوم پیوند زده شده‌اند. اما، این رابطه تکراری حفظ می‌شود تا تبادل داده برای اصطلاح‌نامه‌های ساده‌تر را آسان سازد و همچنین تبادل اطلاعات به‌روزرسانی و دیگر زیرمجموعه‌های تخصصی داده‌ها را ساده‌تر کند.

یک مورد جزئی دیگر، "USE..." است. در نمایش‌های ویژه کاربر انسان، همواره

1. split non-preferred terms

فاصله‌ای میان "USE" و "+" برای گنجانیدن اصطلاح وجود دارد (مثلاً "Coal mining + mining"). اما در صورتی که بنا باشد این برچسب در پشت صحنه و به‌وسیله رایانه به‌کار رود، باید آن را به شکل "coal mining USE+ coal"؛ "coal mining" "USE+ mining" فشرده ساخت. به همین سبب، فاصله میانی در نمودار حذف شده‌است.

۱۵-۳. ارائه جدولی شکل^۱

عناصر الگوی نشان‌داده‌شده در شکل ۱۵، در جداول ۴ تا ۹ بر اساس پنج رده اصطلاح‌نامه، آرایه اصطلاح‌نامه، مفهوم اصطلاح‌نامه، اصطلاح اصطلاح‌نامه و یادداشت فهرست شده‌اند. رده‌های فرعی دیگر، درون این جداول نشان داده شده‌اند. متن کوتاه درون ستون‌های تعریف را یادداشت‌های مفصل‌تر بند ۱۵-۲، کامل می‌کنند. تعاریف بسیاری از اصطلاحات را نیز در بند ۲ ببینید.

ستون «گونه» نوع داده را در جای مناسب با استفاده از داده‌گونه‌های^۲ یوامال یعنی «رشته» و «عملگر بولی»، در جایی که گونه‌های یوامال به کار نیاید با داده‌گونه‌های ایکس‌ام‌ال «تاریخ» و «زبان» و در مورد رده‌های پایه‌ای یا همبسته از الگو با «رده» نشان می‌دهد.

ستون‌های دارای عنوان «رخداد»، اجباری و یا قابل تکرار بودن برخی عناصر را طبق جدول ۳ نشان می‌دهند.

جدول ۳- تعاریف «رخداد» به شکلی که در جداول ۴ تا ۹ به کار رفته‌است

معنی	رخداد
اجباری، غیر قابل تکرار (فقط یک رخداد)	1
اجباری، قابل تکرار (یک یا چند رخداد)	1..*
اختیاری، غیرقابل تکرار (صفر یا یک رخداد)	0..1
اختیاری، قابل تکرار (صفر یا چند رخداد)	0..*

1. tabular presentation

2. datatype

جدول ۴- خصیصه‌ها و همبستگی‌های اصطلاح‌نامه

عنصر	گونه	رخداد	شرح
اصطلاح‌نامه	رده	۱	اصطلاح‌نامه به مثابه یک کل
خصیصه‌های اصطلاح‌نامه			
شناسه	رشته	۱..*	شناسهٔ کل اصطلاح‌نامه
ارائه‌دهنده	رشته	۰..*	فرد یا سازمان شرکت‌کننده در تهیه اصطلاح‌نامه
پوشش‌دهی	رشته	۰..*	پوشش فضایی یا زمانی اصطلاح‌نامه
پدیدآورنده	رشته	۰..*	فرد یا سازمانی که مسئول اصلی تهیه منبع است
تاریخ	تاریخ	۰..*	هر تاریخ مربوط به اصطلاح‌نامه
پدیدآمده در	تاریخ	۰..۱	تاریخ پدیدآمدن اصطلاح‌نامه
تغییر یافته در	تاریخ	۰..*	تاریخ تغییر این نسخه
شرح	رشته	۰..*	شریح دربارهٔ اصطلاح‌نامه
قالب	رشته	۰..*	قالب فایل یا رسانهٔ فیزیکی اصطلاح‌نامه
زبان	زبان	۱..*	رمزگان نشان‌دهندهٔ زبان‌های اصطلاح‌نامه
ناشر	رشته	۰..*	مرجع نشر
رابطه	رشته	۰..*	نشریه‌ای مرتبط
حقوق	رشته	۰..*	اطلاعات مربوط به حق اثر یا انواع دیگر حقوق
منبع	رشته	۰..*	منبعی که اصطلاح‌نامه از آن برگرفته شده
موضوع	رشته	۰..*	اصطلاحات نمایه‌ای نشان‌دهندهٔ محتوای موضوع
عنوان	رشته	۰..*	عنوان اصطلاح‌نامه
گونه	رشته	۰..*	گونهٔ واژگان، مثلاً «اصطلاح‌نامه»
رده‌های همبستهٔ اصطلاح‌نامه			
آرایهٔ اصطلاح‌نامه	رده	۰..*	آرایه‌ای از مفاهیم خویشاوند سازندهٔ بخشی از اصطلاح‌نامه
مفهوم اصطلاح‌نامه	رده	۱..*	مفهوم تشکیل‌دهندهٔ بخشی از اصطلاح‌نامه
گروه مفهومی	رده	۰..*	گروهی از مفاهیم برگزیده بر مبنای معیاری معین مانند ارتباط با یک حوزهٔ موضوعی خاص
پیشینهٔ نسخه	رده	۰..*	می‌تواند تأییدکنندهٔ روزآمدی یک نسخه از اصطلاح‌نامه و بیانگر ارتباط آن با دیگر نسخه‌ها باشد

جدول ۵ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های آرایهٔ اصطلاح‌نامه

عنصر	گونه	رخداد	شرح
آرایهٔ اصطلاح‌نامه	رده	۰..*	آرایه‌ای از مفاهیم خویشاوند سازندهٔ بخشی از اصطلاح‌نامه
خصیصه‌های آرایهٔ اصطلاح‌نامه			
شناسه	رشته	۱	شناسه‌ای یکتا برای آرایه
نظم یافته	عملگر بولی	۱	برچسب درست/ غلطی که نشان می‌دهد آیا نظم مفاهیم درون آرایه باید حفظ شود یا نه. پیش فرض آن «غلط» است.
نشانگان رده‌بندی	رشته	۰..۱	نشانگان نمادین در پیوند با آرایه، که می‌تواند برای مرتب‌سازی و نمایش به کار رود.
رده‌های همبستهٔ آرایهٔ اصطلاح‌نامه			

عنصر	گونه	رخداد	شرح
دارای آرایه فرادست	رده	۰..۱	آرایه‌ای سطح بالاتر که آرایه مورد نظر عضوی از آن است.
دارای آرایه عضو	رده	۰..*	آرایه‌ای سطح پایین‌تر که عضوی از آرایه مورد نظر است هر آرایه باید دست کم یک عضو داشته باشد، که می‌تواند یک مفهوم یا آرایه‌ای دیگر باشد.
دارای مفهوم فرادست	رده	۰..۱	مفهومی سطح بالاتر که این آرایه، فرودست آن قرار می‌گیرد.
دارای مفهوم عضو	رده	۰..*	مفهومی که عضوی از این آرایه است هر آرایه باید دست کم یک عضو داشته باشد اما این عضو می‌تواند یک مفهوم یا آرایه‌ای دیگر باشد.
عبارت راهنما	رده	۰..*	برچسب نشان‌دهنده اساس گزینش مفاهیم انتخاب شده و مرتب‌شده آرایه
- خصیصه‌های عبارات راهنما			
- ارزش لغوی ^۱	رشته	۱	واژه‌بندی ^۲ عبارت راهنما
- پدیدآمده در	تاریخ	۰..۱	تاریخ پدیدآمدن عبارت راهنما
- تغییر یافته در	تاریخ	۰..۱	تاریخ آخرین تغییر عبارت راهنما
- زبان	زبان	۰..۱	رمزگانی که زبان عبارت راهنما را نشان می‌دهد. این رمزگان هنگامی ضروری است که بیش از یک زبان در اصطلاح‌نامه وجود داشته باشد.

جدول ۶ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های مفهوم/اصطلاح‌نامه

عنصر	گونه	رخداد	شرح
مفهوم/اصطلاح‌نامه	رده	۱..*	یک مفهوم عضو اصطلاح‌نامه
خصیصه‌های مفهوم/اصطلاح‌نامه			
شناسه	رشته	۱	شناسه‌ای یکتا برای مفهوم
پدیدآمده در	تاریخ	۰..۱	تاریخ پدیدآمدن مفهوم
تغییر یافته در	تاریخ	۰..۱	تاریخ آخرین تغییر مفهوم
وضعیت	رشته	۰..۱	نشان‌دهنده احتمالی، جایگزین، و غیره بودن مفهوم
نشانگان رده‌بندی	رشته	۰..*	نشانگان نمادین متصل به مفهوم که می‌تواند برای ذخیره‌سازی یا نمایش به کار رود.
مفهوم رأس	عملگر بولی	۰..۱	برچسب درست/نادرستی که نشان می‌دهد آیا آن مفهوم در رأس سلسله‌مراتب قرار دارد، یعنی فاقد مفهوم اعم است یا نه.
رده‌های همبسته مفهوم/اصطلاح‌نامه			
اصطلاح مرجع	رده	۱..*	اصطلاح به کاررفته به عنوان برچسب برای آن مفهوم. در هر زبان باید یک اصطلاح مرجع وجود داشته باشد.
اصطلاح نامرجع ساده	رده	۰..*	اصطلاحات دیگری که می‌توان با جست‌وجوی آن‌ها به مفهوم مورد نظر دست یافت

عناصر	گونه	رخداد	شرح
یادداشت‌دامنه	رده	*..*	یادداشتی که دامنه یک مفهوم را در اصطلاحنامه مورد نظر تعریف یا روشن می‌کند
یادداشت پیشینه	رده	*..*	یادداشتی که تغییرات اعمال شده بر آن مفهوم در اصطلاحنامه را ذخیره می‌کند.
یادداشت سفارشی	رده	*..*	هر نوع یادداشت دیگر مربوط به مفهوم مورد نظر
- خصیصه‌های یادداشت سفارشی			
- گونه یادداشت	رشته	*..۱	مشخص‌کننده نوع معینی از یادداشت
یادداشت	رده	*..*	یادداشتی از هر نوع که به این مفهوم ارجاع می‌دهد هرچند به شکل مستقیم به مفهوم دیگری مربوط شود.
عضوآرایه	رده	*..*	آرایه‌ای که مفهوم مورد نظر عضو آن است
دارای آرایه فرودست	رده	*..*	آرایه‌ای که فرودست این مفهوم است
خصیصه سفارشی مفهوم	رده	*..*	خصیصه‌ای افزوده برای مفهوم مورد نظر
- خصیصه‌های خصیصه سفارشی مفهوم			
- ارزش لغوی	رشته	۱	واژه‌بندی خصیصه سفارشی
- گونه خصیصه سفارشی رشته	رشته	۱	خصوصیات انواع خاصی از خصیصه‌ها
- زبان	زبان	*..۱	زبان ارزش لغوی
رابطه سطح بالا	رده همبستگی		
- رده‌های پیوند یافته با رابطه سطح بالا			
- دارای مفهوم رأس	رده	*..*	مفهوم رأس سلسله مراتبی که مفهوم مورد نظر در آن است
- مفهوم رأس برای	رده	*..*	یک مفهوم در سلسله مراتبی که مفهوم مورد نظر در رأس آن است.
رابطه سلسله مراتبی	رده همبستگی		
- خصیصه‌های رابطه سلسله مراتبی			
- نقش	رشته	۱	مشخصات گونه رابطه سلسله مراتبی که مفهوم مقصد با مفهوم مبدأ دارد، مانند NTP, NT, BTI, BT و غیره.
- رده‌های پیوند یافته با رابطه سلسله مراتبی			
دارای مفهوم رابطه سلسله مراتبی رده	*..*		مفهوم مقصدی که رابطه معین شده در «نقش» را با مفهوم مبدأ مورد نظر دارد. مثلاً اگر نقش "BT" باشد، این پیوند با مفهوم اعم مفهوم مورد نظر برقرار شده است.
- با مفهوم رابطه سلسله مراتبی	رده	*..*	مفهوم مبدأ که مفهوم مقصد مورد نظر با رابطه مشخص شده در «نقش» با آن پیوند دارد. مثلاً اگر نقش "BT" باشد، این پیوند با مفهومی که مفهوم مورد نظر، مفهوم اعم آن است، برقرار شده است.
رابطه همبستگی	رده همبستگی		
- خصیصه‌های رابطه همبستگی			
- نقش	رشته	*..۱	مشخص کردن نوع رابطه همبستگی که مفهوم مقصد با مفهوم مبدأ دارد. این رابطه، معمولاً "RT" است، اما می‌تواند یک رابطه غیرمتقارن نیز باشد، مانند "CAUSE" که در ۱۰-۱ شرح داده شد.
- رده‌هایی که با رابطه همبستگی پیوند یافته‌اند			
- دارای مفهوم مرتبط	رده	*..*	مفهوم مقصد پیوند یافته به این مفهوم مبدأ با رابطه مشخص شده در نقش، مثلاً اگر نقش "CAUSE" باشد، این پیوند با مفهومی برقرار شده که علت مفهوم

عنصر	گونه	رخداد	شرح
- بامفهوم مرتبط	رده	*..۰	مورد نظر است. مفهوم مبدأ که این مفهوم مقصد با رابطه مشخص شده در «نقش»، با آن پیوند دارد. مثلاً نقش "CAUSE" باشد، این پیود با مفهومی برقرار شده که علت مفهوم مورد نظر است.

جدول ۷- خصیصه‌ها و همبستگی‌های گروه‌مفهومی

عنصر	گونه	رخداد	شرح
گروه مفهومی	رده	*..۰	گروهی از مفاهیم که بر اساس معیاری مشخص، مانند مرتبط بودن به یک حوزه موضوعی خاص انتخاب شده‌اند.
خصیصه‌های گروه مفهومی			
شناسه	رشته	۱	شناسه‌ای یکتا برای گروه
گونه گروه مفهومی	رشته	۱	برچسبی که نوع گروه را مشخص می‌کند، مثلاً «زمینه»، «اصطلاح‌نامه خُرد» یا «مقوله موضوعی» ^۱
نشانیگان رده‌بندی	رشته	*..۱	نشانیگان نمادین متصل به یک گروه، که می‌تواند برای مرتب‌سازی و نمایش به کار رود
رده‌های همبسته با گروه مفهومی			
مفهوم اصطلاح‌نامه	رده	*..۰	مفهومی که عضوی از این گروه است
دارای گروه فرادست	رده	*..۰	گروهی سطح بالاتر که گروه مورد نظر، عضو آن است
دارای گروه فرودست	رده	*..۰	گروهی سطح پایین‌تر که عضوی از گروه مورد نظر است
برچسب گروه مفهومی	رده	*..۱	برچسب ارائه‌دهنده توضیحی لفظی درباره گروه، گروه‌ها باید یک برچسب در هر زبان داشته باشند.
- خصیصه‌های برچسب گروه مفهومی			
- ارزش لغوی	رشته	۱	واژه‌بندی برچسب
- پدیدآمده‌در	تاریخ	*..۱	تاریخ پدیدآمدن برچسب
- تغییر یافته‌در	تاریخ	*..۱	تاریخ آخرین تغییر برچسب
- زبان	زبان	*..۱	رمزگان نشان‌دهنده زبان برچسب. این خصیصه ویژه اصطلاح‌نامه‌هایی با بیش از یک زبان است.

جدول ۸- خصیصه‌ها و همبستگی‌های اصطلاح اصطلاح‌نامه

عنصر	گونه	رخداد	شرح
اصطلاح اصطلاح‌نامه	رده	۱	هر اصطلاح از اصطلاح‌نامه که متناظر با مفهومی مورد جست‌وجو به کار می‌رود.
خصیصه‌های اصطلاح اصطلاح‌نامه			
ارزش لغوی	رشته	۱	واژه‌بندی اصطلاح
شناسه	رشته	۱	شناسه یکتای اصطلاح
پدیدآمده‌در	تاریخ	*..۱	تاریخ پدیدآمدن اصطلاح
تغییر یافته‌در	تاریخ	*..۱	تاریخ آخرین تغییر اصطلاح

عنصر	گونه	رخداد	شرح
منبع	رشته	۰..۱	افراد یا مدارکی که اصطلاح از آن‌ها برگرفته شده‌است
وضعیت	رشته	۰..۱	نشان‌دهنده وضعیت اصطلاح از نظر احتمالی، تأییدشده و غیره بودن
زبان	زبان	۰..۱	رمزگان نشان‌دهنده زبان اصطلاح. این عنصر باید در مواردی که اصطلاح‌نامه به پیش از یک زبان نوشته شده باشد، به کار رود.
رده‌های همبسته اصطلاح/اصطلاح‌نامه			
یادداشت‌پیشینه	رده	۰..*	یادداشت نشان‌دهنده تغییرات اعمال‌شده بر این اصطلاح در زمینه اصطلاح‌نامه
یادداشت ویرایشی	رده	۰..*	یادداشتی برای استفاده ویراستاران اصطلاح‌نامه در طی فرایند ویرایش
تعریف	رده	۰..*	یادداشتی شامل تعاریف یک اصطلاح، که لزوماً به دامنه مفهومی مشخص‌شده برای اصطلاح در اصطلاح‌نامه مورد نظر محدود نمی‌شود
خصیصه‌های تعریف			
- منبع	رشته	۰..۱	افراد یا مدارکی که تعریف از آن‌ها به دست آمده‌است
خصیصه سفارشی اصطلاح	رده	۰..*	خصیصه‌ای اضافی برای اصطلاح
- خصیصه‌های خصیصه سفارشی			
- ارزش لغوی	رشته	۱	واژه‌بندی خصیصه سفارشی
- گونه خصیصه سفارشی	رشته	۱	مشخص‌کننده انواع خاص خصیصه‌ها
- زبان	زبان	۰..۱	زبان ارزش لغوی
خصوصیات اصطلاح/اصطلاح‌نامه			
اصطلاح مرجع	رده		اصطلاحی که برای برچسب‌زدن به مفهومی انتخاب می‌شود
اصطلاح نامرجع ساده	رده		اصطلاحی که به عنوان گزینه‌ای دیگر برای برچسب مفهوم به کار می‌رود، اما اصطلاح مرجع نیست
- خصیصه‌های اصطلاح نامرجع ساده			
- مخفی	عملگر بولی	۰..۱	یک نشان ^۱ بله/خیر که نشان می‌دهد آیا اصطلاح مورد نظر را می‌توان از برخی شکل‌های نمایش کنار گذاشت یا نه، مثلاً درباره املاهای غلط یک اصطلاح.
اصطلاح نامرجع مجزا	رده		اصطلاحی که ترکیبی از دو یا چند مفهوم اصطلاح‌نامه را بازنمایی می‌کند
- همبستگی‌های اصطلاح مرجع و اصطلاح نامرجع ساده			
- هم‌ارزی	رده همبستگی		
- خصیصه‌های هم‌ارزی			
- نقش	رده	۰..۱	خصیصه‌های گونه‌ای از رابطه هم‌ارزی. این خصیصه، معمولاً "USE" است که اصطلاح نامرجع ساده مبدأ را به اصطلاح مرجع مقصد پیوند می‌دهد
- رده‌های پیوند یافته با هم‌ارزی			
- اصطلاح مرجع	رده	۱	اصطلاح مقصد پیوند یافته با اصطلاح مبدأ مورد نظر به وسیله رابطه مشخص‌شده در نقش، مثلاً اگر این نقش "USE" باشد، این پیوند به اصطلاح مرجعی اشاره می‌کند که بناسبت به جای اصطلاح نامرجع ساده

عنصر	گونه	رخداد	شرح
- اصطلاح نامرجح ساده	رده	*..۰	فعلی به کار رود اصطلاح مبدأ که این اصطلاح مقصد به واسطه رابطه مشخص شده در نقش، با آن پیوند دارد. مثلاً اگر نقش "USE" باشد، این پیوند به اصطلاح نامرجح ساده‌ای اشاره می‌کند که اصطلاح مرجح فعلی باید به جای آن به کار رود
- همبستگی‌های اصطلاح مرجح و اصطلاح نامرجح مجزا			
- هم‌ارزی مرکب	رده همبستگی		
- رده‌های پیوند یافته با هم‌ارزی مرکب			
- اصطلاح نامرجح مجزا	رده	*..۰	اصطلاح نامرجح بیان‌کننده یک مفهوم پیچیده که با ترکیبی از اصطلاحات مرجح بازنمایی شده است. ۵-۸ را ببینید.
- اصطلاح مرجح	رده	*..۲	یکی از دو یا چند اصطلاح مرجحی که با هم اصطلاح نامرجح مرکب را بازنمایی می‌کنند

جدول ۹ - خصیصه‌ها و همبستگی‌های یادداشت

عنصر	گونه	رخداد	شرح
یادداشت	رده	*..۰	متنی که اطلاعات بیشتری درباره یک اصطلاح یا مفهوم ارائه می‌دهد
خصیصه‌های یادداشت			
ارزش لغوی	رشته	۱	واژه‌بندی یادداشت
پدیدآمده در	تاریخ	*..۱	تاریخ پدیدآمدن یادداشت
تغییر یافته در	تاریخ	*..۱	تاریخ آخرین تغییر یادداشت
زبان	زبان	*..۱	رمزگانی که زبان یادداشت را نشان می‌دهد. این رمزگان ویژه اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه است
رده‌های همبسته یادداشت			
مفهوم اصطلاح‌نامه	رده	*..۰	مفهومی که در یادداشت به آن ارجاع داده شده، البته به غیر از مفهومی که یادداشت
خصوصیات یادداشت، برای گونه‌های خاص			
یادداشت دامنه	رده	*..۰	یادداشت تعریف‌کننده یا روشن‌سازنده دامنه مفهوم در اصطلاح‌نامه
یادداشت پیشینه	رده	*..۰	یادداشت ثبت‌کننده تغییرات یک مفهوم یا اصطلاح در اصطلاح‌نامه
تعریف	رده	*..۰	یادداشت ارائه‌دهنده تعریف یک اصطلاح، که لزوماً به دامنه مفهوم که به وسیله اصطلاح موجود در اصطلاح‌نامه مورد نظر معین شده، محدود نمی‌شود
یادداشت ویرایشی	رده	*..۰	یادداشتی برای استفاده ویراستاران در فرایند ویرایش
یادداشت سفارشی	رده	*..۰	هر نوع یادداشت دیگر مربوط به یک مفهوم
- خصیصه‌های یادداشت سفارشی			
- گونه یادداشت	رشته	*..۱	مشخص ساختن یک گونه معین یادداشت

۱۶. تلفیق اصطلاح‌نامه‌ها با برنامه‌های کاربردی

۱۶-۱. مقدمه

مهم‌ترین کارکرد اصطلاح‌نامه، پشتیبانی بازیابی اطلاعات است. اصطلاح‌نامه، معمولاً در دو مرحله اصلی از زنجیره بازیابی اطلاعات فراخوانی می‌شود: در هنگام نمایه‌سازی و در زمان جست‌وجو. اگرچه بسته‌های نرم‌افزاری وجود دارند که تهیه و نگهداری اصطلاح‌نامه، نمایه‌سازی و جست‌وجو را در سامانه‌ای واحد مدیریت می‌کنند، رویه معمول‌تر، مدیریت جداگانه این برنامه‌های کاربردی است. بنابراین، تبادل آسان داده‌های اصطلاح‌نامه میان این برنامه‌های کاربردی، بدون خطا و ناسازگاری در روند به‌روزرسانی، لازم است.

امروزه با گسترش سریع شبکه‌های الکترونیک و کاربرد تقریباً جهانی رایانه‌ها در مدیریت اطلاعات که امکان به اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات را تا حدی که پیش‌تر غیرقابل تصور بود، افزایش داده‌اند، فرایند بالا پیچیده‌تر شده‌است. یک فرد می‌تواند از رایانه‌ای متصل به اینترنت، به شکل همزمان در مجموعه‌های گوناگون کتاب، مقاله، عکس، مجموعه داده‌ها، یا اشیای داخل موزه‌ها، که بر رایانه‌های دوردست در سراسر جهان قرار دارند، به جست‌وجو بپردازد. برای این که استفاده از اصطلاح‌نامه در چنین فرایندی ممکن شود، سامانه‌های دست‌اندرکار نیاز به تعامل‌پذیری، به معنی قابلیت تبادل و کاربرد اطلاعات میان سامانه‌ها یا بخش‌های گوناگون، دارند.

این بند موارد زیر را شرح می‌دهد:

الف) ویژگی‌ها و کارکردهایی که سبب تعامل‌پذیری اصطلاح‌نامه در سامانه‌ها و شبکه‌ها می‌شود، و

ب) ویژگی‌ها و کارکردهای مورد نیاز در یک برنامه کاربردی نمایه‌سازی یا جست‌وجو که از اصطلاح‌نامه استفاده می‌کند.

در این بند، ویژگی‌ها و کارکردهای لازم برای برنامه‌های کاربردی که از دو یا چند اصطلاح‌نامه متصل به هم استفاده می‌کنند، شرح داده نشده‌است. برنامه‌های کاربردی از این دست، در ISO 25964-2 بررسی خواهند شد.

۱۶-۲. لازمه‌های تعامل پذیری اصطلاح‌نامه‌ها

همان‌گونه که در ۱۴-۸ شرح داده‌شد، باید ورود و خروج کامل اصطلاح‌نامه یا بخش‌هایی از آن، از برنامه کاربردی حاوی آن یا به آن امکان‌پذیر باشد. لازم است قالبی استاندارد برای ورود/خروج به کار رود (بند ۱۷ را ببینید). هنگام به‌روزرسانی اصطلاح‌نامه، باید امکان برونداد تمام مدارک تازه یا تغییر یافته و حتی حذف‌شده، وجود داشته‌باشد.

هنگامی که نسخه‌ای به‌روزرسانی‌شده از اصطلاح‌نامه به کار گرفته می‌شود، سامانه باید بتواند اصطلاحات جدید یا تغییر یافته را بدون از دست رفتن داده‌های معتبر مربوط به اصطلاحات پیشین، در خود بگنجاند. برای نمونه، ممکن است پیوندهایی از اصطلاحات موجود به منابع نمایه‌سازی‌شده با آن اصطلاحات وجود داشته‌باشد.

برای این که اصطلاح‌نامه در دسترس کاربران شبکه‌ای مثل اینترنت قرار گیرد، باید آن را با استفاده از قالبی استاندارد در آن شبکه منتشر کرد (بند ۱۷ را ببینید).

اصطلاح‌نامه منتشر شده باید به شکل منظم به‌روزرسانی شود. این کار شاید به ورود و اجرای یک فایل به‌روزرسانی از نرم‌افزار ذخیره‌کننده نسخه مادر اصطلاح‌نامه نیاز داشته باشد.

پس از انتشار اصطلاح‌نامه در شبکه، باید از پروتکلی استاندارد (بند ۱۸ را ببینید) برای استخراج تمام داده‌ها یا مجموعه یا گزیده‌ای از آن‌ها استفاده کرد. برای نمونه، یک نرم‌افزار کاربردی جست‌وجو ممکن است به انتخاب تمام یا بخشی از اطلاعات مربوط به مفهوم یا گروهی از مفاهیم مشخص نیازمند باشد. برای هر مفهوم باید شناسه‌ای یکتا وجود داشته‌باشد، تا کاربردهای جست‌وجوی توزیعی^۱ را آسان سازد.

برای راحتی کاربران و توزیع گسترده‌تر اصطلاح‌نامه، باید آن را در تمام فهرست‌های ثبت‌واژگان مورد استفاده جامع کاربر پیش‌بینی‌شده، ثبت کرد.

۱۶-۳. تلفیق با نرم‌افزارهای نمایه‌سازی و جست‌وجو

۱۶-۳-۱. اصطلاح‌نامه‌ای که قرار است برای بازیابی اطلاعات به کار رود، باید قابلیت تلفیق با سامانه‌های نمایه‌سازی و جست‌وجو را داشته‌باشد. در مورد اصطلاح‌نامه‌های چاپی، این کار در فرایند فردی که صفحات اصطلاح‌نامه را ورق می‌زند، اصطلاحات را انتخاب می‌کند و آن‌ها را

1. distributed search

با ترکیب صحیح در سامانه بازیابی وارد می‌نماید، انجام می‌گیرد. در اصطلاح‌نامه‌های الکترونیک، امکانات این کارکردها باید به شیوه‌ای کاربرپسند ارائه شود.

به جز مواردی که مدیریت اصطلاح‌نامه و کاربردهای نمایه‌سازی و جست‌وجو در یک سامانه انجام می‌گیرد، نخستین شرط لازم، برون‌داد داده‌های اصطلاح‌نامه از سامانه مدیریت اصطلاح‌نامه به سامانه بازیابی اطلاعات است. قالب‌ها و مقاوله‌های مربوط به این فرایند در بندهای ۱۷ و ۱۸ شرح داده شده‌اند.

۱۶-۳-۲. تمام سامانه‌های دخیل در کار با داده‌های اصطلاح‌نامه باید توانایی پشتیبانی همه حروف و علائمی را که احتمال وجودشان در داده‌ها می‌رود، داشته باشند. این علائم، معمولاً شامل کمان و گاه برخی علائم نقطه‌گذاری دیگر در توضیح‌گرهای کیفی اصطلاحات است. اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه باید تمام علائم موجود در خط‌الرسم و یا الفبای هر یک از زبان‌ها را در بر داشته باشند.

۱۶-۳-۳. در نرم‌افزارهای نمایه‌سازی و جست‌وجو، به جز هنگامی که این نرم‌افزارها کاملاً خودکار باشند و برای تعامل با کاربر طراحی نشده باشند، وجود امکانات مرور اجمالی و جست‌وجوی اصطلاح‌نامه ضروری است. این امکانات باید موارد زیر را شامل شود.

الف) توانایی جست‌وجوی اصطلاحات دربردارنده هر واژه، ترکیبی از واژه‌ها یا رشته‌ای از علائم و حروف؛

ب) توانایی جست‌وجوی اصطلاحات و مفاهیمی که از هر یک از نشانگان رده‌بندی و یا شناسه‌های موجود استفاده می‌کنند؛

ج) توانایی انتخاب یا تغییر زبان نمایش اصطلاح‌نامه چندزبانه، یا محدودسازی جست‌وجو و نمایش به یک زبان خاص؛

د) توانایی نمایش هم‌ارزهای (مرجح یا نامرجح) اصطلاحی معین، شامل هم‌ارزهای میان‌زبانی در اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه؛

ه) توانایی جابه‌جایی از مدرک مربوط به یک مفهوم به مدارک مربوط به هر یک از مفاهیم اعم، اخص یا مرتبط با آن که معمولاً از طریق برقراری پیوندهای ابرمتنی فراهم می‌آید. این قابلیت، می‌تواند ما را از نشانگانی برای پیوند نمایش‌های الفبایی و رده‌ای یا سلسله‌مراتبی بی‌نیاز سازد.

و) توانایی بسط یا ادغام لایه‌ها هنگام مشاهده یک نمایش رده‌ای یا سلسله‌مراتبی. برای دستیابی به نمایش کلی از ساختار، ابتدا باید بتوان نمایشی از لایه رأس را دید و سپس نما را به تدریج و به شکل انتخابی رو به پایین بسط داد. همچنین باید امکان بسط یا ادغام کلی در یک حرکت نیز وجود داشته باشد؛

ز) قابلیت تغییر سبک نمایش به سبکی دیگر، برای نمونه تغییر نمایش رده‌ای به نمایش الفبایی. بهتر است مشاهده همزمان آن‌ها نیز امکان‌پذیر باشد.

۱۶-۳-۴. هنگامی که اصطلاح‌نامه در مجموعه‌ای قابل جست‌وجو از اسناد گنجانده شده و امکان مراجعه کاربر به آن پیش‌بینی گردیده، لازم است تعداد جای‌گماری‌ها نیز در مقابل هر اصطلاح مرجع ذکر شود. هنگام مرور اصطلاح‌نامه، کاربر باید بتواند مستقیماً به مرحله جست‌وجو برود. امکانات زیر باید ارائه شود.

الف) قابلیت انتخاب یک یا چند اصطلاح از یک نمایش اصطلاح‌نامه برای استفاده در جست‌وجو؛

ب) قابلیت ساخت یک عبارت جست‌وجو با نسخه‌برداری اصطلاح‌های اصطلاح‌نامه بدون نیاز به وارد کردن مجدد آن‌ها (مثلاً با دوبار کلیک، یا با کشیدن و انداختن). حالت بهینه این است که اطلاعات کمکی برای به‌کارگیری ترکیب نحوی صحیح (مثلاً انتخاب عملگرهای بولی) ارائه شود؛

ج) قابلیت گزینش زیرشاخه‌هایی از اصطلاح‌نامه برای کاربرد در جست‌وجو، به بیان دیگر، جست‌وجوی یک اصطلاح در ترکیب به شکل «یا»ی منطقی با تمام اصطلاحات اخص آن، که گاهی کارکرد «انفجار» نامیده می‌شود؛

د) انتخاب یک اصطلاح نامرجع باید به جایگزینی آن با اصطلاح مرجع در عبارت جست‌وجو منجر شود (البته کاربر را باید حتماً از عملیات انجام شده آگاه کرد). در صورتی که کاربر بدون مرور اولیه اصطلاح‌نامه، اصطلاحی نامرجع را در عبارت جست‌وجو وارد کند، لازم است گزینه تبدیل این اصطلاح به اصطلاح مرجع مربوط به آن، به وی ارائه شود؛

ه) در طی فرایند پالایش جست‌وجو، تعداد جای‌گماری در هر یک از نمایش‌های اصطلاح‌نامه باید طوری تنظیم شود که تعداد مربوط به زیرمجموعه مجموعه انتخاب‌شده را نشان دهد.

۱۶-۳-۵. می‌توان اصطلاح‌نامه را درون یک موتور جست‌وجو و بدون ارائه امکان مرور آن به کاربر، به کار گرفت. امکانات ۱۶-۳-۴ (ج و د) را می‌توان برای این شیوه کاربری تنظیم کرد.

هنگامی که عبارت جست‌وجویی به صورت خودکار تغییر می‌یابد، جایگزین می‌شود، ترجمه می‌شود، با اصطلاح اعم یا اخص خود جایگزین می‌گردد، و غیره، کاربر باید از این عملیات باخبر شود.

مثال

الف) هنگامی که کاربر اصطلاحی مشابه با یک یا چند اصطلاح اصطلاح‌نامه را وارد می‌کند، ممکن است چنین پاسخی از موتور جست‌وجو دریافت کند «آیا منظورتان ... است؟» به این ترتیب، نزدیک‌ترین اصطلاحات مشابه موجود در اصطلاح‌نامه به کاربر پیشنهاد می‌شود.

ب) هنگامی که کاربر، اصطلاحی مشابه با چند اصطلاح موجود در اصطلاح‌نامه را وارد می‌کند، موتور جست‌وجو می‌تواند با بازیابی نتایج مربوط به همه آن‌ها و خوشه‌بندی بر اساس اصطلاح، به وی پاسخ دهد. (برای نمونه، اگر اصطلاح‌نامه‌ای دو اصطلاح "turkey (meat)" و "Turkey (country)" را داشته باشد و کاربر به سادگی اصطلاح "Turkey" را جست‌وجو کند، نتایج جست‌وجو می‌تواند در دو دسته ارائه شود که هر دسته به یکی از دو اصطلاح موجود در اصطلاح‌نامه مربوط می‌شود.)

ج) ممکن است کاربر با گزینه «عام‌ترکردن» یا «خاص‌ترکردن» جست‌وجو روبه‌رو شود، بدون این که به وی گفته شود این کار را چگونه انجام دهد.

د) در حالتی که تعداد نتایج به دست آمده بسیار کم باشد، جست‌وجو ممکن است به شکل خودکار به اصطلاحات اعم، اخص و مرتبط بسط یابد.

۱۶-۳-۶. از روابط هم‌ارزی اصطلاح‌نامه نیز می‌توان برای جست‌وجوی پایگاه داده‌ای که بر اساس آن اصطلاح‌نامه نمایه‌سازی نشده است، استفاده کرد. برای نمونه، اگر اصطلاحات "motor-bikes"، "motor-cycles" و "motorcycles" در زمره اصطلاحات مرجع و نامرجع یک مفهوم از اصطلاح‌نامه باشند، جست‌وجوی هر یک از این اصطلاحات را می‌توان بسط داد تا بقیه را نیز در بر گیرد. بحث مربوط به حلقه‌های مترادف را نیز در ISO 25964-2 ببینید.

۱۶-۳-۷. هنگام گنجاندن اصطلاح‌نامه در یک سامانه نمایه‌سازی یا طبقه‌بندی، کارکردهای زیر باید ارائه شود.

الف) قابلیت کپی کردن یک یا چند اصطلاح در یک برگه نمایه‌سازی به صورت مستقیم و بدون نیاز به تایپ دوباره؛

ب) ارزیابی اصطلاحاتی که مستقیماً وارد می‌شوند بر اساس محتوای اصطلاح‌نامه. در صورتی که اصطلاحی نامرجح وارد شده باشد، باید به صورت خودکار به اصطلاح مرجح مربوط تبدیل و کاربر نیز از این تغییر باخبر شود. هنگامی که رشته وارد شده، بخش آغازین یک یا چند اصطلاح از اصطلاح‌نامه را تشکیل دهد، تمام اصطلاحات مرجح منطبق با آن باید برای گزینش در اختیار نمایه‌ساز قرار گیرد؛

ج) امکان ارائه اصطلاحات احتمالی به ویراستار اصطلاح‌نامه (۱۳-۶ را ببینید).

۱۶-۳-۸. در حالتی که سامانه برای نمایه‌سازی خودکار بدون کاربر انسانی طراحی شده باشد، باید ابزاری نیز برای پیوند دادن هر اصطلاح مرجح با الگوریتم‌ها یا ضوابط ناظر بر گزینش آن ارائه شود.

۱۷. قالب‌های تبادل

تعامل‌پذیری میان کاربردهای گوناگون رایانه‌ای نیاز به استفاده از قالبی مشترک دارد. چهار قالب زیر شناخته‌شده‌ترین قالب‌های موجودند:

– مارک (فهرست‌نویسی قابل خوانش به وسیله ماشین)^۱ [۵۱]– این مجموعه از استانداردها، که بر ISO 2709 مبتنی است، به شکلی گسترده برای تبادل اطلاعات کتابخانه‌ای میان کتابخانه‌ها به کار می‌رود. اگرچه کاربرد اصلی استانداردها تبادل مدارک فهرست‌نویسی است، این مجموعه، «مدارک مستند»^۲ یعنی مدارکی را نیز که از اصطلاح‌نامه یا دیگر انواع واژگان مهارشده استخراج شده‌اند، ارائه می‌دهد. برخی موارد مرتبط عبارتند از:

- مارک ۲۱ قالب داده‌های مستند (در نسخه‌های کامل و مختصر) [۵۲]؛
 - مارک ۲۱ قالب رده‌بندی داده (در نسخه‌های کامل و مختصر) [۵۳]؛
 - م‌دس^۳ (طرح فراداده‌ای توصیف مستند) که یک قالب ایکس‌ام‌ال سازگار با مارک ۲۱ برای نوع داده‌های موجود در قالب مستندات مارک^۴ می‌باشد. [۵۴]
- قالب‌های مارک که با ایکس‌ام‌ال بیان شده‌اند، ممکن است از استاندارد ISO 25577 نیز

1. MARC (MACHine-Readable Cataloguing)

3. MADS (Metadata Authority Description Schema)

2. authority records

4. MARC Authorities format

پیروی کنند.

- اسکاس^۱ - قالب اسکاس (نظام ساده سازمان‌دهی دانش) [۶۰] و [۶۱]، یک توصیه‌ی ائتلاف شبکه جهانی^۲ است که به‌ویژه برای توسعه شبکه معنایی^۳ کاربرد دارد و با استفاده از ایکس‌ام‌ال و آردی‌اف (چارچوب شرح منبع)^۴ رمزگذاری شده‌است. این قالب، علاوه بر اصطلاح‌نامه، برای طرحواره‌های رده‌بندی، واژگان طبقه‌بندی‌شده، و دیگر انواع واژگان نیز به کار می‌آید.

- زی‌تس^۵ - [۶۹] در آغاز به عنوان فایلی کاربردی از Z39.50 برای امکان‌پذیر ساختن تبادل داده‌های اصطلاح‌نامه تهیه شد، اما از آن زمان تا کنون تکامل یافته و دارای نسخه‌ای است که می‌تواند با اس‌آریو (جست‌وجو و بازیابی به وسیله یوآرال^۶؛ بند ۱۸ را ببینید) به کار رود.

- DD 8723-5 - این پیش نویس برای توسعه^۷ که از استانداردهای BSI است، طرح ایکس‌ام‌الی ارائه می‌دهد که قابلیت کاربری برای تبادل یک اصطلاح‌نامه سازگار با BS 8723 [۲۵] را دارد. طرح فوق در <http://schemas.bs8723.org/> قابل دسترسی است. علاوه بر چهار قالب بالا، قالب‌های دیگری نیز گاه برای رفع نیاز حوزه‌هایی خاص به کار می‌روند.

استاندارد ISO 16642 نیز به عنوان چارچوب نشانه‌گذاری اصطلاح‌شناسی (تی‌ام‌اف)^۸ برای نرم‌افزارهای رایانه‌ای اصطلاح‌شناسی به کار می‌رود. این چارچوب برای راهنمایی درباره اصول بنیادین بازنمایی داده‌های ذخیره‌شده در مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناسی، طراحی شده‌است. این چارچوب، دارای فرا-الگو^۹ و روش‌هایی برای توضیح زبان‌های خاص نشان‌گذاری اصطلاح‌شناسی (تی‌ام‌ال‌اس)^{۱۰} که با ایکس‌ام‌ال بیان شده‌اند، می‌باشد. چارچوب فوق برای پشتیبانی و کاربری نرم‌افزارهای کاربردی رایانه‌ای در زمینه داده‌های اصطلاح‌شناسی و تبادل این داده‌ها میان نرم‌افزارهای گوناگون طراحی شده‌است. طبقه‌بندی داده‌ها و روش‌های ذکر خصوصیات ساختارهای داده در ISO 12620 و دیگر استانداردهای جهانی مرتبط بیان گردیده‌است.

1. SKOS (Simple Knowledge Organization System)
3. semantic web
5. Zthes
7. draft for development
9. meta-model

2. W3C (World Wide Web Consortium)
4. RDF (Resource Description Framework)
6. SRU (Search and Retrieval via URL)
8. Terminological Markup Framework (TMF)
10. Terminological Markup Languages (TMLs)

از آن رو که هیچ یک از قالب‌های موجود برای انتقال تمام ویژگی‌های اصطلاح‌نامه‌ای، که از الگوی بند ۱۵ پیروی می‌کند، کافی نیست، استفاده از قالب ایکس‌ام‌ال شرح داده شده در پیوست ب توصیه می‌شود.

به نظر می‌رسد احتمال دارد که برای مدتی چند قالب استاندارد مختلف به‌طور همزمان به کار روند. یک روش برای کمینه ساختن دردهای به‌کارگیری چند قالب، استفاده از یک تبدیل مناسب برای تبدیل داده‌ها است، گرچه احتمالاً بخشی از اطلاعات در صورت تبدیل اصطلاح‌نامه به قالبی که تمام ویژگی‌های قالب اولیه را پشتیبانی نمی‌کند، از دست خواهد رفت. برخی تبدیل‌ها در حال حاضر در دست اجرا هستند. پایگاه اینترنتی مربوط به طرح‌ها (<http://www.niso.org/schemas/iso25964>) فضایی برای مشاهده پیشرفت‌های آتی ارائه می‌دهد.

۱۸. پروتکل‌ها^۱

۱۸-۱. کلیات

پروتکل‌ها ابزاری ضروری در فرایند ارتباطی هستند که استفاده از اصطلاح‌نامه را در شبکه‌های رقومی ممکن می‌سازند. چندین پروتکل در حال حاضر وجود دارند که پرس‌وجوی همزمان^۲ اصطلاح‌نامه را برای اهداف نمایه‌سازی و یا بازیابی اطلاعات به شرح ارائه شده در ۱۶-۳، امکان‌پذیر می‌سازند. اما این حوزه با شتاب در حال پیشروی است و پیشرفت‌های تازه در آن بسیارند. به همین سبب، تهیه فهرستی جامع مقدور نیست. از آن رو که هر پروتکل در مجموعه متفاوتی از شرایط یا محیط‌های کاربردی توانمند است، پروتکل‌های فهرست شده در بندهای ۱۸-۴ و ۱۸-۵ را می‌توان برای کاربردی خاص در نظر گرفت. انتخاب و استفاده از پروتکل باید بر اساس نیازهای هر کاربرد، به‌ویژه با توجه به هدف مورد نظر از آن و محیط نرم‌افزار انجام گیرد.

۱۸-۲. اهداف و موارد استفاده

لازم است میان کشف و شناسایی یک اصطلاح‌نامه کامل یا بازیابی فراداده‌هایی درباره آن، و بازیابی مفاهیم و اصطلاحاتی معین از آن (یا گروه‌های مفاهیم و اصطلاحات) تمایز قایل شویم. از پروتکل‌ها می‌توان برای ارائه و به‌کارگیری اصطلاح‌نامه‌ها، مفاهیم،

1. protocols

2. live querying

اصطلاحات و روابط عضو آن‌ها، برای شرح معنی اصطلاحات و برای تسهیل تعامل پذیری معنایی استفاده کرد. این‌ها همه برای اهداف گسترده‌تر جست‌وجو، مرور اجمالی^۱، کشف، ترجمه، نگاشت، استدلال معنایی^۲، نمایه‌سازی موضوعی و رده‌بندی، برداشت، هشداردهی و غیره انجام می‌گیرند (مرجع [۴۹] را ببینید).

۱۸-۳. محیط و معماری نرم‌افزار

برخی پروتکل‌های موجود به‌طور خاص برای اصطلاحنامه طراحی شده‌اند (۱۸-۴ را ببینید)، اما برخی دیگر پروتکل‌های همه‌منظوره‌ای هستند که برای کار با اصطلاحنامه مورد استفاده قرار می‌گیرند یا به این منظور تنظیم می‌شوند (۱۸-۵ را ببینید). دسته اول، بهره‌برداری بهتر از ساختار و روابط اصطلاحنامه را ممکن می‌سازد، اما ابزارهای همه‌منظوره ممکن است به تلفیق آسان‌تر اصطلاحنامه با کارکردهای دیگر یا مجموعه‌های مهارتی^۳ موجود کمک کنند. در بعضی موارد، مجموعه محدود فراخوانی‌ها که به وسیله یک پروتکل معین اصطلاحنامه‌ای ارائه می‌شود، می‌تواند مزایایی در پنهان‌سازی جزئیات زیرساختار معماری و بازنمایی، در بر داشته‌باشد. از سوی دیگر، پروتکل‌های همه‌منظوره گاه به سبب انعطاف‌پذیری بیشتر، می‌توانند برای طراحان آشنا با آن‌ها، سودمند باشند.

برای کاربردهای خاص، ممکن است در نظر گرفتن کارپایه اجرایی، مانند SOAP [۶۲] یا یک پروتکل سبک‌تر اچ‌تی‌تی‌پی (http) چون REST [۳۴] (و مشابه XML-RPC) یا JSON-RPC [۳۸] لازم باشد. اخیراً اصطلاحنامه‌هایی منتشر شده‌اند که [۴۰] Linked Data در زمره آن‌هاست؛ و این سازوکار رابطی است که بر استفاده از آردی اف و یوآرال‌ها تکیه دارد و می‌توان آن را مشابه REST دانست.

۱۸-۴. پروتکل‌های ویژه اصطلاحنامه

از سه پروتکل باید نام برد:

-- SWAD-E SKOS API - این یک ای‌پی‌آی (رابط برنامه‌ریزی کاربردی)^۴ خدمات شبکه‌ای است که برای ایجاد دسترسی به اصطلاحنامه‌ها و دیگر نظام‌های سازمان‌دهی ساده دانش (اسکاس) از طریق شبکه، طراحی شده‌است [۶۷]. این پروتکل مجموعه‌ای محوری از عملیات را برای دسترسی و پرس‌وجوی برنامه‌نویسی شده اصطلاحنامه، تعریف

1. browsing

2. semantic reasoning

3. skill-set

4. Application Programming Interface (API)

می‌کند. این ای‌پی‌آی گرچه برای فراخوانی خدمات شبکه‌ای طراحی شده، خود، از این گونه جزئیات اجرایی عملی مستقل است. ای‌پی‌آی فوق می‌تواند قابلیت همسازی با قالب‌هایی غیر از اسکاس را هم داشته‌باشد. در حالی که ای‌پی‌آی اسکاس محصول پروژه توسعه پیشرفته شبکه معنایی اروپا (SWAD)^۱ [۴۶] بود، خود اسکاس هنوز به‌دست کارگروه گسترش شبکه معنایی ائتلاف شبکه جهانی^۲ (SWDWG) حفظ شده‌است.

– ای‌پی‌آی‌های دیگر – اقتباس‌های گوناگونی از ای‌پی‌آی اسکاس، در حال حاضر در طیف وسیعی از کارپایه‌ها در دست استفاده است. همچنین پروتکل‌های اصطلاح‌نامه‌ای مشابه مبتنی بر SOAP و REST اما غیرمرتبط نیز وجود دارند. فهرست‌های غیرجامع آن‌ها در مراجع [۳۹] و [۴۷] نگهداری می‌شوند.

– پروتکل اصطلاح‌نامه‌ای ای‌دی‌ال – پروتکل کتابخانه دیجیتال اسکندریه (ای‌دی‌ال)^۳ [۳۶]، پروتکلی برای دستیابی به اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه است که برای استفاده در شبکه جهانی تنظیم شده‌است. این پروتکل امکان پرس‌وجوی همزمان و راهبری اصطلاح‌نامه را فراهم می‌آورد. همچنین یک گزینه اچ‌تی‌تی‌پی^۴ سبک‌تر برای دسترسی به اصطلاح‌نامه نیز ارائه می‌دهد. الگوی اصطلاح‌نامه‌ای این پروتکل با دقت زیادی از ANSI/NISO Z39.19 [22] پیروی می‌کند و تعریف آن در یک طرح ایکس‌ام‌ال مشخص شده‌است.

۱۸-۵. پروتکل‌های همه‌منظوره پایگاه‌داده‌ای مبتنی بر شبکه که با اصطلاح‌نامه‌ها به کار می‌روند

برای برخی کاربردها، یکی از پروتکل‌های همه‌منظوره زیر می‌تواند مناسب باشد:

– خدمات جست‌وجوی شبکه (OASIS) – این پروتکل‌ها بر زمینه یک ای‌پی‌دی^۵ (تعریف انتزاعی پروتکل) [۳۲]، یعنی الگویی مرجع که این پروتکل‌ها و دیگر انواع پروتکل را می‌توان بر اساس آن‌ها تعریف کرد، بنا شده‌اند. برجسته‌ترین آن‌ها OpenSearch [۲۸] و اس‌آریو (جست‌وجو و بازیابی از طریق یو‌آرال) [۴۶] (دارای زبان جست‌وجوی سی‌کیوال^۶ [۲۹] است. OpenSearch که برای کاربری در اسناد ساختارنیافته طراحی شده، ساده‌تر است، اما اس‌آریو امکان مهار بیشتر پرس‌وجو و نتایج را پدید

1. Semantic Web Advanced Development (SWAD)

2. W3C Semantic Web Deployment Working Group (SWDWG)

3. Alexandria Digital Library (ADL) 4. HTTP

5. APD (Abstract Protocol Definition) 6. CQL (Contextual Query Language) زبان پرس‌وجوی زمینه‌ای

می‌آورد. اس‌آریو یک پروتکل جست‌وجوی متمرکز بر ایکس‌ام‌ال برای عبارات جست‌وجوی اینترنتی است. اس‌آریو/سی‌کیوال از سوی کمیته فنی خدمات اینترنتی جست‌وجوی شبکه OASIS [۴۱] در دست‌بازینی است. پروتکلی قدیمی‌تر به نام اس‌آردبلیو^۱ در حال حاضر نسخه‌ای از اس‌آریو (اس‌آریو که مبتنی بر HTTP SOAP است) شناخته می‌شود؛ اس‌آریو مبتنی بر REST است اما اس‌آردبلیو بر مبنای SOAP قرار دارد.

– SPARQL (پروتکل ساده و زبان پرس‌وجوی آردی‌اف) [۶۳] – توصیه‌نامه‌ای رسمی از سوی ائتلاف شبکه جهانی (W3C) از سال ۲۰۰۸ به بعد است که به عنوان فناوری کلیدی شبکه معنایی به دست ائتلاف فوق تهیه و ارتقاء داده شده است. این زبان پرس‌وجوی آردی‌اف برای بیان عبارات جست‌وجو در منابع گوناگون داده به کار می‌رود، چه در حالتی که داده‌ها اصولاً به صورت آردی‌اف ذخیره شده باشند و چه در حالتی که توسط ابزاری واسط، به صورت آردی‌اف مشاهده شوند. SPARQL دارای قابلیت‌های پرس‌وجوی الگوهای نموداری بایسته و اختیاری همراه با اتصال‌ها^۲ و انفصال‌های^۳ آن‌ها است. آن را می‌توان یک زبان پرس‌وجوی همه منظوره دانست (مانند اس‌کیوال برای پایگاه داده‌های رابطه‌ای^۴)، اما برای پرس‌وجو در اصطلاح‌نامه‌های بازنمایی شده در قالب آردی‌اف نیز قابل استفاده است تا امکان انضمام آن با دیگر مجموعه داده‌های آردی‌اف فراهم آید.

– Z39.50 – نام رسمی‌تر این پروتکل ANSI/NISO Z39.50، بازیابی اطلاعات (Z39.50)، تعریف خدمات نرم‌افزار کاربردی و تعیین پروتکل [۲۳] است. اس‌آریو/اس‌آردبلیو را می‌توان شاخه‌هایی برگرفته از پروتکل قدیمی‌تر Z39.50 دانست.

۱. SRW (Search - Retrieve - Web) (اس‌آردبلیو (جستجو - بازیافتن - وب) (مترجم)
 ۲. conjunctions
 ۳. disjunctions
 ۴. relational databases

پیوست آ

(برای اطلاع)

نمونه‌هایی از نمایش‌های موجود در اصطلاح‌نامه‌های منتشر شده

آ.۱. مقدمه

برای تکمیل شکل‌های بند ۱۲، در این پیوست برخی سبک‌های دیگر نمایش که در گزیده‌ای از اصطلاح‌نامه‌های معروف منتشر شده به صورت چاپی یا اینترنتی یافت شده، نشان داده می‌شود. بعضی از آن‌ها ویژگی‌هایی اختیاری دارند که در این بخش از ISO 25964 توضیح داده نشده است و برخی از آن‌ها توصیه‌های پیشنهاد شده در این استاندارد بین‌المللی را، مثلاً با ارائه برچسب‌های غیر استاندارد چندان جدی نگرفته‌اند. اما به هر حال، تمام آن‌ها پیشنهاداتی برای شیوه نمایش داده‌ها ارائه می‌دهند که در زمینه‌های خاصی قابل استفاده است.

آ.۲. اصطلاح‌نامه Inspec

نسخه چاپی اصطلاح‌نامه Inspec دو بخش دارد که دو شکل اصلی نمایش را به ترتیب نشان می‌دهند: نمایش الفبایی، به شرحی که در بند ۱۲-۲-۳ آمد و در شکل آ.۱ نشان داده شده، و نمایش سلسله‌مراتبی، به شرح آمده در بند ۱۲-۲-۴ که در شکل آ.۲ نشان داده شده است. جدول آ.۱ برچسب‌های به‌کاررفته در بخش الفبایی را شرح می‌دهد. برخلاف نمونه نشان داده شده در شکل ۶ از بند ۱۲-۲-۴، اصطلاح‌نامه Inspec اصطلاحات را در لایه رأس به صورت چهریزه‌ای دسته‌بندی نمی‌کند و بنابراین، نمایش سلسله‌مراتبی آن دارای تعداد زیادی از اصطلاحات رأس است که تنها شش تای آن‌ها در شکل آ.۲ دیده می‌شوند. چنان که در شکل آ.۱ می‌توان دید، تمام مدخل‌های اصلی اصطلاحات مرجع در بخش الفبایی دارای یک یا دو خط از اصطلاحات رأس هستند

(TT) که به خواننده کمک می‌کنند موقعیت(های) مربوط را در بخش سلسله‌مراتبی بیابند. برای نمونه، نمایش الفبایی "microphones" نشان می‌دهد که "acoustic equipment" یکی از سه اصطلاح رأس آن است. هم‌تراز با آن، نمایش سلسله‌مراتبی "acoustic equipment" دربرگیرنده "microphones" در زمینه سلسله‌مراتبی بسیار کامل‌تر از آن‌چه که در نمایش الفبایی می‌توان نشان داد، می‌باشد (در شکل ۲.آ با پیکان نشان داده شده‌است).

جدول ۱.آ - برچسب‌های به کاررفته در نمایش الفبایی اصطلاحنامه Inspec

معنی	برچسب
به کار برید (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	USE
به کار می‌رود به جای (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	UF
اصطلاح اعم (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	BT
اصطلاح رأس (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	TT
اصطلاح اخص (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	NT
اصطلاح مرتبط (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	RT
رمزگان رده‌بندی که به یک طرحواره رده‌بندی Inspec جداگانه ارجاع می‌دهد	CC
تاریخ ورود، یعنی تاریخی که اصطلاح مورد نظر وارد اصطلاحنامه شده‌است	DI
اصطلاح پیشین، هنگام لزوم برای بسط جست‌وجو به زمانی پیش از تاریخ ورود اصطلاح کنونی به کار می‌رود	PT ^۱

1. prior term

شکل ۱.آ - نمونه صفحه‌ای از بخش الفبایی اصطلاح‌نامه Inspec ۲۰۰۷

2010 Thesaurus

646

TT	mirrors		radio transmitters
	mirrors		sound reproduction
	optics		television transmitters
RT	optical arrays		transmitters
	optical projectors	CC	A4385; A4388; B6450; B7810C;
CC	A4280A; A4283; B4145		E1780; E3644H
DI	January 2003	DI	January 1969
PT	micro-optics		
	mirrors		
	micromotors		microphony
BT	electric motors		<i>heading was preferred term until</i>
	micromechanical devices		<i>December 1992</i>
	small electric machines	DI	January 1969
TT	machinery		microphotography
	micromechanical devices	UF	microfilming
NT	electrostatic motors	BT	photography
CC	B2575; B8340M; C3260B; C3260P;	TT	photography
	E1780; E2160; E2300; E3642A;	RT	microforms
	E3644V	CC	A0768; C7230
DI	January 1995	DI	January 1973
PT	micromechanical devices	PT	photography
	small electric machines		
	microoptics		microphotometers
USE	micro-optics	USE	densitometry
			photometers
	microorganisms		microphotonics
UF	bacteria	USE	micro-optics
	microbes		micropositioning
	phytoplankton	BT	position control
	plankton	TT	control of specific variables
	viruses, microorganisms	RT	manipulators
	zooplankton		microactuators
RT	biohazards		nanopositioning
	cellular biophysics	CC	A0660S; C3120C; C3260; C3390;
	extraterrestrial life		E1550
	molecular biophysics	DI	January 1999
	sterilisation (microbiological)	PT	position control
CC	A8700		
DI	January 1999		microprobe analysis, electron
		USE	electron probe analysis
	microphone arrays		microprobe analysis, ion
BT	acoustic transducer arrays	USE	ion microprobe analysis
	microphones		
TT	acoustic equipment		microprocessor chips
	arrays	UF	microcomputer chips
	audio equipment		MPU
	transducers		single-chip microcomputers
RT	acoustic signal processing	BT	digital integrated circuits
	array signal processing	TT	networks (circuits)
	direction-of-arrival estimation	NT	coprocessors
CC	A4385; A4388; B6450; B7810C		digital signal processing chips
DI	January 2005		microcontrollers
PT	acoustic transducer arrays		transputers
	microphones	RT	CMOS digital integrated circuits
			large scale integration
	microphones		microcomputers
BT	acoustoelectric transducers		storage management chips
	audio equipment		superconducting processor circuits
TT	acoustic equipment		system-on-chip
	audio equipment		
	transducers	CC	B1265F; B2570; C5130
NT	microphone arrays	DI	January 1977
RT	acoustic receivers	PT	digital integrated circuits
	hydrophones		
	radio studios		microprocessor systems

توجه: تکثیر شده با مجوز Inspec و مؤسسه فناوری مهندسی^۱

شکل ۲.آ - نمونه صفحه‌ای از بخش سلسله‌مراتبی اصطلاح‌نامه Inspec ۲۰۰۲

2010 Hierarchical List of Thesaurus Terms

absorption

- acoustic wave absorption
- • ultrasonic absorption
- alpha-particle absorption
- beta-ray absorption
- electromagnetic wave absorption
- • gamma-ray absorption
- • light absorption
- • • absorption coefficients
- • • optical saturable absorption
- • X-ray absorption
- electron absorption
- hyperon absorption
- meson absorption
- neutron absorption
- proton absorption

accidents

- aerospace accidents
- • air accidents
- electrical accidents
- fission reactor accidents
- • coolant-fuel interactions
- • fuel element failure
- industrial accidents
- marine accidents
- railway accidents
- road accidents

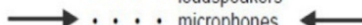
acoustic applications

- acoustic measurement
- • ultrasonic measurement
- ultrasonic applications
- • biomedical ultrasonics
- • • echocardiography
- • ultrasonic bonding
- • ultrasonic cleaning
- • ultrasonic machining
- • ultrasonic materials testing
- • ultrasonic measurement
- • ultrasonic therapy
- • ultrasonic welding

acoustic equipment

- acoustic arrays
- • acoustic transducer arrays
- • • microphone arrays
- • • ultrasonic transducer arrays

- • • headphones
- • • hydrophones
- • • loudspeakers
- • • microphones
- • • • microphone arrays
- • • surface acoustic wave transducers
- • • ultrasonic transducers
- • • ultrasonic transducer arrays
- • acoustic waveguides
- • • surface acoustic wave waveguides
- • acousto-optical devices
- • • acousto-optical deflectors
- • • acousto-optical filters
- • • acousto-optical modulation
- • • acousto-optical signal processing
- • • acousto-optical convolution
- • • acousto-optical correlation
- • • acousto-optical switches
- • acoustoelectric devices
- • • acoustic charge transport devices
- • • acoustoelectric transducers
- • • earphones
- • • headphones
- • • hydrophones
- • • loudspeakers
- • • microphones
- • • • microphone arrays
- • bulk acoustic wave devices
- • musical instruments
- • • bells
- • silencers
- • surface acoustic wave devices
- • • surface acoustic wave couplers
- • • surface acoustic wave delay lines
- • • surface acoustic wave filters
- • • • surface acoustic wave resonator filters
- • • surface acoustic wave oscillators
- • • surface acoustic wave resonators
- • • surface acoustic wave sensors
- • • surface acoustic wave signal processing
- • • surface acoustic wave convolution
- • • surface acoustic wave correlation
- • • surface acoustic wave transducers
- • • surface acoustic wave waveguides
- • ultrasonic devices



ادامه شکل ۲.آ - نمونه صفحه‌ای از بخش سلسله‌مراتبی اصطلاح‌نامه Inspec ۲۰۰۷

- • sonar arrays
- • ultrasonic arrays
- • • ultrasonic transducer arrays
- acoustic devices
- • acoustic couplers
- • • surface acoustic wave couplers
- • acoustic delay lines
- • • surface acoustic wave delay lines
- • • ultrasonic delay lines
- • acoustic filters
- • • acoustic resonator filters
- • • • surface acoustic wave resonator filters
- • • surface acoustic wave filters
- • • • surface acoustic wave resonator filters
- • acoustic generators
- • • loudspeakers
- • acoustic microwave devices
- • acoustic parametric devices
- • acoustic radiators
- • acoustic receivers
- • acoustic resonators
- • • acoustic resonator filters
- • • • surface acoustic wave resonator filters
- • • surface acoustic wave resonators
- • acoustic transducers
- • • acoustic transducer arrays
- • • • microphone arrays
- • • • ultrasonic transducer arrays
- • • acoustoelectric transducers
- • • • earphones
- • • ultrasonic delay lines
- • • ultrasonic motors
- • • ultrasonic transducers
- • • • ultrasonic transducer arrays
- acoustic microscopes
- acoustic wave interferometers
- sound-level meters
- ultrasonic equipment
- • ultrasonic arrays
- • • ultrasonic transducer arrays
- • ultrasonic devices
- • • ultrasonic delay lines
- • • ultrasonic motors
- • • ultrasonic transducers
- • • • ultrasonic transducer arrays
- acoustics**
- aeroacoustics
- atmospheric acoustics
- audio acoustics
- geometrical acoustics
- musical acoustics
- nonlinear acoustics
- • acoustic resonance
- structural acoustics
- • architectural acoustics
- ultrasonics
- underwater sound
- • underwater acoustic propagation
- adaptive systems**
- adaptive filters

توجه: تکثیرشده با مجوز Inspec و مؤسسه فناوری مهندسی

۳.آ. اصطلاح‌نامه هنر و معماری (AAT)^۱

نمایش‌های AAT را می‌توان در اینترنت یا به‌شکل چاپ‌شده یافت و نمونه‌هایی از هر دو سبک نمایش در این‌جا برای مقایسه نشان داده‌شده‌اند، گرچه نسخه چاپی آن امروز دیگر از رده‌خارج به شمار می‌رود. شکل‌های ۳.آ و ۴.آ از ویراست چاپی سال ۱۹۹۴ گرفته

1. Art And Architecture Thesaurus (AAT)

شده‌اند، اما نمایش‌های اینترنتی شکل‌های ۵.آ و ۶.آ، در اکتبر ۲۰۱۰ در http://www.getty.edu/research/conducting_research/vocabularies/aat/ یافت شده‌اند. در حالی که نسخهٔ اینترنتی همراه به‌روزرسانی می‌شود، تولید نسخهٔ چاپی، از این رو که چاپ سالانهٔ چنین اصطلاح‌نامهٔ پر حجمی، غیر عملی دانسته شد، از سال ۱۹۹۴ به بعد متوقف گشت. هرجا میان نمایش‌های شکل‌های ۳.آ و ۴.آ با شکل‌های ۵.آ و ۶.آ اختلافی دیده شود، به این سبب است که نسخهٔ چاپی اکنون از رده‌خارج شناخته می‌شود.

شکل ۳.آ - جزئیاتی از صفحه‌ای در بخش الفبایی نسخهٔ چاپی اصطلاح‌نامه هنر و معماری

Key-Kho

keys, pass USE master keys	rugs, Khaden rugs, sitting-sleeping sitting-sleeping rugs	Khami FL.138
keys, pipe USE pipe keys	Khadens USE khadens	khanates HN.45 HN January 1993 descriptor added ALT khanate SN Administrative bodies subject to a khan.
keys, push USE push keys	khaen TT.125 (L) SN Motuh organs of Laos and Thailand, consisting of a set of bamboo pipes grouped in two rows and graduated from longest to shortest, held together by a windchest they pierce through. The reeds of copper or silver are mounted in the pipe walls within the windchest, and the fingerholes are cut in the pipes within fingers' reach above the windchest.	Khasack USE Kazak
keys, round USE round keys	UF kaen khen	khaya USE African mahogany
keys, skeleton USE skeleton keys	khagangmas TC.61 ALT khagangma SN Small Tibetan rugs usually smaller than 3 feet square placed as the top rug on a pile of rugs for sitting.	Khaya anotheca USE white mahogany
keys, sliding-door USE sliding-door keys	UF carpets, meditation carpets, Tibetan sitting meditation carpets sitting carpets, Tibetan Tibetan sitting carpets	Khaydarabad-Tepe FL.1796 HN April 1993 descriptor moved
keys, stop USE stop keys	khaki USE light olive brown light yellowish brown moderate yellowish brown	Khazineh FL.3097
keys, submaster USE submaster keys	khalams TT.314 ALT khalam SN Five-string plucked lutelike chordophones of the Wolof people of Senegal and the Gambia, having a narrow boat-shaped soundbox and an unfretted cylindrical neck.	khelim USE kilims
keys, thrust USE push keys	UF halams xalams	khen USE khaen
keys, warded USE warded keys	---	khevenhuller hats USE kevenhullers
keys, wing USE wing keys		Khiliji USE Khalji
keystones PJ.2024 (A,B,R) HN March 1993 descriptor moved ALT keystone SN The central wedge-shaped voussoirs in arches or vaults; also, similar elements used as ornaments on the heads of doors or windows. (IGA) UF key blocks (keystones)		khilims USE kilims
keywork PJ.3228 SN Use to denote collectively the various mechanical contrivances devised to supplement the fingers in controlling the fingerholes of aerophones. (GROVE) UF key systems systems, key		Khirbet Kerak FL.3028 HN May 1993 descriptor added UF burnished, red-black red-black burnished
keywork, Boehm USE Boehm system		Khirbet Kerak ware HN May 1993 descriptor split, use Khirbet Kerak + ware
		khivi USE claw hammers
		Khmer FL.2499 (A,L,B)

توجه: تکثیرشده از جلد ۴ (صفحه ۲۵۷) از اصطلاح‌نامه هنر و معماری، اثر

پیترسن، تونی (۱۹۹۴) با اجازه از شرکت نشر دانشگاه آکسفورد نشانگان ساده‌ترتیبی که در ستون سمت چپ شکل آ.۴ نشان داده شده، تنها در نسخ چاپی AAT به چشم می‌خورد و از سوی اجراکنندگان برای ساخت سلسله‌مراتب‌ها به کار می‌رفت. به این ترتیب، اصطلاح "keystones" را می‌توان با رجوع به PJ.2024 در سلسله‌مراتب پیدا کرد. این نشانگان در نمایش‌های اینترنتی کاربردی ندارد و دیده نمی‌شود.

در نسخه‌های چاپی، چنان که در شکل آ.۳ دیده می‌شود، فقط اطلاعات کمی درباره هر اصطلاح ارائه می‌شد. در نمایش اینترنتی، که تعداد کل صفحات، عامل محدودکننده‌ای نیست، آن گونه که در شکل آ.۵ می‌بینیم، اطلاعات بسیار بیشتری درباره هر اصطلاح داده می‌شود.

جدول آ.۲- برچسب‌های به‌کاررفته در نمایش الفبایی AAT

معنی	برچسب
یادداشت دامنه (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	SN
به کار برید (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	USE
به کار می‌رود به جای (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	UF
توصیفگر اضافی، برای ارائه وجه مفرد علاوه بر جمع	ALT
یادداشت پیشینه (جدول ۱، بند ۴ را ببینید)	HN

برای کمک به نمایش ساختار سلسله‌مراتبی مطابق با شکل‌های آ.۴ و آ.۶، AAT از «اصطلاحات راهنما»^۱ در میان دو قلاب گوشه‌دار، مثلاً *حُمُولفه‌ها برحسب زمینه متنی خاص*، استفاده می‌کنند. همانند عبارات راهنما که در بند ۱۱ شرح داده شد، اصطلاحات راهنما، اعم تلقی نمی‌شوند و به عنوان اصطلاح نمایه‌سازی نیز به کار نمی‌روند؛ این اصطلاح‌ها از لحاظ نوشتاری و از روی قلاب‌های گوشه‌دار دربرگیرنده‌شان، از اصطلاحات اصطلاح‌نامه متمایز می‌شوند.

شکل ۶ - جزئیات صفحه‌های از بخش بالابودن از نسخه ۱.۱ اصطلاح‌نامه هنر و معماری

	components
	<i><components by specific context></i>
	architectural elements
	<i><structural elements and structural element components></i>
PJ.2010	<i><structural element components></i>
PJ.2011	<i><arch, dome or vault components></i>
PJ.2012	crowns (architectural elements)
PJ.2013	extradoses
PJ.2014	intradoses
PJ.2015	ribs
PJ.2016	diagonal ribs
PJ.2017	flying ribs
PJ.2018	lierncs
PJ.2019	ridge ribs
PJ.2020	tiarcerons
PJ.2021	transverse ribs
PJ.2022	wall ribs
PJ.2023	voussoirs
PJ.2024	keystones
PJ.2025	key consoles
PJ.2026	springers
PJ.2027	<i><balloon and platform frame components></i>
PJ.2028	headers
PJ.2029	ledger boards
PJ.2030	plates (balloon and platform frame components)
PJ.2031	sill plates
PJ.2032	wall plates (structural element components)
PJ.2033	roof plates
PJ.2034	rough sills
PJ.2035	studs (structural components)
PJ.2036	trimmers
PJ.2037	<i><rolled sections></i>
PJ.2038	angles (rolled sections)
PJ.2039	channels (rolled sections)
PJ.2040	H-beams
PJ.2041	I-beams

توجه: تکثیرشده از جلد ۲ (صفحه ۲۰۴) از اصطلاح‌نامه هنر و معماری، اثر پیترسن، تونی (۱۹۹۴) با اجازه شرکت نشر دانشگاه آکسفورد

شکل ۵.آ - نمایش تک‌مدرکی از اصطلاح‌نامه اینترنتی هنر و معماری

ID: 300001183

Record Type: concept

 **keystones** (voussoirs, <arch, dome or vault components>, ... Components (Hierarchy Name))

Note: Central wedge-shaped voussoirs in arches or vaults; also, similar elements used as ornaments on the heads of doors or windows.

Terms:

keystones (preferred, C,U,English-P,D,U,PN)
keystone (C,U,English,AD,U,SN)
key blocks (keystones) (C,U,English,UF,U,N)
clefs de voûte (C,U,French-P,D,U,PN)
clef de voûte (C,U,French,AD,U,SN)
claves (arco) (C,U,Spanish-P,D,U,PN)
clave (arco) (C,U,Spanish,AD,U,SN)

Facet/Hierarchy Code: V,PJ

Hierarchical Position:

```

      Objects Facet
      .... Components (Hierarchy Name) (G)
      ..... components (objects) (G)
      ..... <components by specific context> (G)
      ..... architectural elements (G)
      ..... <structural elements and structural element components> (G)
      ..... <structural element components> (G)
      ..... <arch, dome or vault components> (G)
      ..... voussoirs (G)
      ..... keystones (G)
    
```

Sources and Contributors:

clave (arco)..... [CDBP-DIBAM Preferred]
 Alvarez et al., Diccionario de la decoración (1968) 162
 claves (arco)..... [CDBP-DIBAM]
 Comité, Plural del término en singular
 clef de voûte..... [CHIN, VP]
 CHIN database
 clefs de voûte..... [CHIN Preferred]
 CHIN database
 key blocks (keystones)..... [VP]
 Dictionary of Architecture and Construction (1975) key blocks
 Getty Vocabulary Program rules
 RILA, Subject Headings (1975-1990) key blocks
 keystone..... [VP]
 Getty Vocabulary Program rules
 keystones..... [VP Preferred]
 Avery Index (1963-) (source AAT)
 Dictionary of Architecture and Construction (1975) illustration
 Lever and Harris, Illustrated Glossary of Architecture (1966) illustration
 Pierce, From Abacus to Zeus (1987) illustration, 5
 RIBA, Architectural Keywords (1982)
 RILA, Subject Headings (1975-1990)

Subject: [CDBP-DIBAM, CHIN, VP]
 CHIN database
 RIBA, Architectural Keywords (1982) Arches: keystones

Note:

English..... [VP]
 Lever and Harris, Illustrated Glossary of Architecture (1966)

توجه: گزیده‌هایی از اصطلاح‌نامه اینترنتی هنر و معماری که با اجازه مؤسسه پژوهشی گتی^۱ به کار رفته‌اند. شرح کامل نشان‌ها، رمزگان و کوتاه‌نوشت‌های ذکر شده در این شکل را می‌توان در آدرس زیر یافت:

<http://www.getty.edu/research/tools/vocabularies/aat/about.html>

1. Getty Research Institute

شکل ۶.آ - صفحه‌ای از نمایش سلسله‌مراتبی نشان‌دهنده "keystones" از اصطلاحنامه اینترنتی هنر و معماری

Research

Research Home ▶ Conducting Research ▶ Art & Architecture Thesaurus ▶ Hierarchy Display

Art & Architecture Thesaurus® Online
Hierarchy Display

[New Search](#) [Previous Page](#) [Help](#)

[View Selected Records](#) [Clear All](#)

Click the icon to view the hierarchy.
Check the boxes to view multiple records at once.

- ☐ Top of the AAT hierarchies
- ☐ Objects Facet
- ☐ Components (Hierarchy Name)
- ☐ components (objects)
- ☐ <components by specific context>
- ☐ architectural elements
- ☐ <structural elements and structural element components>
- ☐ <structural element components>
- ☐ <arch, dome or vault components>
- ☐ voussoirs
- ☐ **keystones**
- ☐ key consoles

[New Search](#)

[Back to top](#)

[Printer-friendly version](#)

The J. Paul Getty Trust

© 2004 J. Paul Getty Trust
[Terms of Use](#) / [Privacy Policy](#) / [Contact Us](#)

توجه: گزیده‌هایی از اصطلاحنامه اینترنتی هنر و معماری که با اجازه مؤسسه پژوهشی گتی به کار رفته‌اند. شرح کامل نشان‌ها، رمزگان و کوتاه‌نوشت‌های ذکر شده در این شکل را می‌توان در آدرس زیر یافت:

<http://www.getty.edu/research/tools/vocabularies/aat/about.html>

۴.آ. واژگان یکپارچه بخش عمومی (آی پی اس وی)^۱

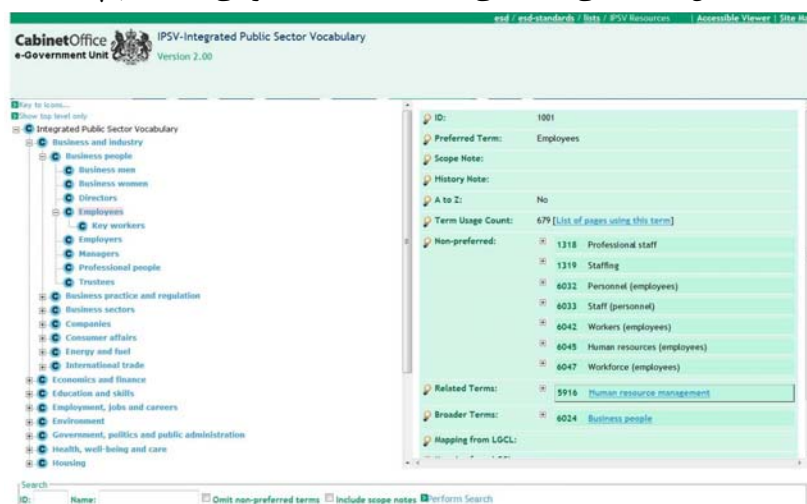
آی پی اس وی نسخه چاپی ندارد. نسخه الکترونیک آن (هم مرورگر^۲ تعاملی اینترنتی آن و هم فایل های قابل دریافت در قالب های مختلف) با میزبانی ابزار ای اس دی^۳ در آدرس زیر موجود است:

<http://www.esd.org.uk/standards/ipsv/>

نمایش اینترنتی آی پی اس وی (آن گونه که در اکتبر ۲۰۱۰ ارائه و سپس در <http://www.esd.org.uk/standards/ipsv/2.00/viewer/> نگهداری شد) نمای سلسله مراتبی را با نمایش مدرک کامل برای هر مفهوم، در صفحه ای واحد، همانند شکل ۷.آ ترکیب می کند.

این نمایش، علاوه بر ویژگی های استاندارد، مانند نشان دادن اصطلاحات نامرجح و اصطلاحات مرتبط، پیوندهایی به منابع نمایه سازی شده به وسیله واژگان مورد نظر ارائه می دهد، چنان که در برجسب های «تعداد کاربردهای اصطلاح»^۴ و «فهرست صفحات حاوی این اصطلاح» دیده می شود. همچنین نگاشت هایی از واژه نامه های دیگر مانند ال جی سی ال (فهرست مقوله ای دولت محلی)^۵ و ال جی اس ال (فهرست خدمات دولت محلی)^۶ را در بر دارد.

شکل ۷.آ - نمایشی تک مدرکی از IPSV، با نمای سلسله مراتبی در سمت چپ



1. Integrated Public Sector Vocabulary
2. viewer
3. esd-toolkit
4. term usage count
5. Local Government Category List (LGCL)
6. Local Government Service List (LGSL)

۵.آ. اصطلاح‌نامه یونسکو^۱

اصطلاح‌نامه یونسکو به چهار زبان تهیه گردیده، و در شکل‌های ۸.آ و ۹.آ که در اکتبر ۲۰۱۰ در <http://databases.unesco.org/thesaurus/> یافت شده، نشان داده شده‌است. درون فهرست سلسله‌مراتبی اصلی، شکل ۹.آ از بخش «علوم اجتماعی و انسانی» برگرفته شده و خود به چندین «اصطلاح‌نامه خرد» تقسیم می‌شود. برچسب "MT" اصطلاح‌نامه خردی را که اصطلاح مورد نظر به آن تعلق دارد، نشان می‌دهد (که در مورد شکل ۹.آ، «روانشناسی» است). نمایش‌های اینترنتی الفبایی و سلسله‌مراتبی، درباره مقدار اطلاعات ارائه شده برای هر اصطلاح، تصمیمات متفاوتی می‌گیرند و با سبک نمایش الفبایی قدیمی و مرسوم در نسخه‌های چاپی تفاوت چندانی ندارند. نمایش‌های متناظر به زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی و روسی موجود است.

شکل ۸.آ - بریده‌ای از نمایش اینترنتی الفبایی اصطلاح‌نامه یونسکو



The screenshot displays the UNESCO Thesaurus interface. At the top, it says "2 records found for: **behaviour**". Below this, it instructs the user to "Click on the [number] to display the records indexed with that descriptor in unesdoc/unesbib." The main content area shows the term "Behaviour" with its descriptor [407]. Below the term, it lists translations: "Terme français: Comportement", "Término español: Comportamiento", and "Русский термин: Поведение". A list of related terms follows, each with a descriptor in brackets: "MT 4.10 Psychology", "UF Human behaviour", "NT Emotions [85]", "NT Lateral dominance [5]", "NT Psychological effects [276]", "...NT2 Mental stress [68]", "NT Sensorimotor activities [13]", "...NT2 Perception [147]", "...NT2 Visualization [28]", "NT Sexual behaviour [319]", "NT Unconscious [9]", "...NT2 Sleep [17]", "RT Behavioural sciences [95]", "RT Human nature [95]", "RT Motivation [379]", "RT Philosophy of action [25]", and "RT Psychology [361]".

توجه: این بریده از اصطلاح‌نامه یونسکو © ۲۰۰۹ با کسب اجازه از یونسکو در این جا ارائه شده‌است.

شکل ۹.آ - بریده‌ای از نمایش اینترنتی سلسله‌مراتبی اصطلاح‌نامه یونسکو



UNESCO Thesaurus

8 records found for: **Psychology**

Click on the [number] to display the records indexed with that descriptor in unesdoc/unesbib.

Term: **Attitudes** [407]

MT **4.10 Psychology**
NT Attitude change [299]
NT Intolerance [80]
NT Prejudice [64]
NT Tolerance [363]

Term: **Behaviour** [407]

MT **4.10 Psychology**
UF Human behaviour
NT Emotions [85]
NT Lateral dominance [5]
NT Psychological effects [276]
....NT2 Mental stress [68]
NT Sensorimotor activities [13]
....NT2 Perception [147]
....NT2 Visualization [28]
NT Sexual behaviour [319]
NT Unconscious [9]
....NT2 Sleep [17]

Term: **Cognition** [385]

MT **4.10 Psychology**
UF Cognitive processes

توجه: این بریده از اصطلاح‌نامه یونسکو © ۲۰۰۹ با کسب اجازه از یونسکو در این جا ارائه شده‌است.

۶.۱. AGROVOC

AGROVOC، اصطلاحنامه چندزبانه منتشر شده از سوی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)^۱ در ۱۶ صفحه در آدرس اینترنتی زیر قابل دسترسی و جست‌وجو است: <http://aims.fao.org/website/AGROVOCThesaurus/sub> چنان که در شکل ۱۰.آ (برداشت شده در اکتبر ۲۰۱۰) نشان داده شده، نمایش سلسله‌مراتبی یک مفهوم، اصطلاحات اعم و اخص آن را در همه لایه‌های بالایی و پایینی، و همچنین اصطلاحات مرتبط به آن را نشان می‌دهد.

شکل ۱۰.آ - نمایش سلسله‌مراتبی "wildlife" در AGROVOC

The screenshot displays the AGROVOC Thesaurus interface. On the left is a sidebar with the FAO logo and navigation links like 'FAO Home', 'AIMS Home', 'Latest News', 'Events Service', 'Standards', 'Projects', 'Publications', 'Registry of tools', and 'Communities'. The main content area is titled 'Agricultural Information Management Standards (AIMS)' and shows the hierarchy for 'Wildlife'. It includes a search bar, a language dropdown set to 'English', and a 'Find Term' button. The hierarchy is displayed as a tree structure with terms and their counts in parentheses: 'Wildlife (8389)' branches into 'NT Wild animals (24103)', 'NT Game (3179)', and 'NT Wild plants (24126)'. 'NT Game' further branches into 'NT Game mammals (3182)', 'NT game birds (3180)', and 'NT game fishes (3181)'. 'NT Wild plants' branches into 'RT biota', 'RT Nature reserves', and 'RT wildlife management'. On the right, there are sections for 'RELATED LINKS' (AGRIS search engine, AgrFeeds, CIARD Ring, e-agriculture, VERCON) and 'PARTNERSHIPS' (CIARD).

توجه: تصویر صفحه‌ای از AGROVOC که با اجازه سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) تکثیر شده است.

۷.۱. اصطلاحنامه عمومی چندزبانه محیط زیست (GEMET)

GEMET، در نشانی اینترنتی زیر اصطلاحات را به ۲۸ زبان ارائه می‌دهد که در نمایش

1. Food and Agriculture Organization Of The United Nations (FAO)
2. General Multilingual Environmental Thesaurus (GEMET)

تک‌مدرکی شکل ۱۱.آ نشان داده شده‌است:

<http://www.eionet.europa.eu/gemet/about?langcode=en>

مفاهیم به روش‌های گوناگون سازمان‌دهی شده‌اند تا کاربر بتواند آن‌ها را از روی حروف الفبا (شکل ۱۲.آ) را ببیند) یا بر اساس «زمینه موضوعی» (شکل ۱۳.آ) یا بر اساس «گروه» (شکل ۱۴.آ) بیابد.

نمایش الفبایی به‌طور کلی خود را از قید برچسب‌های مرسوم NT، BT و غیره رها کرده‌است (جدول ۱ بند ۳ را ببینید)، اما راهبری میان زبان‌ها بستگی زیادی به برچسب‌های زبان ISO 639-1 و RFC 4646[45] دارد که در بند ۹-۴ توصیه شده‌است.

شکل ۱۱.آ- نمایش کامل مدرک مربوط به "employment" در GEMET

The screenshot shows the EIONET GEMET Thesaurus web interface. The main content area displays the entry for 'employment'. The definition is: 'The work or occupation in which a person is employed. (Source: CED)'. Below the definition, there are sections for 'broader terms' (labour) and 'narrower terms' (employment and environment, employment level effect, employment structure, occupational status, termination of employment, trade (profession), unemployment). To the right, there is a list of translations in various languages, including Arabic, Bulgarian, Czech, Danish, German, Greek, English (US), Spanish, Estonian, Basque, Finnish, French, Irish, Hungarian, Italian, Lithuanian, Latvian, Maltese, Dutch, Norwegian, Polish, Portuguese, Romanian, Russian, Slovak, Slovenian, Swedish, and Turkish.

توجه: تصویر صفحه‌ای از اصطلاح‌نامه GEMET که با اجازه مؤسسه محیط زیست اروپا (EEA)^۱ در این جا به کار رفته‌است.

GEMET - GEMET Thesaurus - ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰۱۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰

EEA | EnviroWindows

Login | Acronyms | Search Search Eionet

EIONET
GEMET Thesaurus

SERVICES | REPORTNET | TOOLS | TOPICS (ETCS)

You are here: Eionet» GEMET

Local navigation

- » User directory
- » Roles
- » NFP/Eionet IG
- » Mails to NFPs
- » SERIS
- » Eionet Wiki
- » Workplan/planner
- » Meetings & events
- » Priority dataflows
- » SOER2010

Find a person

Thematic Listings | INSPIRE Spatial Data Themes | **Alphabetic Listings** | Hierarchical Listings | Search Thesaurus

Select language: ar | bg | cs | da | de | el | en | en-US | es | et | eu | fi | fr | ga | hu | it | lv | mt | nl | no | pl | pt | ro | ru | sk | sl | sv | tr

Alphabetic listing of terms

emancipation	emission reduction banking
embryo	emission register
embryogenesis	emission situation
emergency law	emission source
emergency lodging	emission standard
emergency plan	emission to water
emergency relief	employment
emergency relief measure	employment and environment
emergency shelter	employment level effect
emission	employment structure
emission control	emulsification
emission data	emulsion
emission factor	encapsulation
emission forecast	encyclopaedia
emission reduction	end-of-pipe technology

[Previous](#) 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 [Next](#)

[all](#) [a](#) [b](#) [c](#) [d](#) [e](#) [f](#) [g](#) [h](#) [i](#) [j](#) [k](#) [l](#) [m](#) [n](#) [o](#) [p](#) [q](#) [r](#) [s](#) [t](#) [u](#) [v](#) [w](#) [x](#) [y](#) [z](#) [other](#)

[Download](#) | [Administration](#) | [Alphabets](#) | [About GEMET](#) | [Web services](#) | [Definition sources](#)

GEMET - Concepts, version 2.4, 2010-01-13

Document last modified 2010/01/18 13:23:32 GMT+1. Content in this portal is [modified daily](#) by a community of providers - [Disclaimer](#).

[Notifications](#) | [Validate HTML](#)

توجه: تصویر صفحه‌ای از اصطلاح‌نامه GEMET که با اجازه مؤسسه محیط زیست اروپا (EEA) در این جا به کار رفته‌است.

شکل ۱۳. آ- فهرست زمینه موضوعی در GEMET

توجه: تصویر صفحه‌ای از اصطلاح‌نامه GEMET که با اجازه مؤسسه محیط زیست اروپا (EEA) در این جا به کار رفته‌است.

شکل ۱۴. آ- بریده‌ای از فهرست گروه‌ها در GEMET

توجه: تصویر صفحه‌ای از اصطلاحنامه GEMET که با اجازه مؤسسه محیط زیست اروپا (EEA) در این جا به کار رفته است.

۸.آ. اصطلاحنامه UNBIS

اصطلاحنامه سامانه اطلاعات کتاب‌شناختی سازمان ملل متحد^۱ (UNBIS) به ۶ زبان در آدرس اینترنتی <http://unhq-appspub-01.un.org/LIB/DHLUNBISThesaurus.nsf> منتشر شده، که در شکل ۱۵.آ (برگرفته در اکتبر ۲۰۱۰) دیده می‌شود. نمایش مربوط به یک مفهوم معین را یا با جست‌وجوی مستقیم و یا با مرور بر فهرستی از مقوله‌ها که در زیر هر یک، اصطلاحات مرتبط به شکل الفبایی مرتب شده‌اند، می‌توان یافت.

شکل ۱۵.آ - نمایش کامل یک مفهوم واحد در اصطلاحنامه UNBIS

 UNBIS THESAURUS DAQ HAMMARSKJÖLD LIBRARY UN Home Library Home UNBISnet About the UNBIS Thesaurus New Terms Links		
Full Display		
Back		
علوم الحیاة - 16.05.00 سلوك الحيوان روابط المتعلقات: مصطلحات أعم: علم الحيوان مصطلحات مترابطة: الحيوانات مصطلحات أعلى: العلم والتكنولوجيا	动物行为 16.05.00 - 生命科学 同义关系: 广义词: 动物学 相关词: 动物 族首词: 科学和技术	ANIMAL BEHAVIOUR 16.05.00 - LIFE SCIENCES Used For: ETHOLOGY Term Relationships: Broader terms: ZOOLOGY Related terms: ANIMALS Top terms: SCIENCE AND TECHNOLOGY
COMPORTEMENT ANIMAL 16.05.00 - SCIENCES DE LA VIE Relations: Termes génériques: ZOOLOGIE Termes associés: ANIMAUX Termes génériques supérieurs: SCIENCE ET TECHNOLOGIE	Поведение животных 16.05.00 - НАУКИ О ЖИЗНИ Использовать вместо: Этология Связь с другими терминами: Более широкие термины: Зоология Смежные термины: Животные Головные термины: Наука и техника	COMPORTAMIENTO ANIMAL 16.05.00 - CIENCIAS BIOLÓGICAS Relaciones: Términos genéricos: ZOOLOGIA Términos relacionados: ANIMALES Términos genéricos superiores: CIENCIA Y TECNOLOGÍA

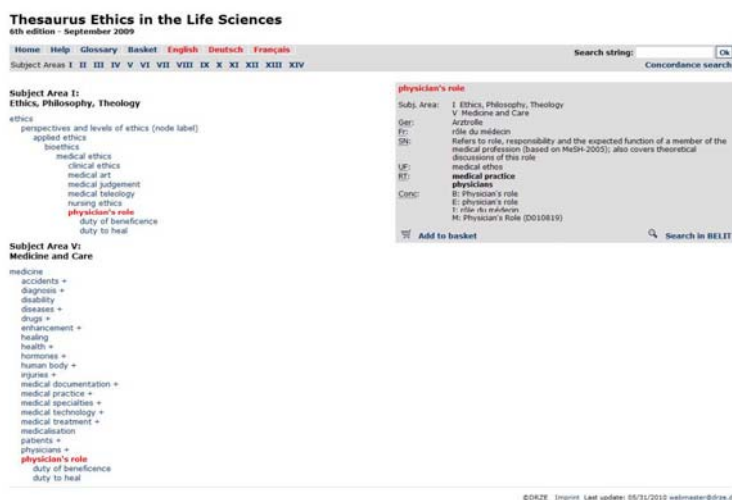
توجه: نمایشی از اصطلاحنامه UNBIS که با اجازه سازمان ملل متحد، ارائه شده است.

1. United Nations Bibliographic Information System (UNBIS)

۹.آ. اصطلاح‌نامه اخلاق در علوم زیستی

این اصطلاح‌نامه که در آدرس <http://www.drze.de/thesaurus> قابل دسترس است، به سه زبان می‌باشد و ویژگی آن صفحه نمایشی دوبخشی است که نمایش سلسله‌مراتبی را در سمت چپ و جزئیات کامل مفهوم را در سمت راست نشان می‌دهد. مفاهیم به ۱۴ حوزه موضوعی عام دسته‌بندی شده‌اند و یک مفهوم ممکن است در بیش از یک حوزه موضوعی ظاهر شود (مثال شکل ۱۶.آ)، برگرفته شده در اکتبر ۲۰۱۰ را ببینید). برچسب "Conc" نماینده^۱ "concordance" است و نگاشت‌هایی به اصطلاحات به‌کاررفته برای همان مفهوم در چند اصطلاح‌نامه دیگر، ارائه می‌دهد. خصیصه^۲ «به سبب اضافه کن»^۳ به کار نمایه‌سازان می‌آید و به آن‌ها امکان گردآوری و در صورت نیاز یادداشت‌نویسی بر اصطلاحات انتخاب‌شده را همزمان با نمایه‌سازی می‌دهد. خصیصه^۴ «در BELIT جست‌وجو کن» به کار کاربرانی می‌آید که می‌خواهند در پایگاه داده‌های نوشتجات اخلاق زیستی^۳ با استفاده از اصطلاحات برگزیده از اصطلاح‌نامه، جست‌وجو کنند.

شکل ۱۶.آ - نمایش صفحه دوبخشی در اصطلاح‌نامه اخلاق در علوم زیستی



توجه: نمایشی از اصطلاح‌نامه اخلاق در علوم زیستی که با کسب اجازه از DRZE، مرکز آلمانی مرجع برای اخلاق در علوم زیستی^۴ ارائه شده‌است.

۱. فهرست لغات

2. add to basket 3. bioethics literature database
4. German Reference Centre for Ethics in the Life Sciences

پیوست ب (برای اطلاع)

طرح ایکس ام ال برای تبادل داده

طرحی مخصوص استفاده در تبادل تمام یا بخشی از اصطلاح نامه که از الگوی داده ای نشان داده شده در بند ۱۵ برگرفته شده است و در نشانی اینترنتی زیر قابل دسترسی است:
<http://www.niso.org/schemas/iso25964/>
همین پایگاه اینترنتی، فضایی برای افزودن متن، مثلاً ثبت اصطلاح نامه هایی که با این طرح رمزگذاری شده اند، در اختیار کاربر قرار داده است.

فهرست منابع

Standards publications

- [1] ISO 9:1995, *Information and documentation — Transliteration of Cyrillic characters into Latin characters — Slavic and non-Slavic languages*
- [2] ISO 233 (all parts), *Information and documentation — Transliteration of Arabic characters into Latin characters*
- [3] ISO 259 (all parts), *Information and documentation — Transliteration of Hebrew characters into Latin characters*
- [4] ISO 639-1, *Codes for the representation of names of languages — Part 1: Alpha-2 code*
- [5] ISO 639-2, *Codes for the representation of names of languages — Part 2: Alpha-3 code* [For information, see <http://www.loc.gov/standards/iso639-2/faq.html>]
- [6] ISO 843, *Information and documentation — Conversion of Greek characters into Latin characters*
- [7] ISO 999, *Information and documentation — Guidelines for the content, organization and presentation of indexes*
- [8] ISO 2709, *Information and documentation — Format for information exchange*
- [9] ISO 3166 (all parts), *Codes for the representation of names of countries and their subdivisions*
- [10] ISO 8601, *Data elements and interchange formats — Information interchange — Representation of dates and times*

- [11] ISO 9984:1996, *Information and documentation — Transliteration of Georgian characters into Latin characters*
- [12] ISO 9985:1996, *Information and documentation — Transliteration of Armenian characters into Latin characters*
- [13] ISO 11940:1998, *Information and documentation — Transliteration of Thai*
- [14] ISO 12199, *Alphabetical ordering of multilingual terminological and lexicographical data represented in the Latin alphabet*
- [15] ISO 12620, *Terminology and other language and content resources — Specification of data categories and management of a Data Category Registry for language resources*
- [16] ISO 16642, *Computer applications in terminology — Terminological markup framework*
- [17] ISO 25577, *Information and documentation — MarcXchange*
- [18] ISO/IEC 8859-1, *Information technology — 8-bit single-byte coded graphic character sets — Part 1: Latin alphabet No. 1*
- [19] ISO/IEC 10646, *Information technology — Universal Coded Character Set (UCS)*
- [20] ISO/IEC 14651, *Information technology — International string ordering and comparison — Method for comparing character strings and description of the common template tailorable ordering*
- [21] ISO/TR 11941:1996, *Information and documentation — Transliteration of Korean script into Latin characters*
- [22] ANSI/NISO Z39.19:2005, *Guidelines for the Construction, Format, and Management of Monolingual Controlled Vocabularies*. Available at: <http://www.niso.org/standards/z39-19-2005/>
- [23] ANSI/NISO Z39.50:2003, *Information Retrieval: Application Service Definition & Protocol Specification*. Available at: <http://www.niso.org/standards/z39-50-2003/>
- [24] BS 1749, *Recommendations for alphabetical arrangement and the filing order of numbers and symbols*
- [25] BS 8723, *Structured vocabularies for information retrieval — Guide*

Other documents

- [26] *Art & architecture thesaurus, 2nd ed.* New York; Oxford: Oxford University Press on behalf of the Getty Art History Information Program, 1994. In 5 vols. A continuously updated version is available on the Internet at:
http://www.getty.edu/research/conducting_research/vocabularies/aat
- [27] Barry, Randall K., compiler and editor. *ALA-LC romanization tables: transliteration schemes for nonroman scripts*. Washington, DC: Library of Congress, Network Development and M ARC Standards Office, 1997. ISBN 0-8444-0940-5. Also available at: <http://www.loc.gov/catdir/cpso/roman.html>
- [28] Clinton, DeWitt. *OpenSearch 1.1, draft 3*. Palo Alto, CA: A9.com, Inc. Available at:
http://www.opensearch.org/Specifications/OpenSearch/1.1/Draft_4 [Latest version available at:
<http://www.opensearch.org/Specifications/OpenSearch/1.1>]
- [29] *CQL: Contextual Query Language*. Washington, DC: Library of Congress. Available at: <http://www.loc.gov/standards/sru/specs/cql.html>
- [30] Davis, Mark, and Ken Whistler. *Unicode Collation Algorithm, version. 5.1.0*. Unicode Technical Standard #10. Mountain View, CA: The Unicode Consortium, 28 March 2008. Available at: <http://unicode.org/reports/tr10/>
- [31] DCMI Registry Task Group. *Registry List* [metadata schema, terminology or ontology]. Available at: http://wiki.metadataregistry.org/Registry_list
- [32] Denenberg, Ray. "Search Web Services — The OASIS SWS Technical Committee Work: The Abstract Protocol Definition, OpenSearch Binding, and SRU/CQL 2.0." *D-Lib Magazine*, 15 (1/2), January/February 2009. Available at: <http://www.dlib.org/dlib/january09/denenberg/01denenberg.html>
- [33] Dublin Core Metadata Initiative. *Dublin core metadata element set, version 1.1*. DCMI recommendation, 11 October 2010. Latest version available at <http://dublincore.org/documents/dces/> [Full set of DCMI standards available at <http://dublincore.org/>]
- [34] Fielding, R. T. "Representational State Transfer (REST)." In: *Architectural Styles and the Design of Network-based Software Architectures, Chapter 5*. University of California Irvine Ph.D. Dissertation, 2000. Available at: http://www.ics.uci.edu/~fielding/pubs/dissertation/rest_arch_style.htm
- [35] Internet Assigned Numbers Authority. *Language Subtag Registry*. Available at: <http://www.iana.org/assignments/language-subtag-registry>

- [36] Janée, G., S. Ikeda, and L.L. Hill. *The ADL Thesaurus Protocol* — Version 1.0, 2002. Latest version available at <http://www.alexandria.ucsb.edu/thesaurus/specification.html>
- [37] Joint Steering Committee for Revision of AACR. *Anglo-American cataloguing rules, 2nd ed., 2002 revision with 2004 update*. London: Facet Publishing for Chartered Institute of Library and Information Professionals, 2004. ISBN 0-85604-469-6
- [38] *JSON-RPC Specification*. JSON-RPC.ORG, 2005. Available at: <http://json-rpc.org/wiki/specification>
- [39] *KOS-based web services*. Pontypridd, UK: University of Glamorgan. Available at: http://hypermedia.research.glam.ac.uk/kos/terminology_services/links/
- [40] *Linked Data* [website]. Available at: <http://linkeddata.org/>
- [41] *OASIS Search Web Services Technical Committee* [webpage]. Available at: http://www.oasisopen.org/committees/tc_home.php?wg_abbrev=search-ws
- [42] Object Management Group. *Unified Modeling Language™: UML® resource page*. Needham, MA: Object Management Group, 2007. [Available at <http://www.uml.org/>.]
- [43] Object Management Group. *Unified Modeling Language (UML), version 2.1.2*. Needham, MA: Object Management Group, 2007. Available at <http://www.omg.org/technology/documents/formal/uml.htm>
- [44] Object Management Group. *Unified Modeling Language Specification, version 1.4.2*. Needham, MA: Object Management Group, January 2005. Available at: <http://www.omg.org/spec/UML/ISO/19501/PDF/> [Also available from ISO as ISO/IEC 19501:2005]
- [45] Phillips, A. and M. Davis, eds. *Tags for identifying languages*, RFC 4646. The Internet Society, September 2006. Available at <http://www.rfc-editor.org/rfc/rfc4646.txt>
- [46] *SRU: Search/Retrieve via URL, version 1.2*. Washington, DC: Library of Congress. Available at: <http://www.loc.gov/standards/sru/>
- [47] STITCH (Semantic Interoperability To access Cultural Heritage). *Repository — Related Work* [webpage]. Available at: <http://www.cs.vu.nl/STITCH/repository/services.html>
- [48] *SWAD-Europe* [website]. Available at: <http://www.w3.org/2001/sw/Europe/>

-
- [49] Tudhope, Douglas, Traugott Koch, and Rachel Heery. *Terminology Services and Technology: JISC state of the art review*. Bath, UK: UKOLN, 15 September 2006. Available at: http://www.jisc.ac.uk/media/documents/programmes/capital/terminology_services_and_technology_review_sep_06.pdf
 - [50] The Unicode Consortium. *The Unicode Standard, Version 5.1.0*, defined by: The Unicode Standard, Version 5.0. (Boston, MA, Addison-Wesley, 2007. ISBN 0-321-48091-0), as amended by Unicode 5.1.0. Available at: <http://www.unicode.org/versions/Unicode5.1.0/> [See also The Unicode Character Code Charts By Script, available at <http://www.unicode.org/charts/>]
 - [51] US Library of Congress Network Development and MARC Standards Office. *MARC Standards*. <http://www.loc.gov/marc/authority/>
 - [52] US Library of Congress Network Development and MARC Standards Office. *MARC 21 format for authority data*. Washington, DC: Library of Congress. Concise version available online at: <http://www.loc.gov/marc/authority/>
 - [53] US Library of Congress Network Development and MARC Standards Office. *MARC 21 format for classification data*. Washington, DC: Library of Congress. Concise version available online at: <http://www.loc.gov/marc/classification/>
 - [54] US Library of Congress. *MADS (Metadata Authority Description Schema)*. Washington, DC: Library of Congress. Available at <http://www.loc.gov/standards/mads/>
 - [55] World Wide Web Consortium. *Character model for the World Wide Web 1.0: Fundamentals*. W3C Recommendation, 15 February 2005. Latest version available at <http://www.w3.org/TR/charmod>
 - [56] World Wide Web Consortium. *Character model for the World Wide Web 1.0: Normalization*. W3C Working Draft, 27 October 2005. Latest version available at <http://www.w3.org/TR/charmod-norm>
 - [57] World Wide Web Consortium. *Extensible Markup Language (XML) 1.0 (fifth edition)*. W3C Recommendation 26 November 2008. Available at: <http://www.w3.org/TR/2008/REC-xml-20081126/> [Latest version available at <http://www.w3.org/TR/xml>]
 - [58] World Wide Web Consortium. *Extensible Markup Language (XML) 1.1 (second edition)*. W3C Recommendation, 16 August 2006, edited in place 29 September 2006. Available at: <http://www.w3.org/TR/2006/REC-xml11-20060816/>

- [59] World Wide Web Consortium. *HTML 4.01 specification*. W3C Recommendation, 24 December 1999. Latest version available at <http://www.w3.org/TR/html401>
- [60] World Wide Web Consortium. *SKOS Simple Knowledge Organization System Reference*. W3C Recommendation, 18 August 2009. Latest version available at <http://www.w3.org/TR/skos-reference>
- [61] World Wide Web Consortium. *SKOS Simple Knowledge Organization System Primer*. W3C Working Group Note, 18 August 2009. Latest version available at <http://www.w3.org/TR/skos-primer>
- [62] World Wide Web Consortium. *SOAP Version 1.2*. W3C Recommendation, 27 April 2007. Available at: <http://www.w3.org/TR/soap12>
- [63] World Wide Web Consortium. *SPARQL Protocol for RDF*. W3C Recommendation, 15 January 2008. Available at: <http://www.w3.org/TR/rdf-sparql-protocol/>
- [64] World Wide Web Consortium. *XML Schema Part 0: Primer Second Edition*. W3C Recommendation, 28 October 2004. Available at <http://www.w3.org/TR/xmlschema-0/>
- [65] World Wide Web Consortium. *XML Schema Part 1: Structures Second Edition*. W3C Recommendation, 28 October 2004. Available at <http://www.w3.org/TR/xmlschema-1/>
- [66] World Wide Web Consortium. *XML Schema Part 2: Datatypes Second Edition*. W3C Recommendation, 28 October 2004. Available at <http://www.w3.org/TR/xmlschema-2/>
- [67] World Wide Web Consortium, Information Society Technologies and SWAD Europe. *SKOS API (Simple Knowledge Organization Systems Application Programming Interface)*. Latest version available at <http://www.w3.org/2001/sw/Europe/reports/thes/skosapi.html>
- [68] *XML-RPC* [website]. UserLand Software, Inc. Available at: <http://www.xmlrpc.com/>
- [69] Zthes Working Group. *The Zthes specifications for thesaurus representation, access and navigation*. 17 February 2006. Available at: <http://zthes.z3950.org/>

واژه‌نامه انگلیسی - فارسی

(BTI) broader term (instantial)	اصطلاح اعم (موردی)
(BTP) broader term (partitive)	اصطلاح اعم (جزئی)
(NTI) narrower term (instantial)	اصطلاح اخص (موردی)
(NTP) narrower term (partitive)	اصطلاح اخص (جزئی)
a posteriori	رابطه پسینی
abbreviated	مخفف
abbreviated terms	اصطلاحات مخفف
abbreviation	کوتاه نوشت
abstract concept	مفهوم انتزاعی
add to basket	به سبد اضافه کن
adjective phrases	عبارت صفتی
adjectives	صفت‌ها
adverbs	قیده‌ها
aggregation	تجمع
Alexandria Digital Library (ADL)	کتابخانه دیجیتال اسکندریه
all-and-some test	آزمون همه و برخی
analyzing terms	تحلیل اصطلاحات
annotations	حاشیه‌نویسی
APD (Abstract Protocol Definition)	ای‌پی‌دی (تعریف انتزاعی پروتکل)

Application Programming Interface (API)	رابط برنامه‌ریزی کاربردی (ای‌پی‌آی)
array	آرایه
Art and Architecture Thesaurus (AAT)	اصطلاح‌نامه هنر و معماری
artificiality	ساختگی بودن
associated	هم‌بسته
attribute	خصیصه
authority records	مدارک مستند
automated agents	عوامل خودکار
automatic categorization schemes	طرح‌های خودکار مقوله‌بندی
backfile	مدرک پیشین
bibliographic databases	پایگاه داده‌های کتابشناختی
bioethics literature database	پایگاه داده‌های نوشتجات اخلاق زیستی
bliss bibliographic classification	رده‌بندی کتابشناختی بلیس
Boolean	بولی
Boolean logic	منطق بولی
broader	اعم
broader term	اصطلاح اعم
broader/narrower equivalence	هم‌ارزی اعم/اخص
browsing	مرور اجمالی
candidate preferred term	اصطلاح مرجح احتمالی
captions	برنوشت‌ها
cause/effect	علت و معلول
character encoding	رمزگذاری نویسه‌ها
character strings	رشته‌های نویسه‌ای
characteristic of division	مشخصه بخش‌پذیری
class	رده
classification	رده‌بندی کردن
classification schemes	طرحواره‌های رده‌بندی

classified sequence	توالی رده‌ای
classifying	رده‌بندی
clustering	خوشه‌سازی
codes	رمزگان
coexistence	همزیستی
coined	ابداعی
coined term	اصطلاح ابداعی
collapse	فروپاشی
common names	اسامی عام
complex concepts	مفاهیم پیچیده
compound	مرکب
compound equivalence	هم‌ارزی مرکب
compound term	اصطلاح مرکب
computer application	برنامه کاربردی رایانه‌ای
computer presentation	بازنمایی رایانه‌ای
concept	مفهوم
concept code or notation	نشانه رده‌بندی یا رمزگان مفهوم
concept group	گروه مفهومی
concept identifier	شناسه مفهوم
conceptual basis	شالوده مفهومی
concordance	فهرست لغات
conjunctions	اتصال
connector	حرف ربط
contributor	ارائه‌دهنده
controlled vocabulary	واژگان مهارشده
corporate bodies	تنالگان‌ها
cost benefit analysis	تحلیل هزینه - سود
count nouns	اسامی قابل شمارش

coverage	پوشش‌دهی
CQL (Contextual Query Language)	سی‌کی‌وال (زبان پرس‌وجوی زمینه‌ای)
cross-language	میان‌زبانی
cross-language equivalence	هم‌ارزی میان‌زبانی
custom attributes	خصیصه‌های سفارشی
customized relationship	روابط سفارشی
data import/export	ورود/خروج داده‌ها
data model	الگوی داده‌ای
definitions	تعاریف
degrees of equivalence	درجات هم‌ارزی
descriptor	توصیفگر
desktop	روی‌میز
Dewey Decimal Classification	رده‌بندی دهدهی دیویی
diamond symbol	نماد الماس
difference	متمیز
digital documents	مدارک رقمی
directory	راهنما
disambiguation	ابهام‌زدایی
disjunctions	انفصال
displays	نمایش‌ها
distributed search	جست‌وجوی توزیعی
document	سند
documentation	مستندسازی
document-dependent	وابسته به سند
domain	قلمرو
draft for development	پیش‌نویس برای توسعه
Dublin Core Metadata Initiative (DCMI)	طرح فراداده‌ای هستهٔ دوبلین
Dublin Core	هستهٔ دوبلین

Dublin Core Metadata	فراداده هسته دوبلین
editorial interface	رابط ویرایشی
editorial safeguards	تدابیر ایمنی ویرایشی
entities	موجودیت‌ها
entry term	اصطلاح مدخل
equivalence across languages	هم‌ارزی میان زبان‌ها
equivalence mapping	نگاشت هم‌ارزی
equivalence relationship	رابطه هم‌ارزی
esd-toolkit	ابزار ای‌اس‌دی
European Environment Agency (EEA)	مؤسسه محیط زیست اروپا
exact equivalence	هم‌ارزی کامل
exchange format	قالب تبادل
explicit scope note	یادداشت دامنه صریح
expressive notation	نشانگان رده‌بندی گویا
facet	چهریزه
facet analysis	تحلیل چهریزه‌ای
facet indicator	چهریزه‌نما
filing order	نظم برگه‌آرایی
filing sequences	توالی برگه‌آرایی
flag	نشان
Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)	سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)
form of terms	شکل اصطلاحات
free-text search systems	سامانه‌های جست‌وجوی متن-آزاد
FT/AB (full term/abbreviation)	اصطلاح کامل/کوتاه‌نوشت
full form of the term	شکل کامل اصطلاح
General Multilingual Environmental Thesaurus (GEMET)	اصطلاح‌نامه عمومی چندزبانه محیط زیست

generalization	تعمیم
generic relationship	رابطهٔ نسلی
German Reference Centre for Ethics in the Life Sciences	مرکز آلمانی مرجع برای اخلاق در علوم زیستی
gerund	اسم مصدر
Getty Research Institute	مؤسسه پژوهشی گتی
group	گروه
guide terms	اصطلاحات راهنما
has-a relationship	رابطهٔ دارد - یک
heading	سرعنوان
headings	سرعنوان‌ها
hierarchical whole-part relationship	رابطهٔ کل - جزء سلسله‌مراتبی
history note	یادداشت پیشینه
homograph	هم‌نویسه
homographic terms	اصطلاحات هم‌نوشتار
homographs	هم‌نویسه‌ها
homonym	هم‌نام
homonyms	هم‌نام‌ها
HTML (Hypertext Markup Language)	اچ‌تی‌ام‌ال (زبان نشان‌گذاری ابرمتنی)
human resource management	مدیریت منابع انسانی
hyperlink	ابریوند
identifier	شناسه
ideographic	اندیشه‌نگارانه
import/export	ورود و خروج
index term	اصطلاح نمایه‌ای
indexes	نمایه‌ها
indexing	نمایه‌سازی کردن
indexing term	اصطلاح نمایه‌سازی

inexact or near-equivalence	هم ارزی ناقص یا تقریبی
information retrieval	بازیابی اطلاعات
inherent	ذاتی
inherent category	مقوله ذاتی
initial articles	حرف تعریف آغازین
instance relationship	رابطه موردی
Integrated Public Sector Vocabulary (IPSV)	واژگان یکپارچه بخش عمومی (آی‌پی‌اس‌وی)
interface	رابط
interoperability	تعامل‌پذیری
interplay	اندرکنش
is-a relationship	رابطه یک...است
jargon	واژگان صنفی
key/keyref	کلید/کلیدمرجع
KWIC (key word in context)	کوویک (کلیدواژه در متن)
KWOC (key word out of context)	کووک (کلیدواژه خارج از متن)
language codes	رمزگان زبان
Latin names	نام‌های لاتین
layout	صفحه‌بندی
lead-in term	سراسطلاح
lexical value	ارزش لغوی
library science	علم کتابخانه‌ای
line-number	شماره - خط
linguistic	زبان‌شناختی
lisibilité (calligraphie)	خوانایی (خوش‌نویسی)
live querying	پرس‌وجوی همزمان
loan term	اصطلاح وام‌گرفته
loan terms	اصطلاحات وام‌گرفته

Local Government Category List (LGCL)	فهرست مقوله‌ای دولت محلی
Local Government Service List (LGSL)	فهرست خدمات دولت محلی
machine-readable	قابل خواندن به وسیله ماشین
mapping	نگاشت
MARC (Machine-Readable Cataloguing)	مارک (فهرست‌نویسی قابل خوانش به وسیله ماشین)
MARC Authorities format	قالب مستندات مارک
marker	نشانگر
markup	نشان‌گذاری
markup language	زبان نشان‌گذاری
metadata	فراداده
Metadata Authority Description Schema (MADS)	طرح فراداده‌ای توصیف مستند (مدس)
meta-model	فراالگو
microform	ریزنکاشت
microthesaurus	اصطلاح‌نامه خُرد
misspelling	املاي نادرست
modifier	توضیحگر
monohierarchical	تک‌سلسله‌مراتبی
monohierarchical structure	ساختار تک‌سلسله‌مراتبی
monolingual thesauri	اصطلاح‌نامه تک‌زبانه
morphologically	به لحاظ ساختوازی
morphology	ساختوازی
multi-word terms	اصطلاحات چندواژه‌ای
multilingual complications	پیچیدگی‌های چندزبانه
multilingual thesaurus	اصطلاح‌نامه چندزبانه
multi-word	چندواژه‌ای
multi-word term	اصطلاح چندواژه‌ای
name authority lists	فهرست مستند اسامی

naming conventions	قراردادهای نام‌گذاری
narrower	اخص
narrower concept	مفهوم اخص
near-synonym	نیمه مترادف
neologisms	نوواژه‌ها
networked search	جستجوی شبکه‌ای
node label	عبارت راهنما
nomenclatures	فهرست اصطلاحات
non-alphabetic characters	نویسه‌های غیرالفبایی
non-descriptor	ناتوصیفگر
non-equivalence	عدم هم‌ارزی
normalization	بهنجارسازی
notation	نشانگان رده‌بندی
noun component	مؤلفه اسمی
noun phrases	عبارت‌های اسمی
ontologies	هستی‌شناسی‌ها
ordered	نظم‌یافته
overlapping meaning	هم‌پوشانی معنایی
overloading	گرانباری
paradigmatic	جانشینی
paradigmatic relationship	رابطه جانشینی
parent term	اصطلاح والد
patent rights	حقوق ثبت اختراعات
permuted display	نمایش گردشی
place names	اسامی مکان
plural	جمع
polyhierarchical	چندسلسله‌مراتبی
polyhierarchical relationships	روابط چندسلسله‌مراتبی

polyhierarchical structure	ساختار چندسلسله‌مراتبی
popular names	نام‌های متداول
portal	درگاه
post-coordinate	پس‌همارا
post-coordination	پس‌همارایی
posting	جای‌گماری
pre-coordinate	پیش‌همارا
pre-coordination	پیش‌همارایی
preferred term	اصطلاح مرجح
prepositional phrases	گروه حرف‌افزافه‌ای
presentation	ارائه
printed indexes	نمایه‌های چاپی
prior term	اصطلاح پیشین
priori relationship	رابطه پیشینی
proper names	اسامی خاص
protocol	پروتکل
qualifier	توضیح‌گر کیفی
quasi-synonym	شبه‌مترادف
RDF (Resource Description Framework)	آردی‌اف (چارچوب توصیف منبع)
reader-friendly	خواننده‌پسند
reciprocal references	ارجاعات دوسویه
reciprocal scope notes	یادداشت دامنه دوسویه
registries	فهرست‌های ثبت
related terms	اصطلاحات مرتبط
relational databases	داده‌های رابطه‌ای
relationships between concepts	روابط میان مفاهیم
retention	نگهداری
schedule	فرانما

schedule of concepts	فرانمای مفاهیم
schema	طرح
scheme	طرحواره
science libraries	کتابخانه‌های علمی
scientific names	نام‌های علمی
scope note	یادداشت دامنه
search explosion	انفجار جست‌وجو
search term	اصطلاح جست‌وجو
semantic reasoning	استدلال معنایی
semantic web	شبکه معنایی
Semantic Web Advanced Development (SWAD)	توسعه پیشرفته شبکه معنایی اروپا
separate	جداگانه
SHL	اس‌اچ‌ال
sibling concept	مفهوم خویشاوند
sibling concepts	مفاهیم خویشاوند
sibling term	اصطلاح خویشاوند
single-record display	نمایش تک‌مدرکی
single-word terms	اصطلاحات تک‌واژه‌ای
singular	مفرد
skill-set	مجموعه‌های مهارتی
SKOS (Simple Knowledge Organization System)	اسکاس (نظام ساده سازماندهی دانش)
slang terms	اصطلاحات عامیانه
sociative relationship	رابطه همبستگی
sorting order	نظم رج‌آرایی
source language	زبان مبدأ
specificity	جزء‌نگری
splitting	شکستن
split non-preferred terms	اصطلاحات نامرجح مجزا

spreadsheet	صفحه گسترده
SRU (Search and Retrieval via URL)	اس آر یو (جست‌وجو و بازیابی به وسیله یو آر ال)
SRW (Search - Retrieve - Web)	اس آر دبلیو (جستجو - بازیافتن - وب)
standards policy and strategy committee	کمیته تدابیر و خط‌مشی‌های استانداردها
stem variants	متغیرهای ریشه‌ای
string	رشته
structured vocabulary	واژگان ساختاریافته
subject category	مقوله موضوعی
subject heading	سرعنوان موضوعی
subject heading language	زبان سرعنوان موضوعی
subject heading list	فهرست سرعنوان موضوعی
subject heading scheme	طرحواره سرعنوان موضوعی
subject heading schemes	طرحواره‌های سرعنوان‌های موضوعی
sublanguages	زیرشاخه‌های زبان
subordinate term	اصطلاح فرودست
superordinate term	اصطلاح فرادست
symbols	نمادها
symmetrical	متقارن
syntagmatic	همنشینی
syntagmatic relationship	رابطه همنشینی
systematic sequence	توالی نظام‌مند
tabular presentation	ارائه جدولی شکل
target language	زبان مقصد
term	اصطلاح
term identifier	شناسه اصطلاحات
Term Usage Count	تعداد کاربردهای اصطلاح
Terminological Markup Framework (TMF)	چارچوب نشانه‌گذاری اصطلاح‌شناسی

Terminological Markup Languages (TMLs)

زبان‌های خاص نشان‌گذاری اصطلاح‌شناسی (تی‌ام‌ال)

terminology registry	فهرست ثبت اصطلاحات
theme	زمینه موضوعی
thesaurus	اصطلاح‌نامه
thesaurus management software	نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه
three-way relationship	رابطه سه‌سویه
top term	اصطلاح رأس
topographical features	خصیصه‌های مکان‌نگاری
trade names	نام‌های تجاری
transaction log	گزارش تراکنش
transliteration	ترجمه حروف به حروف
transliteration	ترجمه حروف به حروف
transpose	ترانهش
tree structure	ساختار درختی
triangle symbol	نماد مثلث
UML (Unified Modeling Language)	یوام‌ال (زبان مدل‌سازی یکپارچه)
UNESCO	یونسکو
Unicode Collation Algorithm	الگوریتم تطبیقی یونی‌کد
unit of thought	واحد اندیشه
United Nations Bibliographic Information System (UNBIS)	سامانه اطلاعات کتاب‌شناختی سازمان ملل متحد
Universal Character Set (UCS)	مجموعه علائم جهانی
Universal Decimal Classification	رده‌بندی دهدهی جهانی
USE	به کار برید
verbal label	برچسب زبانی
verbs	فعل‌ها
version history	پیشینه نسخه
very large scale integration	ادغام در مقیاس بسیار وسیع

viewer	مرورگر
vocabulary	واژگان
vocabulary control	مهار واژگان
W3C (World Wide Web Consortium)	ائتلاف شبکه جهانی
W3C Semantic Web Deployment Working Group (SWDWG)	کارگروه گسترش شبکه معنایی ائتلاف شبکه جهانی
wording	واژه‌بندی
XML (Extensible Markup Language)	ایکس‌ام‌ال (زبان نشان‌گذاری توسعه‌پذیر)

واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

coined	ابداعی
hyperlink	ابریوند
esd-toolkit	ابزار ای‌اس‌دی
disambiguation	ابهام‌زدایی
conjunctions	اتصال
HTML (Hypertext Markup Language)	اچ‌تی‌ام‌ال (زبان نشان‌گذاری ابرمتی)
narrower	اخص
very large scale integration	ادغام در مقیاس بسیار وسیع
presentation	ارائه
contributor	ارائه‌دهنده
tabular presentation	ارائه جدولی‌شکل
reciprocal references	ارجاعات دوسویه
lexical value	ارزش لغوی
SHL	اس‌اچ‌ال
proper names	اسامی خاص
common names	اسامی عام
count nouns	اسامی قابل شمارش
place names	اسامی مکان
SRW (Search - Retrieve - Web)	اس آر دبلیو (جستجو - بازیافتن - وب)

SRU (Search and Retrieval via URL)	اس آر یو (جست‌وجو و بازیابی به وسیله یو آر ال)
semantic reasoning	استدلال معنایی
SKOS (Simple Knowledge Organization System)	اسکاس (نظام ساده سازماندهی دانش)
gerund	اسم مصدر
term	اصطلاح
coined term	اصطلاح ابداعی
(NTP) narrower term (partitive)	اصطلاح اخص (جزئی)
(NTI) narrower term (instantial)	اصطلاح اخص (موردی)
broader term	اصطلاح اعم
(BTP) broader term (partitive)	اصطلاح اعم (جزئی)
(BTI) broader term (instantial)	اصطلاح اعم (موردی)
prior term	اصطلاح پیشین
search term	اصطلاح جست‌وجو
multi-word term	اصطلاح چندواژه‌ای
sibling term	اصطلاح خویشاوند
top term	اصطلاح رأس
superordinate term	اصطلاح فرادست
subordinate term	اصطلاح فرودست
FT/AB (full term/abbreviation)	اصطلاح کامل / کوتاه‌نوشت
entry term	اصطلاح مدخل
preferred term	اصطلاح مرجع
candidate preferred term	اصطلاح مرجع احتمالی
compound term	اصطلاح مرکب
index term	اصطلاح نمایه‌ای
indexing term	اصطلاح نمایه‌سازی
parent term	اصطلاح والد
loan term	اصطلاح وام‌گرفته
single-word terms	اصطلاحات تک‌واژه‌ای

multi-word terms	اصطلاحات چندواژه‌ای
guide terms	اصطلاحات راهنما
slang terms	اصطلاحات عامیانه
abbreviated terms	اصطلاحات مخفف
related terms	اصطلاحات مرتبط
split non-preferred terms	اصطلاحات نامرغوب مجزا
loan terms	اصطلاحات وام گرفته
homographic terms	اصطلاحات هم‌نوشتار
thesaurus	اصطلاح‌نامه
monolingual thesauri	اصطلاح‌نامه تک‌زبانه
multilingual thesaurus	اصطلاح‌نامه چندزبانه
اصطلاح‌نامه عمومی چندزبانه محیط زیست	
General Multilingual Environmental Thesaurus (GEMET)	
Art and Architecture Thesaurus (AAT)	اصطلاح‌نامه هنر و معماری
microthesaurus	اصطلاح‌نامه خُرد
broader	اعم
misspelling	املاي نادرست
interplay	اندرکنش
ideographic	اندیشه‌نگارانه
search explosion	انفجار جست‌وجو
disjunctions	انفصال
APD (Abstract Protocol Definition)	ای‌پی‌دی (تعریف انتزاعی پروتکل)
XML (Extensible Markup Language)	ایکس‌ام‌ال (زبان نشان‌گذاری توسعه‌پذیر)
W3C (World Wide Web Consortium)	ائتلاف شبکه جهانی
array	آرایه
RDF (Resource Description Framework)	آردی‌اف (چارچوب توصیف منبع)
all-and-some test	آزمون همه و برخی
computer presentation	بازنمایی رایانه‌ای

information retrieval	بازیابی اطلاعات
verbal label	برچسب زبانی
computer application	برنامه کاربردی رایانه‌ای
captions	برنوشت‌ها
Boolean	بولی
add to basket	به سبد اضافه کن
USE	به کار برید
morphologically	به لحاظ ساختوازی
normalization	بهنجارسازی
bibliographic databases	پایگاه داده‌های کتابشناختی
bioethics literature database	پایگاه داده‌های نوشتجات اخلاق زیستی
live querying	پرس‌وجوی همزمان
protocol	پروتکل
post-coordinate	پس‌همارا
post-coordination	پس‌همارایی
coverage	پوشش‌دهی
multilingual complications	پیچیدگی‌های چندزبانه
draft for development	پیش‌نویس برای توسعه
pre-coordinate	پیش‌همارا
pre-coordination	پیش‌همارایی
version history	پیشینه نسخه
aggregation	تجمع
analyzing terms	تحلیل اصطلاحات
facet analysis	تحلیل چهریزه‌ای
cost benefit analysis	تحلیل هزینه - سود
editorial safeguards	تدابیر ایمنی ویرایشی
transpose	ترانهش
transliteration	ترجمه حروف به حروف

transliteration	ترجمه حرف به حرف
definitions	تعاریف
interoperability	تعامل پذیری
Term Usage Count	تعداد کاربردهای اصطلاح
generalization	تعمیم
monohierarchical	تک سلسله مراتبی
corporate bodies	تئالگان‌ها
filing sequences	توالی برگه آرایی
classified sequence	توالی رده‌ای
systematic sequence	توالی نظام‌مند
Semantic Web Advanced Development (SWAD)	توسعه پیشرفته شبکه معنایی اروپا
descriptor	توصیفگر
modifier	توضیحگر
qualifier	توضیحگر کیفی
paradigmatic	جانشینی
posting	جای گماری
separate	جداگانه
specificity	جزء‌نگری
networked search	جستجوی شبکه‌ای
distributed search	جستجوی توزیعی
plural	جمع
Terminological Markup Framework (TMF)	چارچوب نشانه گذاری اصطلاح شناسی
polyhierarchical	چند سلسله مراتبی
multi-word	چندواژه‌ای
facet	چهریزه
facet indicator	چهریزه نما
annotations	حاشیه نویسی
initial articles	حرف تعریف آغازین

connector	حرف ربط
patent rights	حقوق ثبت اختراعات
attribute	خصیصه
custom attributes	خصیصه‌های سفارشی
topographical features	خصیصه‌های مکان‌نگاری
lisibilité (calligraphie)	خوانایی (خوش‌نویسی)
reader-friendly	خواننده‌پسند
clustering	خوشه‌سازی
relational databases	داده‌های رابطه‌ای
degrees of equivalence	درجات هم‌ارزی
portal	درگاه
inherent	ذاتی
interface	رابط
Application Programming Interface (API)	رابط برنامه‌ریزی کاربردی (ای‌پی‌آی)
editorial interface	رابط ویرایشی
a posteriori	رابطهٔ پسینی
priori relationship	رابطهٔ پیشینی
paradigmatic relationship	رابطهٔ جانشینی
has-a relationship	رابطهٔ دارد - یک
three-way relationship	رابطهٔ سه‌سویه
hierarchical whole-part relationship	رابطهٔ کل - جزء سلسله‌مراتبی
instance relationship	رابطهٔ موردی
generic relationship	رابطهٔ نسلی
equivalence relationship	رابطهٔ هم‌ارزی
sociative relationship	رابطهٔ همبستگی
syntagmatic relationship	رابطهٔ همنشینی
is-a relationship	رابطهٔ یک...است
directory	راهنما

class	رده
classifying	رده‌بندی
Universal Decimal Classification	رده‌بندی دهدهی جهانی
Dewey Decimal Classification	رده‌بندی دهدهی دیویی
bliss bibliographic classification	رده‌بندی کتابشناختی بلیس
classification	رده‌بندی کردن
string	رشته
character strings	رشته‌های نویسه‌ای
codes	رمزگان
language codes	رمزگان زبان
character encoding	رمزگذاری نویسه‌ها
polyhierarchical relationships	روابط چندسلسله‌مراتبی
customized relationship	روابط سفارشی
relationships between concepts	روابط میان مفاهیم
desktop	روی‌میز
microform	ریزنکاشت
subject heading language	زبان سرعنوان موضوعی
source language	زبان مبدأ
target language	زبان مقصد
markup language	زبان نشان‌گذاری
linguistic	زبان‌شناختی
زبان‌های خاص نشان‌گذاری اصطلاح‌شناسی (تی‌ام‌ال)	
Terminological Markup Languages (TMLs)	
theme	زمینه موضوعی
sublanguages	زیرشاخه‌های زبان
monohierarchical structure	ساختار تک‌سلسله‌مراتبی
polyhierarchical structure	ساختار چندسلسله‌مراتبی
tree structure	ساختار درختی

artificiality	ساختگی بودن
morphology	ساختواژی
	سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)
Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)	
free-text search systems	سامانه‌های جست‌وجوی متن-آزاد
	سامانه اطلاعات کتاب‌شناختی سازمان ملل متحد
United Nations Bibliographic Information System (UNBIS)	
lead-in term	سراصلح
heading	سرعنوان
subject heading	سرعنوان موضوعی
headings	سرعنوان‌ها
document	سند
CQL (Contextual Query Language)	سی کیوال (زبان پرس‌وجوی زمینه‌ای)
conceptual basis	شالوده مفهومی
semantic web	شبکه معنایی
quasi-synonym	شبه مترادف
splitting	شکستن
form of terms	شکل اصطلاحات
full form of the term	شکل کامل اصطلاح
line-number	شماره - خط
identifier	شناسه
term identifier	شناسه اصطلاحات
concept identifier	شناسه مفهوم
adjectives	صفت‌ها
layout	صفحه‌بندی
spreadsheet	صفحه گسترده
schema	طرح
	طرح فراداده‌ای توصیف مستند (مدس)
Metadata Authority Description Schema (MADS)	

Dublin Core Metadata Initiative (DCMI)	طرح فراداده‌ای هسته دوبلین
scheme	طرحواره
classification schemes	طرحواره‌های رده‌بندی
subject heading schemes	طرحواره‌های سرعنوان‌های موضوعی
subject heading scheme	طرحواره سرعنوان موضوعی
automatic categorization schemes	طرح‌های خودکار مقوله‌بندی
node label	عبارت راهنما
adjective phrases	عبارت صفتی
noun phrases	عبارت‌های اسمی
non-equivalence	عدم هم‌ارزی
cause/effect	علت و معلول
library science	علم کتابخانه‌ای
automated agents	عوامل خودکار
meta-model	فراالگو
metadata	فراداده
Dublin Core Metadata	فراداده هسته دوبلین
schedule	فرانما
schedule of concepts	فرانمای مفاهیم
collapse	فروپاشی
verbs	فعل‌ها
nomenclatures	فهرست اصطلاحات
terminology registry	فهرست ثبت اصطلاحات
Local Government Service List (LGSL)	فهرست خدمات دولت محلی
subject heading list	فهرست سرعنوان موضوعی
concordance	فهرست لغات
name authority lists	فهرست مستند اسامی
Local Government Category List (LGCL)	فهرست مقوله‌ای دولت محلی
registries	فهرست‌های ثبت

machine-readable	قابل خواندن به وسیله ماشین
exchange format	قالب تبادل
MARC Authorities format	قالب مستندات مارک
naming conventions	قراردادهای نام‌گذاری
domain	قلمرو
adverbs	قیده‌ها
کارگروه گسترش شبکه معنایی ائتلاف شبکه جهانی	
W3C Semantic Web Deployment Working Group (SWDWG)	
Alexandria Digital Library (ADL)	کتابخانه دیجیتالی اسکندریه
science libraries	کتابخانه‌های علمی
key/keyref	کلید/کلیدمرجع
standards policy and strategy committee	کمیته تدابیر و خط‌مشی‌های استاندارد‌ها
abbreviation	کوتاه‌نوشت
KWOC (key word out of context)	کووِک (کلیدواژه خارج از متن)
KWIC (key word in context)	کوویک (کلیدواژه در متن)
overloading	گرانباری
group	گروه
prepositional phrases	گروه حرف‌اضافه‌ای
concept group	گروه مفهومی
transaction log	گزارش تراکنش
Unicode Collation Algorithm	الگوریتم تطبیقی یونی‌کد
data model	الگوی داده‌ای
مارک (فهرست‌نویسی قابل خوانش به وسیله ماشین)	
MARC (Machine-Readable Cataloguing)	
stem variants	متغیرهای ریشه‌ای
symmetrical	متقارن
skill-set	مجموعه‌های مهارتی
Universal Character Set (UCS)	مجموعه علائم جهانی

abbreviated	مخفف
digital documents	مدارک رقمی
authority records	مدارک مستند
backfile	مدرک پیشین
human resource management	مدیریت منابع انسانی
compound	مرکب
مرکز آلمانی مرجع برای اخلاق در علوم زیستی	
German Reference Centre for Ethics in the Life Sciences	
browsing	مرور اجمالی
viewer	مرورگر
documentation	مستندسازی
characteristic of division	مشخصه بخش‌پذیری
complex concepts	مفاهیم پیچیده
sibling concepts	مفاهیم خویشاوند
singular	مفرد
concept	مفهوم
narrower concept	مفهوم اخص
abstract concept	مفهوم انتزاعی
sibling concept	مفهوم خویشاوند
inherent category	مقوله ذاتی
subject category	مقوله موضوعی
difference	مميز
Boolean logic	منطق بولی
entities	موجودیت‌ها
vocabulary control	مهار واژگان
Getty Research Institute	مؤسسه پژوهشی گتی
European Environment Agency (EEA)	مؤسسه محیط زیست اروپا
noun component	مؤلفه اسمی

cross-language	میان‌زبانی
non-descriptor	ناتوصیفگر
trade names	نام‌های تجاری
scientific names	نام‌های علمی
Latin names	نام‌های لاتین
popular names	نام‌های متداول
thesaurus management software	نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه
flag	نشان
markup	نشان‌گذاری
notation	نشانگان رده‌بندی
expressive notation	نشانگان رده‌بندی گویا
marker	نشانگر
concept code or notation	نشانه رده‌بندی یا رمزگان مفهوم
sorting order	نظم رج‌آرایی
filing order	نظم برگه‌آرایی
ordered	نظم‌یافته
mapping	نگاشت
equivalence mapping	نگاشت هم‌ارزی
retention	نگهداری
diamond symbol	نماد الماس
triangle symbol	نماد مثلث
symbols	نمادها
single-record display	نمایش تک‌مدرکی
permuted display	نمایش گردشی
displays	نمایش‌ها
indexing	نمایه‌سازی کردن
indexes	نمایه‌ها
printed indexes	نمایه‌های چاپی

neologisms	نوواژه‌ها
non-alphabetic characters	نویسه‌های غیرالفبایی
near-synonym	نیمه مترادف
document-dependent	وابسته به سند
unit of thought	واحد اندیشه
vocabulary	واژگان
structured vocabulary	واژگان ساختاریافته
jargon	واژگان صنفی
controlled vocabulary	واژگان مهارشده
واژگان یکپارچه بخش عمومی (آی‌پی‌اس‌وی)	
Integrated Public Sector Vocabulary (IPSV)	
wording	واژه‌بندی
import/export	ورود و خروج
data import/export	ورود/خروج داده‌ها
ontologies	هستی‌شناسی‌ها
Dublin Core	هسته دابلین
inexact or near-equivalence	هم‌ارزی ناقص یا تقریبی
homographs	هم‌نویسه‌ها
broader/narrower equivalence	هم‌ارزی اعم/اخص
exact equivalence	هم‌ارزی کامل
compound equivalence	هم‌ارزی مرکب
equivalence across languages	هم‌ارزی میان زبان‌ها
cross-language equivalence	هم‌ارزی میان‌زبانی
associated	هم‌بسته
overlapping meaning	هم‌پوشانی معنایی
coexistence	همزیستی
homonym	هم‌نام
homonyms	هم‌نام‌ها

syntagmatic	همنشینی
homograph	هم‌نویسه
history note	یادداشت پیشینه
scope note	یادداشت دامنه
reciprocal scope notes	یادداشت دامنه دوسویه
explicit scope note	یادداشت دامنه صریح
UML (Unified Modeling Language)	یوآمال (زبان مدل‌سازی یکپارچه)
UNESCO	یونسکو

نمایه

این نمایه از استاندارد ISO 999 پیروی می‌کند. ارجاعات به پاراگراف‌ها و بندهای شماره‌گذاری شده انجام گرفته‌است. حرف الفبایی که در پی مکان‌نما آمده‌است، به پاراگرافی در زیرمجموعه آن مکان‌نما اشاره دارد، مثلاً ۸-۲ ح) به مورد ح) از بخش دوم زیرمجموعه بند ۸ ارجاع می‌دهد.

چندگانه	ابریوندها
[و] مفاهیم پیچیده ۷-۳-۲ (د)	نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۴ (ب)
[و] تصمیم درباره شکستن ۷-۳-۳ (ج)	ابزارهای سامانه‌داری، نرم‌افزار ۱۴-۱۱
از دست رفتن معنی اولیه، تصمیم درباره شکستن ۷-۳-۴ (د)	ابهام
اچ‌تی‌ام‌ال (زبان نشان‌گذاری ابرمتنی) ۲-۳۲	[و] مفاهیم پیچیده ۷-۳-۲ (و)
تعریف، ۱۲-۴-۱	[و] تصمیم درباره شکستن ۷-۳-۴ (ب)
ادغام، اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه ۱۳-۳-۳ (ب)	یادداشت دامنه‌ها ۵-۲، ۵-۳، ۶-۲-۱
ارائه جدولی شکل، الگوی داده‌ای ۱۵-۱	اصطلاحات ۶-۲
ارائه / صفحه‌بندی ۱۲	ابهام‌زدایی، اصطلاحات ۶-۲
اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱۲-۳	اپستروف (نشانه ' در خط انگلیسی)، کاربرد ۶-۴-۲
اس‌آریو (جست‌وجو و بازیابی به وسیله یوآرال) ۱۷	اجزا / اشیاء، فیزیکی ۵-۱-۲ الف)
اس‌اچ‌ال (زبان سرعنوان موضوعی) ۲-۵۷ تعریف	اجزا، اشیای پیچیده ۷-۵-۲
اسامی خاص ۶-۶-۹	اجزای اسم، اصطلاحات مرکب ۷-۲ الف)
نوشتن با حروف بزرگ ۶-۴-۱	اجزای توضیحگر نگاه کنید به اجزای ممیز
[به عنوان] اصطلاحات برگرفته از اسامی خاص، تصمیم درباره شکستن ۷-۳-۴ (ج)	اجزای فیزیکی / اشیاء ۵-۱-۲ الف)
حروف تعریف آغازین ۶-۵-۳-۲	اجزای ممیز
	اصطلاحات مرکب ۷-۲ (ب)
	استعارات، و تصمیم درباره شکستن ۷-۳-۴ (ه)

روابط موردی ۱-۴-۲-۱۰	برچسب‌ها ۱-۳-۱، جدول ۱، ۱۲-۲-۲(د)
نقطه‌گذاری ۲-۴-۶	اصطلاح مدخل ۱۶-۲ تعریف
[به عنوان] اصطلاحات موضوعی ۳-۱-۵	اصطلاح نمایه‌ای ۲۶-۲ تعریف
اسامی عام نگاه کنید به نام‌های رایج	اصطلاحات ۶۱-۲ تعریف، ۶
اسامی غیرقابل شمارش، وجوه مفرد یا جمع ۳-۵-۶	چینش
اسامی قابل شمارش، انگلیسی/اسپانیایی ۲-۵-۶	چهره‌های درون حوزه‌های موضوعی
اسامی فعلی ۱-۳-۶	۲-۵-۲-۱۲
اسامی مصدر ۱-۳-۶، ۳-۶-۴	حوزه‌های موضوعی ۱-۵-۲-۱۲
اسامی مکان‌ها ۲-۹-۶-۶	نیز نگاه کنید به نمایش؛ برگه‌آرایی
[به عنوان] اصطلاحات موضوعی ۱-۵-۳-الف)	شفاف‌سازی/ابهام‌زدایی ۲-۶
اسامی/عبارات اسمی ۱-۳-۶	تعریف‌ها، در اصطلاح‌نامه‌ها ۳-۲-۶
استاندارد یونی‌کد ۱-۴-۱۲	هم‌ارز، عدم وجود، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه
استاندارد بین‌المللی تنظیم و مقایسه رشته‌ها، ISO/IEC 14651 ۳-۴-۱۲، ۴-۴-۱۲	۱-۹-۳-۹، ۳-۳-۹
استعارات، و تصمیم درباره شکستن ۴-۳-۷(ه)	صورت ۱-۶
اشخاص، نام‌ها ۳-۹-۶-۶، ۱-۹-۶-۶	ترکیب، در مقابل اصطلاحات مرکب
به عنوان اصطلاحات موضوعی ۳-۱-۵(ج)	۳-۷، ۱-۷
اشخاص، ویژگی‌ها ۲-۱-۵(ه)	انتخاب صورت‌های مرجع ۶-۶
اشیاء	مفهوم مفرد ۲-۱-۵
روابط موردی ۱-۴-۲-۱۰	مفرد یا جمع ۵-۶
اجزای فیزیکی ۱-۵-۲-الف)	چندواژه‌ای، در مقابل توضیحگرهای
ویژگی‌ها ۲-۱-۵(ه)	کیفی ۲-۲-۶
اشیاء، معین، [به عنوان] اصطلاحات موضوعی	اصطلاحات وام‌گرفته ۳-۶-۶
۱-۵-۳-ب)	مدارک
اشیاء پیچیده، تفکیک کل/جزء ۲-۵-۷	تصحیح شده، برونداد ۱۴-۵۸(د)
اشیاء موزده، وجوه مفرد یا جمع ۲-۵-۶	حذف شده ۴-۵-۶-۱۳
اصطلاح اخص ۳۷-۲ تعریف	شناسه‌ها، ساخت اصطلاح‌نامه ۱-۳-۱۳
راه‌حل عدم هم‌ارزی، اصطلاح‌نامه‌های	روابط
چندزبانه ۴-۳-۹	هم‌ارزی ۴-۴-الف)
برچسب‌ها ۱-۳-۱ جدول ۱	اعم/اخص، به عنوان مجموعه ۸-۱(ج)،
اصطلاح اعم ۳-۲ تعریف	۴-۸
راه حل، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱-۳-۳-۹	تک‌زبانه ۸
برچسب‌ها ۱-۳-۱ جدول ۱، ۱۲-۲-۲(ه)	چندزبانه ۹
نیز نگاه کنید به BTP؛ BTI؛ BTG؛ BT/NT	معانی هم‌پوشان ۱۰-۳-۱۰، ۲-۳-۱۰
اصطلاح رأس ۶۳-۲ تعریف	ارائه ۱-۴
	نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۳

- تحلیل تدوین اصطلاح‌نامه ۳-۲-۱۳
اصطلاحات پیشنهادی ۲-۶-۱۳
روال‌های بازیینی ۳-۶-۱۳
تلفیق سامانه‌ها ۷-۳-۱۶
گردآوری ۲-۲-۱۳
تکراری، نرم‌افزار [و] ۱۴-۱۳ (الف)
منابع ۲-۲-۱۳، ۱-۲-۱۳، ۳-۳-۱۳
نظارت بر کاربرد، نرم‌افزار ۱۱-۱۴
ارزیابی، تلفیق سامانه‌ها ۷-۳-۱۶
اصطلاحات ابداعی ۷-۲ تعریف
اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۲-۹ (ج)، ۲-۳-۳-۹
۳-۳-۳-۹
اصطلاحات اخص/ اعمی که هم‌ارز در نظر گرفته می‌شوند ۴-۸ (ج)، ۴-۸
اصطلاحات اعم/ اخصی که هم‌ارز در نظر گرفته می‌شوند ۴-۸ (ج)، ۴-۸
اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۲-۹ (ج)، ۱-۳-۹
اصطلاحات با املای نادرست، متداول ۲-۶-۶
اصطلاحات برگرفته از اسامی خاص، و تصمیم درباره شکستن اصطلاح ۴-۳-۷ (ج)
اصطلاحات پیشنهادی ۲-۶-۱۳
روال‌های بازیینی ۳-۶-۱۳
تلفیق سامانه‌ها ۷-۳-۱۶
اصطلاحات تکراری، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۱۳ (الف)
اصطلاحات تک‌واژه‌ای، مفاهیم پیچیده ۱-۷
اصطلاحات جست‌وجو ۵۱-۲ تعریف
نامتعارف ۱-۴
اصطلاحات چندواژه‌ای ۳۶-۲ تعریف
مفاهیم پیچیده ۱-۷
نمایش گردشی ۱۲-۱-۲ (و)
[در مقابل] توضیح‌گرهای کیفی ۲-۲-۶
ترتیب واژه‌ها ۷-۷
اصطلاحات خویشاوند ۵۳-۲ تعریف
هم‌پوشانی ۲-۲-۳-۱۰
- اصطلاحات عامیانه
هم‌ارزی ۸-۲ (ط)
صورت‌های مرجح ۵-۶-۶
اصطلاحات فرادست، برجسب BT ۱-۲-۱۰
اصطلاحات فرودست، برجسب NT ۱-۲-۱۰
اصطلاحات مرتبط ۴۸-۲ تعریف
برجسب‌ها ۱-۳ جدول ۱
[و] ترتیب ساخت اصطلاح‌نامه ۲-۳-۱۳
نمایش‌های رده‌ای بسط‌یافته ۳-۵-۲-۱۲
اصطلاحات مرجح ۴۵-۲ تعریف
پیشنهادی ۲-۶-۱۳
روال‌های بازیینی ۳-۶-۱۳
ادغام سامانه‌ها ۷-۳-۱۶
اندازه حروف ۴-۳ (الف)
بازنمایی هم‌ارزی میان‌زبانی ۴-۹
چندگانگی، الگوی داده‌ای ۱۲-۲-۱۵
مدارک، هم‌ارزهای میان‌زبانی ۳-۳-۱۲
بازیینی، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱-۳-۳-۹
گزینه‌ش ۶-۶، ۱-۴
قوانین تعریف شده، مقدمه‌های اصطلاح‌نامه ۱۳-۴ (ز)
ساخت اصطلاح‌نامه ۱-۳-۱۳
تمایز نوشتاری، نمایش‌های الفبایی ۱-۳-۲-۱۲
آزمون‌های سنجش اعتبار ۱۴-۳ (ط)
اصطلاحات مرکب ۹-۲ تعریف، ۱-۷
اجزا ۲-۷
معنی پس از شکستن ۴-۳-۷ (و)، ۴-۳-۷ (ز)
نیز نگاه کنید به مفاهیم پیچیده
اصطلاحات موضوعی، دامنه ۱-۵
اصطلاحات نامرجح ۳۹-۲ تعریف
هم‌ارزی میان‌زبانی ۵-۹
نمایش‌های رده‌ای بسط‌یافته ۳-۵-۲-۱۲
حروف مایل ۴-۳ (ب)

- مجزا، الگوی داده‌ای ۲۱-۲-۱۵
تمایز نوشتاری، نمایش‌های الفبایی ۱-۳-۲-۱۲
آزمون‌های سنجش اعتبار ۳-۱۴ (ز)
اصطلاحات نام‌رجح مجزا، الگوی داده‌ای ۲۱-۲-۱۵
اصطلاحات ناموجود، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۳-۳-۹، ۱-۳-۹، ۱-۳-۹
اصطلاحات واژگان صنفی ۲۲-۸ (ط)
صورت‌های مرجح ۵-۶-۶
اصطلاحات وام‌گرفته ۳۰-۲ تعریف
[و] عدم هم‌ارزی، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۲-۳-۳-۹، ۲-۳-۹
صورت‌های مرجح ۳-۶-۶
ترجمه‌ها ۳-۶-۶
اصطلاحات/ مفاهیم هم‌پوشان، روابط همبستگی ۲-۳-۱۰، ۱-۳-۱۰
اصطلاح‌شناسی، یوام‌ال ۱-۱۵
اصطلاح‌نامه ۲۶-۲ تعریف
تلفیق برنامه‌های کاربردی ۱۶
تدوین، مراحل اولیه ۲-۱۳
ساخت/ نگهداری ۱۳
انتشار ۵-۱۳
محتوای مقدمه ۴-۱۳
نگهداری ۶-۱۳
اهداف ۱-۱-۱۳
طراحی ۱-۱۳
مسائل مربوط به اندازه
اصطلاحات مرکب ۱-۷
گنجاندن اسامی خاص ۱-۹-۶-۶
ثبت واژگان ۲-۱۶، ۶-۵-۱۳
اصطلاح‌نامه *Inspecc*، نمونه‌های نمایش ۲.آ
اصطلاح‌نامه *UNBIS*، نمونه‌های نمایش ۸.آ
اصطلاح‌نامه *UNESCO*، نمونه‌های نمایش ۵.آ
- اصطلاح‌نامه اخلاق در علوم زیستی، نمونه‌های نمایش ۹.آ
اصطلاح‌نامه عمومی چندزبانه محیط زیست (GEMET)، نمونه‌های نمایش ۷.آ
اصطلاح‌نامه هنر و معماری (AAT)، نمونه‌های نمایش ۳-۷، ۶-۷
اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه، و ساخت اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۳-۳-۱۳
اصطلاح‌نامه‌های چاپی
توالی الفبایی ۳-۱-۱۲
چاپ‌ستنی ۴-۵-۱۳
[و] معکوس‌نویسی ۷-۷
[با] انتشار محدود ۳-۵-۱۳
روابط چندسلسله‌مراتبی ۲-۶-۲-۱۲
"موقعیت اصلی" ۲-۶-۲-۱۲، ۲-۵-۲-۱۲
محدودیت اندازه ۲-۵-۲-۱۲
سیک‌ها ۱-۲-۱۲
تمایزهای نوشتاری ۱-۳-۲-۱۲
به‌روزرسانی‌ها ۲-۵-۶-۱۳
اصطلاح‌نامه‌های موجود
[به عنوان] منبع واژگان ۳-۳-۱-۱۳ (الف)
مسائل مربوط به حق اثر ۱-۳-۱۳
اعراب‌ها ۲-۴-۶
افراد، [به عنوان] اصطلاحات موضوعی ۳-۱-۵ (ج)
افراد، گونه‌ها ۲-۱-۵ (ح)
افعال، پرهیز از به‌کارگیری ۴-۳-۶
امکان تصحیح/ حذف دسته‌ای ۸-۱۴ (ج)
امکانات مرور اجمالی، تلفیق برنامه‌های کاربردی ۳-۳-۱۶
املاها، متنوع
هم‌ارزی ۲-۸ (ه)
گزینش ۲-۶-۶
انتخاب ویژگی‌ها، طراحی اصطلاح‌نامه ۲-۱-۱۳
انتشار، اسناد اصطلاح‌نامه ۱۵-۲ تعریف

- مجموعه‌ها، قابل جست‌وجو، تلفیق برنامه‌های
کاربردی ۴-۳-۱۶
- انتشار، اصطلاح‌نامه ۵-۱۳
- [در] شبکه‌ها ۲-۱۶
- نیز نگاه کنید به اصطلاح‌نامه‌های چاپی
- اندازه حروف
- محدودیت‌ها، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه
۵-۲-۱۴
- کاربرد ۴-۳-الف)
- اندامگان زنده، وجوه مفرد یا جمع ۲-۵-۶
- اهداف، اصطلاح‌نامه ۴
- اهداف میانی، اصطلاح‌نامه ۴
- طراحی ۱-۱-۱۳
- ای پی آی (رابط برنامه نویسی کاربردی) خدمات
شبکه‌ای ۴-۱۸
- ای پی آی‌ها (رابط برنامه نویسی کاربردی) ۴-۱۸
- ایکس‌ام‌ال (XML) (زبان نشان‌گذاری
گسترش‌پذیر) ۲-۳۲-تعریف، ۱-۴-۱۲،
۲-۵-۱۳
- قالب‌ها
- نویسه‌های محدودشده ۲-۵-۱۳
- قالب اسکاس SKOS ۱۷
- انتشار اصطلاح‌نامه ۲-۵-۱۳
- قالب‌های مارک MARC ۱۷
- طرح
- DD 8723-5 ۱۷
- طرح ایکس‌ام‌ال برای تبادل داده
پیوست ب
- [و] الگوی داده‌ای ۱-۱۵
- زبان‌های نشان‌گذاری اصطلاح‌شناسی ۱۷
- ایمنی، نرم‌افزار [و] ۱۰-۱۴
- آثار مرجع، استاندارد، به عنوان منبع واژگان
۳-۱-۱۳
- آرایه‌ها ۱-۲-تعریف
- الگوی داده‌ای ۱۷-۲-۱۵
- تحلیل چهریزه‌ای ۱۱
- تورفتگی، نمایش‌های سلسله‌مراتبی ۴-۲-۱۲
- آردی‌اف (چارچوب شرح منبع) ۱۷
- آزمون‌های سنجش اعتبار، نرم‌افزار مدیریت
اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۳، ۱۴-۶-الف)
- بازنمایی تاریخی‌ها و زمان‌ها، ISO 8601 ۴-۵-۶-۱۳
- بازیابی اطلاعات ۲-۲۸-تعریف
- بهنجارسازی برای، سامانه‌های چندزبانه
۴-۴-۱۲
- استاندارد برای (Z39-50) ۵-۱۸
- سامانه‌ها، پرونداد به ۱-۳-۱۶
- برآورد مالی، طراحی اصطلاح‌نامه ۱-۳-۱-۱۳
- برآورد منابع انسانی، طراحی اصطلاح‌نامه
۲-۳-۱-۱۳
- برآورد منابع، طراحی اصطلاح‌نامه ۳-۱-۱۳
- برچسب USE ۱-۳-جدول ۱، ۲-۱۲-الف) الف)
- برچسب اصطلاح اخص (NT) ۱-۳-جدول ۱،
۱-۲-۱۰، ۲-۱۲-و)
- برچسب اصطلاح اخص (جزئی) (NTP) ۱-۳-
جدول ۱، ۲-۳-۲-۱۰
- برچسب اصطلاح اخص (موردی) (NTI) ۱-۳-
جدول ۱، ۲-۴-۲-۱۰
- برچسب اصطلاح اخص (نسلی) (NTG) ۱-۳-
جدول ۱، ۳-۲-۲-۱۰
- برچسب اصطلاح اخص جزئی ۱-۳-جدول ۱
- برچسب اصطلاح اعم جزئی ۱-۳-جدول ۱
- برچسب اصطلاح رأس (TT) ۱-۳-جدول ۱،
۲-۲-۱۲-د)
- برچسب املائی نادرست (MS) ۲-۸، ۲-۶-۶
- برچسب به کار برید به جای همراه با (+UF) ۱-۳-
جدول ۱، ۵-۸
- برچسب به کار برید به جای/ به کار می‌رود به جای
(UF) ۱-۳-جدول ۱، ۲-۱۲-ج)
- برچسب علت/ معلول ۴-۱۰
- برچسب فیلد نگاه کنید به برچسب‌ها

برچسب گزینۀ املائی (SP) ۲-۸	TT اصطلاح رأس ۱-۳ جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (د)
برچسب مقوله موضوعی / گروه مفهومی (SC) ۱-۳	UF به کار برید به جای / به کار می‌رود به جای ۱-۳ جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (ج)
جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (ی)	UF+ به کار برید به جای و همراه با ۱-۳
برچسب نشانگان رده‌بندی یا رمزگان مفهوم (CC)	جدول ۱، ۵-۸
۱-۳ جدول، ۱۲-۲-۲ (الف)	USE به کار برید ۱-۳ جدول ۱، ۱۲-۲-۲
برچسب یادداشت دامنۀ (SN) ۱-۳ جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (ب)	الف (الف)
برچسب‌ها	USE+ به کار برید همراه با ۱-۳ جدول ۱
AB کوتاه‌نوشت ۲-۸	برچسب‌های زبان چینی ۱-۳ جدول ۲
BTG اصطلاح اعم (نسلی) ۳-۲-۲-۱۰	برچسب‌های زبان دانمارکی ۱-۳ جدول ۲
BTI اصطلاح اعم (موردی) ۲-۴-۲-۱۰	برچسب‌های زبان روسی ۱-۳ جدول ۲
BTP اصطلاح اعم (جزئی) ۲-۳-۲-۱۰	برچسب‌های زبان سوئدی ۱-۳ جدول ۲
علت / معلول ۴-۱۰	برچسب‌های زبان فنلاندی ۱-۳ جدول ۲
قراردادها ۳	برچسب‌های زبان نروژی ۱-۳ جدول ۲
برای روابط ۴-۴	برچسب‌های زبان هلندی ۲-۳
DEF تعریف ۱-۳ جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (ج)، ۱۲-۲-۲ (ب)	برچسب‌های شناسایی زبان RFC 4646 ۴-۹، ۱۲-۲-۲، ۱۲-۴-۵، ۱۵-۲-۱۰، ۷.آ
FT شکل کامل اصطلاح ۲-۸	برگه‌آرایی
FT/AB اصطلاح کامل و کوتاه‌نوشت ۴-۱۰	الفبایی
HN یادداشت پیشینه ۱-۳ جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (ط)، ۱۲-۲-۲ (ج)	نمایش‌های چندزبانه ۱۲-۴-۳، ۱۲-۴-۳
MS املائی نادرست ۲-۸، ۶-۶-۲	گزینۀ‌های ترتیب، پروندادهای نمایش ۱۴-۵، ۱۴-۸ (و)
غیراستاندارد ۲-۸	وجوه مفرد و جمع ۴-۵-۶
NTG اصطلاح اخص (نسلی) ۳-۲-۲-۱۰	نظم‌ها ۳-۴-۱۲
NTI اصطلاح اخص (موردی) ۲-۴-۲-۱۰	قوانین، تعریف‌شده، مقدمه اصطلاح‌نامه ۱۳-۴ (ح)
NTP اصطلاح اخص (جزئی) ۲-۳-۲-۱۰	نیز نگاه کنید به نمایش‌ها
روابط چندسلسله‌مراتبی ۵-۲-۱۰	برگه‌آرایی الفبایی
SC مقوله موضوعی / گروه مفهومی ۱-۳	نمایش‌های چندزبانه ۱۲-۴-۳، ۱۲-۴-۳
جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (ی)	گزینۀ‌های ترتیب، پروندادهای نمایش ۱۴-۵، ۱۴-۸ (و)
نمایش‌های تک‌مدرکی ۲-۲-۱۲	وجوه مفرد و جمع ۴-۵-۶
روابط همبستگی خاص ۴-۱۰	برنامه کاربردی رایانه‌ای ۱۰-۲ تعریف
SN یادداشت دامنۀ ۱-۳ جدول ۱، ۱۲-۲-۲ (ب)	برنامه‌های کاربردی
SP گزینۀ املائی ۲-۸	محیط / معماری، شبکه‌سازی ۳-۱۸
استاندارد ۱-۳، ۱۰-۲	

پشتیبانی فناوری اطلاعات (آی‌تی)، پروژه‌های
اصطلاح‌نامه ۱۳-۱-۳-۲ (د)

پیشنادهایی برای به‌روزرسانی اصطلاح‌نامه، روال‌ها
۱۳-۶-۲

روال‌های بازبینی ۱۳-۳-۳

پیش‌همارایی ۲-۴۴ تعریف
تاریخ‌ها

الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۵

فیلد تاریخ آخرین تغییر، سامانه‌های مدیریت
اصطلاح‌نامه ۱۳-۶-۵، ۱۳-۵-۴

قالب، فیلد تاریخ آخرین تغییر ۱۳-۶-۵-۴

تحلیل چهریزه‌ای ۲-۲۱ تعریف، ۱۱

مقوله‌های اصلی ۱۲-۴-۲

تخصص موضوعی، پروژه‌های اصطلاح‌نامه
۱۳-۱-۲-۲

تخصص/ مشارکت کارشناسان

ساخت اصطلاح‌نامه ۱۳-۳-۴

اهداف اصطلاح‌نامه ۱۳-۱-۱

پروژه‌های اصطلاح‌نامه ۱۳-۱-۳-۲ (ج)

تدابیر ایمنی پایگاه داده اصلی، نرم‌افزار [و] ۱۴-۱۰

تدوین، مراحل اولیه ۱۳-۲

ترتیب الفبایی حرف به حرف، بروندادهای نمایش
۱۴-۸ (و)

ترتیب واژه‌ها، اصطلاحات چندواژه‌ای ۷-۷

ترجمه

اصطلاحات وام‌گرفته ۶-۳-۳

اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبانه ۱۳-۳-۱۳ (الف)

ترجمه حرف به حرف ۱۲-۱-۴ ۱۸-۵

صورت‌های مرجع ۶-۴-۴

طرحواره‌ها، شناسایی ۱۲-۴-۵

ترکیب‌های "OR"، عدم استفاده ۸-۵

ترکیب، در مقابل اصطلاحات مرکب ۷-۱، ۷-۳

تصمیم بر پذیرش، مفاهیم پیچیده ۷-۳، ۷-۱

تصمیم‌گیری درباره شکستن، مفاهیم پیچیده
۷-۳، ۷-۳، ۷-۴

تلفیق ۱۶

نیز نگاه کنید به شبکه‌سازی؛ سامانه‌ها؛ نرم‌افزار مدیریت
اصطلاح‌نامه

برونداد، داده‌ها ۱۴-۸

قابلیت، نرم‌افزار اصطلاح‌نامه ۱۳-۵-۱

[به] سامانه‌های بازایی اطلاعات ۱۶-۱-۳

به کار برید همراه با (USE+)

برچسب ۱-۳ جدول ۱

الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۲۲

به‌روزرسانی

[و] شبکه‌ها ۱۶-۲

تعریف سیاست، مقدمه اصطلاح‌نامه ۱۳-۴ (ط)

به‌روزرسانی‌های خواننده‌پسند ۱۳-۶-۵-۲

پایگاه داده‌ها

تدوین، و تدوین اصطلاح‌نامه ۱۳-۲-۱

اطلاعات ارائه ۱۲-۱-۱

پدیده‌های انتزاعی، وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۳

پروتکل اصطلاح‌نامه‌ای ای‌دی‌ال ۱۸-۴

پروتکل ساده و زبان پرس‌وجوی آر‌دی‌اف
(SPARQL) ۱۸-۵

پروتکل کتابخانه دیجیتال اسکندریه (ای‌دی‌ال)
۱۸-۴

پروتکل‌ها ۲-۴۶ تعریف، ۱۸

همه‌منظوره، استفاده برای اصطلاح‌نامه ۱۸-۵

ویژه اصطلاح‌نامه ۱۸-۴

پروتکل‌های پایگاه داده‌ای مبتنی بر شبکه، همه
منظوره، قابل استفاده برای اصطلاح‌نامه‌ها
۱۸-۵

پروتکل‌های ویژه اصطلاح‌نامه ۱۸-۴

پروژه توسعه پیشرفته شبکه معنایی اروپا (SWAD)
۱۸-۴

[و] اسکاس ۱۷

ای‌پی‌آی SWAD-E SKOS ۱۸-۴

فهرست مستند مجازی بین‌المللی نام (VIAF)

۶-۲-۲ توجه

پس‌همارایی ۲-۴۳ تعریف

- تطبیق رشته‌های نویسه‌ای، بهنجارسازی برای
۴-۴-۱۲
- تعامل پذیری ۲۹-۲ تعریف
نیازها، اصطلاحنامه‌ها ۱-۱۶، ۱-۱۶
تعریف انتزاعی پروتکل (ای پی دی) ۵-۱۸
تعریف‌ها ۲
تعریف‌ها در اصطلاحنامه‌ها ۳-۲-۶
مقدمه‌ها ۴-۱۳
- برچسب‌ها ۱-۳ جدول ۱-۱۲، ۲-۲-۱۲،
(۲-۲-۱۲ ب)
- تعهد شرکتی، پروژه‌های اصطلاحنامه
۳-۱-۱۳ الف)
- تعهد، پروژه‌های اصطلاحنامه ۳-۱-۱۳ الف)
- تعیین قوانین، تصمیم‌گیری درباره مفاهیم پیچیده
۶-۷
- تغییرات
اشاعه، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه [و]
۳-۱۴ د)
- ردیابی ۴-۵-۱۳
به‌روزرسانی ۴-۶-۱۳
- تفاوت‌های زبانی، ساختارهای نامتقارن ۶-۲-۱۰
تفاوت‌های فرهنگی، ساختارهای نامتقارن ۶-۲-۱۰
تقارن، [در] اصطلاحنامه‌های چندزبانه ۹، ۲-۴
[و] ساخت ۳-۳-۱۳
- تلفیق سامانه‌ها، برنامه‌های کاربردی اصطلاحنامه
۱۶
- انتشار ۱-۵-۱۳
- قالب‌ها، طراحی اصطلاحنامه ۲-۱-۱۳
شبکه‌سازی ۲-۱۶، ۱-۱۶
پروتکل‌ها ۱۸
به‌روزرسانی‌ها ۳-۵-۱۳
- تلفیق سامانه‌های فهرست‌نویسی ۷-۳-۱۶
تلفیق شفاف برای کاربر، موتورهای جست‌وجو
۵-۳-۱۶
- تلفیق، برنامه‌های کاربردی اصطلاحنامه ۱۶
- قالب‌ها، طراحی اصطلاحنامه ۲-۱-۱۳
سامانه‌ها، به‌روزرسانی ۳-۵-۱۳
تئالگان‌ها، [به عنوان] اصطلاحات موضوعی
۳-۱-۵ ج)
- نام‌ها نگاه کنید به نهادها، نام‌ها
توالی‌ها
سبک‌های نمایش ۲-۱۲، ۲-۱-۱۲
پیوندهای ۳-۱-۱۲
توالی‌های برونداد، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه
[و] ۵-۱۴ د)
- تورفتگی، BT/NT
نمایش‌های الفبایی ۳-۳-۲-۱۲
نمایش‌های سلسله‌مراتبی ۴-۲-۱۲
توصیفگرها ۴۵-۲ تعریف
توضیحگرهای کیفی
هم‌نویسه‌ها ۲-۲-۶
- اصطلاحنامه‌های چندزبانه ۲-۳-۹
[و] حذف حروف تعریف آغازین ۵-۳-۶
وجوه مفرد و جمع ۴-۵-۶
ثبت واژگان ۲-۱۶، ۶-۵-۱۳
- جداول تناظر، اصطلاحنامه‌های چندزبانه ۵-۳-۱۲
جداول لاتین‌نویسی ALA-LC ۴-۶-۶
جست‌وجو
برنامه‌های کاربردی، تلفیق [با] ۳-۱۶
بسط ۱-۴
[و] روابط هم‌ارزی ۶-۳-۱۶
انفجار ۱-۲-۱۰
- امکانات، تلفیق ۳-۳-۱۶
اختلال، با به‌روزرسانی ۱-۶-۱۳
بهنجارسازی برای، سامانه‌های چندزبانه
۴-۴-۱۲
- چندگانگی گزینه‌ها، مفاهیم پیچیده
۳-۳-۷ ج)
پالایش ۱-۴

داده‌ها	قابلیت‌های نرم‌افزاری، [و] مفاهیم پیچیده (۲-۳-۷ ح)
تناسب سامانه‌های درونداد، سامانه‌های چندزبانه ۱-۴-۱۲	تلفیق سامانه‌ها، انتشار اصطلاح‌نامه ۱-۵-۱۳
تبادل، برنامه‌های کاربردی ۱-۱۶	جست‌وجو و بازیابی از طریق یوآرال (اس‌آریو) ۵-۱۸
ورود/خروج، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۸-۱۴	چندسلسله‌مراتبی
مجموعه‌ها، درونداد انبوه ۱۴-۸ الف)	ساختار ۲-۴۲ تعریف
دامنه	روابط ۵-۲-۱۰
مفاهیم ۵	تک‌زبانه، نمایش ۶-۲-۱۲
ISO 25964-1 ۱	چارچوب شرح منبع (RDF) ۱۷
اصطلاحات ۴-۲ الف)	چارچوب نشان‌گذاری اصطلاح‌شناسی (تی‌ام‌اف)، ISO 16642 ۱۷
اصطلاح‌نامه، تعریف شده در مقدمه ۱۳-۴ الف)	چهریزه‌نما ۲-۲۲ تعریف
درونداد، ساخت اصطلاح‌نامه ۱-۳-۱۳	چهریزه‌ها ۲-۲۰ تعریف
دست‌ساخته‌ها/اجزا، روابط همبستگی ۱۰-۳-۳ و)	فهرست‌ها، تدوین اصطلاح‌نامه ۳-۲-۱۳
دستگاه‌ها/اندام‌های بدن، روابط کل-جزء	اسامی، نمایش ۱۱
سلسله‌مراتبی ۱۰-۳-۲-۱ الف)	شیوه‌ برخورد، الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۱۹
جزء‌نگری ۲-۵۵ تعریف	درون حوزه‌های موضوعی ۱۲-۲-۲-۵
[و] اصطلاحات مرکب ۷-۱	حذف‌ها، پرهیز از ۱۳-۶-۴
[و] روابط سلسله‌مراتبی ۱۰-۲-۱	حروف اضافه، پرهیز از به‌کارگیری ۶-۳-۱ ب)
دوسویه‌بودن	حروف بزرگ، کاربرد ۳-۴ الف)
روابط هم‌ارزی ۸-۱	حروف تعریف آغازین ۶-۳-۵
یادداشت دامنه‌ها ۵-۳	حذف ۶-۳-۱-۵
پشتیبانی، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۳ ج)	نگهداری ۶-۳-۲-۵
تعریف شده به‌وسیله کاربر، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۳ و)	حروف کوچک، کاربرد ۳-۴ الف)
رابطه‌ جانشینی ۲-۴۱ تعریف، ۴-۴ ب)	حروف مایل، کاربرد ۳-۴ ب)
[در مقابل] روابط هم‌نشینی ۴-۳	حوزه‌های موضوعی ۵-۱-۲ و)
رابطه‌ هم‌نشینی ۲-۵۹ تعریف	چهریزه‌های درون آن‌ها ۱۲-۲-۲-۵
توصیه‌نشده ۴-۳ الف)	ترتیب اصطلاحات بر اساس آن‌ها ۱۲-۲-۱-۵
رخدادها ۵-۱-۲ د)	خدمات جست‌وجوی شبکه (OASIS) ۱۸-۵
روابط موردی ۱۰-۲-۴-۱	خصیصه‌ها، الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۱۶
رده‌بندی ۲-۵ تعریف	خصیصه‌های اختیاری، الگوی داده‌ای ۱۵-۱
رده‌بندی کردن ۲-۵ تعریف	خصیصه‌های سفارشی، الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۱۶
	خط تیره، کاربرد ۶-۴-۲
	خط‌الرسم‌ها، غیرمتعارف، تشخیص ۱۲-۴-۵

رده‌ها، بر اساس تعریف یوام‌ال ۱-۱۵ رده‌های یوام‌ال، قرارداد "Upper Camel Case" ۱-۲-۱۵ ردیابی تغییرات ۴-۵-۶-۱۳ رشته‌ها (۲-۱-۵) رشته/زمینه گفتمان، روابط کل - جزء سلسله‌مراتبی (۱-۳-۲-۱۰ ج) رشته/موضوع مطالعه، روابط همبستگی (۱۰-۳-۳ الف) وجوه مفرد یا جمع ۳-۵-۶ رمزگان رده ۴۰-۲ تعریف رمزگان زبانی الگوی داده‌ای ۱۰-۲-۱۵ ISO 639-1/ ISO 639-2 ۴-۹، ۲-۳-۱۲ ۷.آ، ۱۰-۲-۱۵ رمزگان زبانی آلفا-۲، ISO 639-1 ۲-۳-۱۲ ۷.آ، ۱۰-۲-۱۵ رمزگان زبانی آلفا-۳، ISO 639-2 ۲-۳-۱۲ ۱۰-۲-۱۵ رمزگان، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه [و] ۵-۱۴ روابط مفاهیم ۱۰ مفاهیم، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه ۳-۱۴ برچسب‌های قراردادی ۴-۴ محدودیت‌ها، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه (۱۴-۲ د)، (۱۴-۳ ه) جانشینی در مقابل همنشینی ۳-۴ دوسویه‌بودن ۴-۴ نقش‌ها، الگوی داده‌ای ۲۰-۲-۱۵ برچسب‌ها، الگوی داده‌ای ۲۲-۲-۱۵ نمادها ۱-۳ جدول ۱ اصطلاحات، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه ۳-۱۴ روابط RT/RT الگوی داده‌ای ۲۰-۲-۱۵	نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه [و] ۳-۱۴ ب) روابط USE/UF الگوی داده‌ای ۲۰-۲-۱۵ نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه [و] ۳-۱۴ ب) برچسب‌ها، اصطلاحات مرجع/نامرجع ۱-۸ روابط سفارشی ۴-۱۰ روابط سلسله‌مراتبی ۲۳-۲ تعریف، ۲-۱۰ مفاهیم ۴-۴ ب) ساخت اصطلاحنامه ۱۳-۳-۱، ۱۳-۳-۲ روابط کل - جزء ۱۰-۲-۱۰ ب)، ۱۰-۲-۳ روابط سلسله‌مراتبی چندگانه نگاه کنید به روابط چندسلسله‌مراتبی روابط غیرانعکاسی، نرم‌افزار مدیریت اصطلاحنامه [و] ۱۴-۳ ج) روابط گونه‌ها/رده‌ها ۱۰-۲-۱۰ الف)، ۱۰-۲-۲ روابط موردی ۱۰-۲-۱۰ ج)، ۱۰-۲-۴ اصطلاح اعم موردی، برچسب‌ها ۱-۳ جدول ۱ اصطلاح اخص موردی، برچسب‌ها ۱-۳ جدول ۱ روابط نسلی ۱۰-۲-۱۰ الف)، ۱۰-۲-۲ اصطلاح اعم، برچسب‌ها ۱-۳ جدول ۱ اصطلاح اخص، برچسب‌ها ۱-۳ جدول ۱ چندسلسله‌مراتبی ۱۰-۲-۵ روابط هم‌ارزی تک‌زبانه ۸ روابط همبستگی ۲-۲ تعریف، ۱۰-۳ مفاهیم ۴-۴ ج) [و] ترتیب ساخت اصطلاحنامه ۱۳-۳-۲ برچسب‌های ویژه ۴-۱۰ روابط همبستگی معنایی ۱۰-۳-۱۰ روابط همبستگی مفهومی ۱۰-۳-۱۰ روابط همبستگی نامتقارن ۱۰-۳-۴ روابط همبستگی، بدون هم‌پوشانی ۱۰-۳-۳ روال‌های بازی ۱۳-۶-۳ زبان اسپانیایی
--	--

- وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۱، ۶-۵-۲، ۶-۵-۳
برچسب‌ها ۳-۱ جدول ۲
زبان انگلیسی
وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۱، ۶-۵-۲، ۶-۵-۳
برچسب‌ها ۳-۱
زبان آلمانی
وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۱
برچسب‌ها ۳-۱ جدول ۲
زبان پرس‌وجوی آر دی اف، SPARQL ۱۸-۵
زبان پرس‌وجوی زمینه‌ای (سی کیوال) ۱۸-۵
زبان سرعنوان موضوعی ۲-۵۷ تعریف
زبان فرانسوی
وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۱
برچسب‌ها ۳-۱ جدول ۲
زبان مبدأ ۲-۵۴ تعریف
زبان مدل‌سازی یکپارچه (یوام‌ال) (UML) ۱۵-۱
زبان مقصد ۲-۶۰ تعریف
زبان نشان‌گذاری ۲-۳۲ تعریف
زبان نشان‌گذاری ابرمتنی (HTML) ۲-۳۲ تعریف،
۱۲-۴-۱
زبان نشان‌گذاری گسترش‌پذیر (ایکس‌ام‌ال) نگاه
کنید به ایکس‌ام‌ال
زبان‌ها
مسائل رمزگذاری نویسه‌ها ۱۲-۴
جایگاه برابر، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و]
۱۴-۷
کارشناسان/تخصص، پروژه‌های اصطلاح‌نامه
۱۳-۱-۲، ۱۳-۳-۵۴
محدودیت‌ها، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه
۱۴-۲ (و)
تفاوت‌های زبانی، ساختارهای نامتقارن
۱۰-۲-۶
عوامل زبان‌شناختی، وجوه مفرد یا جمع
۶-۵-۱
رسمی، اسامی مکان‌ها ۶-۶-۹-۲ (ج)
- ساخت همزمان اصطلاح‌نامه [در] ۱۳-۳-
(ج)
به‌روزرسانی همزمان [در] ۱۳-۶-۴
ترجمه، اصطلاحات وام‌گرفته ۶-۶-۳
ترجمه حرف به حرف، صورت‌های مرجع ۶-
۴-۶
انتخاب کاربر، نمایش‌های تک‌مدرکی
۱۲-۳-۲
شکل بومی، اسامی مکان‌ها ۶-۶-۹-۲ (ب)
نیز نگاه کنید به گویش‌ها؛ اصطلاح‌نامه‌های
چندزبانه
زمان‌بندی، تدوین اصطلاح‌نامه ۱۳-۲-۱
زیرشاخه‌های زبان، ساختارهای متقارن ۹-۱
ساخت ۱۳-۳
ترتیب ۱۳-۳-۲
ساختار
الگوی داده‌ای ۱۵-۱
نیز نگاه کنید به ارائه/صفحه‌بندی
ساختار تک‌سلسله‌مراتبی ۲-۳۴ تعریف
ساختار رده‌ای، گروه‌های مفهومی، الگوی داده‌ای
۱۵-۲-۱۸
ساختار هم‌ارزی دوسویه، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه
۹-۱
ساختارهای اجتماعی، روابط کل-جزء
سلسله‌مراتبی ۱۰-۲-۳ (د)
ساختارهای اجتماعی سلسله‌مراتبی، روابط کل-
جزء ۱۰-۲-۳ (د)
ساختارهای نامتقارن، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه
۱۰-۲-۶
ساختگی‌بودن، واژگان‌های مهارشده ۴-۲
سازمان‌ها
مناسب، به عنوان اصطلاحات موضوعی
۵-۱-۳ (ج)
گونه‌ها ۵-۱-۲ (ح)
سامانه‌های الکترونیک نگاه کنید به سامانه‌ها
سامانه‌های خودکار نمایه‌سازی

تلفیق ۸-۳-۱۶	شماره‌گذاری سطوح، نمایش‌های الفبایی
پشتیبانی ۱-۴	۳-۳-۲-۱۲
سامانه‌های ورود	شناسه‌ها ۲-۲۵ تعریف
ثبت تغییرات [برای] ۳-۵-۶-۱۳	اختصاص خودکار و یکتا ۵-۱۴ (ج)
داده‌ها ۸-۱۴	طرح ایکس‌ام‌ال ۴-۲-۱۵
سامانه‌های نمایه‌سازی	شیء/عامل مخالف آن، روابط همبستگی
تلفیق ۷-۳-۱۶، ۳-۱۶	(۳-۳-۱۰) (ح)
سامانه‌های خودکار نمایه‌سازی، تلفیق ۳-۱۶	شیء/ویژگی‌ها، روابط همبستگی ۵-۳-۱۰ (ه)
۸	صفت‌ها، پرهیز از به‌کارگیری ۲-۳-۶
سبک‌ها	صفحات گسترده، [و] تدوین اصطلاح‌نامه ۳-۲-۱۳
نوشتن با حروف بزرگ ۱-۴-۶	صورت، اصطلاحات ۱-۶
حروف مایل ۴-۳ (ب)	طراحی، مدیریت اصطلاح‌نامه ۱-۱۳
حروف بزرگ ۴-۳ (الف)	طرح ایکس‌ام‌ال BSI DD 8723-5 ۱۷
سبک‌های نمایش تک‌زبانه ۲-۱۲	طرح فراداده‌ای هستهٔ دوبلین (DCMI)
نمایش‌های سلسله‌مراتبی ۴-۲-۱۲	عناصر، الگوی داده‌ای ۱۱-۲-۱۵
سراصلح ۱۶-۲ تعریف	قرارداد "lower Camel Case" ۱-۲-۱۵
سرنام‌ها	فهرست ثبت اصطلاحات ۶-۵-۱۳
نوشتن با حروف بزرگ ۱-۴-۶	طرح‌واره‌های رده‌بندی ۶-۲ تعریف
هم‌ارزی ۲-۸ (ح)	موجود، [به عنوان] منبع واژگان
صورت‌های مرجع ۸-۶-۶	۳-۱-۱۳-۳ (الف)
توضیح‌گرهای کیفی ۲-۲-۶	مسائل مربوط به حق اثر ۱-۳-۱۳
علامت‌گذاری مجزا ۴-۱۰	طرح‌وارهٔ سرعنوان موضوعی ۵۷-۲ تعریف
سرواژه‌ها نگاه کنید به اجزای کانون	عبارات
سطوح دسترسی، نرم‌افزار و ۱۰-۱۴ (د)	صفتی ۱۱-۳-۶ (الف)
شالودهٔ مفهومی ۱-۵	اسمی ۱-۳-۶
شبکه‌سازی ۲-۱۶، ۱-۱۶	حرف اضافه‌ای ۱-۳-۶ (ب)
پروتکل‌ها ۱۸	عبارات جست‌وجو، موجود، [به عنوان] منبع واژگان
نیز نگاه کنید به تلفیق	۳-۱-۱۳-۳ (ب)
شبه مترادف‌ها ۴۷-۲ تعریف	عبارات حرف اضافه‌ای ۱-۳-۶ (ب)
هم‌ارزی ۳-۸، ۱-۸ (ب)	عبارات راهنما ۳۸-۲ تعریف
اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱-۳-۹، ۲-۳-۹	نمایش‌های رده‌ای ۱-۵-۲-۱۲
انتخاب اصطلاح مرجع ۲-۴ (ب)	الگوی داده‌ای ۸-۲-۱۵، ۱۷-۲-۱۵
شفاف‌سازی، اصطلاحات ۲-۶	تحلیل چهره‌ای ۱۱
شکل بومی، اسامی مکان ۲-۹-۶-۶ (ب)	نمایش‌های سلسله‌مراتبی ۴-۲-۱۲
شماره رده ۴۰-۲ تعریف	نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۶-۱۴

قابلیت جایگزینی، اصطلاحات هم‌پوشان
۱-۲-۳-۱۰

قالب اسکاس (SKOS) (نظام ساده سازمان‌دهی
دانش) ۱۷

SWAD-E SKOS API ۴-۱۸

قالب طبقه‌بندی قابل خواندن به وسیله ماشین
(MARC) ۱۷

قالب، طراحی اصطلاح‌نامه ۲-۱-۱۳

قالب‌های تبادل ۱۹-۲ تعریف، ۱۷

قراردادها ۳

تعریف‌شده، مقدمه اصطلاح‌نامه ۴-۱۳ (د)

ISO 25964 ۴-۳

گزینش، طراحی اصطلاح‌نامه ۲-۱-۱۳

یوآمال UML ۱-۱۵

قراردادهای نام‌گذاری، الگوی داده‌ای ۱-۲-۱۵

قواعد فهرست‌نویسی انگلوامریکن ۱-۹-۶-۶

۳-۹-۶-۶

قوانین بهنجارسازی، سامانه‌های چندزبانه ۴-۴-۱۲

قیدها، پرهیز از به‌کارگیری ۳-۳-۶

کاربرها

احتمالی، [و] مفاهیم پیچیده ۵-۲-۳-۷

[و] ساختگی بودن واژگان مهارشده ۲-۴

گزینش زبان، نمایش‌های تک‌مدرکی
۲-۳-۱۲

به‌روزرسانی‌های خواننده‌پسند ۲-۵-۶-۱۳

[و] تلفیق با موتورهای جست‌وجو ۱-۵-۱۳

پشتیبانی‌کننده، پروژه‌های اصطلاح‌نامه
(۲-۳-۱-۱۳)

[و] گردآوری اصطلاحات ۲-۲-۱۳

اهداف اصطلاح‌نامه ۱-۱-۱۳

کارپایه‌های اجرایی، شبکه‌سازی ۳-۱۸

کارپایه اجرایی JSON-RPC ۳-۱۸

کارپایه اجرایی REST ۳-۱۸

کارپایه اجرایی SOAP ۳-۱۸

کارپایه اجرایی XML-RPC ۳-۱۸

کنار گذاشتن از سنجش اعتبار
۱۴-۶-الف)

مکان‌یابی ۱۴-۶-ب)

عبارات صفتی ۱۱-۳-الف)

عدم هم‌ارزی، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۲-۹-د)

علائم نقطه‌گذاری در اصطلاحات ۲-۴-۶

عملکرد بازگشت به عقب (ابطال)، نرم‌افزار [و]
۱۴-۱۰-ه)

عملکرد بازیافت، نرم‌افزار [و] ۱۴-۱۰-و)

عوامل تمایز، مفاهیم پیچیده ۲-۳-۷-ب)

عوامل زبان‌شناختی، وجوه مفرد یا جمع ۱-۵-۶

عوامل فرهنگی، وجوه مفرد یا جمع ۱-۵-۶

عوامل کاربرد، مفاهیم پیچیده ۱۲-۳-۷-الف)

تعداد کم، و تصمیم درباره شکستن ۳-۳-۷-ب)

غلط‌های املائی، شناسایی ۱-۴

فایل‌های ثبت تراکنش پایگاه‌های اینترنتی، [به
عنوان] منبع واژگان ۱۳-۳-۱-د)

فراداده ۳۳-۲ تعریف

فرانما ۴۹-۲ تعریف

فرایندها ۲-۱-۵-ج)

فرایند/عامل، روابط همبستگی ۳-۳-۱۰-ب)

فرایند/عامل مخالف، روابط همبستگی
۳-۳-۱۰-ح)

فعالیت‌ها ۲-۱-۵-ج)

وجوه مفرد یا جمع ۳-۵-۶

فهرست برچسب‌های IANA ۴-۹، ۱۲-۳-۲،
۱۲-۴-۵، ۱۵-۲-۱۰

فهرست سرعنوان موضوعی ۵۷-۲ تعریف

فهرست‌ها، انتشار اصطلاح‌نامه ۴-۵-۱۳، ۵-۱۳-۶

فهرست‌های اینترنتی ۶-۵-۱۳

فهرست‌های مستند، اسامی خاص ۱-۹-۶-۶

فهرست‌های موضوعی، تدوین اصطلاح‌نامه
۳-۲-۱۳

فیلدهای سامانه‌داری ۲-۲-۱۲

- کارپایه اجرایی Linked Data ۳-۱۸
کارکرد کپی، تلفیق سامانه‌ها ۷-۳-۱۶
کارگروه توسعه شبکه معنایی ائتلاف شبکه جهانی (SWDWG)
اسکاس (SKOS) ۴-۱۷، ۱۸
پروتکل ساده و زبان پرس‌وجوی
آردی‌اف (SPARQL) ۵-۱۸
کانون، اصطلاحات مرکب ۷-۲-الف)
کشورها نگاه کنید به اسامی مکان‌ها
کل - جزء
روابط
سلسله‌مراتبی ۳-۲-۱۰، ۲-۱۰-ب)، ۳-۲-۱۰
چندسلسله‌مراتبی ۵-۲-۱۰
تفکیک، اشیای پیچیده ۲-۵-۷
کمان، کاربرد ۲-۴-۶
کمیته فنی خدمات جست‌وجوی شبکه (OASIS)
۵-۱۸
کنش / مفعول یا هدف، روابط همبستگی ۳-۳-۱۰-د)
کنش / محصول، روابط همبستگی ۳-۳-۱۰-ج)
کنش‌ها، ویژگی‌ها ۵-۱-۵ه)
کوتاه‌نوشت‌ها ۳
[به عنوان] پرچسب ۳-۳
نوشتن با حروف بزرگ ۱-۴-۶
هم‌ارزی ۲-۸-ح)
صورت‌های مرجع ۸-۶-۶
نقطه‌گذاری ۲-۴-۶
توضیح‌گرهای کیفی ۲-۲-۶
علامت‌گذاری مجزا ۴-۱۰
گروه‌های مفهومی
الگوی داده‌ای ۱۸-۲-۱۵
تحلیل چهره‌ای ۱۱
الگوریتم مقابله یونی‌کد Unicode ۳-۴-۱۲
۴-۴-۱۲
الگوی داده‌ای ۱۴-۲، تعریف، ۱۵ شکل ۱۵
مقدمه ۱۵
- یادداشت‌ها ۲-۱۵
ارائه جدولی شکل ۱۵، جداول ۳ تا ۹
مقدمه ۳-۱۵
گویش‌ها
شناسایی ۵-۴-۱۲
اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۴-۳-۱۰
ساختارهای متقارن ۱-۹
متخصصان اطلاعات، پروژه‌های اصطلاح‌نامه
۱-۱۳-۳-۲-ج)
مترادف‌ها ۲-۵۸ تعریف
هم‌ارزی ۲-۸-الف)، ۲-۸
انتخاب اصطلاح مرجع ۲-۴-ب)، ۱-۶-۶
ساخت اصطلاح‌نامه ۱-۳-۱۳
متضادها، [به عنوان] شبه‌مترادف ۳-۸
مجموعه اسناد قابل جست‌وجو، تلفیق برنامه‌های
کاربردی ۴-۳-۱۶
مجموعه علائم رمزگذاری شده جهانی (یوسی‌اس)
10646 ISO/IEC، UCS ۱-۴-۱۲،
۳-۴-۱۲، ۱-۴-۱۲، ۱-۴-۱۴-الف)
محتوای مقدمه، اصطلاح‌نامه ۴-۱۳
محدودیت لایه‌های سلسله‌مراتبی، نرم‌افزار مدیریت
اصطلاح‌نامه ۲-۱۴-ج)
محدودیت‌ها، طراحی اصطلاح‌نامه ۲-۱-۱۳
محدودیت‌ها، غیرقابل پذیرش، نرم‌افزار مدیریت
اصطلاح‌نامه ۲-۱۴
محدودیت‌های اندازه، نرم‌افزار مدیریت
اصطلاح‌نامه ۲-۱۴-الف)
مدارک شماره پیشین، و به‌روزرسانی ۱-۶-۱۳
مدیریت، ساخت / نگهداری اصطلاح‌نامه ۱۳
مراجع یادداشت‌ها، الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۱۵
مرحله تحلیلی، تدوین اصطلاح‌نامه ۳-۲-۱۳
مسائل مربوط به حق اثر، درونداد از منابع موجود
۱-۳-۱۳
مسائل مربوط به رمزگذاری، نویسه‌ها ۴-۱۲

- مسئولیت‌ها، تخصیص، پروژه‌های اصطلاح‌نامه
۴-۱-۱۳
- مشارکت سهامداران
ساخت اصطلاح‌نامه ۴-۳-۱۳ (ج)، ۴-۳-۱۳ (د)
- اهداف اصطلاح‌نامه ۱-۱-۱۳
- مشخص کردن سلسله‌مراتب، نمایش‌های الفبایی
۳-۳-۲-۱۲، ۲-۳-۲-۱۲
- مصدرها ۴-۳-۶
- معکوس‌نویسی، اصطلاحات چندواژه‌ای ۷-۷
- مفاهیم ۱۱-۲ تعریف
- اصطلاحات ناموجود، اصطلاح‌نامه‌های
چندزبانه ۱-۹، ۱-۳-۹، ۳-۳-۹
- رابطه همبستگی ۴-۴ (ج)
- گردآوری ۲-۲-۱۳
- پیچیده نگاه کنید به مفاهیم پیچیده
الگوی داده‌ای ۳-۲-۱۵
- حوزه‌های موضوعی چندگانه ۱-۵-۲-۱۲
- مقوله‌های دوبه‌دو ناسازگار ۲-۱-۵
- صورت‌های مرجع جدید ۵-۶-۶
- روابط همبستگی هم‌پوشان ۱-۳-۱۰، ۲-۳-۱۰
- روابط ۱۰
- سلسله‌مراتبی ۴-۴ (ب)، ۲-۱۰
- نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه ۳-۱۴
- بازنمایی ۱-۴
- پراکندگی ناشی از چهریزه‌ها ۴-۲-۱۲
- دامنه ۵
- یادداشت دامنه‌ها ۲-۵، ۳-۵
- قوانین گزینش، تعریف‌شده، مقدمه
اصطلاح‌نامه ۴-۱۳ (و)
- ویژگی‌های مشترک ۲-۱-۵
- مفاهیم پیچیده ۷
- تصمیم بر پذیرش ۳-۷
- عوامل پذیرش ۲-۳-۷
- پیش‌بینی مفاهیم تشکیل‌دهنده ۵-۷
- تصمیمات، یکنواختی ۶-۷
- بازنمایی به وسیله ترکیب اصطلاحات ۸-۱ (د)،
۵-۸
- شکستن، ارائه ۴-۷
- تصمیم درباره شکستن مفاهیم ۳-۳-۷، ۴-۳-۷
- مفاهیم سطح بالا، الگوی داده‌ای ۱۳-۲-۱۵
- مفاهیم جدید، صورت‌های مرجع ۵-۶-۶
- مفهوم خویشاوند ۵۲-۲ تعریف
- مقصد پیوند، آزمون‌های سنجش اعتبار ۱۴-۴ (ب)
- مقوله‌های بنیادین، تحلیل چهریزه‌ای ۱۱
- مقوله‌های بنیادین، تحلیل چهریزه‌ای ۴-۲-۱۲
- مقوله‌های دوبه‌دو ناسازگار ۲-۱-۵
- مکان‌های جغرافیایی،
روابط کل - جزء سلسله‌مراتبی
۱۰-۲-۳-۱ (ب)
- منابع واژگان، پروژه‌های اصطلاح‌نامه ۳-۳-۱-۱۳،
۲-۲-۱۳، ۱-۲-۱۳
- منابع، اصطلاحات
الگوی داده‌ای ۹-۲-۱۵
- قدردانی، مقدمه اصطلاح‌نامه ۴-۱۳ (ی)
- مناطق جغرافیایی نگاه کنید به اسامی مکان‌ها
- مواد مشتق‌شده، روابط همبستگی ۱۰-۳-۳ (ک)
- مواد ۵-۱-۲ (ب)
- ویژگی‌ها ۵-۱-۲ (ه)
- روابط همبستگی ۱۰-۳-۳ (ه)
- وجوه مفرد یا جمع ۳-۵-۶
- مواد، وجوه مفرد یا جمع ۳-۵-۶
- موتورهای جست‌وجو، تلفیق شفاف برای کاربر
۵-۳-۱۶
- موجودیت‌ها، [به عنوان] اصطلاحات موضوعی
۳-۱-۵
- موجودیت‌های یکتا، به عنوان اصطلاحات موضوعی
۳-۱-۵
- مهار واژگان ۲-۶۴ تعریف، ۲-۴
- هدف ۲-۴
- میان‌زبانی

- هم‌ارزی ۱۳-۲ تعریف
اصطلاحات نامرجح ۵-۹
اصطلاحات مرجح
مدارک ۳-۳-۱۲
بازنمایی ۴-۹
اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱-۳-۱۲، ۳-۳-۱۲
نا توصیفگر ۳۹-۲ تعریف
نام‌های تجاری، و نام‌های رایج ۶-۶-۶
هم‌ارزی ۸-۲ج)
نام‌های رایج
[و] نام‌های علمی ۷-۶-۶
هم‌ارزی ۸-۲ب)
[و] نام‌های تجاری ۶-۶-۶
شکل، اسامی مکان‌ها ۶-۶-۹-۲الف)
نام‌های شیمیایی، نقطه‌گذاری ۶-۴-۶
نام‌های علمی
[و] نام‌های رایج ۷-۶-۶
هم‌ارزی ۸-۲ب)
وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۶
نام‌های لاتین نگاه کنید به نام‌های علمی
نام‌های نظام‌مند نگاه کنید به نام‌های علمی
نرم‌افزار
برنامه‌های کاربردی
محیط / معماری، شبکه‌سازی ۱۸-۳
تلفیق ۱۶
کلی، گزینش ۱۴-۱-توجه
تحلیل متن ۱۳-۲-۱
مدیریت اصطلاح‌نامه نگاه کنید به نرم‌افزار
مدیریت اصطلاح‌نامه
نرم‌افزار تحلیل متن ۱۳-۲-۱
نرم‌افزار رایانه‌ای نگاه کنید به برنامه‌های کاربردی؛
نرم‌افزار؛ نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه
نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه
برآورد/گزینش ۱۳-۵-۱
طراحی اصطلاح‌نامه ۱۳-۱-۳
- به‌روزرسانی مدارک شماره پیشین ۱۳-۶-۱
ثبت تغییرات ۱۳-۶-۳
برای مفاهیم پیچیده ۷-۳-۲ح)
توالی‌های متعارف برگه‌آرایی، سامانه‌های
چندزبانه ۱۲-۴-۳
فیلد تاریخ آخرین تغییر ۱۳-۶-۳-۳
۱۳-۶-۴
قابلیت پرونداد ۱۳-۵-۱
رهنمودهایی برای ۱۴
دروندها، ساخت اصطلاح‌نامه ۱۳-۳-۱
موضوعات، اهداف اصطلاح‌نامه ۱۳-۱-۱
محدودیت‌های غیرقابل پذیرش ۱۴-۲
نرم‌افزار مدیریت واژگان، سامانه‌های چندزبانه
۱۲-۴-۱
نسخه چاپی نگاه کنید به اصطلاح‌نامه‌های چاپی
نسخه‌های روزآمد
انتشار ۱۳-۶-۵
پیشینه، الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۶
خواننده پسند ۱۳-۶-۵-۲
برونداد اصطلاحات ۱۴-۸-۱
نگهداری اصطلاح‌نامه ۱۳-۶
طراحی اصطلاح‌نامه ۱۳-۲-۱
نشان‌های تجاری ۶-۶-۶
نقطه‌گذاری ۶-۴-۲
نشانه‌گان رده‌بندی ۲-۴۰ تعریف
نمایش‌های رده‌ای ۱۲-۳-۳
پیوندها، برای موقعیت اصطلاح ۱۲-۲-۵-۲
۱۲-۲-۳-۳
اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱۲-۳-۴
نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۵
الگوی داده‌ای ۱۵-۸-۲
نشانه‌گان رده‌بندی پیش‌همارا، نمایش‌های رده‌ای
۱۲-۳-۱
نشان‌گذاری ۲-۳۱ تعریف
نشانه رده ۲-۴۰ تعریف

تمایز، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه
۳-۳-۱۲، ۱-۳-۱۲

تک‌زبان ۱۲-۱-۲(ب)، ۳-۲-۱۲

اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۳-۳-۱۲

رده‌ای

بسط‌یافته ۱۲-۲-۵-۳

تک‌زبان ۱۲-۱-۵(د)، ۱۲-۲-۵

اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱۲-۳-۴

نمونه‌ها، اصطلاح‌نامه‌های انتشاریافته پیوست آ

مسائل، سامانه‌های چندزبانه ۱۲-۴-۲

بروندادها ۱۴-۵(ه)

اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه موازی ۱۲-۳-۴

ملزومات، طراحی اصطلاح‌نامه ۱۳-۲-۱

سبک‌ها

تک‌زبان ۱۲-۲

خلاصه ۱۲-۱-۲

نظام‌مند

آرایه‌ها ۱۱

اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱۲-۳-۴

۱۲-۴-۳

نیزنگاه کنید به نمایش‌های رایانه‌ای

نمایش‌های الفبایی

آرایه‌ها ۱۱

[به عنوان] نمایه ۱۲-۳-۱

مجزا، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱۲-۳-۱

۱۲-۳-۳

تک‌زبان ۱۲-۱-۲(ب)، ۱۲-۲-۳

اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۱۲-۳-۳

نمایش‌های تک‌مدرکی ۱۲-۱-۲(الف)، ۱۲-۲-۲

چندزبان ۱۲-۲-۳

نمایش‌های جدولی شکل، اصطلاح‌نامه‌های چندزبان

۱۲-۳-۴

نمایش‌های رایانه‌ای

نمایش‌های مراجعه‌ای ۱۲-۲-۵-۲

روابط چندسلسله‌مراتبی ۱۲-۲-۳-۳

نشر الکترونیک ۱۳-۵-۲

به‌روزرسانی‌ها ۱۳-۵-۶-۳

نظارت بر کاربرد، نرم‌افزار ۱۴-۱۱

نظارت بر گذرواژه‌ها، نرم‌افزار ۱۴-۱۰(ج)

نظارت کیفی، ساخت اصطلاح‌نامه ۱۳-۲-۳

نظام‌های اعتقادی، وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۳

نظم الفبایی اصطلاح‌نامه‌های چندزبان...، ISO

12199 ۱۲-۴-۳

نظم الفبایی واژه به واژه، بروندادهای نمایش

۱۴-۸(و)

نظم رج‌آرایی نگاه کنید به نظم برگه‌آرایی

نگاشت تک‌زبان، در برابر اصطلاح‌نامه‌های چندزبان

۹-۱، ۹-۲(ج)

نگاشت هم‌ارزی ۲-۱۷ تعریف

نگاشت، اصطلاح‌نامه‌های تک‌زبان در برابر

اصطلاح‌نامه‌های چندزبان ۹-۱، ۹-۲(ج)

نگهداری، اصطلاح‌نامه ۱۳-۶

نمادها ۳

الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۲

نیزنگاه کنید به برجسب‌ها

نمای کلی، اصطلاح‌نامه ۴

نمایش جای‌گماری‌ها، تلفیق برنامه‌های کاربردی

۱۶-۳-۴

نمایش صفحه دو قسمتی، اصطلاح‌نامه‌های چندزبان

۱۲-۴-۳، ۱۱.آ، ۱۵.آ، ۲۰.آ

نمایش گردشی کووِک (کلیدواژه خارج از متن)

۱۲-۱-۲

نمایش گردشی کوویک (کلیدواژه در متن)

۱۲-۱-۲

نمایش نظام‌مند

آرایه‌ها ۱۱

اصطلاح‌نامه‌های چندزبان ۱۲-۴-۳، ۱۲-۳-۴

نمایش‌ها

الفبایی

آرایه‌ها ۱۱

[به عنوان] نمایه ۱۲-۳-۱

- صفحه دو قسمتی ۴-۳-۱۲
- تناسب سامانه‌ها، سامانه‌های چندزبانه ۱-۴-۱۲
- نمایش‌های رده‌ای
- بسط یافته ۳-۵-۲-۱۲
- تک‌زبانه ۵-۲-۱۲، (د) ۱-۱۲
- اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۴-۳-۱۲
- نمایش‌های رده‌ای بسط یافته ۳-۵-۲-۱۲
- نمایش‌های سلسله‌مراتبی
- تک‌زبانه ۴-۲-۱۲، (ج) ۲-۱۲
- چندزبانه ۴-۳-۱۲
- نمایش‌های گرافیکی ۵-۲-۱۲
- همارایی ۳-۱-۱۲
- نمایش‌های گردشی ۳-۱-۱۲ (و)
- نمایش‌های مراجعه‌ای
- نمایش‌های رایانه‌ای ۲-۵-۲-۱۲
- روال‌ها، و انتشار نسخه‌های روزآمد ۱-۵-۶-۱۳
- نمایش‌های موازی، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۴-۳-۱۲
- نمایه‌سازان، روال‌های پیشنهاد ۲-۶-۱۳
- نمایه‌سازی ۲۷-۲ تعریف
- نمایه‌سازی موضوعی ۲۷-۲ تعریف
- نمایه‌ها
- توالی‌های الفبایی [به عنوان] ۳-۱-۱۲
- موجود
- [به عنوان] منبع واژگان ۳-۳-۱-۱۳ (ج)
- مسائل مربوط به حق اثر ۱-۳-۱۳
- راهکارهایی برای محتوای ISO 999 ۳-۴-۱۲، (و) ۸-۱۴
- نمونه‌ها، مقدمه اصطلاح‌نامه ۴-۱۳
- نوشتن با حروف بزرگ ۱-۴-۶
- نوواژه‌ها
- صورت‌های مرجع ۵-۶-۶
- نیز نگاه کنید به واژه‌های ابداعی
- نویسه‌ها
- مسائل مربوط به نمایش، سامانه‌های چندزبانه ۲-۴-۱۲
- مسائل مربوط به رمزگذاری ۴-۱۲
- محدودیت‌ها، نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه ۲-۴-۱۴ (ب)
- محدودشده، قالب ایکس‌ام‌ال ۲-۵-۱۳
- پشتیبانی، تلفیق برنامه‌های کاربردی ۲-۳-۱۶
- نویسه‌های خاص ۲-۴-۶
- نویسه‌های عددی، کاربرد ۲-۴-۶
- نویسه‌های غیرالفبایی ۲-۴-۶
- نهادها، نام‌ها ۳-۹-۶-۶
- نیمه مترادف‌ها ۴۷-۲ تعریف
- ساخت اصطلاح‌نامه ۱-۳-۱۳
- وابستگی علت و معلولی، روابط همبستگی ۳-۳-۱۰ (ز)
- واحد اندیشه ۱۱-۲ تعریف
- واحدهای اندازه‌گیری ۲-۱-۵ (ز)
- روابط همبستگی ۳-۳-۱۰ (ط)
- واژگان ساخت یافته ۵۶-۲ تعریف
- واژگان مهارشده ۱۲-۲ تعریف
- واژگان یکپارچه بخش عمومی (آی‌پی‌اس‌وی)، نمونه‌های نمایش ۴.آ
- واسپاری به یک مرکز مبادله اطلاعات ۵-۵-۱۳
- ۲-۱۶
- وجوه جمع یا مفرد ۵-۶
- [به عنوان] مفاهیم متمایز ۴-۵-۶
- وجوه مفرد یا جمع ۵-۶
- [به عنوان] مفاهیم متمایز ۴-۵-۶
- انگلیسی/اسپانیایی ۳-۵-۶، ۲-۵-۶
- وجه دستوری اصطلاحات ۳-۶
- وضعیت مدارک، الگوی داده‌ای ۷-۲-۱۵
- ویراستاران
- هماهنگی، پروژه‌های اصطلاح‌نامه ۲-۳-۱-۱۳
- مدیریت، پروژه‌های اصطلاح‌نامه ۴-۱-۱۳
- تدابیر ایمنی، نرم‌افزار [و] ۱۰-۱۴

هم‌ارزی جزئی، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۹-۲-ج)،
 ۱-۳-۹
 هم‌ارزی مرکب ۲-۸ تعریف، ۸-۸، ۵-۸
 هم‌ارزی ناقص، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۹-۲-ب)،
 ۱-۳-۹
 هم‌نویسه‌ها ۲-۲۴ تعریف
 اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۹-۳-۱، ۲-۳-۹
 عوارض بهنجارسازی ۱۲-۴-۴
 مجموعه‌های غیرهم‌ارز ۵-۸
 توضیحگرهای کیفی ۶-۲-۲
 همبستگی‌ها، الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۲
 هیئت‌های بازبینی ویراستاری، ساخت اصطلاح‌نامه
 ۱۳-۳-۴-ب)
 یادداشت پیشنهادها ۶-۲-۴
 [در] به‌روزرسانی ۱۳-۴-۴
 یادداشت دامنه‌ها ۲-۵۰ تعریف، ۵-۲، ۶-۱-۲
 نمایش‌های رده‌ای بسط‌یافته ۱۲-۲-۵-۳
 دوسویه ۵-۳
 وجوه مفرد و جمع ۶-۵-۴
 ساخت اصطلاح‌نامه ۱۳-۳-۱
 نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۴-الف)
 یادداشت‌ها
 الگوی داده‌ای ۱۵-۲-۱۴
 ویرایشی
 [درباره] تعاریف موجود در اصطلاح‌نامه‌ها
 ۶-۲-۳
 [درباره] کاربرد یادداشت دامنه ۵-۳
 یادداشت پیشنهادها ۶-۲-۴
 یادداشت دامنه ۵-۲، ۵-۳، ۶-۱-۲
 نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۴
 یادداشت‌های تعریف شده به وسیله کاربر، نرم‌افزار
 مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۴-ج)
 یادداشت‌های ویراستار، [درباره] کاربرد یادداشت
 دامنه ۵-۳
 یکنواختی، تصمیمات مربوط به مفاهیم پیچیده ۷-۶

پشتیبانی، نرم‌افزار [و] ۱۴-۹
 ویراست‌ها/پیشینه ویراست‌ها، الگوی داده‌ای
 ۱۵-۲-۶
 ویراست‌ها، جدید، و انتشار نسخه‌های روزآمد
 ۱۳-۶-۱-۵
 ویژگی‌ها ۵-۱-۵ه)
 وجوه مفرد یا جمع ۶-۵-۳
 ویژگی‌های بخش‌پذیری ۲-۴-۴ تعریف
 تحلیل چهارزده‌ای ۱۱
 ویژگی‌های مکان‌نگاری، [به عنوان] اصطلاحات
 موضوعی ۵-۱-۳-ب)
 هم‌ارزی
 اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه ۹
 هم‌ارزی میان‌زبانی ۲-۱۳ تعریف، ۱۲-۳-۱
 ۱۲-۳-۳
 اصطلاحات نامرجع ۹-۵
 اصطلاحات مرجع
 مدارک ۱۲-۳-۳
 بازنمایی ۹-۴
 درجات ۹-۲
 هم‌ارزی کامل ۹-۲-الف)
 هم‌ارزی ناقص ۹-۲-ب)، ۹-۳-۱
 ساختار، دوسویه ۹-۱
 اصطلاحات، ناموجود ۹-۱، ۹-۳-۱، ۹-۳-۳
 روابط ۲-۱۳ تعریف، ۲-۱۸ تعریف
 اصطلاحات ۴-۴-الف)
 [و] بسط جست‌وجو ۱۶-۳-۶
 تک‌زبانه ۸
 ساخت اصطلاح‌نامه ۱۳-۱-۳
 مجموعه‌ها، اصطلاحات اعم/اخص [به عنوان]
 ۸-۴-ج)، ۸-۴
 مترادف‌ها ۸-۱۱-الف)، ۸-۲
 نیزنگاه کنید به هم‌ارزی میان‌زبانی
 هم‌ارزی تقریبی، اصطلاح‌نامه‌های چندزبانه
 ۹-۲-ب)، ۹-۳-۱

- AB برچسب کوتاه‌نوشت ۲-۸
AGROVOC، نمونه‌های نمایش ۶.آ
 ANSI/NISO Z39-19 ۴-۱۸
 ANSI/NISO Z39-50 ۵-۱۸
 BT/NT
 تورفتگی
 نمایش‌های الفبایی ۳-۳-۲-۱۲
 نمایش‌های سلسله‌مراتبی ۴-۲-۱۲
 الگوی داده‌ای روابط ۲۰-۲-۱۵
 نرم‌افزار مدیریت اصطلاح‌نامه [و] ۱۴-۳-ب)
 برچسب‌ها ۱-۲-۱۰
 BTG برچسب اصطلاح اعم (نسلی) ۱-۳ جدول ۱،
 ۳-۲-۲-۱۰
 BTI برچسب اصطلاح اعم (موردی) ۱-۳
 جدول ۱، ۲-۴-۲-۱۰
 BTP برچسب اصطلاح اعم (جزئی) ۱-۳ جدول ۱،
 ۲-۳-۲-۱۰
 DEF برچسب تعریف ۱-۳ جدول ۱، ۲-۲-۱۲-ج)،
 ۲-۲-۱۲-ب)ب)
 FT برچسب صورت کامل اصطلاح ۲-۸
 FT/AB برچسب اصطلاح کامل و کوتاه‌نوشت
 ۴-۱۰
 HN برچسب یادداشت پیشینه ۱-۳ جدول ۱،
 ۲-۲-۱۲-ط)، ۲-۲-۱۲-ج)ج)
 ISO 12199 ۳-۴-۱۲
 ISO 16642، چارچوب نشان‌گذاری اصطلاح‌شناسی
 (تی‌ام‌اف) ۱۷
 ISO 25577 ۱۷
 ISO 639-1 ۷.آ، ۱۰-۲-۱۵، ۲-۳-۱۲، ۴-۹
 ISO 639-2 ۱۰-۲-۱۵، ۲-۳-۱۲، ۴-۹
 ISO 8601 ۴-۵-۶-۱۳
 ISO 999 ۳-۴-۱۲، ۳-۴-۱۴ (او)
 ISO/IEC 10646 ۳-۴-۱۲، ۱-۴-۱۲
 ISO/IEC 14651 ۴-۴-۱۲، ۳-۴-۱۲
 ISO 25577، MarcXchange ۱۷
- OpenSearch ۵-۱۸
 RFC 4646 برچسب‌هایی برای مشخص‌سازی
 زبان‌ها ۵-۴-۱۲، ۲-۳-۱۲، ۴-۹
 ۷.آ، ۱۰-۲-۱۵
 RT برچسب اصطلاح مرتبط ۱-۳ جدول ۱،
 ۲-۲-۱۲-ز)
 SWAD نگاه کنید به توسعه پیشرفته شبکه معنایی
 SWAD-E SKOS API ۴-۱۸
 Zthes ۱۷

In the name of God

BS ISO 25964-1:2011

Information and documentation — Thesauri and interoperability with other vocabularies

Part 1: Thesauri for information retrieval

By:
British Standard Institute

Translated by:
Zahra Dehsaraie



**Iranian Research Institute for
Information Science and Technology**



Chapar Publishing Co.

Tehran 2012

BS ISO 25964-1:2011

Information and documentation
Thesauri and interoperability
with other vocabularies

Part 1:
Thesauri for information retrieval

by:
British Standard Institute

Translated by:
Zahra Dehsaraie

شابک: ۹۶۴-۷۵۱۹-۷۸-۶
ISBN: 978-964-7519-78-6

ISBN: 978-964-7519-78-6



Iranian Research Institute for
Information Science and Technology